

باسمه تعالی

فرم فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

پانچ شد

شماره ثبت: ۲۴۵۹۹

رده‌بندی دیویی: خ تا ح ۱۶۱ الف ۲۹۷٫۲۱۲ مرجع ☐

سرشناسه: ابن بابویه، محمدبن علی، ۳۱۱ - ۳۸۱ ق

عنوان قراردادی: جامع الاخبار. فارسی

عنوان: کاشف الاستار فی ترجمه جامع الاخبار

شرح پدیدآور: محمدبن رضا الخویدکی، مترجم

کاتب: غلامعلی محمدی تاریخ کتابت:

محل نشر: تهران ناشر: تاریخ نشر: ۱۳۹۷ ق

صفحه شمار: ۲۱۲ مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۱×۱۵ نوع خط:

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

واقف: تاریخ ثبت:

یادداشتها:

موضوع(ها): ۱. احادیث شیعه - قرن ۴ ق.

شناسه(های) افزوده: الف. خویدکی، محمدبن رضا، مترجم
ب. محمدی، غلامعلی، کاتب
ج. عنوان. جامع الاخبار. فارسی

فهرستگار: رشن تاریخ فهرستگاری: ۲ آذر ۸۶

بسمه الله تعالی شأنه

مخفی نماند که کتاب مستطاب جامع الاخبار

که واقعاً هر کلمه اش در نسبت شاهوار تاکنون

ترجمه اش دیده نشده و اغلب از مؤمنین از فهم مطالب عالیه

آن بی بهره بودند تا آنکه این اقل الخلیقه بل لا شئ فی الحقیقه خوشه چین

خرمن علماء ربانی عبدالکریم بن عباسعلی التفرشی عفی الله عن جرائمهما این نسخه

شریفه موسوم بکاشف الاستار را بدست آورده و با نسخه عربیه او مطابقه

نمودم دیدم که الحق کنز نسبت مستور و در نسبت معمور که بلیق این بکتب باقلام

النورانی صفحات خدود الحور و هر مدرک با انصاف که با دیده مهر الصاف

مطالعه نماید معترف میشود که بی شایبه تکلف و بی داعیه تصلف آسمانی

است پر از کواکب حقایق و بوستانی است مملو از شقایق دقایق

و فی کل سطر منه روض من المنی و فی کل سطر منه عقد من الدرر لهذا

با کثرت اشتغال و پریشانی حال و عدم مجال نهایت دقت و جهد را در

تصحیح و مقابله آن نمودم امید که مطبوع طباع خاص و عام گردد

بسعی و اهتمام آقای حاج سید احمد کتابچی مدیر کتابفروشی

اسلامیه در چاپخانه اسلامیه بزیور طبع آراسته گردید

مرکز فروش اینکتاب و سایر کتب اخبار و احادیث قدیمه و

جدید کتابفروشی اسلامیه

خیابان بوذرجمهر

تلفن ۵۰۶۰۰

بتاریخ جمادی الثانی

۱۳۸۰ هجری



هذا اصول الکتاب المستنبطا المسمّی بکاشف الاسرار فی ترجمة جامع الاخبار للعالم الربّانی ابو المعالی شرف الدین الحویزی حشره الله مع محمّد وآله الطیبین

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنا و شکر و سپاس حضرت حکیم خبیر را سزاست و ساحت عزت منعم فرد را روا است که بر دقیق حکمت بی انتها و بر طبق کریمهٔ رَفَعَ السَّمٰوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا اساس نه افلاک بلند رواق گردون با این عظمت از وهم و قیاس بیرون بفرمان کن فیکون او بی عماد و ستون بر پاست و رزق راتبه خوان درکارخانه رافت و رحمت بی چون او آماده و مهیاست و بمقتضای حکم کامله قدرت شامله قامت نوع انسان را در مقام وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلٰی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیلًا بتشریف وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ سرافراز و این گرا بودیعت نهادن گوهر ادراک و نفس ناطقه شرف ارزانی داشت و باد بر دو عقل در ایشان بنا را با رسال رسل و انزال کتب بجهت اتمام حجت در هر عصری رسولی برگماشت رُسُلًا مُبَشِّرِینَ وَمُنْذِرِینَ لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَی اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَکَانَ اللَّهُ عَزِیزًا حَکِیمًا پس در هر زمانی از ازمنه فرستاد رسولی تا مژده دهد مطیعان را بثواب و بترساند عاصیان را از عذاب او تا آنکه نباشد از برای آدمیان حجتی بعد از پیغمبران و صلوات بر

صلی الله علیه واله که رسول اوست وآل او که طاهرانند وستارگان روشن و
بهای درخشان از آن که گردانید ایشانرا خدا تعالی معصومان از گناهان ایمنان
سهو ونسیان در احوال سختی وآسانی تا آنکه ایمن باشد باین هر که پناه برد
بایشان از تغییر در دین وحاصل شود از برای او در آنچه سوال میکند از ایشان از علم یقین
اما بعد پس بدرستیکه من در سن بیست سالگی تا آنکه زیادت شد عمرم از آنجا
مشتاق بودم بجمع کتابی که شامل باشد بر بابها وفصلها که جامع زهد وموعظه
ودر ترغیب فرمودن بطاعت وترسانیدن از معاصی باشد از چیزهائیکه نقل شده
از راویان نیکان حجت آورده شده بقرآن قوت داده شده ببرهان ضبط شده
ببندها ربط داده شده براهنمائی گشاینده دلها بردارنده غمها و من جهد میکردم بجمع
این ومشتاق بودم بترتیب این ولیکن منع میکرد مرا از این مانع ها ومشغول میداشت
مرا شغلها وضعیف میشد نیت من بواسطه آنکه میدانستم که همت اهل زمان کوتاه است از
رسیدن بکمترین فضل آن گذشته از بلند شدن بمرتبه عالیه آن پس از این جهت
از رغبت میکردم در این وقتی روی میگردانیدم از این مدتی تا آنکه گذشت برتر دد خاطر
من روزها وقرین شد بان سالها بعد از ان بحرکت آمد خاطر من ویاد کرد ضمیر من که
نهی از منکر از مرتبهای رفیع است ودر پند وموعظه منفعتهای بسیار چنانچه
تعالی عز شانه فرمود وَذَكِّرْ فَاِنَّ الذِّكْرى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ و پند ده و
موعظه کن پس بدرستیکه پند دادن سود میدهد مؤمنان را وفرمود عز شانه وَاَنْ
لَيْسَ لِلْاِنْسانِ اِلّا ما سَعى نیست مرآدمیرا مگر ثواب آنچه سعی کند پس
چون یقین دانستم حقیقت این را واراده کردم که سعی کنم در این سعی نیکی وبروم در
این راه واگرچه باشد اندکی نظر کردم بکمی رغبت اهل زمان وترک خواهش ایشان

در طلب دین و استخاره کردم از خدای سبحانه در جمع این پس ترتیب دادم این کتاب را به نیکوترین ترتیبی و تمامترین زینتی و جمع کردم در این کتاب از آنچه که در آنست گشایش دلها و نجات از هلاکتها راه نماینده براههای دین و کشانند براه یقین و رفتم در این براه کوته سخنی و اختصار پرهیز کردم از دراز گردانیدن دگفتن بسیار و ابتدا کردم اوّل بذکر یگانگی خداوند و عدل او و دوّم بذکر پیغمبر و امامان علیهم الصلوة والسلام و بعد از آن آوردم آنچه که ذکر شده در فهرست کتاب زود واقف میشوی بر آن انشاء الله تعالی و نامیدم آنرا بکتاب جامع الاخبار بعد از آن تضرع کردم بخدا یتعالی که بگرداند این را رضای خود و بگرداند مرا از آنان که متقیان و خداترسانند بدرستیکه او بهترین امید داشته شدگان و کریمترین طلب کرده شده کافیست مرا او و نیکو وکیلی است باب اوّل در این سه فصلست فصل اوّل در شناسائی خداوند تعالی فصل دوّم در یگانگی خدا فصل سیّم در عدل باب دوّم و در آن پانزده فصل است فصل اوّل در فضیلت پیغمبر صلی الله علیه و آله فصل دوّم در فضایل علی علیه السلام فصل سیّم در فضائل ائمه معصومین علیهم السلام فصل چهارم در فضیلت شیعه علی علیه السلام فصل پنجم در فضایل پدران پیغمبر صلی الله علیه و آله وعلی و مادران ایشان فصل ششم در بزرگوار داشتن اولاد پیغمبر ص فصل هفتم در زیارت پیغمبر ص فصل هشتم در زیارت امیرالمؤمنین ع فصل نهم در زیارت حسن بن علی ع فصل دهم در زیارت حسین بن علی علیهما السلام فصل یازدهم در زیارت امامان بقیع علی بن الحسین و

محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام فصل دوازدهم در زیارت موسی بن جعفر علیهما السلام فصل سیزدهم در زیارت علی بن موسی الرضا ع فصل چهاردهم در زیارت محمد بن علی النقی علیهما السلام فصل پانزدهم در زیارت علی بن محمد النقی باب سوم و در آن هفت فصل است فصل اول در دانستن ایمان فصل دوم در دانستن اسلام فصل سوم در دانستن مؤمن و نشانهای او فصل چهارم در بیان حق مؤمن بر مؤمن فصل پنجم در بیان حال مؤمن فصل ششم در برادران مؤمن و دیدن ایشان فصل هفتم در دوستی کردن در راه خدا و دشمنی کردن در راه خدا باب چهارم و در آن نه فصل است فصل اول در وضو و چگونگی آن فصل دوم در ذکر وجوب پنج نماز در پنج وقت فصل سوم در ذکر سبب ثواب اذان گفتن و آنکه جواب شنید چند مؤذن را فصل چهارم در فضل مسواک کردن فصل پنجم در ثواب ادا کردن پنج نماز فصل ششم در عقوبت ترک کننده نماز فصل هفتم در فضیلت و ثواب نماز شب فصل هشتم در فضیلت و ثواب نماز جماعت و عقوبت ترک کننده جماعت فصل نهم در آنچه سنت است گفتن آن در وقت داخل شدن مسجد و نزد بیرون آمدن از آن و ذکر عقوبت خواب کردن در مسجد و ذکر ثواب چراغ روشن کردن در آن باب پنجم و در آن سه فصل است فصل اول در گفتن لا اله الا الله و سبحان الله والحمد لله والله اکبر و بزرگی یاد کردن خدا را فصل دوم در گفتن استغفر الله فصل سوم در فضیلت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله باب ششم و در آن چهار فصل است

فصل اوّل در ادا کردن زکوة فصل دوّم در فضل روزه داشتن ماه رمضان
وغیر آن فصل سوّم در فضل جهاد کردن فصل چهارم در ذکر فایده بعض
از آنچه واجب کرده است خدا تعالی از ایمان آوردن و نماز کردن و زکوة دادن
وغیر آن باب هفتم و در آن هشت فصل است فصل اوّل در فضیلت عدل
فصل دوّم در یاری کردن مؤمن فصل سیّم در شاد گردانیدن مؤمن
فصل چهارم در آزار کردن مؤمن فصل پنجم در ظلم کردن فصل ششم
در رشوه فصل هفتم در ثواب باز دادن حق مؤمنان بصاحب آن
باب هشتم و در آن هشت فصل است فصل اوّل در فضل زن و شوهر کردن
او فصل دوّم در آنچه سنّت است در وقت داخل شدن عروس در خانه
و بیان وقتهائیکه نیکوست و وقتهائیکه بد است از برای جماع کردن فصل
سوّم در ثواب خدمت کردن بعیال فصل چهارم در آنچه سزاوار است
کردن آن کسیرا که اراده فرزند دارد فصل پنجم در ثواب از جهت فرزندان
فصل ششم در عقوبت آنکه راضی است که زینت کند زن او و بیرون رود
از خانه فصل هفتم در عقوبت دشنام دادن زنان فصل هشتم
در عقوبت دیدن نامحرم باب نهم و در آن هشت فصل است
فصل اوّل در فضیلت ترک دنیا و رغبت کردن در آخرت فصل دوّم
در برانگیزانیدن ترس خدا تعالی و امید داشتن بوی فصل سوّم
در فضیلت اخلاص در عمل فصل چهارم در فضل برگزیدن فرمان خدای
تعالی بر فرمان نفس فصل پنجم در توکّل فصل ششم در بلا فصل
هفتم در فضیلت صبر فصل هشتم در فضیلت شکر باب دهم

و در آن سه فصل است فصل اول در فضل دعا و دعاهائیکه ذکر شده است
فصل دوم در وقتهای دعا فصل سوم در ذکر موخر شدن اجابت دعا
باب یازدهم و در آن پنج فصل است فصل اول در صفت فقر و
فقیران فصل دوم در چیزهائیکه سبب درویشی میشود فصل سوم در فضیلت
بخشش و برگزیدن دیگران بر خود فصل چهارم در آنچه مستحق میشود سائل
بطلب او فصل پنجم در آنچه وارد شده است در باز گردانیدن سائل
باب دوازدهم و در آن ده فصل است فصل اول در کشتن مؤمن فصل
دوم در ربا و سود فصل سوم در زنا فصل چهارم در لواط که آنرا وطی غلام گویند
فصل پنجم در غیبت فصل ششم در بهتان فصل هفتم در دروغ فصل هشتم
در خمر و شراب فصل نهم در شطرنج فصل دهم در غنا و خوشخوانی و در شنیدن
آن و در طنبور باب سیزدهم و در آن هفت فصل است فصل اول در
عیادت و دیدن بیمار و نوشتن وصیت فصل دوم در ثواب مؤمن بسبب
مردن او در هر روزی از روزهای هفته فصل سوم در پیروی کردن جنازه و نماز
کردن بر میت فصل چهارم در عقوبت وصی بواسطه وفا نکردن بوصیت
فصل پنجم در ثواب گور کندن و سوال قبر و صفت مرگ فصل ششم در حال
میت وقت بیرون آمدن روح از وی و حال روح در حال خواب و بیداری
و در حال و بعد از جدائی بدن و نکته چند در حال خواب دیدن فصل هفتم
در صفت بهشت و نعمت آن باب چهاردهم در خبرهای متفرقه
مشتمل بر سی و چهار فصل فصل اول در مدح توبه و حقیقت آن فصل دوم در
فضل سلام کردن فصل سوم در فضل روز جمعه فصل چهارم در تفضیل قرآن

صلی الله علیه وآله که دشمنی مکنید با ایام که او دشمنی کند با شما فصل پنجم در حال مرد چون داخل شود در صباح وآنچه لازم شود او را فصل ششم در فضل موی سفید و پیری فصل هفتم در مدح باز داشتن زبان از کلام بمعنی فصل هشتم در مذمت دشنام دادن بر مرده و زنده فصل نهم در آنچه وارد شده است در تر غیب بر تقیه فصل دهم در فرو بردن خشم فصل یازدهم در ثواب مؤمن بسبب زیاد شدن عمر او و در فضل او بسبب رسیدن او بچهل سال بعد از آن بپنجاه سال بعد از آن بشصت سال بعد از آن بهفتاد سال بعد از آن بهشتاد سال بعد از آن بنود فصل دوازدهم در روزیکه نیکو نیست در آن ناخن گرفتن و روزیکه نیکو هست در آن ناخن گرفتن فصل سیزدهم در ذکر زینت بلا و زینت نسب و زینت کلام و زینت اسلام و غیر آن فصل چهاردهم در ذکر آنچه سبب منزلت و رفعت و آنچه سبب بزرگواریست و آنچه سبب توانگریست و غیر آن فصل پانزدهم در خبرهای از خلق خدا فصل شانزدهم در آنچه در عقب کوه قافست فصل هفدهم در ذکر زمان بد که ترسانیده است پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم امت خود را از آن زمان فصل هیجدهم در وعظ گفتن فصل نوزدهم در فضل انگشتر عقیق و غیر آن فصل بیستم در فضل کسب حلال فصل بیست و یکم در مذمت رستاق فصل بیست و دوم در مذمت حسد فصل بیست و سیم در مذمت غضب فصل بیست و چهارم در آنچه وارد شده است در چشم زخم و دوای آن فصل بیست و پنجم در مدح صله رحم فصل بیست و ششم در مدح خلق نیکو فصل بیست و هفتم در آنکه روزی مقدر است فصل بیست و هشتم در فضل علم و عالم فصل بیست و نهم در فضل قرآن و خواندن آن فصل سی ام در فضل بسم الله الرحمن الرحیم

فصل سی و یکم در مدح قران خوان برای خدا و در مذمت قران خوان برای غیر خدا
و در ثواب تعلیم فرزند قرآن را فصل سی و دوم در فضل نیکی کردن با پدر و مادر فصل
سی و سوم در خبرهای متفرقه فصل سی و چهارم در امرهای بزرگ باب اول
و در آن سه فصل است فصل اول در معرفت و شناختن خداوند فرمود خدا تعالی
فاعلم انه لا اله الا الله یعنی بدان بدرستیکه نیست هیچ خدائی سزای پرستش مگر
الله و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که داناترین شما بذات خود داناترین شما است
بپروردگار پرسیدند امیر المؤمنین علیه السلام را از دانستن وجود خدا گفت شتر دلالت
میکند بر شتران و سرکین خر دلالت میکند بر خران و نشان قدم دلالت میکند بر راه
روان پس آسمان جنبنده باین لطافت و مرکز زمین پست باین بزرگی چگونه دلالت
نمیکنند بر خداوند لطیف خبیر و فرموده اند که بکردار خدا دلیل آورده میشود بر وجود او
و بعقل اعتقاد میشود شناختن او و بفکر ثابت میشود حجت او معروفست بدلیلها
مشهور است بحجتها پرسیدند از امام جعفر صادق علیه السلام که چیست دلیل بر اثر صانع
عالم گفت بیضهٔ حصاری محکم بسیار ساده که نیست هیچ شکافی در آن و نه رخنه
ظاهر آن از نقره ایست روان و در آن طلائیست روان پس میشکافد و بیرون میاید
طاوس و کلاغ و کرکس و گنجشک پس میدانی که این آفریدگاریست از علی بن
موسی الرضا علیهما السلام مرویست که گفت حدیث کرد مرا پدرم من از پدران خود
از حسین بن علی علیهم السلام که او گفت که پرسید یهودی از امیر المؤمنین علیه السلام
و گفت خبر ده مرا از آنچه نمیداند خدا و از آنچه نیست آن نزد خدا و از آنچه نیست
آن از برای خدا پس فرمود امیر المؤمنین ع که اما آنچه نمیداند خدا که نمیداند او را
باشد فرزندی و اما آنچه نیست نزد خدا پس نیست نزد خدا ظلم بر بندگان و اما

آنچه نیست از برای خدا پس نیست خدا را شریکی پس گفت یهودی اشهد ان
لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و ان علیاً ولی الله و فرمود
آن حضرت که آمد مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گفت چیست سر علم گفت
شناختن خدای تعالی چنانچه حق شناسائی اوست گفت چیست حق شناسائی
او فرمود شناختن تو او را که بی مثل و مانند است و بدانی او را که خدائیست یگانه
آفریننده با قدرت اولیست پیش از همه چیز و آخریست بعد از فنا همه چیز ظاهرات
وجود او بدلائل و پنهان است ذات او بحقیقت نیست همتائی در او و نیست مثل او را
پس این است شناسائی خدا [illegible] فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که عارف
ترین شما است از [illegible] ضعیف ترین شما است از شناسائی خداوند و پرسیدند
از امیر المؤمنین [illegible] پروردگار خود را فرمود بآنچه شناسانید
بمن نفس خود مرا و تشبیه [illegible] نمیشود بآدمیان نزدیکست در
حالیکه دور است [illegible] هست فوق همه چیز است در
حالیکه چیزی در تحت [illegible] همه چیز است در حال انکه گفته نمیشود
که چیزی بر فوق اوست پیش همه چیز است و گفته نمی شود که چیزی در عقب همه چیز
است و گفته نمی شود که چیزی در پیش اوست داخل در همه چیز است نه مانند
چیزی که در چیزی باشد پاک و منزه است خداوندی که چنین است و نیست
چنین خدائی غیر او **فصل دوم** در یگانگی خدا فرمود خدا تعالی در سوره بقره
و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم یعنی خدای شما معبود
است یگانه نیست هیچ معبودی مستحق عبادت مگر خداوندیکه این صفت را
دارد رحمن و رحیم است مرویست از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران

روایت از علی بن ابیطالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرمود یگانگی خدا
نصف دین است و گفت آمد عالمی یهودی نزد علی بن ابیطالب علیه السلام و گفت
درا که چگونه است پروردگار ما فرمود علی علیه السلام گفته نمی شود که چگونه است مگر
چیزیرا که موجود نبوده باشد پس موجود شود و حال آنکه موجود نیست پس موجود شدن
موجود نیست چیزی که موجود شده باشد موجود نیست چیزی که بوده باشد
هست همیشه چون همیشه باشد همیشه و موجود چون بود قبل از همه قبل بدون آنکه
باشد قبل قبل از وی پس نیست او را نهایتی و نه منتهای نهایتی در نهایتی که باشد
در آن نهایتی بتحقیقیکه جمیع [illegible] نهایت [illegible] و اوست نهایت همه چیز
پرسیدند از حضرت صادق علیه السلام معنی قول خدا تعالی که الرحمن علی
العرش استوی گفت [illegible] چیزی نزدیکتر
بوی از چیزی [illegible] پرسیدند [illegible] گفت فرمود علی علیه
السلام که معنی صمد آنست که [illegible] ونه شبهی ونه شبحی
ونه صورتی ونه مثالی ونه حدی [illegible] ونه مکانی ونه چونی ونه
آنکه پرسند او را مرکبی ونه [illegible] ونه آنکه چه امر است ونه برچه چیز است ونه
آنکه خالیست از او چیزی ونه آنکه پنهانست از او چیزی ونه ایستادنی ونه
نشستنی ونه سکونی ونه حرکتی ونه ظلمانیست ونه نورانی است ونه روحانی
است ونه نفسانیست ونه خالی از وی موضعی ونگنجد او را موضعی ونیست
او را رنگی ونمیگذرد او بر دلی ونه پوشیده نشود بوی مبرا است از جمیع این چیزها
داخل شد امام زین العابدین علیه السلام در مسجد مدینه پس دید قومیرا که باهم
بحث ونزاع میکنند پس گفت ایشانرا که در چیست نزاع شما گفتند در

توحید فرمود امام ع که عرض کنید بر من گفتار خود را پس گفتند بعضی از انقوم که
بدرستیکه خدا تعالی شناخته میشود با فریدن او آسمانها را و زمین را و در جمیع
مکانهاست پس گفت ایشان را امام زین العابدین ع که بگوئید نور نیست که
نیست هیچ ظلمت در وی و حیوة نیست که نیست مردن در وی بعد از آن گفت
نیست مثل او هیچ چیزی و اوست شنوا و بینا صفت او شبیه نیست
بهیچ صفت پس او چنین است و فرمود علی بن الحسین علیهما السلام که هرکس که [illegible]
گرداند خدا را بخلق او پس او [illegible] است و هر که وصف کند او را بمکان پس او کافر
است و هر که نسبت [illegible] انرا که نیست در وی پس او کاذبست بعد از آن
تلاوت کرد این آیه را [illegible] الکذب الذین لا یؤمنون بآیات
واولئک هم [illegible] خداوند عزوجل مگر آنانکه منکر شوند
بآیات خدا و ایشان [illegible] و پرسیده شد از امیر
المؤمنین علیه السلام که [illegible] خداوند فرمود که سه چیز
گردانیدن حال و ضعیف شدن عضوها و کم شدن همت و فرمود رسول
صلی الله علیه و اله و سلم بدرستیکه خداوند تبارک و تعالی وعده داد مرا که هرکه
اقرار کند از ایشان بیگانگی خدا پس او راست بهشت و گفت نیست
جزای آنکه انعام کند خدا بروی توحید خود را الا بهشت و میفرمود امام جعفر
صادق ع که هر که گمان کند که خدا در چیزیست تحقیقیکه مشرک است از برای
آنکه اگر باشد بر چیزی هر آینه خواهد بود که برداشته شده باشد و اگر باشد
از چیزی هر آینه خواهد بود که نو حادث شده باشد و اگر باشد در چیزی
هر آینه خواهد بود در حصاری **فصل سیم** در عدلست فرمود

تعالی در سوره یونس إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ یعنی بدرستیکه خدا تعالی ستم نمیکند بر بندگان چیزی ولکن
بندگان بنفسهای خود ستم میکنند و فرمود در سوره آل عمران وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا
لِلْعِبَادِ یعنی خداوند اراده ظلم نمیکند بر بندگان خود و در سوره زمر فرمود
وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ یعنی نمی پسندد خدا از برای بندگان خود کفر را
و در سوره بقره فرمود يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
میخواهد خدا بشما آسانی و نمیخواهد بشما دشواری [illegible] است در سوره نحل إِنَّ اللَّهَ
يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ یعنی بدرستیکه خدا [illegible] میکند و میفرماید
بانصاف و نیکوئی کردن و بخشش کردن بخویشان و نهی میکند از فحش و
قبح و بدی و ستم و روایت کرده [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام
که آنحضرت فرمود مردمان در قدر بر سه وجه اند بعضی گمان میکنند که خدا جبر
میکند بر بنده خود را بر گناهان پس اینمرد نسبت ظلم میدهد بخدا در حکم او
پس او کافر است و مردیکه اعتقاد میکند که خدا امر و کار را باز میگذارد بر بندگان خود
پس او ضعیف میداند قدرت خدا را پس او کافر است و مردیکه اعتقاد میکند که
خدا تعالی تکلیف میکند بندگان را بآنچه قدرت دارند بآن و تکلیف نمیکند
ایشان را بآنچه قدرت ندارند بآن پس چون فعل نیکو کند الحمد لله گوید و چون کار
بدی کند استغفر الله بگوید پس او درست مسلمان در بلند ترین مرتبه مسلمانی و روایت
کرد عباد بن صهیب که ابو حنیفه سؤال کرد از امام موسی علیه السلام در وقتیکه آنحضرت
جوان نو رسیده بود و گفت از جانب کیست گناهان ای جوان گفت ایمرد هر امری

خالی نیست از یکی از سه حال یا آنکه از جانب خداست یا از جانب بندگان یا از
جانب خدا و بندگان جمیعا پس اگر باشد از جانب خدا پس بندگان از آن
بیگناه باشند و اگر باشد از جانب خدا و بندگان با هم پس ایشان دو شریک
باشند یکی از آن دو قوی تر از دیگر و جایز نیست شریک قوی تر را که ستم کند
شریک ضعیف تر را یا آنکه شرکت کند با وی در گناه و تنها گذارد او را در عقوبت پس
باقی نماند الا آنکه باشد گناهان از بندگان پس برخواست ابوحنیفه و بوسید
میان دو چشم او و گفت [illegible]

باب دوم

و در آن پانزده فصل است **فصل اول** در فضل پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است خدای تعالی در سوره آل عمران لقد من الله علی المؤمنین
اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم
و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال
مبین یعنی [illegible] منت نهاد خدای تعالی بر مؤمنان چون
فرستاد در میان ایشان پیغمبری از جنس ایشان که میخواند بر ایشان آیات
خدا را و پاک میگرداند ایشان را و تعلیم میکرد ایشان را قرآن و کتاب و حدیث
بدرستیکه بودند مردمان پیش از فرستادن پیغمبر در گمراهی ظاهر و روشن حدیث
کرد ما را محمد بن علی بن ماجیلویه ره گفت حدیث کرد ما را عم من محمد بن ابی القاسم
از احمد بن هلال از فضل بن دکین از معمر بن راشد گفت شنیدم از امام جعفر
صادق صلوات الله علیه که میفرمود آمد مردی یهودی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله
پس ایستاد پیش آنسرور و تیز نظر کرد بوی پس فرمود آنحضرت ای یهودی چیست
حاجت تو گفت تو فاضل تری یا موسی بن عمران که سخن گفت با وی خدای تعالی

و فرو فرستاد بر وی عصا و توریة را و شکافت از برای او دریا را و سایه انداخت بر
وی به ابر پس گفت او را پیغمبر ص که اگر دوست بنده را که نیکی گوید نفس خود را ولیکن
میگویم که چون آدم ع رسید بگناه توبه وی این بود که گفت خدایا بدرستیکه سؤال
میکنم از تو بحق محمد و آل محمد که بپوشی گناه مرا پس آمرزید خدا تعالی او را و بدرستیکه
نوح ع چون سوار کشتی شد و ترسید از غرق شدن گفت خداوندا بدرستیکه سؤال
میکنم از تو بحق محمد و آل محمد که برهانی مرا از غرق شدن پس رهانید او را خدا تعالی از
غرق و بدرستیکه ابرهیم ع چون افتاد بآتش گفت خداوندا بدرستیکه سؤال
میکنم از تو بحق محمد و آل محمد که برهانی مرا از آتش پس گردانید آنرا خدا تعالی بر وی سرد و
سلامت و بدرستیکه موسی ع چون انداخت عصا را و یافت در دل خود ترس و
بیم را گفت خدایا بدرستیکه سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد که ایمن گردانی مرا
از این پس فرمود خدا [illegible] لا تخف انک انت الاعلی [illegible] ای
یهودی بدرستیکه اگر موسی میبود [illegible] ایمان بمن و به پیغمبری من
نفع نمیداد او را ایمان او چیزی و نفع نمیداد او را پیغمبری او ای یهودی از
فرزندان من مهدی است که چون خروج کند فرود آید عیسی بن مریم ع بیاری او پس
پیش دارد عیسی او را و نماز کند در عقب او و گفت شیخ فقیه ابو جعفر محمد بن علی
بن حسین ابن موسی ابن بابویه قمی که حدیث کرد مرا حسین بن احمد بن محمد بن ادریس
رحمه الله گفت حدیث کرد مرا احمد بن محمد بن عیسی بن محمد بن ضحاک گفت خبر
کرد ما را عزیز ابن عبد الحمید از اسمعیل بن طلحه از کثیر بن عمیر از جابر بن عبد الله انصاری
گفت شنیدم از رسول خدا ص که میفرمود بدرستیکه خدا تعالی خلق کرد مرا و خلق کرد
علی و فاطمه و حسن و حسین ع امامان را از یک نور پس فشرد آن نور را یک فشردن پس

بیرون آمد از آن شیعیان ما پس تسبیح گفتیم یعنی سبحان الله گفتیم پس ایشان
تسبیح گفتند و ما تقدیس گفتیم پس ایشان تقدیس گفتند و ما لا اله الا الله گفتیم پس
ایشان لا اله الا الله گفتند پس ما تمجید گفتیم پس ایشان تمجید گفتند و ما توحید گفتیم
پس ایشان توحید گفتند پس بعد از آن خلق کرد خدای تعالی آسمانها را و زمین را
و خلق کرد ملئکه را پس ماندند ملئکه صد سال که نمیدانستند تسبیحی و نه تقدیسی و نه تمجیدی
پس تسبیح گفتیم ما و تسبیح گفتند شیعیان ما پس تسبیح گفتند ملئکه بواسطه تسبیح ما و تقدیس
گفتیم ما و تقدیس گفتند شیعیان ما پس تقدیس گفتند ملئکه بسبب تقدیس ما و تمجید گفتیم
ما و تمجید گفتند شیعیان ما پس تمجید گفتند ملئکه بسبب تمجید ما پس توحید گفتیم ما و
توحید گفتند شیعیان ما پس توحید گفتند ملئکه برای توحید ما و بودند ملئکه که
نمیدانستند تسبیحی و نه تقدیسی و نه تهلیلی تا آنکه تسبیح ما و تسبیح شیعیان ما پس ما
موحدانیم در وقتیکه [illegible] و شیعیان ما [illegible] و سزاوار است بخدای تعالی که
چنانچه خاص گرداند [illegible] ما [illegible] شیعیان ما را که فرود آورد ما را و
شیعیان ما را در اعلی علیین بدرستیکه خدا برگزید ما را و برگزید شیعیان ما را
پیش از آنکه روح با بدن ما قرار گیرد پس خواند ما را و جواب دادیم پس آمرزید ما را و
شیعیان ما را پیش از آنکه طلب آمرزش کنیم از خدای تعالی حدیث کرد ما را محمد بن
ابرهیم طالقانی گفت حدیث کرد ما را عبد العزیز بن یحیی جلودی در بصره گفت
حدیث کرد ما را عبد الواحد بن غیاث گفت حدیث کرد ما را ابو عوانه از عثمان
بن مغیره از ابی صادق از ربیعه بن ناجد از امیر المؤمنین علیه السلام گفت شنیدم
از رسول خدا ص که فرمود بدرستیکه خدای تبارک و تعالی خلق کرد مرا
و خلق کرد علی را و فاطمه را و حسن و حسین را از یک نور فضل ذی

در بیان بعضی از فضایل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام گفت خدای تبارک وتعالی در سوره مائده إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست ولی وحاکم وسازنده کارهای شما مگر خدا ورسول خدا وآن کسانیکه ایمان آورده اند واین صفت دارند که برپا میدارند نماز را ومیدهند زکوة را درحال رکوع مفسران قرآن از شیعه وسنی همه متفقند که علی بن ابیطالب ع درمسجد رسول خدا ص نماز میکرد درحال رکوع فقیری طلب وسؤال کرد آنحضرت درآنحال انگشتر خود بوی [illegible] خدا تعالی این آیه را درشانش فرستاد حدیث کرد مارا حاکم رئیس [illegible] ابو منصور [illegible] زیادی ادام الله اجلاله بطریق نوشتن درخانه خود [illegible] ماه رمضان [illegible] مبارک درسال پانصد وهشت حدیث کرد مارا شیخ [illegible] دوریستی بطریق کتاب آورد این قصه راگذشته [illegible] صد وهفتاد وچهار گفت حدیث کرد مرا سعد بن [illegible] حدیث کرد مرا شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن حسین رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از پدر خود از محمد بن سنان از زراره ابن اعین الشیبانی که گفت شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت چون بیرون آمد رسول خدا ص بمکه در حجة الوداع پس چون بازگشت از مکه ودر روایت دیگر هست که درحالیکه متابعت وپیروی میکردند دوازده هزار مرد ازیمن وپنجهزار مرد از مدینه آمد جبرئیل ع درراه وعرض کرد یا رسول الله بدرستیکه خدا تعالی میرساند بتو سلام وخواند این آیه را يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ یعنی ای پیغمبر برسان بخلق آنچه فرود آمده است بتو یعنی در امر خلافت وامامت علی علیه السلام از جانب پروردگار

تو پس گفت اورا رسولخدا صلعم یا جبرئیل مردمان تازه اند که بعهد اسلام
آمده اند و میترسم که پراکنده شود و قرآن نبرند پس جبرئیل ع باسمان
بمکان خود رفت و فرود آمد بروی در روز دوم در حالیکه رسولخدا صلعم فرود آمده بود
در قریه و گفت اورا یا محمد یا اَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ
وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ یعنی ای رسول برحق برسان بخلق
آنچه فرود آمده است بر تو در امر خلافت علی ع از جانب پروردگار تو واگر نرسانیدی
پس تبلیغ نکرده رسالتهای اورا پس فرمود رسولخدا صلعم یا جبرئیل میترسم از اصحاب
خود که مخالفت کنند مرا پس جبرئیل ع باسمان بمکان خود رفت و فرود آمد بروی
روز سیم در وقتیکه رسولخدا صلعم در موضعی بود که آنرا غدیر خم گویند و گفت اورا یا رسول الله
بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللّٰهُ
یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ یعنی ای رسول برحق برسان بخلق آنچه فرود آمده است
بر تو در امر خلافت علی ع از جانب پروردگار تو اگر نرسانیدی پس تبلیغ نکردی
نکردی رسالتهای او را خدا نگاه میدارد ترا از شر مردمان پس چون شنید رسولخدا صلعم
این سخن را فرمود مردمان را که بخوابانید شتر مرا که بخدا سوگند نمیروم از این مکان تا آنکه
برسانم رسالت پروردگار خود را فرمود که ساختند از برای وی منبری از جهاز شتران و
بر آن منبر بالا رفت و با خود برد علی را و ایستاد بر آن منبر و خواند خطبه بلیغه را و وعظ
گفت در آن و منع کرد مردمان را از بدی بعد از آن فرمود در آخر کلام خود ایها المردم
آیا من نیستم سزاوارترین شما از نفسهای شما گفتند بلی یا رسول الله تو سزاوارتری بما
از نفسهای ما بعد از آن فرمود برخیز یا علی پس برپا ایستاد علی ع پس گرفت
رسولخدا صلعم دست او را و بلند گردانید تا آنکه دیده شد سفیدی زیر بغل او بعد از آن

گفت آگاه باشید که هرکس که من بودم مولای او پس این علی مولای اوست بار
خدایا دوستی کن با هرکس که دوستی کند با علی و دشمنی کن با هرکس که دشمن
کند با علی و یاری کن با هرکس که یاری کند با علی و خواری کن با هرکس که خواری کند با علی
بعد از آن فرود آمد از منبر و آمدند اصحاب نزد امیرالمؤمنین ع و مبارکباد گفتند او را بر
امامت و اول کسیکه تبریک و تهنیت گفت بوی عمر بن خطاب بود که گفت یا علی در
صبح گشتی مولای من و مولای مؤمنین و مؤمنات و فرود آمد جبرئیل این آیه را
اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ
رَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا یعنی امروز کامل گردانیدم
از برای شما دین شما را بولایت علی بن ابیطالب و تمام کردم بر شما نعمت خود را
بظاهر کردن آن و اختیار کردم برای شما اسلام را دین نیکو رسیده
از حضرت صادق ع در قول خدا [illegible] فرمود مي
شناسند نعمت روز غدیر را [illegible] سقیفه پس حضرت
طلب کرد حسان بن ثابت که بگوید چند بیت از شعر در شأن آن روز پس حضرت
داد او را رسول خدا ص پس انشاد کرد شعری که مضمون آن بفارسی این است ندا کرد
ایشان را روز غدیر خم پیغمبر ایشان و بشنو رسول را که بچه ندا میکند پس مخصوص کرد
خلافت را بعلی ع غیر از جمیع مردمان و نام کرد او را بعزت برادر خود پس فرمود
بمردمان کیست مولای شما و ولی شما گفتند در حالیکه نبود در میان ایشان دشمنی
که اله تو مولای ما است و توئی ولی ما و نیست تو را از ما در گفتار هیچ نافرمانی پس فرمود
بعلی ع برخیز یا علی بدرستیکه من پسندیدم تو را بعد از خود بامامت و در آنوقت
دعا کرد که خداوندا دوست دار دوستدار علی را و دشمن دار دشمن علی را

فرمود بحسان رسولخدا ص که همیشه ای حسان مؤید باشی بجبرئیل مادامیکه یاری
کنی ما را بزبان پس چون سه روز گذشت نشست رسول خدا ص در جای
خود آمد او را مردی از بنی مخزوم که نام او عمر بن عتبه بود و در روایت دیگر حارث
بن نعمان فهری و گفت یا محمد میپرسم ترا سه مسئله پس فرمود رسولخدا ص بپرس
از هر چه میخواهی گفت خبر ده مرا از گفتن اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا
رسول الله آیا از جانب تو است یا از جانب پروردگار تو پس آنحضرت فرمود
آن وحی است از جانب خدایتعالی و قاصد آن جبرئیل است و رساننده
آن من و نرساندم مگر از جانب پروردگار خود گفت پس خبر ده مرا از نماز و زکوة
و حج و جهاد که آیا از تو است یا از جانب پروردگار تو فرمود بوی پیغمبر صلی الله
علیه و آله مثل آنکه اول فرمود گفت پس خبر ده مرا از این یعنی علی بن ابیطالب ع
و گفتار تو در حق وی که من کنت مولاه فعلی مولاه یعنی هر که من بودم مولای
او پس علی مولای او است آیا این از جانب تو است یا از پروردگار تو فرمود پیغمبر ص
که وحی بسوی منست از جانب خدایتعالی و قاصد آن جبرئیل است و رساننده
آن منم و نرساندم مگر از امر پروردگار خود پس برداشت آن مرد مخزومی سر خود را بآسمان
و گفت بار خدایا اگر محمد راست میگوید در آنچه گفت پس بفرست بر من زبانه
از آتش و باز گردید غضبناک پس سوگند بخدا که نرفت دور تا آنکه سایه انداخت
بر سر وی ابری سیاه و صدا کرد و برق کرد و صاعقه کرد پس رسید صاعقه و سوخت
او را پس فرود آمد جبرئیل ع و عرض کرد بخوان یا محمد سَئَلَ سَآئِلٌ بِعَذَابٍ
وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ اللهِ ذِي الْمَعَارِجِ خواست خواهنده
عذابی را که واقع است بر کافران نیست مر آنرا دفع کننده از عذاب خدا و ندصا

درجات و جواب بنده عذاب عمر بن عتبه مخزومی است پس فرمود
پیغمبر ص اصحاب خود را آیا دیدید گفتند بلی فرمود آیا شنیدید گفتند بلی پس گفت خوشا
حال آنکسیکه دوستی کند با علی و وای بر آنکه دشمنی کند با علی و گویا من نظر میکنم
بعلی و شیعه او در روز قیامت که میبرند ایشان را در حالیکه سوارند بر شتران در
مرغزار بهشت بصورت جوانان که نیست در بدن و صورت ایشان هیچ موی
تاج بر سر نهاده سرمه کشیده نیست ایشان را هیچ ترسی و نه غمی باز گردند
بخشنودی خداوند اکبر اینست رستگاری عظیم تا آنکه ساکن شوند در حظیره
قدس در جوار رب العالمین از برای ایشان است در آن هر چه خواهند از ا
نفسها و لذتها بدار آن چشمها و ایشان در آن دایمند و میگویند ایشان را
فرشتگان سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار در روایت
کرد سعید بن جبیر بروایات صحیحه از ابن عباس که گفت فرمود رسول خدا ص ولایت
و دوستی علی بن ابیطالب ع ولایت خداست و [illegible] عبادت خداست
و متابعت او فریضه خداست و دوستان او دوستان خدایند و دشمنان
او دشمنان خدایند و جنگ او جنگ خداست و صلح او صلح خداست
و روایت شده است از حضرت صادق ع از پدرش از پدران او علیهم السلام
که گفت فرمود رسول خدا ص که آمد مرا جبرئیل ع از جانب پروردگار من پس گفت
یا محمد بدرستیکه خدای تعالی میخواند ترا سلام و میگوید ترا که بشارت ده برادر
خود علی را بآنکه من عذاب نمیکنم هر کسرا که دوستی میکند با وی و رحم نمیکنم
هر کسرا که دشمنی میکند با وی در روایت شده بسند درست از جابر بن عبد الله
انصاری که او گفت بحقیقت که شنیدم از رسول خدا ص که او فرمود در علی ع خصلتها است

که اگر میبود یکی از آنها از برای جمیع مردمان کافی بود ایشان را همان فضل قول رسولخدا ص من کنت مولاه فعلی مولاه هر که من بودم مولای او پس علی ع مولای اوست و قول او ص که علی از من است و من از اویم و قول او صلی الله علیه و آله که علی از منست همچون نفس من طاعت او طاعت من است و معصیت و نافرمان برداری او معصیت من است و قول آنسرور که فرمود علی از من چون هرون است از موسی و قول او صلی الله علیه و آله که جنگ علی جنگ خداست و صلح علی صلح خداست و قول او ص که دوست علی دوست خداست و دشمن علی دشمن خداست و قول او ص که علی حجت خداست و خلیفه اوست بر بندگان او و قول او ص که محبت علی ایمان است و بغض او کفر است و قول او ص که لشکر علی ع لشکر خداست و لشکر دشمنان علی لشکر شیطانست و قول آنسرور که فرمود علی با حق است و حق با او است و از هم جدا نشوند از یکدیگر تا وارد شوند بر من در حوض کوثر و قول او ص که علی قسمت کننده بهشت و دوزخست و باز فرمود هر که جدائی کند با علی ع بتحقیق که جدائی کرده است با من و هر که جدائی کند با من بتحقیق که جدائی کرده است با خدای عز و جل و فرمود آنسرور شیعه علی ع ایشانند که رستگارانند در روز قیامت حدیث کرد ما را احمد بن صایغ گفت حدیث کرد ما را عیسی بن محمد علوی گفت حدیث کرد ما را ابو عوانه گفت حدیث کرد ما را محمد بن سلیمان بن بزیع الخزاز گفت حدیث کرد ما را اسمعیل بن ابان از سلام بن ابی عمر خراسانی از معروف خربوذ مکی از ابی طفیل عامر بن واثله و حذیفة بن اسید غفاری گفت فرمود رسولخدا ص ای حذیفه بدرستیکه حجت خدا بر شما بعد از من علی بن ابیطالب ع است کفر بوی کفر بخداست و شرک بوی شرک

بخداست و شک بوی شک در خداست و ملحد شدن در وی ملحد شدن
در خداست و انکار او انکار خداست و ایمان بوی ایمان بخداست از برای
آنکه او برادر رسول خداست و وصی او و امام امت او و مولای ایشانست و اوست
حبل الله المتین و عروة الوثقی لا انفصام لها و زود باشد که هلاک گردند در
وی دو نوع از مردمان و او را گناهی نباشد یکی دوستی که از حد بگذرد در دوستی
و دیگری دشمنی که با وی دشمنی کند یا حذیفه جدائی مکن البته با علی که با من جدائی
کرده باشی و مخالفت علی مکن که با من مخالفت میکنی بدرستیکه علی از منست و من
از اویم هرکه او را ناخشنود گرداند البته مرا ناخشنود کرده است و هرکه او را راضی
گرداند مرا راضی کرده است حدیث کرد ما را احمد بن حسن قطان گفت حدیث کرد ما را
عبد الرحمن بن محمد حسنی گفت حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم بن [illegible] فزاری گفت حدیث
عبد الرحمن بن یحیی اهوازی گفت حدیث کرد ما را [illegible] عمرو گفت حدیث
کرد مرا حسن بن محمد بن جمهور گفت حدیث کرد مرا [illegible] از امام علی بن موسی
الرضا علیهما السلام از پدران خود [illegible] جبرئیل از میکائیل از
اسرافیل از لوح از قلم که گفت میفرماید خدای تبارک و تعالی که ولایة علی
بن ابیطالب حصن و حصار منست پس هرکه داخل حصار من گردد ایمن شود از
آتش من حدیث کرد ما را علی بن احمد بن عبد الله بن احمد بن ابی عبد الله برقی از پدر
خود از محمد بن خالد از غیاث بن ابراهیم از ثابت بن دینار از سعید بن طریف
از سعید بن جبیر از ابن عباس که گفت فرمود رسول خدا که ای علی من شهر علمم و تو
در آن شهری و هیچ کس داخل شهر نشود مگر از جانب در دروغ میگوید هرکس که گمان کند
دوستی کند با من و دشمن بدارد تو را و از برای آنکه تو از منی و من از توام گوشت تو

تو گوشت من است و خون تو از خون من است و روح تو از روح منست و باطن تو از
باطن منست و ظاهر تو از ظاهر منست و تو امام امت منی و خلیفه منی بر ایشان بعد از
من نیک بخت گردید هر کس که فرمان تو برد و بد بخت گردید هر کس که نافرمانی تو کرد
فایز گردید هر که با تو دوستی کرد و زیان کرد هر کس با تو دشمنی کرد و نیک بخت شد
هر کس با تو بود و هلاک شد هر کس از تو جدا شد مثل تو و مثل امامان که از فرزندان تواند
بعد از من مثل کشتی نوح است هر کس که سوار شد در آن نجات یافت و هر کس که
باز گردید از آن غرق شد و مثل شما مثل ستارگانست که هرگاه غایب شد
ستاره میاید بیرون ستاره دیگر تا روز قیامت فرمود حضرت رسولخدا ص که
حق علی ع بر مسلمانان چون حق پدر است بر فرزندان و فرمود آنسرور که هر که
دوست دارد علیرا و دوستی کند با من بزرگوار گرداند او را خدا و نزدیک گرداند او را
و هر که دشمن دارد علیرا و با وی دشمنی کند دشمن دارد او را خدا و خوار گرداند
او را و فرمود رسولخدا ص هر کس [illegible] دارد علی ع را [illegible] اصل او پاکیزه و هر که دشمن
دارد او را پشیمان شود در روز قیامت و فرمود حضرت رسول ص هر کس دوست دارد
علی ع را هست برای راست و صواب و هر کس دشمن دارد او را نیابد از خیر هیچ
بهره و نصیبی و فرمود رسولخدا ص یا علی هر کس که دوست دارد ترا بتحقیق که دوست دارد
مرا و هر که دوست دارد مرا بتحقیق که دوست دارد خدا را و هر کس دشمن دارد ترا
بتحقیق که دشمن دارد مرا و هر کس دشمن دارد مرا بتحقیق که دشمن دارد خدا را و هر کس
که دشمن دارد خدا را بر ویست لعنت خدا و فرشتگان و آدمیان جمیعاً
و فرمود رسولخدا ص هر کس ظلم کند با علی عمداً بعد از وفات من پس چنان باشد که
منکر باشد پیغمبری مرا و پیغمبری پیغمبران را قبل از من و فرمود رسولخدا ص اگر

بسنجند ایمان علی ع را با ایمان اهل زمین البته راجح میاید ایمان علی و روایت شده
بسند صحیح که فرمود رسول خدا ص که مبارزت علی بن ابیطالب ع با عمرو بن عبدود
در روز خندق فاضلتر است از عبادت امت من تا روز قیامت فرمود رسول خدا ص
هر کس که دوست دارد علی ع را بتحقیق که راه راست یافته و هر کس دشمن داشت او را
بتحقیق که از خدا او گذشت حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم بن اسحق ره گفت حدیث
کرد ما را عبد العزیز بن یحیی بصری گفت حدیث کرد ما را محمد بن زکریای جوهری از
محمد بن عماره از پدر او از حضرت صادق جعفر بن محمد از پدران او علیهم السلام
که فرمود رسول خدا ص بدرستی که خدای تبارک و تعالی قرار داد برای برادر من
علی ع ابن ابیطالب فضائل بسیار بیحد که هر که ذکر کند یکی از فضائل او را که مقر باشد
بان بیامرزد خدا از وی آنچه پیش از [illegible] گناه کرده و آنچه که بعد از آن
و اگر چه بیاید در قیامت با مثل گناهان جن و انسان و هر کس که بنویسد
یک فضل از فضایل علی بن ابیطالب ع [illegible] طلب آمرزش کنند
از برای او مادامیکه باقی باشد از آن کتابت نشانه و هر کس گوش دهد فضیلتی
از فضایل او بیامرزد خدا جمیع گناهان او را که بگوش کرده است و هر کس نظر
کند بیک فضل از فضایل او بیامرزد خدا جمیع گناهان او را که بنظر کرده است
بعد از آن فرمود رسول خدا ص نظر کردن بعلی بن ابیطالب ع عبادتست و قبول
نمیکند خدا ایمان بنده را مگر بولایت و دوستی او و دشمنی با دشمنان
او فصل سیم در بعضی از فضایل دوازده امام علیهم السلام فرمود حق
تبارک و تعالی در سوره بقره وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا
شُهَدَاءَ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا و همچنین

گردانیدم شما را امامان معصوم از آل محمد گروهی بهترین خلقانید از برای
آنکه باشید حجت خدا بر خلق و باشد رسول گواه شما روایت کرد محمد بن عبد الله
کوفی از موسی بن عمران نخعی از عم او حسین بن یزید از حسن بن ابی حمزه از پدرش از
یحیی بن ابی القاسم از حضرت صادق علیه السلام از پدرش از جدش ع از رسول خدا
فرمود امامان بعد از من دوازده اند اول ایشان علی بن ابیطالب ع و آخر ایشان
قائم ایشانند خلیفه های من و وصیان من و ولیان من و حجتهای خدا بر امت
من بعد از من هر که اقرار کند بایشان مؤمن است و هر که انکار ایشان کند کافر
است و روایت کرد حسن بن محبوب [illegible] از جابر بن عبد الله انصاری
گفت که داخل شدم بر فاطمه زهرا سلام الله علیها و در پیش او لوحی بود و در آن
ثبت بود اسم وصیان از فرزندان او پس شمردم دوازده بود آخر ایشان
قائم بود و چهار از ایشان [illegible] گفت فرمود رسول خدا ص که امامان بعد از من دوازده هستند
بعد نقیبان و پیشوایان بنی اسرائیل [illegible] اند و فرمود رسول خدا ص حسین
بن علی ع را که تو امامی و برادر امامی و [illegible] نه ایشان قائم ایشان قائم
ایشان است ایشان پرهیزکارانند معصومانند و گفت حدیث کرد مرا ابو
محمد بن خالد گفت حدیث کرد مرا جدم ابو الفضل گفت حدیث کرد مرا ابو
الحسین جابر بن اسمعیل خثعمی گفت حدیث کرد مرا محمد بن کرامه بغدادی
گفت حدیث کرد مرا عبید بن موسی بن سفیان ثقفی گفت حدیث کرد
قطب بن خلیفه کنانی گفت حدیث کرد مرا ابو خالد بن عبد الله والبی گفت
حدیث کرد مرا جابر بن سمره عامری گفت شنیدم رسول الله ص که میفرمود
ضرر نمیرساند این امت را که در عقب آیند تا آنکه بگذرد دوازده امام کل ایشان از

قریش و باین اسناد از ابی خالد از ابی الطفیل عامر بن واثله گفت آمد عبد الله بن
مسعود بکوفه پس جمع شدند نزد وی مردمان و شنیدند از وی احادیث پس برخواست
بسوی وی مردی و گفت یا عبد الله آیا خبر کرد شما را پیغمبر شما که چند خواهند
بود بعد از وی خلیفه پس سر برداشت و گفت این مسئله را نپرسید از من یکی تا
آمده بعراق بلی پرسیدیم او را از عدد خلیفهای او بعد از وی پس فرمود آنسرور که
دوازده‌اند بعدد نقبای بنی اسرائیل حدیث کرد ما را پدرم رحمه الله از سعد بن عبد الله
از ابی الحسین صالح بن ابی حماد از بکر بن صالح از عبد الرحمن بن سالم از ابی بصیر
گفت فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که گفت پدرم [illegible] جابر بن عبد الله انصاری را
مرا بتو کاریست کدام وقت ترا آسانست که با تو خلوت کنم و بپرسم ترا از آن گفت
او را جابر هر وقت که خواهی پس خلوت کرد [illegible] در روزی از روزها پس گفت او را
یا جابر خبر کن مرا از لوحی که دیدی [illegible] در دست [illegible] دختر رسول صلی الله علیه و آله و خبر
رسول خدا و آنچه خبر داد ترا بآن که در آن لوح [illegible] گفت جابر گواه
میگیرم خدا را که من داخل شدم [illegible] تو [illegible] که مبارکباد
بدهم او را بولادت حسین پس دیدم در دست وی لوحی سبز گمان بردم
که زمرد است و دیدم در آن نوشته سفیدی مثل نور آفتاب پس گفتم او را که پدر
و مادرم فدای تو باد ای دختر رسول خدا چیست این لوح فرمود این لوحی است که هدیه
فرستاده است خدا رسول خود را که در آنست اسم پدر من و اسم شوهر من و اسم
دو پسران من و اسم وصیان از فرزندان من و داده است اینرا پدر من تا که
شاد گرداند مرا باین پس داده بمن آنرا مادر تو علیها سلام الله و من نوشتم
آن را پس فرمود ای جابر میتوانی بنمائی آنرا بمن گفت بلی پس رفت با او پدرم تا

وبیرون آورد او بسوی پدر من صحیفه از پوست و گفت پدر من ای جابر نظر کن در
کتاب خود تا من بخوانم بر تو پس نظر کرد جابر و خواند پدر من پس خلاف نداشت
یکحرف بحرف را پس گفت جابر گواهی میدهم که من چنین دیده ام این لوح را
که در آن نوشته بود بسم الله الرحمن الرحیم این کتابی است از جانب
خداوند توانای بسیار دانای بمحمد پیغمبر و نور و قاصد و پرده دار و رهنمای او که
فرود آورد آنرا روح الامین که جبرئیل است از پروردگار عالمیان تعظیم کن یا محمد نامهای
مرا و شکر کن نعمتهای مرا و منکر مباش نیکوئیهای مرا بدرستیکه منم الله
که نیست خداوندی بجز من شکننده ستمکاران و یاری دهنده مظلومان
و جزا دهنده روز جزا منم الله که نیست خداوندی غیر از من یگانه پس هر که امید
دارد غیر از فضل مرا یا بترسد غیر عدالت مرا عذاب کنم او را عذابی که عذاب نکرده
باشم مثل آن احدی را از عالمیان پس مرا بندگی کن و بر من
توکل کن بدرستیکه من نفرستادم پیغمبری که تمام گردد روز او و بسر آید
مدت او الا آنکه گردانیدم از برای او وصیی و فاضلتر گردانیدم وصی تورا
بر جمیع وصیان و اکرام کردم ترا بدو فرزند او که فرزندزاده تو حسن و حسین است
بعد از وی گردانیدم حسن علیه السلام را معدن علم و حسین علیه السلام را خزینه وحی
و اکرام کردم او را بشهادت و ختم کردم از برای وی بسعادت پس او فاضلترین
شهیدان است و رفیع ترین شهیدان است درجه او و گردانیدم کلمه تامه
خود را با وی و حجت بنهایت رسیده نزد وی بسبب فرزندان وی ثواب
میدهم و عقوبت میکنم اول ایشان سید عابدان است و زینت اولیاء
گذشته و پسر او که مانند جد او ست محمود محمد باقر که دانای علم من است و معدن

حکمت من زود باشد که هلاک شوند آنانکه شک کنند در جعفر منکر وی چون منکر
منست و واجب است بر من که البته بزرگوار گردانم جعفر را و البته شاد گردانم
شیعیان و تابعان و یاران و دوستان او را و برگزیدم بعد از وی موسی
را و البته دفع میکنم بوی فتنه سخت بسیار تاریک زیرا که رشته فرض
من قطع نمیشود و حجت من پنهان نمیشود و بدرستیکه اولیای من بدبخت نمیشوند
آگاه باش هر که منکر شود یکی از ایشان را پس بدرستیکه منکر شده است نعمت
مرا و هر کس متغیر کند یک آیه از کتاب مرا [illegible] است بر من و وای
بر افترا بندان و منکران در وقت بسر آمدن مدت بنده من موسی که دوست
من و برگزیده من است بدرستیکه [illegible] زنده جمیع ابار
منست و او علی ولی من و ناصر من [illegible] گذاشته ام بر وی
لقب پیغمبری را و آزموده ام او را [illegible] منکری دفن
میشود در شهری که بنا کرده است آنرا [illegible] خلق من ثابت
این قول بر من که روشن گردانم چشم او را بمحمد پسر و خلیفه او بعد از وی پس او وارث
علم منست و معدن علم من و موضع سر من و حجت من بر خلق ایمان نیاورد
بوی هیچ بنده الا آنکه بگردانم بهشت را جای وی و قبول کنم شفاعت او را
در هفتاد کس از اهلبیت او که جمیع ایشان مستوجب دوزخ باشند و ختم کنم به
سعادت از برای پسر او علی ولی من و یاری کننده من و گواه در خلق من و امین
بر وحی من بیرون آورم از وی خواننده برات من و خزینه دار علم من حسن را بعد از
آن تمام گردانم این را بپسر او محمد از برای رحمت عالمیان بر وی است کمال موسی و صفای
عیسی و صبر ایوب زود باشد که خوار شوند اولیاء من در زمان او و بهدیه فرستاده

شود سرهای ایشان چنانچه بمدینه فرستاده میشود سرهای ترکان و دیلمیان
کشته میشوند و سوزانده میشوند و میباشند خائف و ترسیده شده و تنگ میشود
زمین بخونهای ایشان و فاش میگردد واویلا و وامصیبتاه در زنان ایشان و ایشانند
اولیاء منند بحق و بواسطه ایشان رفع میکنیم جمیع فتنهای سخت تاریک را و بواسطه
ایشان دفع میکنیم زلزلها را و برطرف میکنیم نکبتها و تنگیها را ایشانند که برای
ایشان است صلوات از جانب پروردگار ایشان و رحمت و ایشانند که هدایت
کرده شدگانند گفت ابو بصیر [illegible] در زمان خود دیگر اینحدیث را البته کافی
است ترا پس حفظ کن [illegible] از اهل این

فصل چهارم در فضائل شیعه

علی علیه السلام روایت [illegible] از انس که گفت فرمود رسول خدا ص
بدرستیکه خدای تبارک و تعالی [illegible] بندگان را که بیرون میآیند
از رویهای ایشان نوری از جانب [illegible] و از جانب چپ ایشان بمنزله پیغمبران
و بمنزله وصیان و نیستند از پیغمبران و نه از وصیان بمنزله شهیدان و نیستند از
شهیدان پس برخواست شخصی و گفت یا رسول الله من از ایشانم فرمود نه
بعد از آن گذاشت دست خود را بر سر علی ع و فرمود او و شیعه او هست و روایت
شده از سوید بن غفله که بیرون آمد امیر المؤمنین علیه السلام از در مسجد کوفه پس رسیدند
بوی جمعی از مردمان و گفتند السلام علیک یا امیر المؤمنین پس علی ع فرمود کی
شناسم شما را گفتند بوی که ما از اصحاب تو و از شیعیان توایم پس فرمود [illegible]
که از برای چه نمی بینم در شما علامت شیعیان را گفتند او را که چیست علامت
شیعیان فرمود زرد و تاریک است چشمهای ایشان از گریه خالیست شکمهای
ایشان از گرسنگی خشک است لبهای ایشان از تشنگی خم شده است

پیشانیهای ایشان از سجود خوشبو است دهنهای ایشان از ذکر ایشان از منند
و من از ایشانم و فرمود رسول الله صلعم یا علی بشارت ده شیعیان خود را و یاران
خود را به ده خصلت اول بحلال زادگی ایشان دویم ایمان ایشان سیم دوستی
خدای عزوجل چهارم فراخی قبر پنجم نور بر صراط برابر چشم ایشان ششم برداشتن
درویشی از چشمهای ایشان هفتم دشمنی خدا عزوجل با دشمنان ایشان هشتم
ایمنی از خوره نهم ریختن گناهان و بدیها از ایشان دهم آنکه ایشان با منند
در بهشت و من با ایشانم از سدیر صیرفی که گفت شنیدم از حضرت امام جعفر صادق ع
که میفرمود شیعیان ما جمیع در بهشتند نیکان ایشان و بدان ایشان و ایشان
زیادتی دارند بعد از این [illegible] که شیعه علی را سبک
مشمارید بدرستیکه مردی از ایشان [illegible] ربیعه و مضر
و روایت شده است باسناد [illegible] که گفت فرمود رسول خدا
هر کس اراده توکل دارد بر خدا باید [illegible] هر کس که اراده حکمت
دارد باید دوستدار اهلبیت مرا و هر کس که اراده دخول بهشت دارد بی حساب باید
که دوستدار اهلبیت مرا بخدا سوگند که دوست میدارد ایشان را هیچ کس الا
آنکه فایده میکند در دنیا و آخرت و شنیدم از زید بن علی که روایت کرد از
پدر خود از جد خود علیهم السلام که اگر مؤمن بیرون رود از دنیا و بر وی باشد
مثل گناهان اهل زمین البته مرگ کفاره گناهان است بعد از آن فرمود هر که بگوید
لا اله الا الله باخلاص پس او بیزار است از شرک و هر که بیرون رود از دنیا در حالیکه
شرک نداشته بوده باشد داخل بهشت میشود بعد از آن خواند این آیه را إِنَّ اللَّهَ
لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ من شیعتنا

و محبتیك یا علی بدرستیکه خدا میآمرزد این گناه که شرك آورده شود بوی و میآمرزد
غیر این گناه از هر که خواهد از شیعیان و دوستان تو یا علی فرمود امیرالمؤمنین ع
گفتم یا رسول الله این از برای شیعه من است فرمود بلی سوگند بخدا که این از برای شیعه
تو است و بدرستیکه بیرون میآیند ایشان از قبرهای خود در حالیکه میگویند لا اله
الا الله محمد رسول الله علی بن ابیطالب حجة الله پس میآورند جامههای
سبز از بهشت و تاجهای با زینت از بهشت و شتران نیکو از بهشت پس میپوشند
هر یك از ایشان جامه سبز [illegible] تاج ملك و پادشاهی و تاج پوشش
کرامت پس سوار شتران [illegible] میشوند و میبرند ایشان را ببهشت غمگین نمیگرداند ایشان را
فزع و ترس بزرگ [illegible] ایشان [illegible] و میگویند این است آن روز
که وعده داده بودند شما [illegible] و فرمود [illegible] مدارید درویشانرا که شیعه
علی ع و اولاد و یند [illegible] ایشان شفاعت میکنند بعدد قبیله ربیعه
و مضر و فرمود مولی [illegible] آلوده صاحب دو جامه کهنه از
شده از درها که اگر قسم خورد بخدا وفا کند بآن و گفت حدیث کرد مرا ابو عبدالله
احمد بن عبدون بزاز در مدینة السلام در سال چهارصد و یك و من پسر بیست و دو
ساله بودم و بود این مرد معروف بابن عاشر گفت حدیث کرد مرا ابو الفضل محمد بن
عبدالله شیبانی گفت حدیث کرد مرا احمد بن عبدالله عبرانی گفت حدیث
کرد مرا عبدالله بن موسی از محمد بن سنان از محمد بن مفضل از موسی بن جعفر علیهما السلام
فرمود بیرون آمد امیرالمؤمنین ع روزی بصحرای کوفه تا نماز کند در آن پس بعقب او رفتند
قومی پس روی بایشان کرد و فرمود ایشان را کیستید شما گفتند ما شیعیان توایم یا
امیرالمؤمنین فرمودی نمیبینم نشانه شیعه در شما گفتند چیست نشان شیعه گفت از رنگی

روها از بیخوابی زرد چشمها از گریه خشک لبها از تشنگی لاغری شکم از روزه خم شدن
پشتها از نماز بر ایشانست غبار ترسندگان و فرمود امیرالمؤمنین ع بیازمائید شیعه
مرا بدو خصلت پس اگر هست در ایشان آن دو خصلت پس ایشان شیعیان منند
نگاه داشتن ایشان وقتهای نماز را و برابر داشتن خود را با برادران مؤمن مال را اگر نباشد
آن دو خصلت در وی پس دور شو بعد از آن دور شو **فصل پنجم**
در پدران پیغمبر و علی و مادران ایشان صلوات الله علیهم اجمعین روایت است
از علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی گفت حدیث کرد مرا ابو عبدالله جعفر بن محمد
دوریستی گفت حدیث کرد مرا پدرم محمد بن احمد گفت حدیث کرد مرا شیخ ابو جعفر
محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی گفت حدیث کرد مرا [illegible] بن [illegible] بن
یحیی گفت حدیث کرد مرا عبدالعزیز بن [illegible] نصر گفت حدیث کرد مرا اسلم ابن خالد
مکی گفت حدیث کرد مرا جابر بن عبدالله انصاری گفت پرسیدم از رسول خدا ص از
ولادت امیرالمؤمنین ع پس فرمود آه آه پرسیدی مرا از بهترین مولودی
که زائیده شده بعد از من مانند مسیح ع بدرستیکه خدای تعالی آفرید مرا و علی را از یک
نور پیش از آنکه بیافریند خلق را بدو هزار سال پس بودیم ما تسبیح میگفتیم پس چون
آفرید خدای تعالی آدم را گردانید ما را در پشت وی و ما او را همراه [illegible] پس قرار
و آرام گرفتیم من در پهلوی راست او و علی در پهلوی چپ و بعد از آن نقل فرمود
ما را از پشت وی در پشتهای پاکان بشکمهای پاکیزگان و همیشه چنین بود تا آنکه بیرون
آورد مرا از پشت پاک عبدالله بن عبدالمطلب و سپرد مرا به بهترین شکمها که شکم
آمنه بنت وهب بن عبد مناف است بعد از آن بیرون آورد خدای تبارک و تعالی
علی را از پشت ابوطالب و سپرد او را به بهترین شکمها که آن شکم فاطمه بنت اسد است

گفت ابوطالب در وقتی که گذشته بود سه یک شب گرفت فاطمه را آنچه میگیرد زنان را
نزد زائیدن پس گفتم او را که چیست حال تو ای بهترین زنان گفت می‌یابم دردی پس
خواندم بروی آنچه که دوا است بسیار پس ساکن شد بعد از آن خواندم زنان را
تا یاری کنند او را در کار او پس چون زائید او مانند آفتاب بود در وقت طلوع پس بسجده
رفت و گفت اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا ص
عبده و رسوله و گفت برای ختم میکند خدا پیغمبری را و من تمام میکند وصیت را بعد از
آن چون گذاشتم او را در کنار بانگ بر نهشت که السلام علیک ای مادر من چیست
خبر پدر من گفت در نعمتهای خدا است یا میگیرد در دوستی تو ختم میکند گفت جابر یا رسول
الله بدرستیکه مردمان میگویند که ابوطالب کافر بمرد فرمود یا جابر پروردگار تو داناتر است
بغیب بدرستیکه شبی که مرا باسمان بردند ... رسیدم بعرش دیدم چهار نور پس گفتند
مرا که این چهار نور عبد المطلب است و ابوطالب و این پدر تو
است عبد الله و این برادر تو است جعفر بن ابوطالب پس گفتم الهی بچه یافتند
این درجه را گفت بپوشانیدن ایشان ایمان خود را و ظاهر کردن کفر را تا وقت مرگ فصل
ششم در بزرگوار داشتن اولاد پیغمبر ص که فرمود خدای تبارک و تعالی
به پیغمبر خود قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی یعنی بگو یا محمد ص
نمیخواهم از شما مزدی مگر دوستی فرزندان و گفت رسول الله ص واجب است شفاعت
من از برای هر که یاری کند فرزند مرا بدست خود و زبان خود و مال خود گفته
است ابن بابویه قمی ره در کتاب امالی که فرمود رسول خدا ص که چون بایستم در مقام
محمود شفاعت کنم صاحبان گناهان کبیره را از امت خود پس قبول میکند خدا
شفاعت مرا در حق ایشان و بخدا سوگند شفاعت من قبول نشود در حق آنان

که انکار کردند ذریه مرا و گفت نیز در امالی که فرمود رسولخدا ص هرکه نیکی کند بغیر از اهل بیت
من در دنیا بمالی جزا دهم او را در قیامت ثواب بسیار و روایت شده از حضرت رسول
که فرمود چهار کس من شفیع ایشانم در روز قیامت اگرچه آورده باشند گناهان اهل دنیا را
بزرگوار دارنده ذریه من و قضا کننده حاجتهای ایشان و سعی کننده از برای ایشان
در وقت اضطرار ایشان و دوست دارنده ایشان بدل و زبان خود و فرمود پیغمبر ص بزرگ
دارید فرزندان صالح مرا از برای خدا و بدان ایشان را از برای من و روایت
شده از حضرت صادق ع که آنحضرت فرمود میزبانی کن با یکی از اولاد علی ع از برای
آنکه تو چون آمیزش میکنی با ایشان رشته [illegible] دوست دار ایشانرا
بدل و باید که باشد دوستی تو [illegible]

فصل هفتم

[illegible] زیارت پیغمبر ص
روایت شده از حضرت صادق ع [illegible] فرمودند رسولخدا
صلی الله علیه و آله هرکه زیارت کند مرا بعد [illegible] آمده باشد نزد من
در زندگی من پس اگر قدرت نباشد شما را [illegible] آن میرسد
و فرمود پیغمبر ص هرکس بیاید بزیارت من شفیع او باشم در روز قیامت و هرکه بیاید
در مکه بحج و زیارت نکند مرا بمدینه بتحقیق که جفا کرده است بر من و هرکه جفا کند مرا جفا
کنم او را در قیامت و فرمود آنحضرت هرکه زیارت کند مرا بعد از مرگ من چنان باشد
که زیارت کند مرا در زندگی من و باشد همسایه من در روز قیامت و پرسیدند حضرت
صادق ع را که چیست از برای آنکه زیارت کند رسولخدا ص را فرمود هرکه زیارت کند
رسولخدا ص را چنان باشد که زیارت کرده باشد خدا یعز و جل را در عرش وی آنگاه گفت
گوید که معنی این تمثیل آنستکه از برای زیارت کننده پیغمبر ص از ثواب و اجر عظیم و
بزرگواری در روز قیامت مثل آنکه رفیع گردانیده است او را خدا تعالی باسمان خود و نزدیک

گردانیده است او را بفرستی که بر در بهشت اند و از فرشتگان دربانان است بوی مشکی خاص خود را آنچه باشد بواسطه تأکید بزرگوار است و منت این مثل آنچه گمان میبرند که مقتضی تشبیه است و قبض شد روح مطهر او در حالیکه زهر داده بودند او را در مدینه روز دو شنبه که دو شب باقی بود از ماه صفر در سال یازدهم از هجرت و عمر شریف او شصت و سه سال بود و قبر شریف منورش بمدینه در حجره و حجره که وفات یافت در آن و زهر داده بود او را زنی بعد از آنکه بازگشت از جنگ خیبر پس این الم همیشه بود تا آنکه پاره کرد [illegible] **فصل هشتم** در زیارت علی علیه السلام

روایتست از حضرت صادق ع [illegible] آسمان گشاده میشود [illegible] کند زیارت کننده امیرالمؤمنین [illegible] از خیر غافل و فرمود حضرت صادق ع هر که ترک کند زیارت امیرالمؤمنین را نظر نکند خدا بسوی او آیا زیارت نمیکنید شما [illegible] زیارت میکنند او را فرشتگان و پیغمبران و بدرستیکه امیرالمؤمنین [illegible] امامان است و او راست مثل ثواب عملهای ایشان و قبض شد روح مطهر او در حالیکه کشتند او را در شب جمعه نوزدهم ماه رمضان در کوفه در سال چهلم از هجرت و عمر شریف او در آنروز شصت و سه سال بود و قبر شریف آن بزرگوار در غری است که آن نجف کوفه است و کشنده او عبد الرحمن بن ملجم است علیه لعنة الله والملئکة والناس اجمعین **فصل نهم** در ثواب زیارت حسن بن علی ع

روایت شده از حضرت امام جعفر صادق ع از پدران او علیهم السلام که ایشان فرمودند رسیده است بما که روزی حسن بن علی ع در کنار حضرت رسول ص بود ناگاه سر برآورد و گفت ای پدر من چیست از برای آنکه زیارت کند ترا بعد از مرگ تو فرمود ای پسر من هر که

بیاید مرا بزیارت بعد از مرگ من او راست بهشت و هرکه بیاید بزیارت پدرت بعد از
مرگ او او راست بهشت و هرکه بیاید بزیارت برادر تو بعد از مرگ او او راست بهشت
و هرکه بیاید بزیارت تو بعد از مرگ تو او راست بهشت و قبض شد روح مطهر آن بزرگوار
بمدینه در حالیکه زهر داده بود او را در ماه صفر سال چهل و نهم از هجرت و سن شریف
چهل و هفت بود و قبر او در بقیع است بمدینه رسول الله ص زهر داد او را زن او اسماء
بنت اشعث کندی لعنة الله علیها **فصل دهم** در زیارت حسین بن علی ع
پرسیده شد از حضرت صادق ع از زیارت امام حسین ع فرمود خبر داد مرا پدرم که فرمود
که هرکه زیارت کند قبر حسین ع را در حالیکه شناسا باشد بحق او نوشته میشود از برای
او بهشت بعد از آن فرمود که نزد قبر او چهار هزار ملک ژولیده موی خاک آلود
گریه میکنند بروی تا روز قیامت روایت شده از حضرت امام علی بن موسی الرضا ع باسناد
از پیغمبر ص که آنسرور فرمود بدرستیکه موسی ع سؤال کرد از پروردگار خود زیارت
قبر حسین ع را وقتیکه خبر داد او را خدا بکشته شدن حسین ع پس اذن داد او را
پروردگار پس زیارت کرد موسی حسین ع را با هفتاد هزار فرشته و همچنین روایت کرده
از حضرت صادق ع که چون کشته شد حسین ع گذشتند بقبر وی هفتاد هزار فرشته
پس رفتند باسمان پس وحی کرد خدای تعالی بایشان که ای فرشتگان من گذشتید
بر پسر پیغمبر من که کشته شد و یاری نکردید او را فرود آئید نزد قبر او پس آن فرشتگان
نزد قبر ویند ژولیده موی خاک آلود گریه کنان تا روز قیامت از ربیع بن منصور از ابن
سنان گفت گفتم امام جعفر صادق ع را که کدام قبر از قبر شهیدان نزد شما
فاضلتر است فرمود قبر حسین ع پس بخدا سوگند که دور قبر او چهل هزار فرشته
اند ژولیده موی خاک آلود که گریه میکنند بروی تا روز قیامت روایت شده

در فضیلت زیارات امام حسین علیه السلام

از حضرت باقر ع که ایشان فرمودند امر کنید شیعه ما را بزیارت قبر حسین ع بدرستیکه اتیان
او فرض است بر هر مؤمن که مقر است حسین ع را بامامت از جانب خدا عز و جل و
روایت شده از حضرت صادق ع که او فرمود هر که زیارت کند حسین ع را نه ببزرگی و تکبر و ریا
پاک میشود جمیع گناهان او چنانچه پاک میشود جامه از آب و باقی نماند بروی هیچ گناه و نوشته
شود از برای او بهر گامی ثواب حجی نیکو و بهر قدمی که بردارد ثواب عمره و روایت شده
از حضرت صادق ع که ایشان فرمودند نیامد بقبر حسین ع را هیچ غمگین هرگز الا آنکه
میگشاید خدا غم او را و قضا میکند حاجت او را و روایت کرد محمد بن احمد بن داود از سلامه
گفت حدیث کرد ما را محمد بن جعفر از محمد بن احمد از علی بن ابراهیم جعفی از محمد بن
فضل ابن [illegible] داود گفت فرمود حضرت صادق ع که چهار پاره زمین نالیدند
بخدا عز و جل از غرق در ایام طوفان نوح ع بیت المعمور پس رفیع گردانید آنرا خدا تعالی
باسمان و زمین [illegible] از امام رضا ع فرمود هر که زیارت کند قبر جدم
حسین ع را بشط فرات چنان است که زیارت کرده است خدا را در آسمان بالای عرش
و از امام موسی کاظم ع مرویست که فرمود هر که زیارت کند قبر حسینرا در حالیکه شناسنده
حق او را بیامرزد خدا او را فرمود امام موسی کاظم ع کمترین چیزی که ثواب میدهند
بآن زیارت کنندگان حسین ع را بشط فرات چون شناسد حق او را و حرمت او را
و ولایت او را آنستکه آمرزیده میشود آنچه پیشتر کرده از گناهان و آنچه میکند بعد از آن
از حسین بن محمد قمی گفت فرمود امام موسی ع هر که بقبر امام حسین ع آید در حالیکه شناسنده
حق او را بیامرزد خدا او را آنچه پیشتر کرده از گناهان و آنچه میکند بعد از آن از حسین بن جهم
گفت پرسیدم امام موسی ع که چه میگوئی در زیارت قبر حسین ع فرمود شما چه میگوئید
عرض کردم که میگویند بعضی از ما ثواب حجی و میگویند بعضی ثواب عمره

در فضیلت زیارت امام حسین بن علی

[illegible] گفت پرسیدم از امام جعفر صادق ع و من بر در
بودم و گفت چیست از برای آنکه زیارت کند قبر امام حسین ع را موکل کرده است خدا بر
چهار هزار فرشته ژولیده موی خاک آلود که گریه میکنند بر وی تا روز قیامت پس گفتم بو
فدای تو پدر و مادرم روایت شده از پدرت که در آن ثواب حج است فرمود بلی ثواب
حج و عمره است تا آنکه شمرد ده حج از حج ها گفت فرمود امام جعفر صادق
که هرکه بیاید بقبر حسین ع در حالتیکه شناسد حق او را بنویسد حق تعالی از برای او ثواب
آنکه آزاد کرده است هزار بنده را و مثل آن است که بار کرده است هزار اسب را در راه
خدا تعالی اسبان با زین و لجام گفت فرمود امام جعفر صادق ع بدرستیکه چهار هزار فرشته
نزد قبر حسین ع ژولیده موی خاک آلوده که گریه میکنند بر وی تا روز قیامت رئیس و سردار
ایشان را منصور گویند [illegible] الا آنکه آن فرشتگان او را
استقبال کنند و وداع [illegible] الا آنکه او را مشایعت کنند و بیمار
نشود هیچ بیماری الا آنکه [illegible] الا آنکه نماز کنند بر جنازه او
و استغفار کنند از برای او بعد از مرگ او [illegible] امام جعفر صادق ع فرمود
که موکل کرده است خدای بحسین هفتاد هزار فرشته ژولیده موی خاک آلود
که صلوات میفرستند بر وی هر روز و دعا میکنند از برای هرکه زیارت کند او را و میگویند
ای پروردگار ما اینجماعت زیارت کنندگان حسین علیه السلام اند چنین کن با ایشان روایت
بشیر الدهان گفت فرمود امام جعفر صادق ع هر مؤمنی که زیارت کند امام حسین ع را در حالتیکه
شناسد حق او را در غیر روز عید بنویسد خدا از برای او بیست حج و بیست عمره نیکو
مقبول و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل و هرکه زیارت کند او را در روز عید
بنویسد خدا از برای او صد حج و صد عمره و صد جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل گفت

راوی گفت گفتیم بوی چگونه تواند بود مر اورا ثواب زیارت حسین علیه السلام مثل ایستادن
عرفات گفت پس نظر کرد بمن چون کسیکه غضبناک باشد و فرمود ای بشیر بدرستیکه
مؤمن چون بیاید بقبر حضرت حسین ع در روز عرفه و غسل کند در فرات پس روی بوی آورد
بنویسد خدایتعالی از برای وی بهر گامی حجی با تمام مناسک آن و نمیدانم الا آنکه فرمود
جهاد و یانه از آن فراخته گفت فرمود امام جعفر صادق ع ای بشیر هر که بیرون رود
از منزل خود باراده زیارت قبر امام حسین ع اگر پیاده باشد بنویسد خدایتعالی از برای
او بهر گامی حسنه و پاک گرداند از وی بهر گامی گناهی تا آنکه داخل حایر شود بنویسد
خدا او را از رستگاران تا آنکه اراده بازگشتن کند بیاید او را فرشته و گوید بدرستیکه
رسول خدا میخواند ترا سلام و میگوید بتو که از سر گیر عمل را بتحقیق که آمرزید خدا از تو هرچه گذشت
از امام جعفر صادق ع روایتست که فرمود که هر که بیرون رود بقبر حسین ع پس از برای اوست
چون بیرون رود از اهلش در اول قدم آمرزیدن گناهان بعد از آن همیشه پاکیزه
میشود بهر گامی تا آنکه بنزد قبر چون بیاید ندا کند او را خدایتعالی پس گوید ای
بنده من سوال کن از من حاجت تا آنکه عطا کنم ترا و دعا کن مرا تا اجابت کنم ترا
طلب کن از من تا بدهم ترا بخواه از من حاجت تا قضا کنم آنرا از برای تو و حقست
بر خدایتعالی که بخشد آنچه بخشیده است از صالح از حارث بن مغیره از امام جعفر صادق
فرمود مر خدا راست فرشتگان که موکلند بقبر حسین ع پس چون تمام شود زیارت
مردی میدهد بایشان گناهان او را پس چون بگذارد گامی محو کنند آن گناهان را و بعد از
آن چون بگذارد گامی مضاعف کنند از برای او حسنات او را بعد از آن مضاعف
کنند تا آنکه واجب شود از برای او بهشت پس بگردد در آیند فرشتگان و بپاکی ذکر
کنند او را و ندا کنند فرشتگان آسمان را که بپاکی یاد کنید زیارت کنندگان دوست

خدا را پس چون غسل کنند زیارت کنندگان ندا کند ایشان را محمد رسول الله ص که ای گروه
خدا بشارت باد شما را برفیقی با من در بهشت بعد از آن ندا کند ایشان را امیرالمؤمنین ع
که من ضامنم حاجتهای شما را و دفع بلا را از شما در دنیا و آخرت بعد از آن فرشتگان
بگرد ایشان در آیند از راست و چپ ایشان تا آنکه باز گردند باهل خود و در روایت از
صالح نیلی که گفت فرمود امام جعفر صادق ع که هرکه بیاید بقبر حسین ع در حالیکه شناسا
حق او را چون کسی باشد که صد حج کرده باشد با رسول خدا ص روایت شده که خدای تعالی
خلق میکند از عرق زیارت کنندگان [illegible] حسین ع هفتاد هزار فرشته را که تسبیح و تهلیل
میگویند خدا را و طلب آمرزش میکنند از برای زیارت کنندگان حسین ع تا روز
قیامت روایت شده از اسحق بن عمار که گفت شنیدم امام جعفر صادق ع را که میفرمود
موضع قبر حسین ع در بیست [illegible] و از اسحق بن عمار که گفت شنیدم امام
جعفر صادق ع را که میفرمود [illegible] آسمانها [illegible] مگر آنکه سؤال میکنند
که اذن دهند ایشان را بزیارت قبر حسین ع [illegible] میآیند و گروهی باز میگردند
و روایت است از داود رقی که گفت شنیدم امام جعفر صادق ع را که فرمود خلق کرده
است خدا خلقی بیشتر از فرشتگان بدرستیکه فرود میآیند از آسمان هر شام
هفتاد هزار فرشته طواف میکنند کعبه را تا آنکه طلوع کند صبح باز میگردند
بقبر پیغمبر ص و سلام میکنند بر وی پس میآیند بقبر حسین ع و سلام میکنند بر او پس
میآیند عروج میکنند بر آسمان قبل از طلوع آفتاب پس از آن نازل میشوند هفتاد هزار
فرشته دیگر در وقت ظهر و طواف میکنند در خانه کعبه تا غروب آفتاب در میگردند
بقبر پیغمبر ص و سلام میکنند بر وی بعد از آن میآیند بقبر امیرالمؤمنین ع و حسن و حسین ع
و سلام میکنند بر ایشان بعد از آن بآسمان میروند پیش از غایب شدن آفتاب

روایتشده از حنان بن سدیر از پدر او که گفت مرا ابا عبدالله جعفر صادق ع که ای سدیر زیارت میکنی قبر حسین ع را در هر روز گفتم نه فرمود پس زیارت میکنی در هر ماه گفتم نه فرمود زیارت میکنی در هر سال گفتم گاهی میشود این فرمود یا سدیر عجب جفائی میکنید شما حسین ع را آیا نمیدانید که خدا را هست هزار هزار فرشته ژولیده موی با خاک آلوده که گریه میکنند و زیارت میکنند قبر حسین ع را و مانده نمیشوند و بر خود لازم گردانیده‌اند بر که زیارت کنی قبر حسین ع را در هر جمعه پنج بار و هر روز یکبار گفتم فدایت گردم میان ما و میان وی فرسخهای بسیار است پس فرمود مرا که بلند شو بر بالای بام خود پس نظر بر راست و چپ کن پس سر بر آسمان بلند کن بعد از آن قصد کن بجانب قبر و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ نوشته میشود از برای تو بهر زیارتی ثواب یک حج و یک عمره و امام حسین ع شهید شد بحوالی کوفه در زمین کربلا از اهل عراق روز شنبه دهم محرم و بقولی روز جمعه یا دوشنبه آن در سال شصت و یکم از هجرت و بنا بر قولی در آن روز عمر مبارکش پنجاه و هشت سال بود و قبر مبارک او بکربلا است از نینوا و غاضریه از قری نهرین و کشنده او سنان بن انس نخعی و شمر بن ذی الجوشن ملعون علیهما اللعنة ملاء السموات والارضین و علی العالمین الذین سعوا فی قتل الامام علیه السلام **فضل زیارت** ایشان در زیارت امام زین العابدین ع و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم الصلوة والسلام روایتشده از حضرت صادق ع که السلام در فرمودند هر که زیارت کند مرا آمرزیده شود جمیع گناهان او و نمیرد در حال فقر و روایتشده از امام حسن عسکری ع که فرمود هر که زیارت کند حضرت صادق و پدران او علیهم السلام را در دنیا نرسد چشمهای وی و نرسد او را دردی و نمیرد مبتلا و روایتشده از حضرت صادق

که هرکه زیارت کند امام [illegible] نزد وی [illegible] بسیار عبادت نوشته
شود از برای او حج و عمره و گفتند حضرت صادق را چیست حکم آنکه زیارت کند یکی
از شما را فرمود چنان باشد که زیارت کرده باشد رسول خدا را و فرمود امام رضا که
از برای هر امامی عهدیست در گردن شیعیان و موالیان او و بدرستیکه از تمام
وفا بعهد و درستی ادای آن زیارت قبرهای ایشانست پس هرکه زیارت کند
ایشان را در حالیکه رغبت باشد او را در زیارت ایشان و باور باشد او را در آنچه
رغبت کرده در آن باشند امامان شفیعان او در روز قیامت اما امام زین العابدین
مروان بن حکم کشنده اوست [illegible] بزهر بود و روایتی ولید بن
عبدالملک بن مروانست [illegible] شد [illegible] بود در مدینه
در سال نود و پنج و او را [illegible] سال بود و اما امام محمد باقر علیه السلام
کشنده او ولید بن عبد [illegible] ولید است بزهر و قبض
شد روح مطهر او در سال صد [illegible] پنجاه و هفت سال بود و اما
امام جعفر صادق علیه السلام [illegible] بزهر و قبض شد روح
مقدس او در شوال سال صد و چهل و هشت و او را شصت و پنج سال بود و قبرهای
شریف و بزرگوار ایشان در بقیع است **فصل دوازدهم** در زیارت
امام موسی علیه السلام از محمد بن احمد بن داود از سلامة بن محمد گفت خبر داد ما را احمد بن علی
بن ابان قمی از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی وشا گفت پرسیدم از امام علی
بن موسی الرضا علیهما السلام از زیارت قبر پدر او فرمود چون زیارت قبر امیرالمؤمنین است
الا آنکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین است فضل از ایشان و از حسین بن
احمد بن ادریس از پدر او از سلامة بن خطاب از علی بن حسان از ابن سنان گفت

پرسیدم از حضرت امام رضا ع که چیست از برای آنکه زیارت کند پدر ترا فرمود بهشت
پس زیارت کن تو او را و روایت از وی و پدر وی از احمد بن داود گفت حدیث کرد
ما را احمد بن جعفر المؤدب از محمد بن احمد بن یحیی از یعقوب بن زید از حسین بن بشار واسطی
گفت گفتم بحضرت امام رضا ع که چیست از برای آنکه زیارت کند قبر پدر بزرگوار ترا فرمود
آنحضرت زیارت کن او را گفتم پس چه چیز است در آن از فضل فرمود مثل فضل آنکه زیارت
کند قبر پدر او را یعنی رسولخدا ص گفتم و اگر ترسم و ممکن نباشد مرا که داخل شوم فرمود سلام کن
از پشت قبر و روایت شده از محمد بن [illegible] گفت حدیث کرد ما را ابو جعفر بن احمد بن بابویه
از منصور بن عباس از [illegible] جوهری از زکریا بن آدم قمی از امام رضا ع فرمود بدرستیکه
خدای تعالی نجات [illegible] قبر [illegible] امام محمد تقی ع که در سنت قبض
شد روح مطهر او [illegible] بود از رجب سال صد و بیست
و او را [illegible] پنجاه و پنج [illegible] او است بباب الفیل از مدینه
السلام در قبرستان [illegible] آنحضرت هرون بزهر بدست
سندی بن شاهک لعنة الله علیهما **فصل سی و هفتم** در زیارت امام علی بن موسی
الرضا ع حدیث کرد ما را باسناد خود شیخ فقیه ابو جعفر رضی الله عنه گفت حدیث
کرد ما را محمد بن علی بن ماجیلویه گفت حدیث کرد ما را علی بن ابرهیم بن هاشم از پدر
خود گفت حدیث کرد ما را عبد الرحمن بن حماد گفت حدیث کرد ما را عبد الله بن
ابرهیم از پدر خود از حسین بن زید گفت شنیدم از امام جعفر صادق ع که میفرمود بیرون
میآید مردی از فرزندان پسر من موسی ع که نام او نام امیر المؤمنین ع است پس دفن میشود
در زمین طوس و آن در خراسان است کشته شود او را از زمین بزهر پس دفن میشود در حال غربت
هر که زیارت کند او را در حالیکه شناسد حق او را امید دهد او را خدا عز و جل ثواب آنکه نفقه

کرده است قبل از فتح و جهاد کرده است حدیث کرد ما را احمد بن زیاد همدانی گفت
حدیث کرد ما را علی بن ابراهیم بن هاشم گفت حدیث کرد ما را محمد بن عیسی بن عبید
گفت حدیث کرد ما را محمد بن سلیمان مصری از پدر خود ابراهیم بن ابی حجر اسلمی
گفت حدیث کرد ما را قبیصه از جابر بن یزید جعفی گفت شنیدم از وصی وصیان و وارث
علمهای پیغمبران اباجعفر محمد بن علی الباقر ع فرمود حدیث کرد مرا پدرم سید العابدین
فرمود حدیث کرد مرا پدرم حسین بن علی فرمود حدیث کرد مرا پدرم امیر مؤمنان
و سید وصیان علی بن ابیطالب علیهم السلام که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله زود باشد
که دفن شود پاره از بدن من بزمین خراسان که زیارت نکند او را هیچ مکین الا آنکه بگشاید
خدا غم او را و نه گناهکاری الا آنکه بیامرزد خدا گناهان او را حدیث کرد ما را محمد بن حسن
بن احمد بن ولید گفت حدیث کرد ما را محمد بن حسن بن ابان گفت خواندم کتاب ابوالحسن
الرضا علیه السلام را که برسانید بشیعیان ما که زیارت من برابر است نزد خدا با هزار
حج و هزار عمره که مقبول باشد گفت گفتم بامام محمد تقی علیه السلام برابر
هزار حج است فرمود بخدا سوگند و هزار هزار حج برای کسی که زیارت کند او را در حالیکه
شناسد حق او را حدیث کرد ما را پدر من گفت حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله
گفت حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی خطاب از احمد بن محمد بن ابی
نصر بزنطی گفت شنیدم از امام رضا علیه السلام که میگفت زیارت نکند مرا هیچکس از دوستان
من در حالیکه شناسد حق مرا الا آنکه قبول شود شفاعت من در حق وی روز قیامت
حدیث کرد ما را علی بن عبد الله وراق گفت حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله بن ابی
خلف گفت حدیث کرد ما را عمران بن ابی موسی از حسن بن علی ابن نعمان از محمد بن
فضیل از غزوان الضبی گفت خبر داد مرا عبد الرحمن بن اسحق از نعمان بن سعد گفت فرمود

امیرالمؤمنین ع که زود باشد که کشته شود مردی از فرزندان من بزمین خراسان
بزهر از ظلم که نام او نام من باشد و کنیه او کنیه من است و نام پدر او نام پسر عمران
باشد موسی ع آگاه باش که هر که زیارت کند او را در غربت او بیامرزد خدا گناهان او را
هرچه گذشته باشد از آن و هرچه آید اگرچه باشد مثل عدد ستارگان و قطره باران
و برگ درختان حدیث کرد ما را جعفر بن محمد گفت حدیث کرد ما را حسین بن محمد از
عم خود عبدالله بن عامر از سلیمان بن حفص مروزی گفت شنیدم از امام
موسی ع که میگفت هر که زیارت کند قبر فرزندم علی را هست او را نزد خدای عزوجل هفتاد
حج نیکو گفتم هفتاد حج فرمود بلی هفتاد هزار حج نیکو پس فرمود آنحضرت که بسا
باشد که قبول نشود و هر که زیارت کند او را یا بیتوته کند نزد او شبی را باشد مثل آنکه زیارت
کرده خدا را در عرش او گفتم مثل آنکه زیارت کرده خدا را در عرش او فرمود بلی چون روز
قیامت شود باشند بر عرش خدا چهار کس از اولین و چهار کس از آخرین اما اولین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ع
و اما چهار کس از آخرین محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین
بعد از آن میگشایند بساطی را پس می‌نشینند با ما زیارت کنندگان
قبرهای امامان آگاه باش که بلندترین ایشان از درجه و مقرب‌ترین ایشان زیارت
کنندگان قبر فرزند من علی است گفت شیخ فقیه ابوجعفر ره که معنی قول امام
علیه السلام مثل آنست که زیارت کرده خدا را در عرش نیست تشبیه از برای آنکه
فرشتگان زیارت میکنند عرش را و پناه میبرند بآن و طواف میکنند بر گرد آن و میگویند
که زیارت میکنیم خدا در عرش چنانچه میگویند آدمیان حج میکنیم خانه خدا را و
زیارت میکنیم خدا را از برای آنکه خدای تعالی موصوف نمیشود بآنکه در مکانی است تعالی
عن ذلک علواً کبیراً حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن یحیی عطار گفت حدیث کرد

ما را سعد بن عبد الله از ایوب بن نوح گفت شنیدم از ابا جعفر محمد بن علی بن موسی
الرضا علیهما السلام که میفرمود هر که زیارت کند قبر پدر مرا بطوس بیامرزد خدا از وی هر چه
گذشته است از گناهان وی و هر چه آید پس چون روز قیامت شود بگذارند از برای
او منبری بمقابل منبر رسول الله صلی الله علیه و آله پس بنشیند بر آن تا آنکه فارغ شود
خدا از حساب بندگان خود حدیث کرد ما را حسین بن ابراهیم بن تاتانه گفت حدیث
کرد ابراهیم بن [بن] از پدر خود از محمد بن ابی عمیر از حمزه بن حمران گفت فرمود امام جعفر صادق ع
کشته میشود فرزند زاده من بزمین خراسان در شهری که آنرا طوس گویند هر که زیارت کند او را
در حالیکه شناسد حق او را بگیرم او را بدست خود روز قیامت و داخل کردانم او را
بهشت اگرچه باشد از اهل گناهان کبیره گفتم فدای تو گردم چیست شناختن او گفت آنکه
داند که او امام مفترض الطاعه غریب شهید است هر که زیارت کند او را در حالیکه
شناسد حق او را عطا کند او را خدا ثواب هفتاد شهید از آنانکه شهید شدند
پیش رسول الله ص حقیقة حدیث کرد ما را [illegible] گفت حدیث کرد ما را
محمد بن عبد الله کوفی از احمد بن محمد صالح رازی از حمدان دیوانی گفت فرمود امام
رضا علیه السلام هر که زیارت کند مرا از دوری خانه من میآیم او را روز قیامت
در سه موضع تا آنکه خلاص کردانم او را از هولهای آن در وقتیکه پرواز کند کتابها
از راست و چپ و نزد پل صراط و نزد ترازو حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم بن اسحق
ره گفت حدیثکرد ما را عبد العزیز بن یحیی گفت حدیث کرد ما را محمد بن زکریا گفت
حدیثکرد ما را محمد بن عماره از پدر خود از حضرت صادق ع جعفر بن محمد ع از پدر خود از
پدران خود علیهم السلام گفت فرمود رسول الله ص زود باشد که دفن شود پاره از بدن
من بزمین خراسان زیارت نکند او را مؤمنی الا آنکه واجب کند خدا تعالی

از برای او بهشت و حرام گرداند بدن او را بر آتش حدیث کرد ما را محمد بن ابرهیم حدیث کرد ما را محمد همدانی گفت حدیث کرد ما را علی بن حسن بن علی بن فضال از پدر خود از ابی الحسن علی بن موسی الرضا ع که او فرمود بدرستیکه در خراسان پاره زمینی است که میآید زمانی که میگردد مکانی که آمد و شد کنند فرشتگان پس همیشه فرود آیند گروهی از آسمان و گروهی بالا روند بآن تا آنکه صور دمیده شود پس گفتند او را یا بن رسول الله کدام پاره زمین است این فرمود زمین طوس و بخدا سوگند این روضه ایست از روضهای بهشت هرکه زیارت کند مرا در این زمین چنان باشد که زیارت کرده رسولخدا را و بنویسد خدایتعالی از برای او بآن ثواب هزار حج مقبول و هزار عمره نیکو و باشیم من و پدران من شفیعان او در روز قیامت حدیث کرد ما را محمد بن موسی بن متوکل گفت حدیث کرد ما را علی بن ابرهیم از پدرش از ابی الصلت عبد السلام بن صالح هروی گفت شنیدم از امام رضا علیه السلام که میفرمود بخدا سوگند نیست هیچیک از ما الا کشته و شهید شده پس گفتند که میکشد ترا یا بن رسول الله فرمود بدترین خلق خدا در زمان من میکشد مرا بزهر بعد از آن دفن میکنند مرا در خانه تنگ و شهر غربت هرکه زیارت کند مرا در غربت بنویسد خدایعزوجل از برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج کننده و عمره کننده و صد هزار جهاد کننده و برانگیخته میشود در گروه ما و گردانیده شود در درجه های رفیع تر از بهشت با ما حدیث کرد ما را محمد بن الحسن رحمه الله گفت حدیث کرد ما را محمد بن الحسن صفار از احمد بن محمد بن عیسی از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی گفت خواندم در کتاب امام رضا ع که برسان بشیعه من که زیارت من نزد خدای تعالی برابر است بهزار حج گفت پرسیدم امام محمد تقی ع را که هزار حج است فرمود بلی بخدا سوگند که هزار هزار حج است از برای آنکه زیارت کند او را در حالیکه شناسنده حق او را

حدیث کرد ما را محمد بن ابراهیم گفت خبر کرد ما را احمد بن محمد همدانی از علی بن حسن بن علی بن فضال از پدر او از ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام که گفت او را مردی از اهل خراسان یابن رسول الله دیدم رسول الله ص را در خواب که گویا میگفت مرا که چگونه است حال شما در وقتی که دفن شود در زمین شما پاره از بدن من و سپارند بشما امانت من و پنهان شود در خاک شما ستاره من پس گفت او را امام رضا ع آن منم که دفن میشوم در زمین شما و منم پاره از بدن پیغمبر شما و منم آن امانت و ستاره آگاه باش هرکه زیارت کند مرا و او داند آنچه واجب کرده است خدا تعالی از حق من و طاعت من پس من و پدران من شفیعان [illegible] او باشیم [illegible] قیامت و هرکه ما باشیم شفیعان او روز قیامت رستگار شود و اگرچه باشد بر او [illegible] گناهان جن و آدمیان حدیث کرد ما را احمد [illegible] گفت [illegible] از امام محمد تقی ع که چیست از برای آنکه زیارت کند [illegible] هرکه زیارت کند قبر پدر مرا در طوس بیامرزد خدا او [illegible] است و هرچه کند بعد از آن و قبض شد روح مطهر او در طوس [illegible] قریه سناباد در ماه صفر در سال دویست و سه و او را در آن روز پنجاه و پنج سال بود و قبر او در شهر طوس است بقریه سناباد و کشنده او مامون است علیه اللعنه بزهر

فصل چهارم در زیارت امام محمد تقی ع

روایت کرد ابراهیم بن عقبه گفت نوشتم بامام علی نقی ع و سوال کردم از وی از زیارت امام حسین ع و امام موسی و امام محمد تقی علیهم السلام در بغداد پس نوشت آنحضرت بمن که المقدم فاضلتر است و این جمیعا بزرگتر است از اجر و قبض شد روح مطهر او در بغداد آخر ذی القعده سال دویست و بیست و او را در آن روز بیست و پنج سال بود و قبر شریفش در بغداد است بقبرستان

ذبیش در پشت بغداد موسی بن جعفر علیهما السلام کشنده او مأمون است و
گفته اند معتصم است و بعضی گفته اند ام الفضل است لعنت خدا بر کشنده
او باد

فصل پانزدهم در زیارت امام علی نقی و امام حسن عسکری ع

روایت شده از حضرت صادق ع که فرمودند هر که زیارت کند ما را بعد از وفات
ما چنان باشد که زیارت کرده است ما را در حیوة ما و هر که جهاد کند دشمنان ما را
چنان باشد که جهاد کرده باشد با ما و هر که دوستی کند دوستان ما را چنان
باشد که دوستی کرده است با ما و هر که شاد گرداند مؤمن ما را شاد کرده باشد
است ما را و هر که یاری کند فقیر ما را ثابت است جزای او بر جد من رسول الله ص و فرمود
آنحضرت هر که زیارت کند امام مفترض الطاعه را بعد از وفات او و نماز کند نزد
او چهار رکعت نوشته شود از برای او حجی و عمره و فرمود حضرت امام رضا ع
بدرستیکه از برای هر امامی عهدیست در گردن دوستان او و شیعیان
او بدرستیکه از تمامی وفای بعهد و نیکی ادای آن زیارت قبرهای ایشان است
پس هر که زیارت کند ایشان را از روی رغبت بزیارت ایشان و تصدیق در
آنچه رغبت کرده اند ایشان باشند امامان او شفیعان او در روز قیامت
و قبض شد روح مطهر امام علی نقی ع در سرمن رای در ماه رجب سال دویست
و پنجاه و چهار و آنحضرت را در آن روز چهل و یکسال بود و اما امام حسن عسکری ع قبض
شد روح پاک او در سرمن رای هشتم ربیع الاول سال دویست و
شصت و او را در آن روز بیست و هشت سال بود و قبر او بجانب قبر پدر او است
در خانه که دفن شده است پدر او و خانه ایشان بسرمن رای و کشنده امام
علی نقی ع متوکل است لعنه الله علیه و کشنده امام حسن عسکری ع معتمد است و بعضی

گفته اند گشنده هر دو یکی است **باب سیم** در آن هفت فصل است **فصل اوّل** در معرفت ایمان فرموده خداوند تعالی در سوره انعام الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ یعنی آنکسانیکه ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود را بظلم آنگروه ایشانراست ایمنی و ایشان راه یافتگان اند و فرموده است در سوره جن إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا یعنی گفتند قوم جنیان بدرستیکه ما شنیدیم قرآن عجب که خلاف سخن خلقت و در او دلائل اعجاز است راه نماید برشد و صلاح پس ما ایمان آوردیم بان و هرگز شریک نگردانیم در عبادت پروردگار خود احدیرا و فرمود که فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا پس هر که ایمان بیاورد بخدای خود پس او نترسد از بیم نقصان و ظلم و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایمان دو نصف است نصفی صبر و نصفی شکر و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که ایمان شناختن است بدل و اقرار بزبان و عمل کردن بعضوها و از حضرت صادق ع از پدران خود از پیغمبر ص که ایمان گفتار است بزبان و شناختن است بعقل و پیروی رسول الله ص و فرمود پیغمبر ص در ذکر خصلتهای ایمان که بالاترین آن شهادت لا اله الا الله و پست ترین آن دور گردانیدن آزار است از راه حضرت امام رضا ع فرمود حدیث کرد مارا پدرم از پدر خود از پدران خود از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام گفت فرمود رسول خدا ص که ایمان شناختن است بدل و اقرار است بزبان و عمل کردن بعضوها و آمد جبرئیل ع بصورت اعرابی نزد پیغمبر در حالیکه پیغمبر ص نشناخت او را پس گفت

چیست یا محمد ایمان فرمود آنحضرت گرویدن بخدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب
و پیغمبران و برانگیختن بعد از مردن گفت راست فرمودی یا محمد چیست اسلام فرمود
رسول خدا ص شهادت لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله و بپای داشتن نماز و دادن
زکوة و روزه داشتن ماه رمضان و حج کردن خانه خدا گفت راست گفتی یا محمد روایت
است از حضرت امام جعفر صادق ع از پدر خود که فرمود ایمان را چهار رکن است توکل
و اعتماد بر خدا و تفویض و باز داشتن کار بخدا و تسلیم و فرمان امر خدا و راضی شدن
بقضا و حکم خدا و از پیغمبر ص روایت است که فاضلترین ایمان مرد آنستکه بداند که
خدا با اوست هرجا که باشد و گفت پیغمبر ص در روایتی که آمد مردی نزد امیر المؤمنین ع پس
پرسید او را از ایمان فرمود آنحضرت که ایمان بر چهار رکن است صبر و یقین و عدل
و جهاد و قول خدای تعالی انک لعلی خلق عظیم بدرستیکه تو بر خلق عظیم و بزرگی
گفت آن ایمانست از امام جعفر صادق ع گفت فرمود رسول خدا ص که ایمان اقرار
بزبان است و کار کردن به ارکان و اسلام اقرار است بی عمل و از امام محمد باقر ع
در قول خدای تعالی و الزمهم کلمة التقوی یعنی لازم گردانیده است خدا بر
ایشان کلمه تقوی را فرمود کلمه تقوی ایمانست و در قول خدای تعالی هو الذی
انزل السکینة فی قلوب المؤمنین یعنی اوست آن خداوندیکه فرو
فرستاد سکینه را در دلهای مؤمنین فرمود سکینه ایمان است و فرمود
امام محمد باقر ع که هر که ایمان آورد بخدا خوار نگردد و هر که پناه بخدا برد مغلوب نمیشود و
هر که فرمان خدا برد نیست نشود و هر که نافرمانی خدا کند سلامتی نه بیند و فرمود امیر المؤمنین ع
پسر خود حسن ع که چیست ایمان و چیست یقین فرمود امام حسن ع که ایمان آنست
که میشنویم بگوش خود و باور میکنیم و یقین آنستکه می بینیم بچشمهای خود

فصل دوم در شناختن اسلام گفت خدا تعالی در سوره آل عمران وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ یعنی هر که طلب کند بغیر از اسلام دینی پس هرگز قبول نکرد آن از وی واو در آخرت از جمله زیان کاران است واز امام جعفر صادق منقول است که فرمود رسولخدا که اسلام گفتاری کرداریست وایمان گفتار و کردار است و دو برادرند با یکدیگر شریک وفرمود خدا تعالی در سوره حجرات قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ یعنی گفتند عربان بادیه که ایمان آوردیم بگو یا محمد که شما ایمان نیاوردید ولیکن بگوئید که اسلام آوردیم یعنی بزبان میگوئید که ایمان داریم ودر دل اعتقاد ندارید ایمان [illegible] داخل نشده است ایمان در دلهای شما وفرمود در [illegible] وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا گفتند قوم جن بدرستیکه بعضی از ما مسلمان وفرمان بردارانند وبعضی ظالمانند پس هر که مسلمان شده آنانند که برگزیدند راه راست وصلاح را وفرمود رسولخدا بنا نهاده شده است اسلام بر چهار رکن صبر ویقین وجهاد وعدل وفرمود رسولخدا مسلمان آنکسی است که سالم وایمن باشند از زبان او ودست او

فصل سیم در شناختن مؤمن ونشانهای وی فرمود خدا تعالی در سوره مؤمنون بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ
رَاعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

یعنی بتحقیق که رستگاری یافتند مؤمنان آنانکه این صفت دارند که در نماز خود ترسنده و تواضع کننده اند و آنانکه از سخنان لغو و عبث و بیهوده اعراض کننده اند و روی گردانند[ه]اند و آنانکه زکوة را بفعل آورنده اند و آنانکه فرجهای خود را حفظ کننده و نگاه دارنده اند مگر بر زنان خود و کنیزان که ملک ایشان باشند که ایشانرا هیچ ملامتی و سرزنشی نیست در آن پس هر که طلب کند از برای فرجهای خود غیر این پس ایشان از حد تجاوز کنندگانند و آن مؤمنان که بر جمیع نمازهای خود و در وقتهای آن محافظت کننده اند ایشانند آن که وارثانند آن وارثانی که میراث میبرند فردوس را و ایشان در آن همیشه باشند و فرمود امیرالمؤمنین ع که نشانهای مؤمن چهار است خوردن او مثل خوردن بیماران است و خواب او مانند خواب کسی است که در عرفات باشد و گریه او مثل گریه زنی است که فرزند او مرده باشد و نشستن او مانند نشستن آنست که از درد بی آرام باشد و روایت شده از امیرالمؤمنین ع که او فرمود مؤمن می باشد راستگوی در دنیا دل او نگاه دارنده است حفظ کننده حدها است ظرف علم است عقل او کامل است مکان کرم است دل او سلیم است حلم و بردباری او ثابت است بدوست خود مهربانست بخشنده است گشاده است در احسان زبان او لطیف است تبسم او بسیار است حزن او دائم است فکر او کثیر است خواب او قلیل است خنده وی کم

است طبیعت او پاکیزه است طمع او مرده است کشنده هوای نفس است
روی گردانیده است از دنیا رغبت کننده است در آخرت دوست میدارد
مهمانرا و نوازش میکند یتیمرا و لطف میکند طفلرا و بزرگ میدارد پیر را و عطا می
کند سائل را و عیادت میکند بیماررا و پیروی میکند جنازهها را و میشناسد حرمت
قرآن را و راز میگوید خدا را و گریه میکند بر گناهان امر میکند بمعروف
و نهی میکند از منکر خوردن او گرسنگی است و آشامیدن او تشنگی
است و حرکت او با ادب و گفتار او با اندازه و موعظه او بنرمی نمیترسد مگر خدا را
و امید ندارد الا بخدا و مشغول است [illegible] و [illegible] نمیدهد و بزرگی
نمیکند و کبر نمیکند بمال دنیا مشغول است بعیب خود و [illegible] از عیب غیر خود نماز
روشنی چشم اوست و [illegible] خوشی اوست و [illegible] عادت اوست
و شکر مرکب اوست و [illegible] اوست و [illegible] توشه اوست و دنیا
دکان اوست و قبر منزل اوست و [illegible] اوست و بهشت منزل
و جای اوست و قرآن حدیث [illegible] اوست و خدا جل
ذکره مونس اوست و فرمود رسول خدا ص مثل مومن نزد خدا تعالی مثل فرشته
مقربست و بدرستیکه مومن بزرگتر است نزد خدا تعالی از فرشته و نیست
دوستتر نزد خدا تعالی از مرد مومن توبه کار و از زن مومنه توبه کار و فرمود رسول
الله ص آمد جبرئیل از نزد پروردگار عز و جل و میگفت پروردگار من سلام میرساند
ترا و میگوید یا محمد بشارت ده آن مومنانرا که میکنند عملهای صالح و ایمان میاورند
بتو و پیغمبران قبل از تو و به اهل بیت تو بهشت که از برای ایشانست نزد من
جزای نیکوتر زود باشد که داخل شوند بهشت را و فرمود رسول خدا ص

مؤمن آینهٔ مؤمن است مؤمن برادر مؤمن است مؤمن اندک است مؤنت او مؤمن
عاقل و زیرک است مؤمن مهربان با الفت است مؤمن آنستکه ایمن دارند او را
مردمان بر نفسهای خود و مالهای خود مؤمن عزیز و بزرگوار است و فاجر فریب
دهندهٔ نابکار است مؤمن از برای مؤمن مثل بناهائیستکه محکم است بعضی از آن
بعضی مؤمن نزد اهل ایمان بمنزله سر است ببدن مؤمن روز قیامت در سایه
صدقه خویش است مؤمن میخورد بیک روده و کافر میخورد بهفت روده مؤمنان
سهل انگاران نرم [illegible] بهار مؤمنست [illegible] مؤمن است
نماز نور مؤمن است دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر است حکمت گمشده
مؤمن است نیت مؤمن بهتر از کردار او و [illegible] از مؤمن سؤال است از در
او تحفه مؤمن [illegible] مؤمن [illegible] است در شب و عزت او استکه
بی نیاز باشد از مردمان

فصل چهارم در حق مؤمن بر مؤمن

فرمود رسول خدا ص از برای مؤمن بر مؤمن [illegible] حق واجبست از جانب خدای تعالی
بزرگ داشتن او را در چشم خود و دوست داشتن او را در دل خود و برابر داشتن او را
با خود در مال خود و آنکه حرام داند غیبت او را و عیادت و دیدن کند او را در
بیماری او و پیروی کند جنازهٔ او را و نگوید ذکر او بعد از مرگ او مگر به نیکی

فصل پنجم در حال مؤمن

گفت پیغمبر خدا ص که دنیا زندان مؤمن
و بهشت کافر است و از امام جعفر صادق ع آنکه خدای تعالی گردانیده است
دوست خود را در دنیا نشانه تیر بلا و نیز از اسرار و رموزیستکه خالی نیست مؤمن
یکی از سه چیز جمیع آنکه باشد با وی در سرای خود شخصی که ببندد در وی
در را تا آزار کند او را یا گذر کند در راه خود بحاجت خود شخصی که آزار کند او را اگر

و اگر مؤمن بر سر کوهی باشد برانگیزاند خدا بروی شیطانی را که آزار کند
اورا و بگرداند از برای وی از ایمان مونسی که وحشت نگیرد با آن از هیچکس و فرمود
رسولخدا ص اگر مؤمن بر تخته باشد در دریا هر آینه بگمارد خدا بروی شیطانی
را که آزار کند اورا و فرمود آنحضرت اگر باشد مؤمن در سوراخ موشی هر آینه
بگمارد خدا بروی شخصی را که آزار کند اورا و فرمود رسولخدا ص نمیباشد در
دنیا هیچ مؤمن الا آنکه اورا همسایه ایست که آزار میکند اورا و فرمود پیغمبر ص
نبوده است و نمیباشد و نخواهد بود هیچ [illegible] و نه وصیی الا آنکه اورا
خویشی است که آزار میکند اورا یا همسایه است که آزار میکند اورا و فرمود آنحضرت
که جدا نمیشود مؤمن از [illegible] از [illegible] از همسایه که [illegible] اورا و شیطانی که
گمراه میکند اورا و منافقی که [illegible] مؤمنی که حسد برد اورا و از
امام محمد باقر ع مرویست که فرمود [illegible] با اهل خانه خود پس
اگر نباشد اورا اهل خانه پس [illegible] باب ششم در برادران
مؤمن و زیارت کردن ایشان فرمود خدا تعالی در سوره حجرات إِنَّمَا
الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
یعنی نیستند مؤمنان مگر برادر پس اصلاح دهید میان دو برادر خود و بترسید
از خدا تا آنکه خدا شما را رحم کند و فرمود رسولخدا ص مؤمن برادر مؤمن است
و فرمود علی بن موسی الرضا ع از پیغمبر ص که زیارت میکنند اهل بهشت خدای
تبارک و تعالی را در هر جمعه و آنانکه دوستی میکنند با یکدیگر در راه خدا زیارت
میکنند یکدیگر را در هر روز پنجاه و دو بار و فرمود امیرالمؤمنین ع هر یک از
دو شخص را که برادر باشند باهم در راه خدا هیئت و لباسی است که مانند هیئت

ان مصاحب ان باشند و ایشان شناخته میشوند باین تا انکه داخل میشوند در سرای خدا یعز و جل که آن بهشت است فرماید خدای تبارک و تعالی خوش آمدید بندکان من و خلقان من و زیارت کنندکان من و دوستی کنندکان بایکدیکر در محل و مکان اکرام و بخشش من و فرماید که طعام دهید ایشان را و آب دهید ایشان را و بپوشید ایشانرا پس اولا کسانیکه پوشیده میشوند از ایشان هفتاد کسند تا صد هزار میپوشند ایشان را جامها که نماند هیچ یک بدیکری بعد از آن میفرماید خدای تبارک و تعالی خوش آمدید ای بندکان و زیارت کنندکان من و همسایکان من در جای کرامت من ای دوستی کنندکان با یکدیکر در راه من و کوید طعام دهید ایشانرا و خوشبوی کردانید ایشان را پس میپاشد برایشان بوی خوشی از عطری که مثل آن ندیده اند قبل از آن و بعد از آن میفرماید خدا با ایشان را خوش آمدید خوش آمدید ده بار تا انکه فرود میآیند ایشانرا در همسایه ها که در پیش ایشان است خوانی از طلا و نقره حدیث کرد ما را ابوجعفر محمد بن بابویه از پدر خود کفت حدیث کرد مرا سعد بن عبد الله از احمد بن محمد از حسین بن محبوب از ابی جمیله از جابر از امام محمد باقر؏ فرمود فرشته از فرشتکان کذر کرد بمردی ایستاده بر در خانه پس کفت او را آنفرشته بنده خدا چرا ایستاده بر در خانه کفت برادری از من در اینخانه هست میخواهم سلام کنم بروی کفت آنفرشته آیا میان تو و میان او خویشی و قرابتی هست یا انکه آورده است ترا بوی حاجتی کفت اند میان من و میان او هیچ خویشی نیست و نیست مرا بوی حاجتی مکر برادری در اسلام و حرمت آن و من باز دید میکنم او را و سلام میکنم بروی از برای خداوندی که پروردکار

ظالمان است پس گفت آن فرشته بدرستیکه من رسول خدایم بتو و او میخواند
ترا سلام و میگوید زیارت کردی تو مرا و بازدید کردی الامرا و بتحقیق که واجب
گردانیدم از برای تو بهشت را و عافیت دادم ترا از غضب خود و زنهار دادم ترا
از آتش روایت کرد ابوالقاسم جعفر بن محمد از پدر خود سعد بن عبد الله از محمد بن
حسین از محمد بن مهران از علی بن عثمان رازی گفت شنیدم از امام موسی کاظم
فرمود هرکه قدرت نیابد بزیارت ما باید زیارت کند صالحان برادران خود را
تا آنکه نوشته شود از برای وی ثواب زیارت ما و هرکه قدرت نباشد او را
صله و پیوند کند با ما باید صله و پیوند کند با صالحان [illegible] خود را تا آنکه نوشته
شود از برای او ثواب صله [illegible] محمد بن [illegible] ازدی گفت شنیدم از امام جعفر صادق
علیه السلام که میفرمود زیارت کند [illegible] خدا الا آنکه بنا کند
او را خدا تعالی ای زیارت کننده [illegible] از برای تو بهشت

فصل هفتم

در دوستی [illegible] خدا فرمود خدا تعالی
در سوره بقره وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ یعنی آنانکه ایمان آوردند قوی ترند
ایشان در محبت خدا را و فرمود در سوره مائده يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ
وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ یعنی ای گروه گروندگان فرا مگیرید جهودان و ترسایان را بدوستی
بعضی از ایشان دوستان اند بعضی را و هرکه از شما دوست دارد ایشان را پس
او نیز از جمله ایشان باشد بدرستیکه خدا راه نمینماید گروه ستمکاران را از ابی
هریره از پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بدرستیکه در حوالی عرش منبرها است از

نور و بر آن گروهی مردمانند که جامهای ایشان از نور است و رویهای ایشان
از نور است نیستند ایشان از پیغمبران و شهیدان رشک میبرند برایشان پیغمبران و شهیدان
گفتند یا رسول الله بفرما ما را کیستند ایشان فرمود ایشان آنانند که دوستی
کرده اند با یکدیگر در راه خدا و با یکدیگر نشسته اند در راه خدا و زیارت کرده اند
یکدیگر را در راه خدا و وحی کرد خدا تعالی بموسی علیه السلام که آیا کردی از برای
من کرداری هرگز عرض کرد خداوندا نماز کردم و روزه داشتم و صدقه کردم و زکوة
دادم از برای تو فرمود بدرستی که نماز از برای تو دلیل و حجت است و روزه سپر است
و صدقه سایه است و زکوة نور است پس کدام عمل کردی از برای من
عرض کرد موسی علیه السلام که خداوندا دلالت کن مرا بر عملی که آن از برای تو
باشد فرمود ای موسی آیا دوستی کردی از برای من دوستی را و آیا دشمنی
کردی از برای من دشمنی را پس دانست موسی که دوسترین عملها نزد خدا تعالی
دوستی است در راه خدا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر دو بنده دوستی
کنند با هم در راه خدا یکی در مشرق و دیگری در مغرب جمع میکند خدا میان
ایشان در روز قیامت و فرمود پیغمبر ص فاضلترین عملها دوستی است در راه خدا
و دشمنی در راه خدا و فرمود آنحضرت علامت دوستی خدا دوستی ذکر خداست
از انس گفت رسول خدا ص فرمود دوستی در راه خدا فرض است و دشمنی در راه
خدا فرض است

باب چهارم در آن نه فصل است فصل اول

در چگونگی وضوء و زکوة ان فرمود خدا تعالی در سوره مائده یَا اَیُّهَا الَّذِینَ
آمَنُوا اِذَا قُمْتُمْ اِلَی الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَاَیْدِیَکُمْ
اِلَی الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُؤُسِکُمْ وَاَرْجُلَکُمْ اِلَی الْکَعْبَیْنِ یعنی ای گروه

گرویدگان چون خواهید که بایستید بنماز پس بشوئید رویهای خود را یعنی از موضع بیرون موی سر تا ذقن در درازی و بمقدار آنچه فرا گیرد آنرا انگشت بزرگ و میانین در پهنی و بشوئید دستهای خود را با مرفق یعنی بشوئید از مرفقها تا سر انگشتان و مسح کنید سرهای خود را تا دو کعب آن و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله یا علی چون وضوء سازی بگو بسم الله اللهم انی اسئلک تمام الوضوء و تمام الصلوة و تمام رضوانک و تمام مغفرتک که این زکوة وضوء است و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام جایز نیست نماز کردن تا آنکه پاکیزه کنی عضو خود را که آن روی و دست و سر و دو پای است باب و پاکیزه کند دل خود را ... امیر المؤمنین علیه السلام چون حاضر میشد وقت نماز مضطرب میشد و متغیر میشد رنگ مبارک او پس پرسیدند آنسرور را از آن فرمود آمد ... امام حسین چون وضوء میگرفت متغیر میشد رنگ او ... پرسیدند او را از آن فرمود دهشت آنرا که میان ... او و بلرزد اعضای او

فصل دوم در ذکر سبب واجب شدن پنج نماز در این پنج وقت فرمود خدا تعالی در سوره بنی اسرائیل اقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق الیل وقران الفجر ان قران الفجر کان مشهودا یعنی برپا دار نماز را در وقت زوال آفتاب تا نصف شب یعنی نماز پیشین و پسین و شام و خفتن را و قران فجر را که آن نماز صبح است و فرمود در سوره طه وسبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن اناء اللیل فسبح واطراف النهار لعلک ترضی یعنی نماز کن با حمد پروردگار خود پیش از بیرون آمدن آفتاب نماز صبح را و پیش از غروب آن نماز پیشین و پسین را و در وقتهای شب بگذار نماز شام و خفتن را و در

طرفهای روز از برای آنکه راضی شوی فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید یهودی پیغمبر صلی الله علیه وآله را و گفت یا محمد از برای چه معین شده است این پنج نماز در پنج وقت بر امت تو در ساعتهای شب و روز پس فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله بدرستیکه آفتاب چون طلوع کند و برسد نزد زوال او را حلقه ایست که داخل میشود در آن پس چون داخل شود در آن زوال کند پس تسبیح گوید خدا را هر چیز که در زیر عرش است از برای پروردگار من در این ساعتیست که صلوات میفرستد بر من در آن پروردگار من پس فرض کرد خدا تعالی بر من و بر امت من در این نماز و فرمود أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ و این ساعتی است که بیاورند جهنم را در روز قیامت پس نیست هیچ مؤمن که موافقت کند در این ساعتها بسجده یا رکوع یا قیام الا آنکه حرام کند خدا بدن او را بر آتش و اما نماز پسین پس این ساعتیست که خورد آدم علیه السلام در آن از درخت پس بیرون کرد او را خدا از بهشت پس امر کرد فرزندان او را با این نماز و اختیار کرد از برای امت من فرض کرد این را و این دوست‌ترین نمازها است بسوی خدای عزوجل و وصیت کرده است مرا بنگاه داشت آن از میان نمازهای و فرمود حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى یعنی محافظت کنید بر جمیع نمازها خصوصا بر نماز پسین و اما نماز شام پس این ساعتی است که خدا تعالی قبول کرد توبه آدم را و بود میان خوردن او از اندرخت و میان قبول کردن خدا توبه آدم را سیصد سال از روزهای دنیا و در آخرت یکروز مثل هزار سال دنیا میشود و آن زمان از پسین بود تا شام پس نماز کرد آدم ع سه رکعت یک رکعت از برای گناه خود و یک رکعت از برای گناه حوا و یک رکعت از برای آنکه قبول کرد خدا توبه او را

پس فرض کرد خدای عزوجل این سه رکعت را بر امت من و این ساعتی است که
مستجاب میشود در آن دعا و این آن نماز است که امر کرده است مرا پروردگار من
و فرمود فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ
پس نماز کنید تسبیح خدا در وقتیکه داخل شام میشوید و در وقتیکه داخل
صبح میشوند و اما نماز خفتن از برای آنکه در قبر تاریکیست و در روز قیامت تاریک
است پس امر کرد مرا پروردگار من باین نماز در اینوقت تا آنکه روشن کند باین
قبرها را و تا آنکه بدهد مرا و امت مرا نوری بر صراط و نیست هیچ قدم که برود بنماز خفتن
الا آنکه حرام گرداند خدا بدن او را از آتش و این نمازیست [illegible] گزیده است آنرا خدای
از برای پیغمبران مرسل قبل از من و اما نماز صبح از برای آنکه آفتاب چون
بر میآید بر دو شاخ شیطان [illegible] پروردگار من عزوجل که بگذارم پیش از
برآمدن آفتاب نماز صبح را و [illegible] کافران سجده کنند
امت من خدا را عزوجل و تعجیل [illegible] محبوبتر است نزد خدای
عزوجل و این نمازیست که گواه میشوند [illegible] فرشتگان شب و فرشتگان روز
گفت آن یهودی راست گفتی یا محمد صلعم حدیث کرد ما را محمد بن موسی المتوکل
گفت حدیث کرد ما را علی بن حسین بغدادی از احمد از امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود چون فرود آمد آدم علیه السلام از بهشت ظاهر شد بروی نشانی سیاه از
سر تا قدم او پس بسیار شد غم او و گریه او بواسطه آنچه ظاهر شد بروی پس آمد
او را جبرئیل ع و گفت او را که چیست که بگریه در آورده است تو را یا آدم فرمود
که گریه میکنم از این سیاهی که ظاهر شده است بمن گفت برخیز یا آدم
و نماز کن که اینوقت نماز اول است پس برخواست آدم ع و نماز کرد پس فرود

آمد آن سیاهی تا گردن او پس آمد جبرئیل ع او را در وقت نماز دوم و گفت
یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز دوم است پس برخواست و نماز کرد پس
فرود آمد آنسیاهی تا سینهٔ او پس آمد او را جبرئیل در وقت نماز سیم و
گفت یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز سیم است پس برخواست
و نماز کرد پس فرود آمد آنسیاهی تا ناف و پس آمد او را جبرئیل در وقت نماز
چهارم و گفت یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز چهارم است پس برخواست
و نماز کرد پس فرود آمد آنسیاهی [illegible] و پای وی پس آمد او را جبرئیل در وقت
نماز پنجم و گفت یا آدم برخیز و نماز کن که اینوقت نماز پنجم است پس برخواست و نماز
کرد پس بیرون آمد آنسیاهی جمیعاً پس [illegible] خدا را و ثنا کرد بروی پس
گفت او را جبرئیل [illegible] مثل حال تو است در این سیاهی
هرکه نماز کند از فرزندان تو در روز و شب پنج نماز بیرون بیاید از جمیع گناهان
خود چنانچه بیرون آمدی تو از این سیاهی

فصل سیم در ثواب اذان

و آنکه جواب دهد موذن را فرموده تعالی در سورهٔ مائده وَاِذَا نَادَیْتُمْ اِلَی
الصَّلٰوةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَعْقِلُونَ
یعنی چون شما اذان میگوئید و ندا میکنید و میخوانید بسوی نماز میگیرند آن نماز را و اذان را
بسخریت و بازی این استهزا از ایشان بسبب آنستکه ایشان گروهی اند که تعقل
نمیکنند و فرموده تعالی در سورهٔ حم سجده وَمَنْ اَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ
دَعَا اِلَی اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ اِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِینَ یعنی نیست
کسی نیکوتر از روی گفتار از آنکه میخواند بسوی خدا یعنی باذان گفتن میخواند مردمانرا
بنماز و میکند کرداری نیکو و میگوید بدرستیکه من از مسلمانانم و پرسید

امیر المؤمنین علیه السلام پیغمبر صلی الله علیه وآله را از تفسیر اذان پس فرمود یا علی
اذان حجتی است بر امت من و تفسیر آن اینست که چون گوید مؤذن الله
اکبر معنی آن این است که خداوندا تو گواهی بر انکه من میگویم که ای امت
احمد بتحقیق که حاضر شد نماز پس آماده باشید و بگذارید از خود شغل دنیا چون
گوید اشهد ان لا اله الا الله معنی آن این است که میداند خدا و
میدانند فرشتگان خدا و آنچه در آسمانها و زمین است که من خبر کردم
شما را بوقت نماز پنج نوبه وچون گوید اشهد ان محمدا رسول الله
معنی آن این است که میداند خدا و [illegible] گواهی میدهد در روز
قیامت که من خبر کردم شما را بنماز هر روز پنج نوبه و حجت من نزد خدا
قائمست بر شما پس [illegible] از برای شما وچون کسی گوید
حی علی الصلوة میگوید ای [illegible] که ظاهر گردانید خدا
دین خدا از برای شما پس [illegible] زر رسید بان تا انکه
بیابد مزد خدا شما را ادا کنید نماز خود را که آن ستون دین شما است وچون
گوید حی علی الفلاح میگوید ای امت احمد بتحقیق که گشاد خدا بر شما
درهای رحمت را پس برخیزید و فرا گیرید نصیب خود را از رحمت تا انکه سود
کنید در دنیا و آخرت وچون گوید حی علی خیر العمل میگوید که رحم
کنید بر نفسهای خود که من نمیدانم از برای شما کرداری فاضلتر از
این نماز پس بپردازید بنماز خویش از آنکه پشیمان شوید پس چون گوید
لا اله الا الله میگوید ای امت محمد بدانید بدرستیکه من
گردانیدم امانت هفت آسمان و هفت زمین در گردن شما پس اگر

خواهید روزی بیاورید واگر خواهید روی بگردانید پس هرکه جواب داد
مرا سود کرد و هرکه جواب مرا نداد ضرری ندارد مرا بعد از آن فرمود پیغمبر ص
اذان نور است پس هرکه جواب داد آنرا رستگار شد و هرکه منکر شد
بزمین فرو رفت و من او را دشمنم در روز قیامت پیش خدا تعالی و هرکه من
باشم او را دشمن پس او در بدترین حالیست و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که مؤذنان بلندتر است گردنهای ایشان در روز قیامت و فرمود پیغمبر ص
که آنانکه جواب دهند مؤذنان را پس ایشان با شهیدان در یک روی زمین
باشند و نترسند در وقتی که بترسند مردمان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که جواب دادن مؤذن کفاره گناهان است و رفتن بمسجد طاعت خدا است
و رسول خدا و هرکه طاعت خدا کند و رسول او را [illegible] گرداند او را خدا در بهشت
با صدیقان و شهیدان با شد در بهشت [illegible] داود ع و فرمود پیغمبر ص
جواب دادن مؤذن رحمت است و ثواب آن بهشت و هرکه جواب ندهد دشمن
کنم او را روز قیامت پس خوشا حال آنکه جواب دهد خواننده خدا را و برود
بمسجد و جواب نمیدهد و نمیرود دیگر مؤمنی از اهل بهشت و فرمود آنحضرت
هرکه اجابت کند مؤذن را و اجابت کند علمان را باشد روز قیامت در
سایهٔ علم من و باشد در بهشت همسایه من و او راست نزد خدا ثواب
شصت شهید و فرمود آنحضرت هرکه اجابت کند مؤذنان را و توبه کند
پس ایشان و شهیدان در یک روی زمین باشند و نترسند در وقتی که بترسند
مردمان و فرمود پیغمبر ص هرکه اجابت کند مؤذنان را واجب گرداند خدا از
برای او شفاعت من و باشم من او را شفیع نزد خدا عز و جل و بیامرزد خدا

همه گناهان پنهانی و آشکارای او را و بنویسد از برای او بهر یک رکعت نماز که با
غسل میشود کرده است و از برای اوست بهر رکعتی شهری در بهشت و فرمود پیغمبر
هرکه بشنود اذان پس اجابت کند باشد نزد خدا از نیکبختان و هرکه اجابت
نکند خواننده خدا را پس نیست او را در اسلام هیچ نصیبی و بهره و هرکه اجابت
کند مشتاق شود بوی بهشت و فرمود پیغمبر هرکه اجابت کند خواننده خدا را
طلب آمرزش کنند از برای او فرشتگان و داخل بهشت شود بی حساب

فصل چهارم در فضیلت مسواک

روایت شده از حضرت امیرالمؤمنین
از پیغمبر هرکه مسواک کند در هر روزی یک مرتبه راضی شود از وی خدای و هرکه مسواک کند
روزی دو بار بتحقیق که دوام نموده است سنت پیغمبران را و بنویسد خدا از برای وی
بهر نمازی که کرده ثواب صد رکعت و ... از ... خوش گرداند بوی
دهان او را و زیاد گرداند حفظ او را ... دندان او را و گوارا کند
طعام او را و ببرد درد دندان او را ... و مصافحه کنند او را فرشتگان
از آنچه ببینند بروی از نور و پاک گرداند ... او را و متابعت کنند او را
فرشتگان وقت بیرون آمدن او از خانه و طلب آمرزش کنند
از برای او حاملان عرش و کروبیون و بنویسد از برای وی بهر مرد مؤمن و زن
مؤمنه ثواب هزار ساله و رفیع گرداند خدا از برای او درهای بهشت را که در
آید از هر در که خواهد و بدهد خدا بوی کتاب او را بدست راستش و ... و حساب
کند با وی حساب آسان و بگشاید خدا بر وی درهای رحمت و بیرون نرود از
دنیا تا آنکه ببیند جای خود را در بهشت و بتحقیق که پیروی کرده است پیغمبران را
و در آید با ایشان در بهشت و هرکه مسواک کند هر روز بیرون نرود از دنیا تا آنکه

ببینند ابرهیم علیه السلام را در خواب و باشد روز قیامت در شماره پیغمبران
و قضا کند خدا از برای او هر حاجت که هست او را از امر دنیا و آخرت و باشد روز
قیامت در سایه عرش روزیکه نیست هیچ سایه الا سایه او و باشد در بهشت
رفیق ابرهیم علیه السلام و رفیق پیغمبران و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که دو رکعت نماز با مسواک دوستتر است بخدا یتعالی از هفتاد رکعت بغیر مسواک

فصل پنجم در ثواب ادای پنج نماز روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله
هرکه بپای دارد پنج نماز را و [illegible] کند هفت گناه کبیره را بدا کند او را روز قیامت
که داخل بهشت شود از مرد که تو را گفت [illegible] او را که هفت گناه کبیره را آیا
شنیدی از رسول خدا صلی الله علیه [illegible] چیست آن گفت بلی شرک آوردن
بخدا یتعالی و آزار کردن پدر و مادر و [illegible] زنان پرهیزگار و کشتن بغیر حق
و گریختن در جنگ [illegible] کافران و خوردن مال یتیم و ربا سود و فرمود خدا یتعالی قد
افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون یعنی بتحقیق که
رستگار گردیدند مؤمنان آنانکه در نماز خود ترسندگانند حدیث کرد ما را محمد
بن احمد صالح ابن صالح ابن سعد تمیمی از پدر خود گفت حدیث کرد ما را احمد بن
هشام گفت حدیث کرد ما را منصور بن مجاهد از ربیع بن بدر از سوار بن حبیب از ابن
عباس که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله بدرستیکه مر خدا را است تبارک و
تعالی فرشته که آنرا سخائیل گویند که میگیرد براتها از برای نماز کنندگان
نزد هر نماز از رب العالمین جل جلاله پس چون صباح کنند مؤمنان و برخیزند
و وضو کنند و بگذارند نماز صبح را بگیرد از خدا براة از برای ایشان که نوشته
است در آن که منم خداوند باقی ای غلامان و کنیزان من هستید در مکان

نگاهداشت من گردانیدم شما را در حفظ و پناه خود قسم بعزت من که بی یاری
و نصرت نگذارم شما را و آمرزیده است گناهان شما را پیش چون وقت ظهر
شود پس برخیزند و وضو کنند و نماز کنند بگیرد از برای ایشان از خدا برات
دوم نوشته است در آن که منم خداوند قادر ای بندگان و کنیزان من بدل
کردم بدیهای شما را بنیکی و آمرزیدم گناهان شما را و داخل گردانم شما را در حالیکه
راضی باشم از شما در خانه بزرگواری پس چون وقت پسین شود برخیزند و وضو
کنند و نماز کنند بگیرد از برای ایشان [illegible] عز و جل برات سیم نوشته است
در آن که منم خداوند جلیل که بزرگ است [illegible] است پادشاهی من ای غلامان
و کنیزان من حرام گردانیدم [illegible] بدنهای شما را بر آتش [illegible] گردانیدم شما را
در منزلهای نیکوکاران [illegible] شر بدکاران پس وقت
شام شود و برخیزند و وضو [illegible] از برای ایشان از خدا برات
چهارم نوشته است در آن که منم [illegible] رفیع الشان ای غلامان
و کنیزان من بالا آمدند فرشتگان من [illegible] شما خشنود و واجبست
بر من که خشنود گردانم شما را و بدهم شما را و بدهم شما را در روز قیامت
آنچه آرزوی شما است پس چون وقت خفتن شود و برخیزند و وضو کنند و نماز کنند
فرا گیرد از ایشان از خدا برات پنجم نوشته است در آن بدرستیکه منم الله
نیست هیچ خدائی غیر از من و نه پروردگاری جز از من ای غلامان و کنیزان من در
خانهای خود وضو کردید و بخانهای من رفتید و در ذکر من شروع کردید
و حق مرا شناختید و فرضهای مرا ادا کردید و گواه گرفتم ترا ای سنجائیل بـ
بانکث در هر شب بعد از نماز خفتن بانیکه ای ملائکه خدا بدرستیکه خدای تبارک و تعالی

آمرزید نماز کنندگان را که خدا را بیگانگی بشناسند و باقی نماند هیچ فرشته در هفت
آسمان الا آنکه طلب آمرزش کنند از برای نماز کنندگان و دعا کنند از برای
ایشان بدوام نمودن بر این پس هر که را روزی شود نماز شب خواه مرد و خواه زن
برخیزد از برای خدای عزوجل باخلاص پس وضوء کنند وضوئی تام و نماز کنند از برای
خدای عزوجل بنیت درست و دل سلامت و بدن ترسان و چشم گریان
بدارد خدای تعالی در عقب وی نه صف از فرشتگان در هر صف آنقدر که نداند
عدد ایشان را الا خدای تعالی یکطرف هر صف بمشرق و یکطرف بمغرب پس چون فارغ شود
ادا نماز نوشته شود از برای او [illegible] ان فرشتگان درجات گفت منصور که
بود ربیع بن بدر چون [illegible] این حدیث را [illegible] گفت کجا از تو ای عاقل از این کریم
دکجائی تو از پای [illegible] این ثواب [illegible] این بخشش و کرامت و فرموده پیغمبر
که نماز ستون دین است و فرمود [illegible] قربان هر پرهیزکار است و
آنسرور فرمود که هر چیزرا [illegible] است و [illegible] اسلام پنج نماز است و هر چیزرا زینتیست
و رکن مؤمن پنج نماز است و هر چیزرا [illegible] ست و چراغ دل مؤمن پنج نماز است
و هر چیزرا بهائیست و بهای بهشت پنج نماز است و هر چیزرا برائیست و برات
مؤمن از آتش جهنم پنج نماز است و هر چیزرا امانیست و امان مؤمن از قطع رحم و
مفارقت نیکان پنج نماز است و خیر دنیا و آخرت در نماز است و باین ظاهر
میشود مؤمن از کافر و مخلص از منافق و این ستون دین است و پناه بدن و زینت
اسلام و مناجات حبیب از برای حبیب و قضای حاجت و توبه توبه کار و یاد کردن
نعمت و برکت مال و فراخی روزی و نور روی و عزت مؤمن و فرود آوردن رحمت
و قبول دعا و استغفار فرشتگان و خواری ملحدان و غلبه بر شیاطین و شادی

مؤمن و کفاره گناهان و حصار ها و قبول گواهی و آبادانی مساجد و زینت شهرها و نور
از برای خداوند و هستی کبر و بزرگی و بسیاری قصرهای بهشت و کابین حور العین و نشانه
درختهای بهشت و هیبت بدکاران و فرا گرفتن رحمت خدا و فرمود پیغمبر که
هر که ادا کند یک نماز فرض پس از برای اوست نزد خدا یک دعای قبول و روایت
است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که نشان ایمان نماز است و فرمود آنحضرت اول
چیزیکه حساب کرده میشود بر آن نماز است و فرمود که اول چیزیکه واجب کرده
است خدا تعالی بر بندگان خود نماز است و آخرین چیزیکه با وصیت نزد مرگ
نماز است و اول چیزی حساب کرده میشود بآن در قیامت نماز است پس
هر که جواب داد آنرا آسان میشود [illegible] ما بعد آن [illegible] جواب نداد سخت میگردد
بروی مابعد آن و از [illegible] روایت است از پیغمبر صلی الله علیه و آله
بدرستیکه نماز میکند مرد [illegible] گناهان [illegible] است بر سر او پس هرگاه
سجده کند فرو ریزد گناهان [illegible] جمیع گناهان او فرو ریخته
شود و از ابو هریرة از پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] نماز کند [illegible] نماز او نیکو
نماز کند و نماز پنهانی و نیکو نماز کند فرماید خدا تعالی که اینست بنده من بحقیقت

فصل ششم در عقوبت ترک کننده نماز

فرمود خدا تعالی در سوره طه
وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ
أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى و هر که روی بگرداند
از یاد من پس بتحقیق که مر او راست زیستنی تنگ در دنیا و بر انگیزانیم او را روز قیامت
کور و نابینا گوید ای پروردگار چرا حشر کردی مرا کور و بدرستیکه بودم من بینا گوید

خدا که این چنین است از برای آنکه آمد بتو آیتهای کتاب من پس ترک کردی آنرا و مثل
آن در امروز بخود درمانده و فرمود در سورهٔ مریم اَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا
الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا یعنی ضایع گردانیدند نماز را یعنی ترک کردند
و پیروی نمودند آرزوها را پس زود باشد که بیفتند بجزای آن در گمراهی یا در چاه دوزخ
و فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله نماز ستون دین است پس هر که ترک کند نماز
خود را عمدا تحقیق که خراب کرده است دین خود را و هر که ترک کند وقتهای آنرا
در آید او را ویل و ویل وادئیست در جهنم چنانچه فرمود خداوند تعالی در سورهٔ
ارایت فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّیْنَ الَّذِیْنَ هُمْ عَنْ صَلٰوتِهِمْ سَاهُوْنَ
الَّذِیْنَ هُمْ یُرَاؤُنَ وَیَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ یعنی آن ویل که موضعیست
در جهنم آماده است از برای نماز کننده که غافل شد از نماز خود و فراموش کند
او را تا آنکه کرد ... از برای ... باشد و منع کنند نیکی را بغیران
و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله هر که ترک کند نماز را تا آنکه فوت شود از وی بغیر عذری
بدرستی که باطل شود کردار وی و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله میان بنده
و میان کفر ترک نماز است و فرمود آن سرور که نگاه داشت کنید پنج نماز را که
بدرستیکه خدای تبارک و تعالی امر کند در روز قیامت که بیاورند بنده را اول
چیزی که حساب میکند او را نماز است پس اگر آورده او را تمام رستگار میشود و اگر نه
می اندازند او را در دوزخ و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ضایع مکنید
نماز خود را که بدرستیکه هر که ضایع کند نماز خود را برمیانگیزاند او را خدا با فرعون و هامان
و قارون و واجبست بر خدای تعالی که داخل گرداند او را در دوزخ با منافقان پس وای
آنرا که نگاهداشت نکند نماز خود را و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که همیشه

شیطان گریزانست از فرزندان آدم مادام که نگاهداشت پنج نماز را پس چون ضایع
کند آنرا دلیر گردد بروی و بیندازد او را در هلاکت و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
که التفات بسیار باطل میگرداند نماز را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله هر که ترک کند
نماز را درحالیکه امید ثواب نباشد او را از کردن آن و ترس عقوبت نباشد او را
از ترک آن پس باکی ندارم که بمیرد آن بدین نصاری یا یهود یا گبر و فرمود پیغمبر صلی الله
علیه و آله هر که یاری کند ترک کننده نماز را بیک لقمه یا جامه پس چنانست که کشته
است هفتاد پیغمبر را که اول ایشان آدم است و آخر ایشان محمد صلی الله علیه و آله
و فرمود ایضا که بنیت ایمان آنرا [illegible] و بنیت دین آنرا که بنیت
او را عهد و بنیت نماز آنرا که تمام نمیکند رکوع [illegible] را و فرمود پیغمبر صلی
الله علیه و آله که پلیدترین [illegible] که [illegible] بعضی از نماز خود را پس
عرض کرد علی علیه السلام که چگونه [illegible] فرمود آنست که تمام نمیکند
رکوع آنرا و سجود آنرا پس [illegible] نزد خدا دین او و فضل
هفتم در فضیلت نماز شب [illegible] سوره بنی اسرائیل و من
اللَّیلِ فتهجّد به نافلةً لک عسی أن یبعثک ربّک مقاماً محموداً
یعنی بعضی از شب پس بیدار شو بقرائت یعنی نماز نافله از برای تو تا آنکه برانگیزاند ترا خدا
در مقامی پسندیده و فرمود در سوره مزمل یا ایها المزمّل قم اللیل الا
قلیلاً نصفه او انقص منه قلیلاً او زد علیه و رتّل القرآن ترتیلاً
ای جامه در سر کشیده برخیز در شب و نماز کن مگر اندکی از شب که آن نصف شب
باشد یا کم کن از نصف آن اندکی یا زیاد کن بر آن اختیار تراست و قرائت قرآن
بتأنّی حدیث کرد ما را سعد بن عبد الله از سلمة بن خطاب [illegible] از محمد بن

لیث از حضرت صادق علیه السلام گفت آمد مردی و پرسید امیر المؤمنین علی
بن ابیطالب علیه السلام را از قیام شب بقرآن خواندن فرمود او را که بشارت باد
که هر که نماز کند در شب ده یک شب از برای خدا باخلاص و طلب خشنودی خدا
فرماید خدای تبارک و تعالی فرشتگان خود را که بنویسید از برای این بنده من حسنه
و ثواب عدد آنچه روئیده در این شب از دانه و برگ و درخت و هر نی و خار و گیاه
و هر که نماز کند نه یکشب بدهد او را خدا ده دعای مستجاب و بدهد او را خدا کتاب او را بدست
راست او روز قیامت بدست او و هر که نماز کند هشت یکشب را بدهد او را خدا ثواب شهید صبر
کننده صادق النیه و قبول شود شفاعت او در اهلبیت او و هر که نماز کند هفت یکشب
بیرون آید از قبرش و رویش که برانگیخته شود مانند روی او چون ماه شب چهارده باشد
تا آنکه بگذرد از صراط با ایمن شوندگان و هر که نماز کند شش یکشب را نوشته شود از بازگشت
کنندگان و آمرزیده شود هر که [illegible] و هر که نماز کند پنج یکشب را همنشین باشد با
ابرهیم خلیل الرحمن [illegible] و هر که نماز کند ربع یک شب را باشد او از اول رستگاران
تا آنکه بگذرد بر صراط چون باد تند داخل بهشت شود بغیر حساب و هر که نماز کند ثلث یک
شب را باقی نماند هیچ فرشته الا آنکه رشک آید او را بواسطه منزلت او نزد خدای
عز و جل و گوید او را که داخل شو هر یک از هشت در بهشت که خواهی و هر که نماز کند نصف
شب را پس اگر بدهند او را زمین پر از طلا هفتاد هزار بار برابر جزای او نباشد و باشد این
از برای او نزد خدا افضل تر از هفتاد بنده که آزاد کرده باشد آنرا از فرزندان اسمعیل ع
و هر که نماز کند دو سه یکشب باشد او را از حسنات قدر ریگ عالج که کمترین حسنه آن
سنگین تر از کوه احد باشد ده بار و هر که نماز کند یکشب تمام در حالیکه خواننده کتاب خدای
عز و جل باشد و رکوع کننده و سجود کننده و ذکر گوینده باشد داده شود از ثواب آنقدر

که کمترین آن بیرون رفتن اوست از گناهان چنانچه زائیده است ورا مادر او و نوشته
شود از برای او عدد آنچه خلق کرده است خدا از حسنات و مثل آن درجات و
ثابت شود نوری در قبر او و برکنده شود گناه و حسد از دل او و خلاصی یابد از عذاب قبر
و داده شود برات خلاصی از آتش و برانگیخته شود از آسمان و فرماید پروردگار تبارک
و تعالی فرشتگان را که نظر کنید به بنده من که احیا کرد شبی را بطلب رضای من ساکن
گردانید او را در فردوس و از برای اوست در آن صد هزار شهر در هر شهری باشد
هر چه خواهد نفسها و لذت یابد چشمها و آنچه نگذشته باشد بر هیچ دل سوای آنچه
آماده کرده ام برای وی از کرامت و [illegible] و قربت و روایت شده از امام محمد
باقر از پدر او از جد او علیهم السلام که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که
بخواند ده آیه در شبی نوشته نمیشود از غافلان و هر که بخواند [illegible] آیه نوشته شود از ذکر نوشته
کنندگان و هر که بخواند صد آیه نوشته شود از [illegible] و هر که بخواند سیصد آیه نو
شود از رستگاران و هر که بخواند [illegible] آیه نوشته شود از مجتهدان و هر که بخواند
هزار آیه نوشته شود از برای او [illegible] باشد و هر مثقال
بیست و چهار قیراط باشد که کوچکترین آن مثل کوه احد باشد و بزرگتر آن از آسمان
تا زمین و روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام که فرمود هر که در نماز وتر بخواند
معوذتین و قل هو الله احد گویند او را که ای بنده خدا بشارت باد ترا که قبول شد
وتر تو **فصل هشتم** در فضیلت نماز جماعت و در عقوبت ترک کننده جماعت
فرمود خداوند تبارک و تعالی **وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ** یعنی نماز کنید با نماز
کنندگان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که صفهای امتان من در زمین چون
صفهای فرشتگان است در آسمان و یک رکعت در جماعت مثل بیست و چهار

رکعتست هر رکعت بهتر است نزد خدای تعالی از عبادت چهل ساله و از ابی سلم
از ابی سعید خدری گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که آمد جبرئیل با هفتاد هزار
فرشته بعد از نماز پیشین و عرض نمود یا محمد بدرستیکه خدای تعالی میخواند ترا سلام و هدیه
فرستاده است بتو دو هدیه که هدیه نفرستاده است از هیچ پیغمبری قبل از تو
فرمود که گفتم یا جبرئیل چیست آن دو هدیه عرض کرد نماز پنج وقت در جماعت گفتم
یا جبرئیل چیست از برای امت من در جماعت گفت یا محمد چون دو شخص باشند بنویسد
خدای تعالی از برای هر یک بهر رکعتی صد و پنجاه نماز و چون سه شخص باشند بنویسد خدای تعالی
از برای هر یک بهر رکعتی [illegible] پنجاه نماز و چون چهار شخص باشند بنویسد خدای تعالی
از برای هر رکعتی هزار و دویست نماز و چون پنج باشند بنویسد خدا از برای هر یک
بهر رکعتی هزار و [illegible] نماز و چون شش باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی
دو هزار و چهارصد نماز و چون هفت باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی چهار
هزار و هشتصد نماز و چون هشت باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی نه هزار
و شش صد نماز و چون نه باشند بنویسد خدا از برای هر یک بهر رکعتی نوزده هزار
و دویست رکعت و چون زیاده شوند بر ده اگر بگردد جمیع دریاهای آسمان و زمین
مداد و درختان قلم و آدمیان و جنیان با فرشتگان نویسنده قادر نباشند بر
نوشتن ثواب یک رکعت یا محمد یک الله اکبر گفتن که دریابد آنرا مؤمن بهتر است از
برای او از هفتاد حج و هزار عمره غیر فرض یا محمد یک رکعت نماز که بگذارد آنرا مؤمن
با امام بهتر است او را از تصدق کردن صد هزار دینار طلا بر درویشان و یک سجده
که بگذارد آنرا بهتر است او را از عبادت سالی و رکوعی که بکند آنرا مؤمن با امام بهتر است
او را از صد بنده که آزاد کرده باشد او را در راه خدا و نیست برانکه بمیرد بر سنت و جماعت

عذاب قبر و نه سختی روز قیامت یا محمد هر که دوست دارد جماعت را دوست دارد
او را خدا و فرشتگان و آدمیان جمیعا روایت شده از ابن عباس که گفت اگر
فوت شود ترا نماز صبح در جماعت پس روزه دار آن روز را و اگر فوت شود ترا نماز
پیشین در جماعت پس نماز کن پیشین تا پسین و اگر فوت شود ترا نماز پسین در جماعت
پس ذکر خدا ادا کن تا عشاء و اگر فوت شود ترا نماز شام در جماعت پس نماز کن میان شام
و خفتن و اگر فوت شود ترا نماز خفتن بجماعت پس احیا دار شب خود را که شاید که دریابی
فضل آنکه دریافته است فضل جماعت را گفت پیغمبر که تکبیر اول امام چون [illegible] بهتر است
از دنیا با هر چه در آنست روایت شده از عبدالله بن مسعود که گفت فوت شد تکبیرة الاحرام روزی
پس آزاد کردم بنده و آمد نزد پیغمبر پس گفت یا رسول الله فوت شد تکبیرة الاحرام پس
آزاد کردم بنده آیا دریافتم فضل [illegible] فرمود [illegible] ای ابن مسعود اگر نفقه کنی
هر چیز را که در زمین است جمیعا نیست [illegible] روایت است از انس بن مالک از رسول
خدا که نماز مرد در جماعت بهتر است [illegible] چهل سال گفتند یا رسول الله
نماز روزی فرمود آنحضرت که یک نماز [illegible] فرمود رسول خدا که چون بنده در صف
پیشین نماز باشد می نویسد خدا از برای وی صد هزار و بیست درجه و فرمود پیغمبر که هر که
نماز کند دو رکعت با عمامه او راست فضل بر آنکه عمامه ندارد مثل فضل من بر امت من و هر که
نماز کند با عمامه او راست فضل بر آنکه نماز کند بغیر عمامه مثل فضل آنکه جهاد کند در دریا بر آنکه
جهاد کند در بیابان در راه خدا و اگر مردی با عمامه پیش نمازی کند [illegible] است مر ابغیر عمامه
البته قبول کند خدا نمازهای ایشان را جمیعا از بزرگواری و هر که نماز کند با عمامه موکل شود
بروی هفتصد هزار فرشته که می نویسند از برای وی حسنات و بر میدارند از وی
گناهان را و بلند میگردانند از برای وی درجات را و فرمود پیغمبر عثمان بن مظعون را که هر که بگذارد

نماز صبح را در جماعت بعد از آن بنشیند بذکر خدا عز و جل تا آنکه طلوع کند آفتاب باشد
از برای او در فردوس هفتاد درجه مسافت ما بین هر دو درجه مثل سیر اسب نیکوی
بارکش میان باشد هفتاد سال و هر که بگذارد نماز پیشین را در جماعت باشد از برای
او در جنات عدن پنجاه درجه میان هر دو درجه مثل سیر اسب نیکوی بارکش میان
پنجاه سال و هر که بگذارد نماز پسین را در جماعت باشد او را ثواب مثل آنکه هشت کس را
از فرزندان اسمعیل که کل ایشان صاحب خانه باشند آزاد کرده باشد و هر که بگذارد
نماز شام را بجماعت باشد مثل [illegible] حج و عمره مقبوله کرده باشد و هر که بگذارد
نماز خفتن را در جماعت باشد مثل آنکه لیلة القدر را احیا داشته است و بود امام محمد
باقر علیه السلام میگفت که [illegible] تمام کردن وضو [illegible]
سحرها و رفتن در شبها [illegible] نمازها [illegible] فرمود رسول خدا صلعم باشد مردی
که نماز کند در جماعت [illegible] و باشد مردی که نماز کند در جماعت و
او را ثواب یک نماز باشد و [illegible] جماعت و باشد مردی که نماز کند در
جماعت و باشد او را ثواب بیست و چهار نماز و باشد مردی که نماز کند در جماعت
و باشد او را ثواب هفتاد نماز و مردی که نماز کند در جماعت و باشد او را ثواب دویست
نماز و مردی نماز کند در جماعت و باشد او را ثواب [illegible] نماز پس برخواست جابر بن
عبدالله انصاری و گفت یا رسول الله تفسیر کن از برای ما این را پس فرمود رسول خدا صلعم
که مردی که بر دارد سر خود را پیش از پیشنماز نیست از برای او نمازی و مردیکه بر دارد
سر خود را با پیشنماز و بگذارد پیش از او پس از برای او یک نماز است و بهره نیست
او را در جماعت و مردیکه بگذارد سر خود را بعد از پیشنماز و بر دارد بعد از وی پس او را

بیست و چهار نماز است و مردیکه داخل مسجد شود پس ببیند که صفها تنگ است
پس بایستد تنها و بیرون رود مردی دیگر از صف بعقب بایستد با وی پس از برای او
ثواب پنجاه نماز است و مردیکه نماز کند با مسواک او را هفتاد نماز است و مردی
باشد مؤذن که اذان گوید در وقتهای نماز باشد او را دویست نماز و مردیکه
باشد پیشنماز با ایستد و ادا کند حق پیشنمازی را پس او راست ثواب پانصد نماز
پرسیدند که چیست حکمت در آنکه [illegible] است از برای نماز اذان
و گردانیده نشده است از برای عبادتهای دیگر اذان در جواب فرمود از
برای آنکه نماز مانند احوال روز قیامت است و از برای آنکه اذان مانند صور دمیدن
اولست از برای مردن خلایق [illegible] مانند صور دوم است
چنانچه فرمود خدا تعالی وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ
یعنی گوش بده آن روز را که ندا کند ندا کننده [illegible] السلام است از
برای نزدیک ایستادن نماز مانند ایستادن است بحساب پروردگار چنانچه
فرمود خدا تعالی يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی روز قیامت
روزیست که میایستند مردمان از برای حساب پروردگار عالمیان و برداشتن
دستها بگفتن الله اکبر اول مانند برداشتن دستها است از برای گرفتن کتاب
در روز قیامت خواندن قران در نماز مثل خواندن کتاب است نزد رب العالمین
چنانچه فرمود اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ حَسِيبًا یعنی بخوان
کتاب خود را که کافیست نفس تو بر تو حساب کند و رکوع مانند خضوع است
از برای رب العالمین چنانچه فرمود عز شانه وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ

یعنی ذلیل و خوار است رویها نزد خداوند زنده قایم بامرندگان و سجود شبیه است
سجود رب العالمین در روز قیامت چنانچه فرمود یَوْمَ یُکْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ
یُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ یعنی ذکر کن روزی را که بردارند حجابها و بخوانند مردمان را بسجود
و تشهد مانند نشستن است نزد پروردگار عالمیان چنانچه فرمود عز شانه وَتَرَى
كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا یعنی می بینی تو ای بیننده
هر گروهی را که بزانو در آمده اند همه گروهی خوانده میشود بکتاب خود و سلام دادن مانند
جدا شدن دو گروه است در قیامت که فرمود خدا تعالی فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ
فِي السَّعِيرِ روز قیامت گروهی ببهشت روان شوند و گروهی در آتش سوزان
و فرمود حضرت رسول هر که همسایه مسجد باشد و حاضر نشود بجماعت سه روز متوالی پس
بروی باد لعنت خدا و فرشتگان و آدمیان جمیعا و اگر خواستگاری زن کند
بوی نکاح نکنید و اگر بیمار باشد او را عیادت نکنید و اگر بردارند جنازه او را پیروی او
نکنید آگاه باش که نیست نماز او را آگاه باش که نیست روزه او را آگاه باش که نیست
زکوة او را آگاه باش که نیست حج او را آگاه باش که نیست جهاد او را و اگر بمیرد چنان
بمیرد مانند کافران جاهلیت و مرویست از عبدالله بن مسعود که گفت فرمود پیغمبر صلعم
که آمدند بمن جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل با هر یکی از ایشان هشتاد
هزار فرشته صلوات الله علیهم اجمعین پس عرض کردند یا محمد خداوند جبار میخواند ترا
سلام و میفرماید برسان امت خود را که هر که بمیرد در حالیکه دوری کند از جماعت نیابد
بوی بهشت را و اگرچه باشد عمل او بیشتر از اهل زمین که قبول نمیکنم از وی نافله و نه
فریضه را یا محمد ترک کننده نماز جماعت نزد من ملعون است و نزد فرشتگان ملعون
و بتحقیق که لعنت کرده ام ایشان را در توریه و انجیل و زبور و قرآن و ترک کننده جماعت

صبح و شام داخل میشود در لعنت خدا یا محمد ترک کننده جماعت را قبول نمیکنم
دعائی و قرض نمیفرستم بروی رحمتی و ایشان جهودان امت تو اند و اگر بیمار شوند دیدن
مکن ایشان را و اگر بمیرند حاضر مشو بر جنازه ایشان و راه مرو در روی زمین دشمن تر
نزد من از ترک کننده جماعت یا محمد ترک کننده جماعت را امر کرده ام بر صاحب
نفسی را و روحی را که بروی لعنت کند و ترک کننده جماعت بدتر است از شارب
الخمر و از آنکه منع میکند طعام را از مردمان و از آنکه میکشد مردمانرا بغیر حق و از خورنده
سود و ترک کننده جماعت را نیست در بهشت هیچ نصیب و او بدتر است از کور
ناکافر و مخنث و بدتر است [illegible] بدتر است از [illegible] دهنده دروغ یا محمد
هر که بمیرد در حالیکه دوری کند از جماعت داخل گردانم او را در دوزخ **فصل نهم**
در آنچه سنت است گفتن آن [illegible] بیرون آمدن از آن
و در ذکر عقوبت خواب کردن [illegible]
فرموده [illegible] تعالی در سوره توبه انما [illegible] من آمن بالله و
الیوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لم یخش الا الله فعسی
اولئک ان یکونوا من المهتدین عمارت نمیکنند
مسجدهای خدا را مگر آنکه گرویده باشد بخدا و روز قیامت و بپا میدارد نماز را و بدهد زکوة را
و نترسد مگر از خدای پس شاید که آن گروه باشند از راه یافتگان و بود پیغمبر که چون
داخل مسجد میشد پیش میگذارد پای راست خود را و میفرمود بسم الله و بالله
و علی الله توکلت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و چون بیرون میآمد پیش میگذارد پای چپ خود را و میفرمود بسم الله اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم بعد از آن فرمود آنحضرت که یا علی هر که داخل مسجد شود

و بگوید چنانچه من گفتم قبول کند خدا نماز او را و بنویسد از برای او بهر رکعتی که نماز کرده است
فضل صد رکعت پس چون بیرون آید و بگوید مثل آنچه گفتم بیامرزد گناهان او را و رفیع گرداند
از برای وی بهر قدمی درجه و بنویسد از برای وی بهر قدمی صد حسنه و فرمود پیغمبر ص که چون
داخل شود بنده در مسجد و بگوید أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ گوید شیطان
که آه شکست پشت من و بنویسد حسنه از برای وی باین کلمه عبادت یکساله
و چون بیرون آید از مسجد و بگوید مثل این بنویسد خدا از برای او بهر موئی که در بدن
اوست صد حسنه و رفیع کند از برای او صد درجه و فرمود پیغمبر ص که چون داخل شود
مؤمن در مسجد و پیش بگذارد [illegible] گویند فرشتگان که بیامرزد خدا ترا و چون
بیرون آید و پیش بگذارد پای چپ را گویند فرشتگان که حفظ کند خدا ترا و قضا کند
از برای تو حاجتهای ترا و بگرداند [illegible] تو [illegible] و فرمود پیغمبر ص که سخن گفتن بیهوده
در مسجد میخورد حسنات را چنانچه [illegible] چهارپا گیاه را و فرمود [illegible] که هر که خواب
کند در مسجد بدون عذری [illegible] دردی که دوا نباشد او را و فرمود پیغمبر ص
که خواهند آمد در آخر الزمان مردانی از امت من در مسجدها و بنشینند در آن حلقهها
ذکر ایشان دنیا و حب دنیا است با ایشان منشین که نیست خدا را با ایشان
حاجتی و فرمود پیغمبر ص که هر که مرمت کند و باصلاح آورد مسجد را بنویسد خدا
از برای وی آزاد کردن بنده و هر که بیرون آورد خاک جاروب آنرا آنمقدار که
بچشم کشند آنرا بنویسد خدا از برای او دو نصیب از رحمت خود و فرمود پیغمبر ص
که سه چیز شکوه میکنند بخدای تعالی مسجد خراب که نماز نگذارند در آن اهل آن و عالمی
که در میان جاهلان باشد و از وی چیزی فرا نگیرند و مصحفی که در خانه باشد و نخوانند
و فرمود امام رضا علیه السلام که خانهائی که نماز میکنند در آن در شب روشنی میدهد

نور آن اهل آسمان را چنانچه روشنی میدهد نور ستارگان اهل زمین را و از انس ابن
مالک روایت است که هر که روشن کند در مسجدی چراغی همیشه فرشتگان و حاملان
عرش طلب آمرزش کنند از برای او مادام که در آن مسجدی روشنی باشد و فرمود
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که داخل گرداند در یکشب چراغی در مسجدی بیامرزد
خدا گناه هفتاد سال او را و بنویسد از برای او عبادت یکساله و از برای اوست نزد
خدا شهری پس اگر زیاد کند یکشب پس از برای اوست بهر شبی که زیاد کند ثواب پیغمبری
پس چون تمام شود ده شب نتوانند که صفت کنند وصف کنندگان آنچه از برای اوست
نزد خدا از ثواب پس چون تمام شود [illegible] ابدان او را از آتش و بگشایند
از برای او درهای بهشت که داخل شود از هر در که خواهد [illegible] و از برای اوست بهر رکعت
نمازی که کرده میشود بروشنی چراغ او [illegible] از دنیا تا آنکه ببیند
جای خود را در بهشت و [illegible] علیهم السلام باب

پنجم در بیان [illegible] فصل اول در فضیلت
گفتن سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر

گفتن و تمجید روایت شده از ابن مالک که گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله
که هر که بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له اللهم صل علی محمد و آل محمد
بیرون آید از دهان وی مرغی سبز که او را دو بال باشد آراسته بمروارید و یاقوت
پس چون پهن کند آن دو بال را فرا گیرد مشرق و مغرب را تا آنکه برسد بعرش و او را
صدائی باشد مثل آواز مگس عسل ذکر کند صاحب خود را پس گوید او را خدا تعالی که
مدح کردی مرا و مدح کردی پیغمبر مرا ساکن شو پس گوید چگونه ساکن شوم و حال
آنکه هنوز نیامرزیدی گوینده لا اله الا الله را پس فرماید خدا تعالی که ساکن شو که آمرزیدم

او را او فرمود پیغمبر صلّی الله علیه و آله و سلّم که سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اکبر
سید تسبیحات است پس هرکه گوید در هر روز یکبار بهتر باشد از برای وی از آزاد کردن
بنده و بهتر باشد از برای وی از ده هزار اسب که بفرستد آنرا در راه خدا و برخیزد
از مکان خود الّا آمرزیده و بدهد خدا بوی بهر حرفی شهری و فرمود حضرت رسول صلّی الله
علیه و آله که هرکه بگوید صد بار سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اکبر بنویسد او را
خدا در دیوان صدیقان و باشد او را ثواب صد مثقال و باشد او را بهر حرفی نوری
برصراط و باشد در بهشت رفیق آنحضرت علیه السلام و فرمود پیغمبر ع که هرکس بگوید
سبحان الله بهتر است از برای وی از مقدار کوهی از طلا که نفقه کنند در راه خدا
والحمد لله بهتر است از کوهی نقره که صرف شود در راه خدا ولا اله الّا الله بهتر است
از دنیا و هرچیز که در دنیا است و بهتر است از [illegible] نزد خدا والله اکبر بهتر است
از آزاد کردن هزار بنده پس هرکه بگوید هر روز سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله
والله اکبر صد بار خدا [illegible] از آتش و گفت ابن عباس که گذشتم
بر پیغمبر ص و پیغمبر فرمود لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ عرض کردم یا رسول الله
چیست ثواب این فرمود آنسرور که این تسبیح حمله عرش است هرکس بگوید یکبار
لاحول ولا قوة الا بالله بیامرزد خدا گناه صد ساله او را و بنویسد از برای او بهر
حرفی صد حسنه و رفیع گرداند از برای او صد درجه پس اگر زیاد کند بر یکبار او را است
بهر حرفی گنجی و نوری بر صراط **فصل دوّم** در فضیلت استغفر الله گفتن
فرمود پیغمبر صلّی الله علیه و آله که هرچیز را دوائیست و بدرستیکه دوای گناه استغفار
است و فرمود پیغمبر صلّی الله علیه و آله که نیست گناه کبیره با استغفار و نیست
صغیره با معصیت بسیار و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از

پدر خود از جد خود از پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر کس بگوید بعد از عصر استغفر الله هفتاد
بار بیامرزد خدا گناهان هفتاد ساله او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر که بسیار
استغفر الله بگوید بگرداند خدا از برای او از هر غم گشایشی و از هر تنگی راه خلاصی و روزی
دهد او را از جائی که گمان ندارد و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه وآله که کفاره غیبت
آنست که استغفر الله گوئی از برای آنکس که غیبت کردی او را و فرمود حضرت امام
علی بن موسی الرضا علیهما السلام که هر که استغفار کند از گناه و دوباره گناه کند پس
گویا استهزا میکند به پروردگار خود و فرمود آنحضرت علیه السلام که بهترین اذکار
لا اله الا الله است و بهترین عبادت استغفار است از برای آنکه خدا تعالی فرمود
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبک و فرمود آنسرور که آیا خبر
نکنم شما را بدرد و دوای شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود درد شما گناهان است و دوای
استغفار است و فرمود [illegible] تعالی که بدرستیکه من توبه
میکنم روزی صدبار **فصل** در فضیلت صلوات بر نبی صلی الله علیه
وآله فرمود خدای تبارک و تعالی در سوره احزاب ان الله وملائکته
یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه
وسلموا تسلیما یعنی بدرستیکه خدا و جمیع فرشتگان درود میفرستند
بر این پیغمبر رفیع القدر ای گروه گروندگان درود بفرستید بر وی و تحیت و سلام
کنید بر وی سلام کردنی و فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله که هر که صلوات بفرستد
بر من یکبار صلوات فرستد بر وی خدا ده بار و هر که صلوات دهد بر من ده بار
صلوات دهد بر وی خدا صد بار و هر که صلوات دهد بر من صد بار صلوات دهد
بر وی خدا هزار بار و خدا عذاب نکند او را در دوزخ هرگز و فرمود پیغمبر صلی الله علیه

واله که هرکه صلوات دهد بر من یکبار بگشاید بروی خدا دری از رحمت و فرمود پیغمبر
که هرکه صلوات دهد بر من یکبار باقی نماند از گناهان او یکذره و فرمود پیغمبر در
وصیت که یا علی هرکه صلوات دهد بر من در هر روز یا در هر شب واجب شود از
برای او شفاعت من واگرچه باشد از اهل گناهان کبیره و فرمود رسولخدا
صلی الله علیه واله وسلم که بدرستیکه نزدیکترین شما بمن در روز قیامت در همه جا
آنستکه بیشتر باشد صلوات او بر من در دار دنیا و هرکه صلوات دهد بر من
در روز جمعه یا در شب جمعه صد بار روا کند خدا از برای او صد حاجت هفتاد از
حاجتهای آخرت و سی از حاجتهای دنیا و موکل گرداند خدا از برای او بهر صلواتی
فرشته را که داخل کرده اند در من در قبر من چنانچه داخل میکردند یکی از شما هدایا را بجای
خود که خبر دهد [illegible] صلوات [illegible] است بر من باب ششم و درین
چهار فصل است فصل اول در فضیلت ادا کردن زکوة فرمود خدای تبارک وتعالی
در سوره بقره که مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ
اَضْعَافًا كَثِيرَةً یعنی کیست که قرض دهد مال خود را در راه خدا نفقه نیکو تا آنکه
زیاد گرداند خدا از برای او زیادتی بسیار فرمود خدا تعالی در سوره توبه که خُذْ مِنْ
اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا یعنی فراگیر بعضی از مالهای
ایشان زکوة فریضه را تا پاک گردانی ایشان را از گناهان و زیاد گردانی مال ایشانرا
بان و فرمود خدا تعالی وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ
مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا
بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ البته مپندار آنانرا که بخیلی میکنند بمالی که داده
است ایشانرا خدا از فضل خود که آن خیر است مر ایشانرا بلکه آن شر است

از برای ایشان زود باشد که طوق شود اموال در گردن ایشان در روز قیامت
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که استوار کردانید مالهای خود را بزکوة و دوا کنید بیماران
خود را بصدقه و فرمود حضرت امیرالمؤمنین ع بدرستیکه خدای تعالی فرض کرده است
در مالهای مالداران قوت فقیران را و گفت خدای تبارک و تعالی که مال مال من
است و مالداران وکیلان من و فقیران عیالان من پس هرکه بخیلی کند بمال من
بر عیالان مرا داخل کردانم او را در دوزخ و باک ندارم و فرمود حضرت صادق ع که هرکه
منع کند قیراطی از زکوة پس کو بمیرد اگر بمیرد اگر خواهی بدین یهود و اگر خواهی بدین نصاری
و گفت علیه السلام که ضایع نمیشود مال در بیابان و دریا مگر بمنع از زکوة **فصل**
دویم در فضل روزه ماه رمضان و غیر آن فرمود حق تعالی در سوره بقره و
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ اَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ یعنی فرض شده است بر شما
روزه داشتن چنانچه فرض شده بود بر آنانکه پیش از شما بودند از برای آنکه شما بپرهیزید
و این فرض در روزهای چند شمرده است و فرمود پیغمبر ص که هر که روزه دارد ماه
رمضان را در کوش داشتن و خاموشی و باز داشتن کوش و چشم و زبان و دست
و عضوهای خود را از حرام و دروغ و غیبت از راه قربت یابد نزد خدای تعالی جل شانه
در روز قیامت تا آنکه زانو بزانوی ابرهیم علیه السلام زند و نباشد میان او و میان
عرش مگر فرسخی یا میلی بادست را دیرا که فرسخ فرمود یا میل و در حدیث از پیغمبر ص
که او فرمود چون روزه شوی باید که باشد کوش تو و چشم تو و نباشد البته روز روزه تو مثل
روز افطار تو و روایت کرد جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام گفت فرمود
رسولخدا ص جابر بن عبد الله انصاری را که ای جابر این ماه رمضان هر که روزه دارد

روز آنرا و قیام نماید در بعضی از شب آن و نگاهدارد شکم و فرج خود را و باز دارد زبان
خود را بیرون رود از گناهان خود چنانچه بیرون میرود از ماه عرض کرد جابر یا رسول الله
چه نیکوست این حدیث فرمود رسول الله که چه سخت است این شرطها و روایت
شده است از پیغمبر که او گفت مر خدا راست عزوجل در هر روز از ماه
رمضان نزد افطار هزار هزار آزاد شده از آتش پس چون روز جمعه و شب جمعه شود
آزاد کرداند خدای تعالی در هر ساعتی از آن هزار هزار بنده که کل ایشان سزاوار
دوزخ باشند و سنت است [illegible] شوال و در جمیع ماهها روزه سه روز پنجشنبه
اول در دهه اول و چهارشنبه اول دهه دوم و پنجشنبه آخر در دهه آخر در هر ماه
که بدرستیکه روایت از امامان علیهم السلام است که این برابر روزه داشتن
روز بیست و [illegible] از زیر کعبه و سنت است روزه
این روز و مروی است [illegible] برابر روزه شصت ماه است ذی الحجه سنت
است روزه نه روز اول دهه اول [illegible] روزه شود روز اول آن و آن روز
ولادت ابرهیم خلیل علیه السلام است و روایت شده از امام موسی علیه السلام
که آنحضرت فرمود هر که روزه دارد روز اول دههٔ ذی الحجه بنویسد خدا از برای او
روزه هشتاد ماه هجدهم ذی الحجه که روز غدیر است فرمود حضرت صادق
علیه السلام که روزه روز غدیر خم برابر روزه داشتن عمر دنیا باشد اگر زندگانی کند
آدمی و نماز آن نزد خدای تعالی سبحانه برابر صد حج و صد عمره نیکوی مقبول باشد
و آن روز عید اکبر و بزرگترین عیدها است محرم فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که
روزه دارد دهم محرم نوشته شود از برای او عبادت شصت ساله بروزه و قیام
آن و هر که روزه دارد در آن روز نوشته شود از برای او ثواب ساکنان هفت آسمان

وهرکه افطار کند نزد او یک مؤمن در روز عاشورا چنان باشد که افطار کرده است نزد
او جمیع امت محمد صلی الله علیه واله وهرکه بمالد دست خود را بر سر یتیمی بلند شود
از برای او بهر موئی که بر سر اوست درجه ربیع الاول روز هفدهم آن متولد شد
پیغمبر صلی الله علیه وآله نزد طلوع صبح روز جمعه در عام الفیل وآن روزیست بسیار
عظیم البرکه ودر روزه آن فضل بسیار است وثواب بیشمار وآن یکی از روزهای
چهارگانه از هر سال است ودوم آن روز غدیر است وسیم روز
مبعث که بیست وهفتم رجب است [illegible] دحو الارض است که بیست
وپنجم ذی القعده است ودر روایت شده از ائمه [illegible] سلام الله علیهم اجمعین
که هرکه روزه روز هفدهم ربیع الاول دارد بنویسد خدا از برای او ثواب روزه
شصت سال وسنت است [illegible] زیارت قبرهای مشرفه ماه
جمادی الاولی در پانزدهم [illegible] ولادت امام زین
العابدین علیه السلام بوده وسنت است [illegible] ماه رجب
سنت است روزه کل آنرا وروایت است که از امیر المؤمنین علیه السلام که آنحضرت
روزه میداشت در این ماه ومیفرمود که رجب ماه من است وشعبان ماه رسول خدا ص
است وماه رمضان ماه خدا است وروایت کرد سماعه بن مهران از حضرت
امام جعفر صادق ع که گفت فرمود رسول خدا ص هرکه روزه دارد سه روز از ماه رجب
بنویسد خدا از برای او بهر روزی روزه سالی وهرکه روزه دارد هفت روز از ماه
رجب بسته شود بروی درهای هفت دوزخ وهرکه روزه دارد هشت روز از ماه رجب
گشاده شود از برای او درهای بهشت وهرکه روزه دارد پانزده روز حساب کند خدا
با وی حسابی آسان وهرکه روزه دارد کل رجب را بنویسد خدا از برای او خوشنودی

خود را و هر که بنویسد خدا از برای او خشنودی خود را عذاب نکند او را در کتاب امالی
شیخ ابو جعفر محمد بن بابویه رحمة الله علیه است که حدیث کرد ما را محمد بن ابرهیم ابن
اسحق از احمد بن محمد کوفی از علی بن حسین از علی بن فضال از پدرش از ابو الحسن علی بن
موسی الرضا ع که آنحضرت فرمود هر که روزه دارد روز اول رجب از جهة ثواب
خدا واجب شود از برای او بهشت و هر که روزه دارد یک روز میان آن ماه قبول
شود شفاعت او بعدد قبیلهٔ ربیعه و مضر و هر که روزه دارد روزی در آخر آن بگرداند
او را خدا تعالی از پادشاهان [illegible] و قبول کند شفاعت او را در پدر او و پسر او
و مادر او و برادر او و خواهر او و عم او و عمه او و خال او و خاله او و آشنایان او و
همسایگان او و اگر چه باشد در ایشان مستوجب دوزخ روز بیست و هفتم
مبعث رسول خدا [illegible] است روزه آن و آخر روز
از چهار روز متبرک [illegible] روایت از حضرت امام جعفر صادق ع
که آنحضرت فرمود هر که روزه دارد [illegible] شعبان واجب شود از برای او
بهشت البته و هر که روزه دارد دو روز از آن نظر کند خدا بوی در هر روز و هر شب
در دار دنیا و دایم دارد نظر خود را بوی در بهشت و هر که روزه دارد روز سیم از آن
زیارت کند خدا را عز و جل در عرش وی در بهشت در هر روز و متولد شد
در این روز حضرت امام حسین علیه السلام و بعضی گفته اند که متولد در پنجم از آن ماه

فصل سیم در فضل جهاد فرمود خدای تعالی در سوره توبه
الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ

فیها نعیم مقیم خالدین فیها ابدا ان الله عنده اجر عظیم
یعنی آنانکه گرویدند بخدا و هجرت کردند از یار خود و جهاد کردند با مشرکان در راه خدا
ببذل کردن مالهای خود و دادن نفسهای خود بلند مرتبه ترند نزد خدا تعالی
و ایشان رستگارانند مژده میدهد ایشان را پروردگار ایشان برحمتی از خود
و بهشتها از برای ایشان است در آن نعمتی دائم در حالیکه جاوید باشند در آن
همیشه بدرستیکه خدا نزد او است مزدی بزرگ و فرموده است خدا تعالی در همین سوره
توبه ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم
الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا
علیه حقا فی التوریة والانجیل والقرآن ومن اوفی
بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به وذلک
هو الفوز العظیم بدرستیکه خدای تعالی خرید از مؤمنان نفسهای ایشان
و مالهای ایشان را ببهای آنکه از برای ایشان باشد بهشت کارزار میکنند این مؤمنان
در راه خدا پس میکشند و کشته میشوند وعده داده است خدا برین بیع
وعده ثابت در کتاب توریة و انجیل و قرآن و کیست وفا کننده تر بعهد خود
از خدای پس شاد باشید بخرید و فروخت خود آنکه مبایعه کردید بآن و این
بیع رستگاریست بزرگ و روایت شده از حضرت امام رضا ع باسناد خود که
گفت حدیث کرد مرا ابو عبد الله حسین ابن علی ع فرمود روزی امیر المؤمنین علی بن
ابیطالب ع خطبه میگفت مردمان را و تحریص میفرمود ایشان را بجهاد که در آنحال
برخواست جوانی نزد وی و عرض کرد یا امیر المؤمنین خبر ده مرا از ثواب جهاد در راه
خدا پس فرمود امیر المؤمنین ع که ردیف رسول الله ص بودم بر ناقه عضبا و ما روی

داشتیم بر جهاد ذات السلاسل پس پرسیدم از آنجناب آنچه پرسیدی از من پس
فرمود بدرستیکه جهادکنندگان چون قصد جهاد کنند بنویسد خدا از برای ایشان
برات بیزاری از دوزخ پس چون کارسازی جهاد کنند مباهات کند خدا با ایشان
با فرشتگان پس چون وداع کنند اهل خود را گریه کنند بر ایشان دیوارها و خانهها
و بیرون میروند از گناهان خود چنانچه بیرون میرود مار از پوست خود و موکل میگرداند
خدایتعالی بهر مردی از ایشان چهل ملک که نگاهبانی او میکنند از پیش رو و عقب و
از راست او و چپ او و نمیکند هیچ حسنه الا آنکه مضاعف میشود ثواب او دو نوشته
میشود از برای او هر روزی ثواب هزار مرد که عبادت کنند خدا را هزار سال که هر
سالی سیصد و شصت روز باشد و هر روزی مثل عمر دنیا باشد و چون حاضر
شوند برابر دشمنان منقطع شود علم اهل دنیا از ثوابی که میدهد خدا ایشان را پس چون
مبارزت کنند دشمنان را و سرنیزه ها بلند شود و تیرها رها گردد و قصد کنند مرد
بمرد احاطه کنند بدو ایشان فرشتگان ببالهای خود و دعا کنند بخدایتعالی از برای
ایشان نصرت و یاری ایشان را بطلبند و نداکننده که بهشت در زیر سایه
شمشیر است پس باشد شمشیر و نیزه بر شهید آسانتر از آشامیدن آب سرد
در روز بسیار گرم پس چون بیفتد شهید از اسب خود بشمشیری یا ضربتی
نرسد بزمین تا آنکه بفرستد خدایتعالی زنی از حورالعین که مژده دهد او را بآنچه آماده ساخته
است خدای عزوجل از برای وی از کرامت پس چون برسد بزمین گوید او را که
خوش باد ای روح پاکیزه که بیرون آمدی از بدن پاک بشارت باد ترا که از برای تو
است آنچه ندیده هیچ چشم و نشنیده است هیچ گوش و نگذشته است بر خاطر
هیچ آدمی و گوید خدایتعالی که منم عوض وی در اهل وی هر که راضی گرداند ایشان را

بتحقیق که مرا راضی گردانیده است و هر که ایشانرا بخشم آورد بتحقیق که مرا بخشم آورده است
و بگرداند روح او را خدا تعالی در سینهٔ مرغان سبز که سیر کند در بهشت هر جا که خواهد و
بخورد از میوهای آن و جای گیرد بقندیلهای طلا که آویخته است بعرش و بدهند هر یکرا
از ایشان هفتاد غرفه از غرفهای فردوس که راه هر غرفه مسافت صبح باشد
تا شام پر کند نور آن میان مشرق و مغرب را در هر غرفه هفتاد درگاه باشد بر هر دری
هفتاد در باشد و در هر دری هفتاد حجره باشد مشبّک از طلا و در هر غرفه هفتاد
خیمه باشد در هر خیمهٔ هفتاد تخت از طلا که پایهای آن از مروارید و زمرد و چوبهای زبرجد
و بر هر تختی چهل فرش استبرق که هر فرشی هفتاد ذرع باشد و بر هر فرشی زنی باشد از
حور العین که عربه و همسنان باشند پس عرض نمود انجناب که خبر ده مرا یا امیر المؤمنین
از عربه که چیست آن فرمود زن [illegible] خدا است که در بهشت هفتاد هزار
غلام و هفتاد هزار کنیز که [illegible] باشند بر سر ایشان است
تاجها از مروارید بر گردنهای ایشان [illegible] در دست کوزها و آفتابها پس
چون روز قیامت شود بیرون آید از قبر خود شمشیر کشیده [illegible] باشد از رگهای
گردن او خون چون یاقوت باشد و بوی آن مشک کام میگذارد بصحرای قیامت
بخداوندی که نفس من بدست اوست که اگر پیغمبران بطریق ایشان باشند
البته مردمان مشغول شوند بایشان بانچه بینند از نور و صفای ایشان تا آنکه
بیایند بجایهائیکه از جواهر است و می نشینند بر آن و شفاعت میکنند هر یکی از ایشان
هفتاد هزار کس از اهلبیت خود را و همسایگان خود را حتی آنکه نزاع کنند دو همسایه
او با یکدیگر که کدام نزدیکتر بوده اند بوی در دنیا پس می نشینند با من و با ابراهیم
بر مائده و خوان دوام پس نظر میکنند برحمت خدا در صبح و شام و در روایتی دیگر در هر

منبع وششم فصل چهارم در ذکر فایده بعضی از آنچه فرض کرده است
خدایتعالی از ایمان و نماز و زکوة و غیر آن فرمود رسولخدا که فرض کرد خدا ایمان را
از برای پاکی از شرک و نماز را برای دوری از کبر و زکوة را بسبب روزی و روزه را بجهة اثبات
اخلاص خلق و حج را از برای قوت دین و جهاد را از برای عزت اسلام و امر بمعروف را
از برای مصلحت همه مردمان و نهی منکر را از برای منع نادانان و صله رحم را از برای
زیادتی عدد و قصاص را از برای حفظ خونها و اقامت حدود را از برای بزرگ داشتن
حرامها و ترک شرب خمر را از برای نگاهداشتن عقل و دوری از دزدی را از برای واجب
ساختن پرهیزکاری و ترک زنا را از برای درست ساختن نسب و ترک لواطه را از
برای بسیار شدن اولاد و گواهی را از برای غالب شدن در وقت انکار و ترک
دروغ را از برای بزرگ داشتن صدق و ... از برای ایمنی از ترسها و امانت را از
برای نسق امت ... از ... و امانت و فرمود حضرت حسن
بن علی بن ابیطالب ... از نشانهای مؤمن قوتست در دین داری و کرمست
در نرمی و دور اندیشی ... و علم ... بردباری و فراخی است در نفقه
و میانه رویست در عبادت و دوریست در طمع و نیکی است در راستی ظلم
نمیکند بر دشمنی و گناه نمیکند بواسطه دوستی کسی و دعوت نمی کند چیزی را که نیست از برای او
و منکر نمیشود حقی را که بر او است عیب نمیکند نه بظاهر و نه در غیبت و دشنام نمیکند
ترسا نیست در نماز فراخ دست است در زکوة شکر کننده است در نعمت صبر
کننده است در بلا قانع است بآنچه هست او را جمع نمیشود در وی خشم و جمع نمی شود
در وی بخل با مردمان میآمیزد از برای آنکه علم فرا گیرد و خاموش میباشد تا آنکه بسلامت
باشد صبر میکند اگر ستم کنند بر وی تا آنکه باشد خدای او آنکه جزا دهد او را و انتقام کشد از برای او

باب هفتم در آن هفت فصل است فصل اول در فضیلت عدل فرمود
خدا یتعالی در سوره نحل اِنَّ اللهَ یَأمُرُ بِالعَدلِ وَالاِحسانِ وَاِیتاءِ
ذِی القُربی وَیَنهی عَنِ الفَحشاءِ وَالمُنکَرِ وَالبَغیِ یَعِظُکُم لَعَلَّکُم
تَذَکَّرُونَ یعنی بدرستیکه خدا امر میکند براستی ونیکوئی وعطا دادن
خویشان وباز میدارد از عمل زشت وآنچه انکار کنند واز ستمکاری پند میدهد
خدا یتعالی شمارا که شاید شما پند گیرید وفرمود خدا یتعالی اِذا حَکَمتُم بَینَ النّاسِ اَن تَحکُموا
بِالعَدلِ یعنی امر میکند خدا شمارا که هرگاه حکم کنید شما در میان مردمان حکم کنید
براستی وعدل وفرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله که عدل یکساعت بهتر است از
عبادت هفتاد ساله وفرمود رسول خدا که نیکی کنید با پدران خود که ایشان پیران
شما اند وگفته که ملک باقی میماند بعدل با کفر وباقی نمیماند بظلم با ایمان فصل دویم
دریاری مؤمن فرمود خدا یتعالی وَیُؤثِرُونَ عَلی اَنفُسِهِم وَلَو کانَ بِهِم
خَصاصَةٌ وَمَن یُوقَ شُحَّ نَفسِهِ فَاُولئِکَ هُمُ المُفلِحُونَ
یعنی برمیگزینند دیگرانرا بر خود واگرچه خود ایشانرا احتیاج باشد وهر که نگاهداشته شود از بخل نفس
پس ایشان آنانند که رستگارانند وفرمود حضرت صادق علیه السلام از پدر خود
از پدران خود علیهم السلام از پیغمبر صلی الله علیه وآله که میفرمود هر که قضا کند از برای برادر مؤمن خود
یک حاجت قضا کند خدا از برای او حاجتهای بسیار یکی از آنها است بهشت وهر که
بپوشد برادر خود را از برهنگی بپوشد او را خدا از سندس واستبرق وحریر از جامهای
بهشت وهر که بپوشد برادر خود را از غیر برهنگی درآید در خشنودی خدا یتعالی مادامی که
که بر آن پوشیده یکتار باقی باشد وهر که طعام دهد مؤمنی را از گرسنگی طعام دهد او را
خدا از میوهای بهشت وهر که آب دهد برادر مؤمن خود را آب دهد او را خدا از رحیق

محروم و هرکه خدمت کند برادر مؤمن خود را با تواضع و خاری و قوت دهد او را
خدمت کار او کرداند خدا تعالی ولدان مخلدون را یعنی غلامان بهشت را که
کرداند او را با اولیاء خود که طاهراند و هرکه سوار کرداند برادر مؤمن خود را بر مرکب خود
سوار کرداند خدا او را بر شتری از شتران بهشت و فخر کند بوی با فرشتگان
و خلایق در روز قیامت و هرکه زن دهد برادر مؤمن خود را تا انکه انس گیرد با وی
و راحت یابد از وی زن دهد او را خدا از حور العین و مونس او کرداند در قبر وی
دوستترین اهل بیت او را برادران او را انس گیرد او با ایشان و هرکه یاری کند برادر
خود را بر پادشاهی ستمکار یاری کند او را خدا بر کذشتن صراط نزد لغزیدن قدمها
و فرمود رسول خدا ص که هرکه طعام دهد برادر مؤمن خود را تا انکه سیر شود و آب دهد او را تا انکه
سیراب شود و آب دهد او را تا انکه سیراب شود دور کرداند او را خدا از آتش
بشش خندق که میان هر دو خندق پانصد ساله راه باشد **فصل سیتم**
در داخل کردانیدن شادی بر مؤمن فرمود امیر المؤمنین ع که هرکه داخل کرداند
شادی بر دل برادر مؤمن بتحقیق که داخل کردانیده است شادی بر ما که اهل
بیتیم و هرکه داخل کرداند شادی بر ما اهلبیت پس بتحقیق که داخل کردانیده است
شادی بر رسول الله و هرکه داخل کرداند شادی بر رسول الله بتحقیق که شاد کرده است
خدا را و هرکه شاد کند خدا را حق است بر خدا که شاد کند او را و ساکن کرداند
او را در بهشت خود و هرکه زیارت کند برادر مؤمن خود را بمنزل وی نباشد او را
بوی حاجتی مکر در راه خدا نوشته شود او از زیارت کنندگان خدا و باشد حق بر خدا
که بزرکوار کرداند او را و فرمود رسول خدا ص که تبسم کردن بر روی مؤمن غریب از کفاره
کناهانست و فرمود پیغمبر ص هرکه اکرام کند غریبی را در غربت وی با انکه بر د

غم او را با طعام دهد او را با آب دهد او را یک شربت یا بخندد بر روی او پس او را است
بهشت **فصل چهارم** در آزار مؤمن فرمود خدا تعالی در سوره احزاب
والذین یؤذون المؤمنین والمؤمنات بغیر ما اکتسبوا
فقد احتملوا بهتانا واثما مبینا یعنی آنانکه آزار میکنند مردان مؤمن
را و زنان مؤمنه را بغیر آنکه آزار کنند ایشان را پس بتحقیق که کرده اند بزرگترین بهتانی
و معصیتی ظاهر و فرمود رسول خدا که هر که آزار کند مؤمنی بتحقیق که آزار کرده است
مرا و هر که آزار کند مرا بتحقیق که آزار کرده است خدا را و هر که آزار کند خدا را پس او ملعون
است در توریة و انجیل و قرآن [illegible] است کرده است او را خدا
و فرشتگان و آدمیان جمیعا و فرمود آنحضرت هر که نظر کند بمؤمنی نظری که بترساند او را
خدای تعالی در روزیکه نیست سایه الا سایه او [illegible] و را خدا در صورت
مورچه بگوشت او و چشم او [illegible] بیاورد او را بموضع
او و مرویست از حضرت امیر المؤمنین [illegible] پیغمبر که فرمود هر که
بگوید در مؤمنی آنچه دیده باشد دو چشم [illegible] گوش او و از آنچه زشت
باشد او را و نقص کند مروت او را پس او از آن مردمانست که گفته است در شان
ایشان که **ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین**
امنوا لهم عذاب الیم بدرستی که آنان که دوست میدارند که ظاهر گردد
ناشایست و زشتی در مؤمنان از برای ایشانست عذابی دردناک آگاه
باش که ایشانراست داو بلای بسیار و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
که فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله هر که روایت کند از برادر مؤمن روایتی که اراده
کند بآن عیب او را و هدم و نقصان مروت او را بدارد او را خدای تعالی در رکن

و بیم در درک الاسفل از دوزخ و فرمود پیغمبر ص هرکه غمگین گرداند مؤمنی را بعد از
آن بدهد او را کل دنیا نباشد این کفاره آن و مزد داده نشود بر آن قضا
بیحد در ظلم فرمود خدا تعالی در سوره ابراهیم وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا
عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ
مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ
هَوَاءٌ یعنی مپندار خدا را بیخبر از آنچه میکنند ستمکاران تأخیر میکند عذاب
ایشان را مگر تا روزیکه خیره شود در آن چشمها در حالتیکه ایشان شتابان باشند
برداشته باشند سرهای خود را [illegible] ایشان چشمهای ایشان خالی بود
دلهای ایشان [illegible] و فرمود در سوره شعرا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ [illegible] که ستم کردند که بکدام مکان باز
خواهند گشت [illegible] از امام محمد باقر علیه السلام که آنسرور فرمود ظلم سه
تا است ظلمی که میآمرزد آنرا خدا تعالی [illegible] که نمیآمرزد آنرا خدا تعالی و ظلمیکه
نمیگذارد آنرا [illegible] نمیآمرزد آنرا خدا تعالی شرک بخدا تعالی
است و اما ظلمی که میآمرزد آنرا خدا ظلم مرد است بنفس خود در میان او و میان
خدا و اما ظلمی که نمیگذارد آنرا خدا تعالی ظلمیست که میکند کسی در میان خود و میان
بندگان خدا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله آنچه فرا میگیرد مظلوم از دین
ظالم بیشتر است از آنچه میگیرد ظالم از دنیای مظلوم و فرمود پیغمبر ص بپرهیزید
از ظلم بدرستیکه ظلم ظلمات و تاریکیهای روز قیامت است و گفت یکی از
شاعران نور الله مضجعه الم تعلم بانّ الظلم عار جزاء الظلم عند
الله نار وللمظلوم دار فی جنان وللظلام فی النیران دار

مضمون این بفارسی اینست که آیا نمیدانی تو آنکه ظلم عار است و جزاء ظلم نزد
خدای تعالی آتش است و از برای مظلوم خانه ایست در بهشت و از برای
ظالم در دوزخ خانه ایست و روایت شده باسناد صحیح از حضرت رسول الله
که آنحضرت فرمود چهار کس رد نمیشود دعای ایشان و گشاده میشود از برای
آنها درهای آسمان و میرسد بعرش دعای پدر از برای فرزند و مظلوم
بر ظالم و آنکه عمره آورد تا آنکه باز گردد و روزه دار تا آنکه افطار کند فرمود
پیغمبر ص هر که برود با ظالمی که یاری کند او را و او میداند که او ظالم است بتحقیق که
بیرون رفته است از اسلام و روایت شده از امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود از پدران
او علیهم السلام گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون روز قیامت
شود ندا کند نداکننده که کجایند ظالمان و یاران ظالمان و آنانکه آماده ساختند
از برای ایشان دواتی یا بستند از برای ایشان کیسه یا مدد کردند ایشانرا
بیک قلمی پس برانگیزانند ایشانرا با ظالمان [illegible] در رشوه فرمود
خدای تعالی در سوره مائده وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَ
الْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ یعنی می بینی
بسیاری از ایشان را که شتاب میکنند در گناه و ظلم و خوردن ایشان
حرام را بتحقیق که بد چیزیست که عمل میکنند ایشان آنرا و فرمود رسول خدا صلی الله علیه
و آله در وصیت بعلی علیه السلام که از سحت و حرام بهای مرده است و بهای
سگ و بهای خمر و مزد زن زناکار و رشوه در حکم و مزد فال گوی از جن و روایت
شده از حضرت رضا علیه السلام فرمود حدیث کرد مرا پدر من از علی بن ابیطالب
علیه السلام در قول خدای تعالی اکالون للسحت خورندگان حرام را فرمود

آن مردیستکه قضا میکند از برای برادر خود حاجتی بعد از آن قبول میکند هدیه ورا و فرمود هرکه رشوه میدهد یا رشوه میگیرد یا راه میرود بمیان این ملعونست و فرمود پیغمبر ص که به پرهیزید از رشوه که این محض کفر است و نمیشنود صاحب رشوه بوی بهشت و بپرهیزید از آنکه تواضع کنید از برای مالدار که تواضع نمیکند کسی از برای مالدار الا آنکه میرود نصیب او از بهشت **فصل هفتم** در ثواب بازدادن حق مردم بصاحبان فرمود خدای تعالی در سوره نساء

إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

بدرستیکه خدا امر میکند شما را که ادا کنید امانتها را باهل آن و چون حکم کنید حکم کنید بعدل بدرستیکه خدا نیک چیزیست که پند میدهد شما را بآن بدرستیکه خدا شنوا ست شنوا و بینا است بکردار شما و فرمود رسول خدا ص که یک درهم که باز دهد بخداوندش از آنچه خواهندگان بهتر است اورا از عبادت خدا هزار سال و بهتر است اورا از آزاد کردن هزار بنده و بهتر است اورا از هزار حج و عمره و فرمود رسول خدا ص که هرکه رد کند یکبد هم بخواهندگان آزاد کند خدا رقبه اورا از آتش و بدهد اورا بهر دانکی ثواب پیغمبری و بهر درهمی شهری از مروارید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله که هرکه راضی گرداند خواهندگان را از خود واجب شود از برای او بهشت بی حساب و باشد در بهشت رفیق اسمعیل بن ابرهیم علیهما السلام و فرمود آنسرور که در بهشت شهرها است از نور بر آن شهرهای نور چهار در است از طلا و مزین بمروارید و یاقوت در میان آنشهرها قبها است

از مشک و زعفران هر که نظر کند بآن شهرها آرزو کند که باشد او را شهری
از آن عرض کردند یا نبی الله از کیست این شهرها فرمود از توبه کاران پشیمان
از گناه که خوشنود کنند خواهندگان را از خود بدرستی که بنده چون باز دهد
آیدرهم بخواهندگان بزرگوار گرداند او را خدا ببزرگواری هفتاد شهید و بدرستیکه
آیدرهم که باز دهد او را بنده بخواهندگان بهتر است او را از روزه داشتن روز
و قیام بعبادت نمودن شب و هر که رد کند درهمی ندا کند او را ملکی از زیر عرش
که ای بنده خدا از سر گیر عمل را که آمرزید خدا او را [illegible] کردی از گناه و فرمود
آنسرور که هر که بمیرد بی توبه بانگ کند زرهای او بجهنم [illegible] پس اول آن باقی
نماند هیچ آب چشم او الا که روان شود از چشم او و از [illegible] م باقی نماند هیچ
خون الا انکه بیرون آید از دو [illegible] او و [illegible] باقی نماند هیچ رحم الا
انکه بیرون آید از دهان او پس [illegible] و خوشنود گرداند
خواهندگان را پس هر که چنین کند [illegible] باب هفتم
در آن هشت فصل است فصل اول در نکاح کردن فرمود خدا تعالی
وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُو
نُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ یعنی نکاح
دهید مردان بی زن و زنان بی شوهر را از خود و از صالحان از غلامان و
کنیزان خود اگر هستند ایشان فقیران بی نیاز میگرداند ایشان را خدا از فضل خود
و خدا فراخست روزی او و داناست بحال بندگان خود و فرمود رسولخدا صلعم
که هر که نکاح کند بتحقیق که حفظ کرد نصف دین خود را پس باید که از خدا بترسد
از نصف دیگر و فرمود رسولخدا ص که نکاح سنت من است پس هر که بگرداند

روی از سنت من پس نیست او از من و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که زن
کنید زن زاینده مهربان را و فرمود آنحضرت نکاح کنید تا بسیار شوید
بدرستیکه من فخر میکنم بشما امتها را در روز قیامت و اگرچه از شکم سقط شود
و فرمود رسول خدا که زن سیاه زاینده بهتر است از زن صاحب جمال
نازاینده و فرمود رسول خدا که گشاده میشود درهای آسمان برحمت در چهار موضع
نزد آمدن باران و نزد نظر کردن فرزند بروی پدر و مادر و نزد گشادن در کعبه و نزد
نکاح و فرمود پیغمبر به مردی عکاف نام که آیا ترا زنی هست عرض کرد نه یا
رسول الله فرمود آیا ترا کنیزی هست گفت نه یا رسول الله فرمود آیا تو مالداری
گفت بلی یا رسول الله فرمود آنحضرت که زن کن و اگرنه تو از گناهکارانی و در خبر
دیگر زن کن و اگرنه تو از رهبانان نصاری خواهی بود و در روایت دیگر زن کن و اگرنه تو
از برادران شیاطین و فرمود آنحضرت که نکاح کرده میشود زن از برای چهار چیز
از برای مال او و جمال او و دین او و حسب او پس لازم باش صاحب دین را
تا آنکه فایده یابی در روایت شده که حسن بن علی علیهما السلام زن کرد زیاد از دویست
زن و گاه بود که زن میکرد چهار زن را در یکعقد و فرمود پیغمبر به یکی از اصحاب
خود را که او زید بن ثابت است که زن کن که بدرستیکه در زن کردن برکت
است و پرهیزکاری و زن مکن دوازده زن را عرض کرد یا رسول الله کدامند
آن دوازده فرمود زن مکن زن سلیطه را و نه زن بدخلق را و نه پیر را و نه زن
پیر را و نه زنی که حیضش زود آید و نه زنی که پیرو هوی باشد و نه زنی که دفع کند
شوهر را و نه زنی که شکایت کننده و منت نهنده باشد و نه زن فحش گوینده
را و نه زنی که فرج بسته باشد که نتوان با وی دخل کردن و نه زن خورد و نه زن

خورد اندام و نه زنیکه فرزند از شوهر دیگر دارد و در روایت دیگر نه زن بلند بالا و نه زن
بلند آواز و فرمود صلی الله علیه وآله که هرکه سعی کند در نکاح تا آنکه جمع کند میان
ایشان زن دهد او را خدا از حور العین و باشد او را بهر گامی که رفته است و بهر کلمه
که گفته است بآن عبادت یکساله **فصل دوم** در آنچه سنت است
نزد داخل شدن نزد عروس در خانه و در بیان وقتهای خوب و وقتهای بد از
برای جماع و فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله بعلی علیه السلام که یا علی چون داخل شود
عروس در خانه تو پس بیرون کن کفشهای او را چون بنشیند و بشوی پاهای او را
و بریز آنرا در خانه خود تا هفتاد برکت داخل خانه تو شود از برای آنکه چون چنین کنی بیرون
میبرد خدای تعالی از خانه تو هفتاد نوع درویشی و فقر و داخل میکند بتو هفتاد رحمت
که سایه میاندازد بر عروس [illegible] خانه و ایمن میشود عروس
از دیوانگی و خوره و پیسی و منع [illegible] است و منع کن عروس را
در هفته اول از شیر و سرکه و گشنیز و سیب [illegible] علی علیه السلام که چرا منع
میکنی از این چیزها فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله از برای آنکه رحم سرد میگردد از شیر و
منع از سرکه برای آنستکه چون حایض شود در حالیکه سرکه خورده پاک نمی شود
هرگز و گشنیز برمیانگیزاند حیض را در شکم او و سخت میشود بر وی زائیدن و سیب
ترش بند میکند حیض او را پس او بیمار میشود بعد از آن فرمود یا علی جماع مکن زن
خود را در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از برای آنکه جنون و خوره و کم عقلی
سرعت میکند بآن زن و بفرزند او و یا علی جماع مکن زن خود را بعد از ظهر که اگر
فرزندی بشود میان شما دیوانه میباشد یا علی در حال جنابت پس نخوانید قرآن
که میترسم فرود آید بر شما آتشی از آسمان و بسوزاند شما را یا علی جماع مکن مگر آنکه با تو

باشد خرقه و با زن تو خرقه که اگر نه داخل میشود شهوت بر شهوت پس واقع میشود میان
شما دشمنی و طلاق یا علی جماع مکن زن خود را ایستاده از برای آنکه اگر فرزندی شود
میان شما ترس است که بول کننده باشد در جامه خواب یا علی جماع مکن زن خود را
شب عید ماه رمضان از برای آنکه اگر فرزندی شود تنک روزی است و میرسد
او به پیری یا علی جماع مکن زن خود را شب عید قربان از برای آنکه اگر فرزندی
شود تو را شش انگشت باشد یا چهار انگشت یا علی جماع مکن زن خود را زیر درخت
میوه دار که اگر فرزندی شود میان [illegible] یا کشنده باشد یا علی جماع مکن زن
خود را در روی آفتاب [illegible] از برای آنکه اگر فرزندی شود همیشه در سختی و فقر باشد یا علی
جماع مکن زن خود را در میان اذان و اقامت از برای آنکه اگر فرزندی شود میان
شما حریص باشد بر ریختن خونها یا علی چون زن تو آبستن شود زن تو دخول مکن با وی
مگر با وضو که اگر [illegible] فرزندی شود کور دل باشد و بخیل یا علی جماع مکن زن
خود را در نصف ماه شعبان از برای آنکه اگر فرزندی شود صاحب اهوی و شوم
روی باشد یا علی جماع مکن زن خود را در شهوت زن دیگر که اگر فرزندی شود میان
شما مخنثی و دشتر انگیز باشد یا علی ملازم باش بجماع کردن شب دوشنبه از
برای آنکه اگر فرزندی شود حافظ قرآن باشد و راضی است بانچه قسمت شده است
از برای او یا علی جماع مکن در آخر رجب یعنی یک روز یا دو روز از برای آنکه اگر
فرزندی شود ناقص عقل میباشد یا علی چون جماع کنی در شب سه شنبه اگر
فرزندی شود شهید شود و روزی کند او را خدا شهادت و باشد دهان او خوشبوی
و دل او رحیم و دست او بخشنده و زبان او پاکیزه یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه
اگر فرزندی شود حاکمی باشد یا عالمی و اگر جماع کنی با زن در روز پنجشنبه وقت

ظاهر اگر فرزندی شود نزدیک نرود او را شیطان و روزی او شود سلامت دنیا
و آخرت و اگر جماع کنی در شب جمعه اگر قضا شود فرزندی فقیه باشد و اگر جماع
کنی در روز جمعه بعد از عصر اگر فرزندی شود معروف و مشهور و عالم باشد و اگر
جماع کنی در شب جمعه بعد از خفتن اگر فرزندی شود امید هست که از ابدال
باشد انشاء الله یا علی جماع مکن در ساعت اول از شب اگر فرزندی شود
فاجر میباشد که اختیار دنیا کند بر آخرت یا علی حفظ کن وصیت مرا چنانچه
حفظ کردم من انرا از جبرئیل فضیلت ثواب خدمت بعیال
روایت است از امیرالمؤمنین که فرمود داخل شد بر ما رسول خدا در حالیکه فاطمه
نشسته بود نزدیک دیگ و من عدس پاک میکردم فرمود یا ابا الحسن
عرض کردم لبیک یا رسول الله فرمود بشنو از من و نمیگویم مگر از
امر پروردگار خود نیست مردی که یاری کند زن خود را در خانه الا آنکه باشد او را
بهر موئی که در بدن او است عبادت یک ساله که روزش روزه باشد و شب
آن بقیام و بدهد او را خدا تعالی از ثواب مثل آنچه داده است صابران را و داود
پیغمبر و یعقوب و عیسی علیهم السلام را یا علی هر که در خدمت عیال باشد در خانه
و ننگ ندارد از آن بنویسد نام او را خدا تعالی در دیوان شهیدان و بنویسد خدا
از برای وی بهر روزی و شبی ثواب هزار شهید و بنویسد از برای او بهر قدمی
ثواب حجی و عمره و بدهد او را بهر رگی که در بدن او است شهری در بهشت
یا علی یکساعت در خدمت خانه بهتر است از عبادت هزار ساله و هزار حج
و هزار عمره و بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و هزار جهاد و عیادت هزار بیمار
و هزار جمعه و هزار جنازه و هزار گرسنه را سیر کردن و هزار برهنه را پوشیدن

وهزار اسیر آوردن در راه خدا و بهتر است او را از هزار دینار صدقه کردن بر درویشان و بهتر است او را از خواندن توریة وانجیل و زبور و قران و از هزار اسیر که بخرد و آزاد کرداند آنرا و بهتر است او را از هزار شتر که بدهد بدرویشان و بیرون نرود از دنیا تا آنکه به بیند جای خود را در بهشت یا علی هر که ننگ نه دارد از خدمت عیال داخل گرداند او را خدا در بهشت بحساب یا علی خدمت عیال کفاره گناهان کبیره است و باز مینشاند غضب پروردگار را و مهر حور العین است و زیاد میکرداند حسنات و درجات را یا علی خدمت نمیکند عیال را [illegible] یا مردیکه خواهد بوی خدا خیر دنیا و آخرت را

فصل چهارم

در آنچه سزاوار است که بفعل آورد آنکه اراده فرزند داشته باشد [illegible] از حضرت امام صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود هرکه اراده کند که او را [illegible] پس باید که بگذارد دست راست خود را برجانب [illegible] وقت جماع و بخواند انا انزلناه هفت مرتبه بعد از آن جماع کند [illegible] آنچه میخواهد و بگوید هر روز وقت صبح و شام هفتاد بار سبحان الله و ده بار استغفر الله و نه مرتبه سبحان الله العظیم و بگوید در دهم که اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ غَفَّارًا یُرْسِلِ الصَّوَاعِقَ عَلَیْکُمْ مِدْرَارًا وَیُمْدِدْکُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِینَ وَیَجْعَلْ لَکُمْ جَنَّاتٍ وَنَخِیلٍ وَیَجْعَلْ لَکُمْ اَنْهَارًا

فصل پنجم

در ثواب از جهة فرزند فرمود خدا تعالی در سوره تغابن یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِکُمْ وَاَوْلَادِکُمْ عَدُوًّا لَکُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَاِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ایة ای کروه کروید
بدرستیکه بعضی از زنان شما و فرزندان شما دشمنند شمارا پس حذر کنید از
ایشان واکر ترک کنید عقوبت ایشان را و در کذرید و بپوشید پس بدرستیکه
خدا پوشنده کناه است رحم کننده است نیست مالهای شما و فرزندان شما مکر
آزمایش شما و خدا نزد او است ثواب بزرک و فرمود پیغمبر ص که فرزندان ما جکر
های ما اند طفلان ایشان امیر کنند کان اند ما را و بزرکان ایشان دشمنانند
ما را اکر میزیند بفتنه میاندازند ما را واکر میمیرند غمکین میکنند ما را وفرمود
آنحضرت که پنج کسند که در قبرها اند و ثواب ایشان جاری میشود بر دیوان
ایشان انکه بنشاند درختی خرمائی وانکه بکند چاهی وانکه بنا کند از برای
خدا مسجدی وانکه بنویسد مصحفی وانکه بکذارد فرزند صالحی و فرمود آنحضرت ص
که چون بمیرد فرزند آدم منقطع شود عمل او مکر از سه چیز فرزند صالح که دعا کند از
برای او و علمی که نفع یابند از ان و صدقهٔ جاریه و فرمود آنحضرت ص که فرزند
برای پدر سبب خوف و سبب بخل و حزن است و فرمود پیغمبر ص که رحمت
کند خدا پدری را که یاری کند فرزند را بر نیکی او و فرمود پیغمبر ص که دختران
محنتند و پسران نعمتند و خدا میدهد بهشت را بمحنت نه بنعمت و شاعر هم
کفته است شعری که مضمون این این است از نعمت خدا که شکی نیست در ان
بقاء پسران و مرک دختران است از برای قول نبی ص که دفن دختران از بزرکیها
است روایت است از ابی هریره که کفت فرمود رسول خدا ص که نیست هیچ خانه
که در ان دختران باشند الا انکه فرود آید هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان
و باز نمی ایستند فرشتکان از ان خانه و مینویسند از برای پدر ایشان هر روز

وشب عبادت سالی و از انس گفت که فرمود رسولخدا ص که هرمردکه عیال داری
کند دو دختر تا انکه بالغ شوند من واو در بهشت باشیم مثل آن دو و اشاره
کرد بانگشت سبابه وانگشت میانین روایتست که رسول خدا ص نظر فرمودند
ببعضی از طفلان پس فرمود وای مر فرزندان آخرالزمان را از پدران ایشان
عرض کردند یا رسول الله از پدران ایشان که مشرکان باشند فرمود نه بلکه از پدران
ایشان که مؤمنان باشند که تعلیم نکنند ایشانرا چیزی از واجبات و چون
فرزندان خواهند که با [illegible] منع کنند پدران ایشان آنرا و راضی باشند از
ایشان باندکی چیزی از دنیا پس من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند
وفرمود آنحضرت چهار چیز از سعادت مرد است زن صالحه و فرزندان نیکو
ومصاحبان صالح [illegible] فصل ششم در عقوبت آنکه
راضی باشد که زنش [illegible] از خانه فرمود خدای تبارک وتعالی
در سوره نساء وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا
عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ
حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا یعنی آنانکه میکنند
فاحشه از زنان شما پس گواه طلب کنید بر ایشان چهار مرد از شما که مسلمانید
پس گواه دهند پس نگاه دارید آن زنانرا در خانهها تا آنکه بمیراند ایشانرا مرگ یا
آنکه بگرداند خدا از برای ایشان راهی و فرمود پیغمبر ص که تعجب دارم از زدن شما زنانرا
بچوب که در آن قصاص است لیکن بزنید ایشانرا بگرسنگی و برهنگی تا آنکه بیابید
فایده دنیا و آخرت و هر مردی که زینت کند زن او و بیرون آید از در خانه او پس
آنمرد دیوثست و گناه ندارد هر که بخواند او را دیوث و زن چون بیرون آید

از در خانه خود زینت کرده و بوی خوش بخود زده و شوهر باین راضی باشد بنا شود از برای شوهر وی بهر قدمی خانه در دوزخ پس کوتاه کنید دست زنان خود را و دراز مگذارید که بدرستی که دراز گردانیدن دست او پشیمانی است و جزاء آن دوزخست و در کوتاه گردانیدن آن رضا و شادیست و در خلاصی بهشت است بی حساب حفظ کنید وصیّت مرا در امر زنان خود که خلاص شوید از سختی عذاب و هر که حفظ نکند وصیّت مرا پس چه باشد حال او پیش خدایتعالی **فصل هفتم** در عقوبت دشنام دادن زنان فرمود خدای تعالی در سوره نور **اِنَّ الَّذِیْنَ یَرْمُوْنَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوْا فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِیْمٌ** یعنی بدرستیکه آنانکه دشنام [illegible] فجور مؤمنانرا ملعون میباشند در دنیا و آخرت [illegible] و نیز فرموده در سوره نور **وَالَّذِیْنَ یَرْمُوْنَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ یَاْتُوْا بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوْهُمْ ثَمَانِیْنَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوْا لَهُمْ شَهَادَةً اَبَدًا وَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُوْنَ** و آنانکه دشنام میدهند زنان پرهیزکار را و نمیآورند چهار گواه پس بزنید ایشانرا هشتاد تازیانه و قبول نکنید ایشانرا بگواهی هرگز و اینان ایشانند که بیرون روندگانند از طاعت خدا و فرمود رسولخدا ص که هر که دشنام دهد زن خود را بزنا بیرون رود از جمیع ثوابهای خود چنانچه بیرون میآید مار از پوست خود و نوشته شود از برای او بهر موئی که بر بدن او هست هزار گناه و فرمود آنحضرت علیه السّلام که دشنام میدهید زنان خود را بزنا که آن مثل طلاق است و پرهیز کنید از غیبت

که آن مانند کفر است و بدانید که بدرستیکه دشنام و غیبت ضایع میکنند
عمل صد ساله را و فرمود آنسرور که هرکه دشنام دهد زن خود را بزنا فرود آید بر
وی لعنت و قبول نشود از وی فرضی و نه سنتی و فرمود صلی الله علیه و آله که
دشنام نمیدهد زن خود را مگر آنکه ملعونست یا آنکه منافق است از برای
آنکه دشنام از کفر است و کفر در دوزخ است و دشنام مدهید زنان خود را
که در دشنام دادن ایشان پشیمانی است و عقوبت سخت **فصل ششم**
در نظر کردن بآنکه محرم نیست فرمود خدا تعالی در سوره نور که **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ
يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ
أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ** بگو یا محمد مردان مؤمن را
که فرو خوابانند از چشمهای [illegible] عورتهای خود را که این پاکیزه‌تر است
برای ایشان بدرستیکه خدا [illegible] ایشان میکنند و بگو زنان مؤمنه
را که فرو خوابانند [illegible] بپوشند عورتهای خود را و فرمود رسولخدا
صلی الله علیه و آله که هرکه سیر کرداند چشمهای خود را از دیدن حرام برانگیزاند
او را خدا تعالی در روز قیامت و در چشم او میخهای آتشین باشد پس چشم
او پر از آتش باشد تا آنکه حکم کند خدا میان مردمان بعد از آن امر کنند او را
بدوزخ و فرمود رسولخدا ص که هرکه نظر کند در خانه همسایه خود پس ببیند
عورت مردی یا موی زنی یا بدن او را واجبست بر خدا که داخل گرداند او را در
دوزخ با منافقان آنانکه طلب میکرده‌اند عورتهای مسلمانان را در دنیا تا
آنکه رسوا کند او را خدا و ظاهر گرداند عورت او را از برای نظر کنندگان در

آخرت و فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام که هرکه بگشاید چشم خود را در تعب اندازد
خاطر خود را و هرکه پی در پی نظر کند دایم باشد حسرتهای او و فرمود پیغمبر ص
که نظر کردن تیری است از تیرهای زهرآب داده شیطان **باب هشتم**
و در آن هشت فصل است **فصل اول** در فضیلت ترک دنیا و رغبت
در آخرت فرمود حق تعالی در سوره یونس که اِنَّمَا مَثَلُ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا
کَمَاءٍ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ مِمَّا یَاْکُلُ
النَّاسُ وَالْاَنْعَامُ حَتّٰی اِذَا اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّیَّنَتْ
وَظَنَّ اَهْلُهَا اَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَیْهَا اَتٰیهَا اَمْرُنَا لَیْلًا اَوْ نَهَارًا
فَجَعَلْنَاهَا حَصِیدًا کَاَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْاَمْسِ کَذٰلِکَ نُفَصِّلُ
الْاٰیَاتِ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ یعنی بدرستیکه مثل زندگانی دنیا مگر مانند آبی
که فرو فرستیم آنرا از آسمان پس بیامیزد با آن گیاه زمین از آنچه میخورند آنرا آدمیان
و چهارپایان تا وقتیکه فرا گرفت زمین زینت خود را و آراسته شد و گمان بردند
اهل زمین که ایشان قادرند بر درویدن آن بیاید ایشانرا امر ما در آن زمین بهنگام
شب یا روز پس گردانیدیم آن زرع را از اصل برکنده گویا هیچ نبوده بروز
چنین بیان میکنیم دلایل قدرت خود را از برای گروهی که تفکر کنند و فرمود
امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام از امیرالمؤمنین صلوات الله وسلامه علیه
از رسول خدا ص که فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمد بدرستیکه میخواند
خدا ترا سلام و میفرماید که اگر خواهی بگردانم از برای تو رودخانه مکه را طلا پس سر
برداشت بآسمان و عرض کرد ای پروردگار من سیر میباشم روزی و گرسنه میباشم
روزی پس چون سیر باشم حمد گویم ترا و چون گرسنه باشم بخوانم ترا و از جابر

بن عبد الله انصاری از پیغمبر صلی الله علیه وآله که فرمود امیر المؤمنین علیه السلام را
که یا علی هر که عارض شود او را دنیا و آخرت پس او بر گزیند آخرت را و ترک کند
دنیا را پس او راست دوزخ و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که هر که جمع کند
شش خصلت را فوت نشود او را از بهشت هیچ مطلب و نه از دوزخ هیچ راه گریز
بشناسد خدا را پس فرمان برد او را پس بشناسد شیطان را پس نافرمانی
کند او را و بشناسد دنیا را پس ترک کند آنرا و بشناسد آخرت را پس طلب کند
آنرا و بشناسد باطل را پس بپرهیزد از آن و بشناسد حق را پس پیروی کند
آنرا و آمد جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر ص و عرض کرد میفرماید خدای تبارک
و تعالی که یا محمد زندگی کن هر چند خواهی که بدرستیکه تو میمیری و دوست دار
هر چه خواهی که بدرستیکه تو از آن جدا میگردی و جمع کن هرچه خواهی که بدرستیکه
تو آنرا میگذاری و عمل کن هر چه خواهی که بدرستیکه تو بآن جزا مییابی
و بدانکه شرف مرد قیام اوست بشب و عزت او بی نیازی اوست از
مردمان عرض کردند محمد بن علی علیهما السلام را که کیست بزرگترین مردمان از
قدر فرمود آنکه باکی ندارد از دنیا در دست هر که باشد پس هر که بزرگوار است
بروی نفس وی حقیر است دنیا در چشم وی و هر که خوار است بروی نفس وی
بزرگ است دنیا در چشم وی و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام از پیغمبر ص که هر که
مشتاق بهشت است سرعت کند بکارهای خیر و هر که ترسد از دوزخ باز ایستد
از شهوت و هوا و هر که منتظر مرگ باشد ترک کند لذتها را و هر که ترک کند میل
دنیا را آسان شود بروی مصیبتها و فرمود امام زین العابدین علیه السلام که
عجبست از آنکه عمل کند از برای خانه فنا و ترک کند خانه بقا را و فرمود امیر المؤمنین ع

که زهد در دنیا سه حرف است زا و ها و دال اما زا ترک زینت است و اما ها ترک
هوا است و اما دال ترک دنیا است **فصل دوم** در برانگیزانیدن بزرگی
خدا تعالی و امیدواری فرمود خدا تعالی در سوره آل عمران که **فَلَا تَخَافُوهُمْ**
وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ مترسید از مردمان و بترسید از
من اگر هستید از مؤمنان و فرمود در سوره مائده **فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ**
مترسید از مردمان و بترسید از من و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله یا
بن مسعود بترس از خدا بغیب چنانچه گویا می بینی او را که اگر نمی بینی تو او را
بدرستیکه او می بیند ترا میفرماید خدا تعالی **مَنْ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِا**
لْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذٰلِكَ يَوْمُ
الْخُلُودِ هرکه ترسد از خدای [illegible] کند [illegible] در حال غیب [illegible] باید برود در بهشت
با دل بازگردنده بخدا تعالی گویند بهشتیان [illegible] داخل [illegible] با ایمنی و سلامتی
و آن روزیست که نعمت آن باقیست [illegible] که فرمود خدا تعالی
که قسم بعزت و بزرگی من که جمع نمیکنم [illegible] و جمع نمیکنم از برای
او دو ایمنی پس چون ایمن است از من در دنیا و نمیترسد میترسانم او را در روز
قیامت و چون میترسد از من در دنیا ایمن میگردانم او را در روز قیامت
و فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از فرزندان خود را که ای پسرک من بترس از
خدا تعالی ترسیدنی که اگر آورده باشی حسنات اهل زمین را قبول نمیکند آنرا
از تو و امیدوار باش از خدا امیدی که اگر آورده باشی گناهان اهل زمین را می
بخشد آنرا بتو و فرمود لقمان پسر خود را که بترس از خدا تعالی ترسیدنی که اگر
آورده باشی نیکی آدمیان و پریان را عذاب میکند ترا و امیدوار باش خدا را

امیدی که اگر آورده باشی گناه آدمیان و پریان رحم میکند ترا و فرمود پیغمبر صلعم
که امیدوار باش خدا را امیدی که دلیر نگرداند ترا بر نافرمانی جباری او
و بترس خدا را ترسی که ناامید نگرداند ترا از رحمت او و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
وآله که همه چشم گریان است در روز قیامت مگر سه چشم چشمی که گریه کند از ترس
خدا و چشمی که بر هم گذاشته باشد از حرام خدا و چشمی که شب بروز کند بیدار در
راه خدا و فرمود پیغمبر صلعم که هر که بگرید بگناهان خود تا آنکه روان شود آب چشم او بر
رخسارهای او حرام گرداند خدا صفحهٔ روی او را از دوزخ و فرمود صلعم که هر که بیرون
آید از چشم او مثل سر مگسی از آب از ترس خدا ایمن گرداند او را خدا از فزع اکبر
و فرمود پیغمبر صلعم که چون بلرزد دل مؤمن از ترس خدا فرو ریزد از وی گناهان او
چنانچه فرو میریزد از درخت برگ آن گذشت حضرت امام حسین ع بجوانی که وی
خنده میکرد فرمود او را که آیا دانستی که از صراط عرض کرد نه فرمود که آیا میدانی که به
بهشت میروی یا بجهنم عرض کرد نه فرمود چیست این خنده گفت راوی
که ندید کسی آن جوان را خندان هرگز بعد از آن از پیغمبر صلعم فرمود نیست هیچ مؤمن
که گریه کند از ترس خدا الا آنکه بیامرزد خدا گناهان او را اگر باشد بیشتر از ستارگان
آسمان و عدد قطرهای دریا بعد از آن خواند که فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا
كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ باید که بخندند اندکی و بگریند بسیاری
بجزای آنکه کردند **فصل سیم** در فضیلت اخلاص در عمل فرمود خدا تعالی
در سورهٔ بینه که وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوا الزَّكٰوةَ وَذٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ
ونفرمود آدمیان را مگر آنکه بندگی کنند خدا را درحالیکه پاک کنندگان باشند از

برای او دین را و از باطل میل بحق کنندگان و بپا دارند نماز را و بدهند زکوة را
اینست دین درست و فرمود رسول خدا ص که بدرستیکه خدا تعالی نظر میکند بصورتها
و رویهای شما نظر نمیکند مگر بدلها و نیتهای شما و فرمود ص که راستگوئی راه
مینماید به نیکوکاری و نیکوکاری راه مینماید بهشت و فرمود ص که نیست دروغگوی
آنکه اصلاح آورد میان دو کس و بگوید خیری یا زیاد کند خیری و فرمود حضرت صادق ع
که نظر مکنید به بسیاری نماز و روزه ایشان ولیکن نظر کنید براست گفتن
سخن و ادا کردن امانت فصل [illegible] در فضل اختیار کردن فرمان
خدا بر فرمان نفس فرمود خدا تعالی که وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ
سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ و آنان که بکوشش نمایند در کار ما هر آینه راه
نمائیم ایشان را براههای خود [illegible] و فرمود رسول خدا ص
که در وقتیکه از جهاد [illegible] از جهاد کوچکتر به
جهاد بزرگتر و فرمود ص که هر که [illegible] و خواهش وی پس
آن علم نفع دهنده است و هر که بیرون اندازد شهوت و خواهش خود را در زیر دو
قدم خود بگریزد شیطان از سایه او و فرمود خدا تعالی که هر بنده که فرمان
برد مرا نگهدارم او را بغیر خود و هر بنده که نافرمانبرداری کند مرا نگذارم او را بنفس او
بعد از آن باکی ندارم بوی بهر وادی که هلاک شود و فرمود امام محمد باقر علیه السلام
که میفرماید خدا تعالی که قسم ببزرگی و رفعت من که برنمیگزیند هیچ بنده اراده مرا
بر اراده خود مگر آنکه میگردانم توانگری او را در نفس او و قصد او را در آخرت او و
ضامن شوم از برای او مال او را و ضامن گردانم آسمانها و زمین را بروزی او و باشم
من از برای او بعد از نفع تجارت جمیع تاجران فضل پنجم

در توکل فرمود خدا تعالی در سورهٔ طلاق وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
إِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا هر که توکل کند
بر خدا کافیست او را بدرستیکه خدا میرساند کار او را و بتحقیق که گردانیده است
خدا از برای هر چیزی قدری و فرمود خدا تعالی در سورهٔ مائده وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوا
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ و بر خدا پس توکل کنید اگر هستید شما مؤمنان و فرمود
خدا تعالی در سورهٔ آل عمران إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ بدرستی که
خدا دوست میدارد توکل کنندگانرا و فرمود رسول خدا ص که اگر آنکه شما توکل
کنید بر خدا چنانچه سزاوار توکل است هر آینه روزی دهد شما را چنانچه خدا روزی میدهد
مرغانرا صبح میکنند و شکم ایشان خالی است و شب میکنند و شکم
ایشان پر است و فرمود رسول خدا ص که هر که میخواهد که باشد قوی ترین یا غنی ترین
مردمان پس باید توکل کند بر خدا و فرمود حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام
که هر که اعتماد کند بر خدا باید او را خدا بشادی و هر که توکل کند بر خدا کفایت کند
او را خدا در همه کار و در روایت از امام محمد باقر علیه السلام که هر که توکل کند بر خدا
مغلوب نگردد هرگز و هر که چنگ بر خدا زند نگریزد فصل ششم در بلا
فرمود خدا تعالی در سورهٔ الملک الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ
لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا خلق کرد و آفرید خدا مرگ و زندگی را
تا آنکه بیازماید شما را ببلا که کدام از شما نیکوتر است از کردار و فرمود رسول خدا ص
که بدرستیکه بزرگی جزا با بزرگی بلا است و بدرستیکه خدا تعالی چون دوست
دارد قومیرا مبتلا گرداند ایشانرا ببلا پس هر که راضی شود او راست رضا و هر که
ناخشنود باشد او راست ناخشنودی و فرمود امیر المؤمنین ع که جزع کردن نزد

بلا نام محنت است و فرمود علیه السلام که بدرستیکه بلا از برای ظالم ادبست
و از برای مؤمن آزمودن و از برای پیغمبران درجه و از برای اولیا کرامت
و فرمود پیغمبر ص که هر که مبتلا شود پس صبر کند و عطا کرده شود پس شکر کند
و ظلم کرده شود پس بپوشد و ظلم کند پس توبه کند عرض کردند چیست یا رسول الله
برای او فرمود ایشان راست ایمنی و ایشان راه یافته شدگانند و فرمود ص
که بدرستیکه خدا باز میرسد دوست خود را ببلا چنانچه باز میرسد بیمار را اهل او بطعام
و بدرستیکه خدا یتعالی منع میکند بنده مؤمن را از دنیا چنانچه پرهیز میکند بیمار را از
طعام از انس بن مالک از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقلست چون خدا اراده
کند بقومی نیکی مبتلا گرداند ایشان را و از ابا هریره که گفت فرمود رسول خدا ص
که همیشه بلا در مرد مومن و زن مؤمنه است در بدن و در مال و فرزندان
او تا آنکه برسد بخدا یتعالی و نباشد بر او گناهی [illegible] که آرزو کنند اهل عافیت
در روز قیامت که پوستهای ایشان را بمقراض بریده بودند در دنیا چون ببینند اهل بلا را
فرمود خدای تعالی داود علیه السلام را که بگو بندگان مرا که هر که راضی
نباشد بقضای من و شکر نکند نعمتهای مرا و صبر نکند بر بلای من پس باید که
طلب کند پروردگاری غیر از من و باید که بیرون رود از زمین من و آسمان من
و فرمود ص که سختترین مردمان از بلا پیغمبرانند بعد از آن امامان بعد از آن نیکوتران
پس نیکوتران و مبتلا می شود مؤمن بقدر عملهای نیک او پس هر که درست
دین او و نیکو است عمل او سخت است بلای او و این از برای آنستکه خدای
تعالی نگردانیده است دنیا را ثواب مؤمن و نه عقوبت کافر و هر که بد است
دین او و ضعیف است عمل او کم است بلا را او و بلا سریع تر است بمؤمن از گیرنده

از باران بقرار زمین فرمود حضرت باقر علیه السلام بپسر خود که ای پسر من هر که بشود
بلائی که مبتلا شود بان از مردمان و شکوه کند آنرا بجهت حقیقت بخدا که کفایت
دهد اورا ازان بلا و فرمود علیه السلام که مبتلا میشود مرد بقدر محبت خود و
فرمود رسولخدا که فرمود خدای تعالی که نیست هیچ بنده که اراده کنم که داخل
گردانم اورا بهشت الا آنکه مبتلا گردانم اورا در بدن او که باشد این مکفر گنا
هان او والا آنکه تنگ گردانم بروی روزی وی که باشد این کفاره گناهان او
والا آنکه سخت گردانم بروی مرگ را تا آنکه بیاید بمن و نباشد اورا هیچ گناه پس
داخل گردانم اورا به بهشت و نیست هیچ بنده که اراده کنم که داخل گردانم اورا به
دوزخ الا آنکه درست گردانم بدن اورا پس تا تمام باشد این مطلب او والا
آسان گردانم بروی مرگ را تا آنکه بیاید بمن و نباشد اورا هیچ ثواب
بعد ازان داخل گردانم اورا بدوزخ فصل هفتم در فضیلت
فرمود خدای تعالی در سوره آل عمران وَاللهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ خدا
دوست میدارد صبر کنندگان را و فرمود تعالی وَاصْبِرُوا اِنَّ اللهَ مَعَ
الصَّابِرِینَ صبر کنید بدرستیکه خدا با صبر کنندگان است و در سوره زمر
اِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُونَ اَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسَابٍ فرا میگیرند صبر
کنندگان مزد خود را بغیر حساب روایت شده از امام علی بن موسی الرضا
علیهما السلام از پدرش از پدران او از امام علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب ع
که فرمود پنج چیز است که اگر داخل شوید در آن بیابید از آنکه نترسد بنده مگر از گنا
ه و امید ندارد مگر بخدای خود و شرم ندارد چون پرسند اورا از آنچه نداند که بگوید
نمیدانم و صبر از ایمان بمنزله سر است ببدن و ایمان نیست آنکه را که صبر نیست

اورا و فرمود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ع از رسولخدا ص که فرمود صبر
سه است صبر از گناه و صبر بر طاعت و صبر در مصیبت پس هر که صبر کند از گناه
بدهد او را خدا تعالی سیصد درجه که از درجه تا درجه مقدار آسمان باشد تا زمین و
هر که صبر کند بر طاعت بدهد او را ششصد درجه که از درجه تا درجه مقدار زمین باشد
تا عرش و هر که صبر کند در مصیبت بدهد او را خدا هفتصد درجه که از درجه تا درجه مقدار
نهایت عرش تا کرسی دو باره باشد و فرمود امیر المؤمنین ع ای مردمان
ملازم باشید صبر را که بدرستیکه نیست دین آنکه صبر نیست او را و فرمود ع
در وقتیکه تعزیت میداد اشعث بن قیس را در مرگ پسری که ای اشعث اگر
تو غم داری از پسر خود بتحقیق که سزاوار است این از تو بجهت خویشی و اگر صبر کنی پس عوض
بر خداست از هر مصیبت عوضی ای اشعث اگر صبر کنی جاری میشود بر تو آنچه مقدر
است و تو اجر داری و اگر جزع کنی جاری میشود بر تو آنچه مقدر است و تو وبال داری
ای اشعث شاد میگرداند ترا آنچه او بلا و فتنه است و غمگین میکند ترا آنچه آن ثواب و
رحمت است و پرسیدند حضرت علی علیه السلام از صبر فرمود چیزی نیست
که شکوه نباشد در آن بعد از آن فرمود و چیست در شکوه از شادی نیست مگر آنکه
غمگین میکنی دوست خود را و شاد میکنی دشمن خود را و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
که بدرستیکه صبر و نیکی خلق و نیکوکاری و بردباری از صفت های پیغمبران است
و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که زود باشد زمانیکه راست نیاید از برای ایشان
پادشاهی مگر بکشتن و ستم و راست نیاید از برای ایشان توانگری مگر بخل و
راست نباشد از برای ایشان مصاحبت با مردمان مگر با پیروی هوای
ایشان و بیرون رفتن از دین پس هر که دریابد این زمانرا و صبر کند بر درویشی

واو قادر باشد بر توانگری و صبر کند بر خواری واو قادر باشد بر عزت و صبر کند بر دشمنی مردمان واو قادر باشد بر دوستی ایشان بدهد او را خدا تعالی ثواب هفتاد صدیق نبی و فرمود پیغمبر ص که هرکه مبتلا شود از مؤمنان ببلائی واو صبر کند بران هست او را ثواب هزار شهید فصل هشتم در فضیلت شکر گفتن فرمود خدا تعالی لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ اگر شکر کنید بر نعمتهای من هرآینه افزون کنم بر شما نعمت را و اگر ناسپاسی کنید بدرستیکه عذاب من سخت است و فرمود رسول خدا ص از جبرئیل از خدا عز و جل که اهل ذکر من در نعمت منند و اهل شکر من در زیارت منند و اهل طاعت من در کرامت من و اهل معصیت من نا امید نکردانم ایشانرا از رحمت خود پس اگر بیمار شوند من طبیب ایشانم اگر توبه کنند من حبیب ایشانم و اگر توبه نکنند از مصیبتها و بلاها پاک میکنم ایشانرا و فرمود امام زین العابدین علیه السلام که هرکه بگوید الحمد لله بتحقیق شکر کرده است همه نعمتهای خدای عز و جل را و فرمود امام جعفر صادق ع که بدرستیکه خدا تعالی نعمت داد قومی را بخششها پس شکر نکردند پس کردید آن نعمت برایشان وبال و مبتلا کرد قومی را بمصیبتها پس صبر کردند پس کردید آن مصیبتها برایشان نعمت و عرض کرد موسی ع که بار خدایا چگونه قدرت داشت آدم ع که ادا کند شکر آن که جاری کردی بروی از نعمت خود و خلق کردی او را بدست خود و امر بسجده فرمودی از برای او فرشتگان خود را و ساکن کردانیدی او را در بهشت خود پس وحی فرمود خدا تعالی بوی که بدرستیکه آدم دانست که اینهمه از منست پس این شکر بود او را و فرمود خدا تعالی وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ شکر کنید مرا و ناسپاسی مکنید و کفر

اند که شکر بنده نعمت موجود است و صید نعمت نایاب و گفته اند که شکر قید
نعمت حاضر است و صید نعمت غایب **باب هشتم** و در آن پنج فصل
است **فصل اول** در فضل دعا و ذکر دعای چند مختصر فرمود خدا تعالی که
ادعونی استجب لکم دعا کنید مرا که اجابت کنم شما را و فرمود
پیغمبر ص که بدرستیکه خدا دوست دارد مبالغه کنندگان را در دعا و فرمود امیر
المؤمنین ع که دوسترین عملها بخدا در زمین دعا است و فاضلترین عبادت
پرهیزکاری است بعد از آن خواند این آیه را قل ما یعبؤ بکم ربی لولا
دعاؤکم یعنی بگو چه قدر دهد شما را خدای من اگر نباشد دعای شما این دعائیست
اللهم اجعل خیر اعمارنا اواخرها و خیر اعمالنا خواتیمها و خیر ایامنا یوم
نلقاک فیه و بگوید بعد از [illegible] و بگیرد بدست راست
محاسن خود را و بردارد دست [illegible] یا رب محمد و آل محمد صل علی
محمد و آل محمد و عجل فرج آل محمد یا رب محمد و آل محمد صل
علی محمد و آل محمد و اعتق رقبتی من النار دعای مروی از
پیغمبر صلی الله علیه و آله اللهم انی اعوذ بک من سوء القضاء و سوء
القدر و سوء المنظر فی الاهل و المال و الولد و از دعای
پیغمبر صلی الله علیه و آله است اللهم انی اعوذ بک من غنی یطغینی
و فقر ینسینی و هوی یردینی و عمل یخزینی و جار یؤذینی
و از دعای آنسرور است اللهم اجعلنا مشغولین بذکرک آمنین
بوعدک آیسین من خلقک آنسین بک مستوحشین من
غیرک راضین بقضائک صابرین علی بلائک شاکرین

عَلَى نَعْمَائِكَ مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ فَرِحِينَ بِكِتَابِكَ مُنَاجِينَ
إِيَّاكَ آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ مُسْتَعِدِّينَ لِلْمَوْتِ
مُشْتَاقِينَ إِلَى لِقَائِكَ مُبْغِضِينَ لِلدُّنْيَا مُحِبِّينَ لِلْآخِرَةِ
رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ دعاء ابی ذر رحمة الله علیه اَللّٰهُمَّ
إِنِّي أَسْئَلُكَ الْإِيمَانَ بِكَ وَالتَّصْدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ
مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى مِنْ
شِرَارِ النَّاسِ وفرمود امیرالمؤمنین علیه السلام که مقدم دارید دعا را
پیش از فرود آمدن بلا **فصل** در وقتهای دعا فرمود امیرالمؤمنین
علیه السلام که گشاده میشود درهای آسمان در پنج وقت نزد آمدن باران و وقت
کارزار با کافران و وقت اذان و وقت خواندن قرآن و وقت پیشین یا
وقت بیرون آمدن آفتاب و فرمود علیه السلام که هرکه باشد او را
بخدا حاجتی پس باید طلب کند آنرا در سه ساعت در روز جمعه یک ساعت وقت
پیشین و یک ساعت وقت غروب آفتاب و ساعتی در آخر شب وقت
طلوع صبح و فرمود پیغمبر ص که خداوندا مبارک گردان از برای امت من
صبحهای ایشانرا و باید که بخواند وقت بیرون رفتن از خانه إِنَّ فِي خَلْقِ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ تا آخر و آیة الکرسی و انا انزلناه و فاتحة الکتاب
که بدرستیکه در این قضاء حاجتهای دنیا و آخرت است و این خبر در صحیفه
امام رضا علیه السلام باسناد او از جد او امیرالمؤمنین علیه السلام است
فرمود چون اراده کند یکی از شما حاجتی باید که صبح برود در طلب آن در روز پنجشنبه

و بخواند چون بیرون رود از منزل خود آنچه ذکر کردم تا آخر خبر **فصل سیم**
در ذکر مؤخر شدن اجابت دعا فرمود رسول خدا ص که نیست هیچ مسلمان که طلب
کند دعائی الا آنکه اجابت شود از برای او پس یا تعجیل میشود در دنیا یا ذخیره میشود در
در آخرت یا آنکه کفاره میشود از گناهان او و حضرت امام جعفر صادق ع فرمود
بدرستیکه مؤمن دعا میکند در حاجت خود پس میفرماید خداوند تعالی که مؤخر
دارید حاجت او را بجهة شوق دعا او پس چون روز قیامت شود فرماید خدای تعالی
که دعا کردی در این امر پس مؤخر کردم اجابت ترا و ثواب تو چنین است و دعا
کردی مرا باین پس مؤخر کردم اجابت ترا و ثواب [illegible] گفت که پس آرزو کند
که مستجاب نمیشد او را در دنیا هیچ دعا بجهة آنچه میبیند از ثواب نیکو **باب**
یازدهم و در آن پنج فصل است **فصل اول** در صفت فقر و
فقیران فرمود خداوند تعالی در سوره بقره **لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ**
اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ
التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا
صدقه و نفقه شما از برای درویشان است آنانکه باز داشته شده اند در طاعت خدا
نمیتوانند سیر کردن در زمین میپندارد ایشانرا نادان از حال ایشان که ایشان
توانگرند بسبب باز ایستادن از سؤال خلق تو میشناسی ایشان را بنشان و علامت
درویشان آنستکه سؤال نکنند مردمانرا از روی الحاح و ابرام و فرمود خدای تعالی
در سوره انعام که **وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ**
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ و مران از مجلس خود آن درویشانرا که میخوانند پروردگار خود
را در صباح و شب میخواهند بآن رضای خود را و پرسیدند از پیغمبر ص که

چیست فقر فرمود آنحضرت خزانه است از خزانه های خدای تعالی عرض کردند مرتبه
دویم که چیست فقر یا رسول الله فرمود کرامتی است از جانب خدا عرض کردند مرتبه سیم
که چیست فقر فرمود آنحضرت که چیزیست که نمیدهد آنرا خدا مگر به پیغمبری مرسل یا
مؤمنی بزرگوار بر خدا تعالی و فرمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که فقر سخت تر
از کشتن است و فرمود آنحضرت ع که وحی کرد خدا تعالی با براهیم ع و فرمود یا
ابرهیم آفریدم ترا و مبتلا کردم ترا باتش نمرود پس اگر مبتلا میکردم ترا بفقر برمیداشتم
از تو صبر چه میکردی ای ابرهیم [illegible] ابرهیم علیه السلام که ای پروردگار من
ایا فقر سخت تر است از آتش [illegible] خدا تعالی که بعزت و جلال من
قسم که نیافریدم در آسمان و زمین سخت تر از فقر عرض کرد ای پروردگار من هر که طعام
دهد گرسنه [illegible] جزای او فرمود جزای او آمرزش است و اگرچه باشد
گناهان او بعدد [illegible] اگر نمی بود رحمت پروردگار
من بر فقیران [illegible] فقر کفر باشد پس برخواست مردی از
صحابه که نام او ابو هریره بود و عرض کرد یا رسول الله پس چیست جزای مؤمن
فقیری که صبر کند بر فقر خود فرمود بدرستیکه در بهشت غرفه ایست از یاقوت
سرخ که نظر میکنند بان اهل بهشت چنانچه نظر میکنند اهل زمین بستارهای
آسمان داخل نمیشود در آن الا پیغمبری فقیر یا شهیدی فقیر یا مؤمنی فقیر و از
انس بن مالک از پیغمبر ص فرمود میایستند فقیران امت من روز قیامت و
جامههای ایشان سبز است و موهای ایشان بافته است بمروارید و یاقوت
و بدستهای ایشان است عصاهای از نور خطبه میگویند بر منبرها پس میگذرند
بر ایشان پیغمبران و میگویند ایشان فرشتگان اند و میگویند فرشتگان که

ایشان از پیغمبرانند پس گویند ایشان که ما نه فرشتگانیم و نه پیغمبرانیم بلکه
نفری چند از فقیران امت محمدیم ص پس گویند فرشتگان که بچه یافتید
این بزرگی را گویند نبود عمل ما بسیار و روزه نداشتیم همیشه و قیام ننمودیم در شب
ولیکن درست بپای داشتیم نمازها را و چون شنیدیم ذکر محمد ص را روان شد
آب چشمهای ما بر رخسارهای ما از ابو هریره گفت رسول الله صلی الله علیه
آله سخن گفت با من خدای من پس فرمود یا محمد چون دوست دارم بنده را
بگردانم با وی سه چیز دل غمگین و بدن بیمار و دست خالی از مال دنیا و چون
دشمن دارم بنده را بگردانم با وی سه چیز دل شاد و بدن صحیح و دست پر از
مال دنیا و فرمود پیغمبر ص که هر که گرسنه یا محتاج شود و پنهان کند از مردمان
و فاش کند از برای خدا حق است بر خدا که روزی کند او را روزی یکسال از
حلال و فرمود آنحضرت ص اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا
واحشرنی فی زمرة المساکین یعنی خداوندا زنده دار مرا درویش
و بمیران مرا درویش و برانگیز مرا در گروه درویشان و فرمود ص
که فقیران پادشاهان اهل بهشتند و مردمان همه مشتاق به بهشت و بهشت مشتاق
است بدرویشان و فرمود صلی الله علیه و آله که فقر فخر و بزرگی منست و بآن فخر
میکنم بر باقی پیغمبران و رسولان و فرمود ص که فقر زشت است نزد
مردمان و زینت است نزد خدا در روز قیامت فصل دویم در خصلتهائی
که سبب درویشی میشود فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که بیست خصلت است که
موجب درویشی است اول آن برخاستن از جامه خواب از برای بول برهنه
و خوردن در حال جنابت و ترک شستن دست در وقت طعام خوردن و خوار

داشتن خورده ریزه نان و سوزانیدن سیر و پیاز و نشستن در آستانه خانه و جاروب
کردن خانه در شب و بجامه و شستن اعضا در جائیکه استنجا میکنند و مالیدن
عضوی که شسته اند بمندیل و آستین و گذاشتن کاسه ها و ظرفهای نشسته در شب
و گذاشتن ظرف آب سر ناپوشیده و گذاشتن خانه عنکبوت در خانه و سبک
داشتن نماز از برای دنیا و تعجیل بیرون رفتن از مسجد و صبح رفتن ببازار و دیر
بازگشتن از آن تا شام و خریدن نان از گدایان و نفرین کردن بر فرزندان
و دروغ و دوختن جامه در بدن و فرو نشاندن چراغ بنفس و در خبر دیگر بول کردن
در حمام و خوردن [illegible] گلو بیرون آید و خلال کردن بچوب
گز و خواب کردن میان شام و خفتن و خواب کردن وقت صبح پیش از برآمدن
آفتاب و [illegible] بسیار گوش دادن بغنا و
خوانندگی و [illegible] کردن [illegible] در معیشت و موی شانه کردن
ایستاده و [illegible] فصل سیم در فضل بخشیدن
و برگزیدن کسیرا در چیزی بر خود فرموده تعالی که وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ
وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ برمیگزینند بر نفسهای خود و اگرچه باشد ایشانرا
حاجت و هر که نگاه داشته شود بخل او پس ایشان رستگارانند و فرمود
رسولخدا ص که بهشت خانه بخشندگان پرهیزکار است و فرمود حضرت
صادق ع که سخی آنست که کرم بنفقه کند مال خود را بحق روایت است از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که البته جاهل بخشنده فاضلتر است
از دانای بخیل در حدیث دیگر از امام جعفر صادق ع گفت فرمود رسولخدا ص

که جوان بگناه آلوده که بخشنده باشد دوست تراست بخدا تعالی از پیر عابد
بخیل و گفت حسن بن علی وشا که شنیدم از حضرت امام رضا علیه السلام
که میفرمود که بخشنده نزدیکست بخدا و بهشت نزدیکست از میان دورست
از دوزخ بخیل دوراست از خدا دوراست از بهشت دوراست از میان
نزدیکست بدوزخ و فرمود پیغمبر ص که مردان چهار اند سخی و کریم و بخیل
و لئیم پس سخی آنستکه میخورد و می بخشد و کریم آنستکه نمیخورد و میبخشد و بخیل آنست
که میخورد و نمیبخشد و لئیم آنست که نمیخورد و نمیبخشد و فرمود حضرت
صادق ع از پدران خود از پیغمبر ص که حضرت فرمود سخاوت و بخشش درختیست در
بهشت و شاخهای آن آویخته است در زمین هر که بگیرد بعضی از شاخهای
آنرا بکشاند او را این شاخ به بهشت [illegible] چهارم در آنچه مستحق
میشود از خواهنده فرمود [illegible] اموالهم حق معلوم
للسائل و المحروم و در اموال ایشان حقیست برای درویشان که
طلب می کنند و از برای درویشان که طلب نمیکنند و در اسانید خطیب
خوارزم آورده است در کتاب خود در ذکر کشته شدن آل رسول علیهم السلام
که اعرابی آمد نزد امام ابی عبدالله الحسین علیه السلام و عرض کرد یا ابن رسول الله
ضامن شده ام دیه را تمام و عاجزم از ادای آن پس گفتم با خود که سوال کنم
کریمترین مردها را و ندیدم کریمتر از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله پس
فرمود حضرت امام حسین ع که ای برادر عرب میپرسم ترا از سه مسئله پس اگر جواب
دادی از یکی میدهم بتو سه یک از آنچه ضامنی از اثقال و اگر جواب دهی از دو
میدهم بتو دو ثلث اثقال و اگر جواب دهی از کل میدهم ترا کل اثقال پس عرض

کرد یابن رسول الله آیا میپرسد مثل تو از مثل من و حال آنکه تو از اهلبیت علم و شرفی
پس فرمود امام حسین ع که بلی شنیدم از جد خود رسول الله ص که نیکی بقدر معرفت
پس گفت اعرابی که بپرس اگر جواب دادم خوب و اگر نه یاد گیرم از تو و لا قوة الا بالله
پس فرمود امام حسین ع کدام از عملها افضل است گفت اعرابی ایمان بخدا پس فرمود
امام حسین ع چیست رستگاری از هلاک گفت اعرابی اعتماد بخدا پس فرمود امام
حسین ع که از چیست زینت مرد پس گفت اعرابی علمی که باشد با آن حلم پس فرمود
حضرت امام حسین ع که اگر خطا شود او را این پس گفت مالی که باشد با آن مروت
پس فرمود علیه السلام که اگر خطا شود او را این گفت فقری که باشد با او صبر
پس فرمود ع که اگر خطا شود او را این گفت اعرابی که صاعقه که فرود آید از آسمان
که بسوزاند او را که او سزاوار آنست پس خندید حضرت امام حسین ع و داد بدره
بوی که در آن هزار دینار بود و داد بوی انگشتر خود را و در آن نگینی بود که قیمت
آن دویست درهم بود فرمود ای اعرابی بده طلا را بقرض خواهان خود و
صرف کن انگشتر را در نفقه خود پس گرفت اعرابی آنرا و گفت اَللّٰهُ اَعْلَمُ حَیْثُ
یَجْعَلُ رِسٰالَتَهُ الی آخر آیه و آمد مردی نزد امیر المؤمنین صلوات الله علیه
پس گفت آمدم ترا که بپرسم از چهار مسئله فرمود بپرس و اگر چه چهل مسئله
باشد پس عرض کرد خبر ده مرا که چیست صعب و چیست صعب تر و چیست
نزدیک و چیست نزدیکتر و چیست عجیب و چیست عجیب تر و چیست
واجب و چیست واجب تر پس فرمود علیه السلام که صعب مصیبت
است و صعب تر فوت ثواب آن است و نزدیک هر چیز نیست که
آینده است و نزدیکترین آن مرگ است و عجب دنیا است و عجب تر غفلت

است در آن دو واجب آن تو را است و ترک کنامان آن واجب تر است و
چون مرد عثمان بن عفان و نشست امیر المؤمنین ع در جای او آمد اعرابی و عرض
کرد یا امیر المؤمنین من گرفتارم به سه علت علت نفس و علت فقر و علت
جهل پس جواب داد امیر المؤمنین ع و فرمود ای برادر عرب علت نفس را
عرض کن بر طبیب و علت جهل را عرض کن بر عالم و علت فقر را عرض
کن بر کریم پس عرض کرد اعرابی که یا امیر المؤمنین توئی کریم و توئی عالم و توئی
طبیب پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که دادند او را از بیت المال سه
هزار درهم و گفت نفقه کن هزار درهم بعلت نفس و هزار درهم بعلت جهل و
هزار درهم بعلت فقر **فصل پنجم** در آنچه وارد شده در رد سائل
فرمود خدا تعالی که **وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ** یعنی و اما خواهنده را پس
بانگ مزن و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که باز گردانید سائل را
و اگر چه به سمی باشد سوخته که بدهید باو و فرمود علیه السلام که باز گردانید
خواهنده را و اگر چه بنصف خرما باشد و فرمود علیه السلام که اگر نه سائلان
دروغ میگفتند پاک نمی شد آنکه رد میکرد ایشان را **باب هفدهم**
و در آن دو فصل است **فصل اول** در کشتن مؤمن فرمود خدای
تعالی در سوره نساء **وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ
خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا
عَظِيمًا** و هر که بکشد مؤمنی را بقصد و عمد و حلال داند پس جزای آن
دوزخ است در حالتیکه جاوید باشد در آن و خشم گرفت خدا بر وی
و لعنت کرد او را و آماده ساخت از برای او عذابی بزرگ و فرمود خدای

تعالی که مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ كَتَبْنَا عَلٰى بَنِىٓ اِسْرَآئِيلَ اَنَّهُ مَنْ قَتَلَ
نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسَادٍ فِى الْاَرْضِ فَكَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ
جَمِيعًا بسبب این نوشتیم و حکم کردیم بر بنی اسرائیل انکه هر که بکشد کسیرا بی
انکه کسیرا کشته باشد پس چنان باشد که همه مردمان را کشته باشد از عبد الله بن
عمر از حضرت رسول ص که فرمود البته کشتن مؤمن نزد خدا تعالی بزرگتر است
از زوال دنیا و فرمود حضرت صادق علیه السلام که همیشه مؤمن در فراخی است
از دین خود تا نریخته است خون حرام و فرمود علیه السلام که توفیق نمی یابد
کشنده مؤمن توبه را و فرمود خدا تعالی که وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ
الَّتِى حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ و نکشید کسیرا که حرام کرده است خدا
کشتن او [illegible] و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که ناله میکند زمین
بخدا تعالی [illegible] که ریخته شود بر آن و فرمود پیغمبر
صلی الله علیه و آله که اگر اهل آسمان و هفت زمین شریک شوند در خون
یک مؤمن [illegible] خدای عز و جل جمیعا در دوزخ فصل
فصل دوم در ربا یعنی سود خوردن فرمود خدا تعالی در سوره بقره
كه اَلَّذِينَ يَاْكُلُونَ الرِّبٰوا لَا يَقُومُونَ اِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ آنانکه میخورند مال ربا را یعنی معامله
میکنند در یک جنس و زیاد میستانند برنخیزند از گورهای خود مگر مثل انکه بر
میخیزد آن کسیکه زده است او را شیطان و دیوانه سا نیدن یعنی مصروع
و دیوانه این عذاب بسبب این است که ایشان گفتند که نیست بیع مگر مثل
ربو و حال انکه حلال کرده است خدا بیع را و حرام کرده است ربا را و فرمود خدای

تعالی که یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقی من الربوا ان
کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله ورسوله
وان تبتم فلکم رؤس اموالکم لا تظلمون ولا تظلمون
ای مؤمنان بترسید از خدا و بگذارید آنچه باقی مانده است از ربا اگر هستید
شما مؤمنان پس اگر بقیه ربا را ترک نکنید پس آگاه باشید و بدانید بحرب و جنگ
خدا و رسول او و اگر توبه کنید از گرفتن ربا پس شما راست سرمایهای شما نه شما
ظلم کنید که زیاده بگیرید و نه ظلم کنند شما را که کم کنند سرمایه شما را و فرمود
خدا تعالی احل الله البیع وحرم الربوا و [illegible] پیغمبر ص که معصیت ربا
هفتاد جزء است آسانتر [illegible] مثل آنستکه مردی زنا کند با مادر خودش در
خانه کعبه و فرمود پیغمبر [illegible] خورنده آن و
نویسنده آن و دو گواه آن [illegible] آن و آنکه نقش
کند بدن کسی را بسوزن و آنکه [illegible] و منع کننده را و فرمود
آنحضرت صلی الله علیه وآله که هر که [illegible] حق تعالی شکم او را
از آتش دوزخ بقدر آنچه خورده است از آن و اگر کسب کند از آن مال قبول
نکند خدا از وی هیچ عمل او را و دایم در لعنت خدا و ملائکه او باشد مادامیکه با
او باشد یکقیراط و فرمود پیغمبر ص که بدترین کسبها کسب رباست فصل
سیم در زنا فرمود خداوند تعالی در سوره سبحان الذی اسری که ولا تقربوا
الزنی انه کان فاحشة وساء سبیلا و نزدیک مشوید بزنا که
بدرستیکه آن [illegible] زشت و بد راهیست و روایت شده از پیغمبر ص که
آنسرور فرمود حذر کنید از زنا که در آن شش خصلت است سه در دنیا و

سه در آخرت امّا آن سه که در دنیا است میبرد آبرو ویرا و قطع میکند روزی ویرا از آسمان و تعجیل میکند مرگ را و امّا آنسه که در آخرت است سختی عذابست و غضب خدا و دوام در دوزخ و فرمود پیغمبر ؐ که در هر عضوی از فرزند آدم حصّه ایست از زنا چشم زنای او نظر کردن است و زبان زنای او گفتن است و دو گوش زنای او شنیدن است و دو دست زنای آن گرفتن است و دو پای زنای آن رفتن است و فرج قبول میکند اینرا یا رد میکند

فصل چهارم در لواطه فرمود خدا تعالی در سوره نمل وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ و یاد کن لوط را که گفت قوم خود [illegible] بعمل زشت یعنی لواطه و حال آنکه شما میدانید و می بینید از یکدیگر [illegible] آیا شما میایید بمردان از روی شهوت بجز زنان که برای [illegible] بلکه شما گروهی مردمید که نمی دانید و فرمود خدا تعالی در سوره اعراف وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ و فرمود رسول خدا صلّی الله علیه و آله که هر که داخل کند زنی را در دبر او یا پسری را در دبر او یا مردیرا برانگیزاند او را خدا تعالی در روز قیامت و بوی او بدتر باشد از بوی مردار متاذّی باشند از وی مردمان تا آنکه او داخل دوزخ شود فرمود رسول خدا صلّی الله علیه و آله که هر که الحاح در داخل کردن بمردان کند نمیرد تا آنکه بخواند مردانرا بخود و فرمود امام جعفر صادق علیه السّلام که فرمود امیر المؤمنین

غیبت اسلام که لواطه در غیر دبران لواطه است اما در دبر پس آن کفر است

فصل پنجم در غیبت فرمود خدا تعالی در سوره حجرات که یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه واتقوا الله ای گروه گرویدگان دوری کنید بسیاری از گمانرا که بدرستیکه بعضی از گمان گناه است و مجوئید و باید که غیبت نکند بعضی از شما بعضی را آیا دوست میدارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر [illegible] مرده باشد پس زشت میدارید آنرا و از خدا بترسید و فرمود خدای تعالی که لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم دوست نمیدارد خدا آشکارا کردن سخنی بد مگر آشکارا [illegible] و فرمود خدا تعالی که ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والآخرة بدرستی آنان که دوست میدارند که فاش شود عمل زشت در میان مومنان ایشانرا است عذاب دردناک در دنیا و آخرت و فرمود خدا تعالی که ولا تطع کل حلاف مهین هماز مشاء بنمیم مناع للخیر معتد اثیم و فرمان مبر هر قسم خورنده خوار عیب گوی راه رونده بدگوئی منع کننده خیر از حد خود درگذرنده گناه کار را و فرمود پیغمبر که هر که غیبت کنند نزد او برادر او را که مسلمان باشد و قادر باشد که یاری کند او را پس یاری کند یاری او کند خدا در دنیا و آخرت و هر که یاری نکند او را

یاری نکند او را خدا در دنیا و آخرت و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که
غیبت کند مرد مسلمانیرا یا زن مسلمانیرا قبول نکند خدا تعالی نماز او را و روزهٔ
او را چهل روز و شب مگر آنکه حلال کند او را صاحب آن غیبت و فرمود
پیغمبر ص که هر که غیبت کند مسلمانیرا در ماه رمضان مزد داده نشود بروزهٔ
خود و از سعید بن جبیر از پیغمبر ص که گفت بیاورند یکیرا روز قیامت و بدارند
او را پیش خدا تعالی و بدهند او را کتاب او پس نه بیند هیچ حسنهٔ خود را پس
گوید خداوندا این نیست کتاب من نمی بینم در این طاعت خود را پس گویند
که پروردگار تو خطا نمیکند و فراموش نمیکند رفت عمل تو بسبب
غیبت مردمان بعد از آن بیاورند دیگریرا و بدهند بوی کتاب
او را پس ببیند در آن طاعتهای بسیار پس عرض کند خداوندا نیست
این کتاب من زیرا که بجا نیاوردم این طاعتها را پس گویند او را که فلان
غیبت کرد ترا پس داده شد حسنات او بتو و فرمود پیغمبر ص که دروغ
میگوید آنکه دعوی میکند که او زاییده است از حلال و او میخورد گوشت آدمیان
را بغیبت بپرهیزید از غیبت که بدرستیکه آن نان خورش سگان دوزخست
و فرمود آنحضرت ص که معمور نمی شود هیچ مجلس از غیبت مگر آنکه خراب میشود
از دین پس دور دارید گوشهای خود را از شنیدن غیبت از برای آنکه
گوینده و شنونده آن هر دو شریکند در گناه و فرمود پیغمبر ص که حذر
کنید از غیبت که آن سخت تر است از زنا عرض کردند چرا غیبت سخت تر
است از زنا فرمود از برای آنکه مردی که زنا کند بعد از آن توبه کند قبول
میکند خدا توبه او را و صاحب غیبت آمرزیده نمیشود تا آنکه درگذرد از

وی صاحب آن و فرمود ص که عذاب قبر از بدگوئی و غیبت است
فصل ششم در بهتان فرمود خدا تعالی در سوره نساء که وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا و هر که بکند گناهی صغیره یا خطا یا گناهی کبیره بعد پس تهمت کند بآن گناه بی گناهی را پس بدرستیکه برداشته دروغی را و گناهی را که ظاهر است و فرمود پیغمبر ص که هر که بهتان بندد بمردی مؤمن یا زنی مؤمنه یا گوید در وی آنچه نیست در وی بدارد او را خدای عزّ و جلّ بر تلی از آتش تا آنکه بیرون آید از آنچه گفته است [illegible]

فصل هفتم در دروغ فرمود خدا تعالی در سوره فرقان در صفت مؤمن که وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا آنانکه بندگان خدا که گواهی نمیدهند بدروغ یا حاضر نمیشوند [illegible] و چون [illegible] بکنند بگذرند بزرگوارانه و فرمود در سوره برائة يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ای مؤمنان بترسید از خدا و باشید با راست گویان و فرمود پیغمبر ص که بپرهیزید از دروغ که دروغ راه مینماید بنافرمانبرداری خدا و نافرمانبرداری خدا میرساند بدوزخ از عبد الرزاق از لقمان از قتاده از انس گفت فرمود رسول خدا ص که مؤمن چون دروغ گوید بغیر ضرورتی لعنت کند او را هفتاد هزار ملک و بیرون آید از دل او بوی گندیده تا آنکه برسد بعرش حمله عرش لعنت کند او را و بنویسد خدا بروی باین دروغ هفتاد زنا که کمترین آن چنان باشد که زنا کرده است با مادر خود و عرض کرد موسی ع که ای پروردگار من کدام بندگان تو بهتر است

عمل او و فرمود آنکه دروغ نگوید زبان او و نافرمان بیداری نکند دل او و زنا نکند
فرج او — فصل هشتم در خمر فرمود خداوند تعالی در سوره مائده که یا ایها
الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَیْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ
رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ
ای گروه گرویدگان نیست خمر و قمار و بتان و تیرها مگر پلید از عمل شیطان پس
دوری کنید از آن شاید که رستگار شوید و فرمود خدا تعالی که إِنَّمَا یُرِیدُ
الشَّیْطَانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِی الْخَمْرِ
وَالْمَیْسِرِ وَیَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَوٰةِ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُنْتَهُونَ یعنی میخواهد شیطان که افکند میان شما دشمنی و خصومت
در خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا هستید شما از باز ایستندگان
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که [illegible] است مرا بحق که هر که بیاشامد یک
آشامیدن از مست کننده قبول نمی شود نماز او چهل روز و شب پس اگر
توبه کند قبول کند توبه او را خدا بر وی و هر که بیاشامد دو آشامیدن قبول
نکند خدا نماز او را هشتاد روز و شب و هر که بیاشامد سه آشامیدن از
آن قبول نکند خدا نماز او را صد و بیست روز و شب و واجب است
بر خدای تعالی که بیاشامند او را از ردغة الخبال گفتند که چیست این یا رسول
الله فرمود چرک اهل دوزخ و ریم ایشان و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که سوگند باد که برانگیزانید
مرا بحق که آشامنده خمر می آید روز قیامت و سیاه است روی او و از
رفته است دو چشم او و بهم کشیده است دو لب او و فرو میریزد آب از دهان
او بر دو قدم او و پلید میدانند او را هر که می بیند او را و فرمود صلی الله علیه و آله

که بحق آنکه برانگیزانیده است مرا بحق که شارب الخمر میمیرد تشنه و در قبر است
تشنه و برانگیخته میشود روز قیامت تشنه و فریاد میکند واعطشاه وای
از تشنگی هزار سال پس میدهند او را آبی مانند مس گداخته که بریان
میکند رویها را بد آشامیدنی است و بد مکانی است پس پخته میشود
روی او و میریزد دندانهای او و چشمهای او در آن ظرف پس او را نیست
چاره از آشامیدن آن پس گداخته میشود آنچه در شکم او است و
فرمود پیغمبر ص اهل شما را قسم بخداوندیکه برانگیزانید مرا بحق که هرکه باشد
در دل او یک آیه از قرآن لیکن بریزد در آن خمر میآید بهر حرف روز قیامت
و دشمنی میکند با وی پیش خدای عزوجل و هرکه شد دشمن او قرآن دشمن او
هست خدا او را دشمن [illegible] است جهنم است او در دوزخ
از علی بن عندلیب بن موسی [illegible] از انس بن مالک
گفت فرمود پیغمبر ص [illegible] فریاد میکنند
از آن اهل دوزخ و در آن وادی [illegible] و در آنجا چاهی
است از آتش و در آن چاه تابوتی است از آتش و در این تابوت ماری است
که او را هزار سر و در هر سری هزار دهان و در هر دهانی ده هزار نیش و هر
نیشی هزار زرع گفت انس که گفتم یا رسول الله از برای کیست این عذاب
فرمود از برای شراب خوار قرآن دان و فرمود ص که شارب الخمر چون
پرستنده بت است و فرمود آنحضرت ص که هرکه شب بروز کند مست
او عروس باشد شیطان را و فرمود صلی الله علیه و آله که هرکه باشد
در دل او یک آیه از قرآن یا یک حرف و بریزد بروی خمر را روز قیامت

دشمنی کند او را قران و فرمود آنحضرت که خمر ام الخبائث است یعنی شراب
اصل همه پلیدیها است و فرمود صلی الله علیه و آله که جمع شده است
همه بدی در خانه و گردانیده شده است کلید آن شرب خمر و فرمود
صلی الله علیه و آله که هرکه بمیرد مست به بیند ملک الموت را مست و داخل
قبر شود مست و داشته شود در پیش خدا مست پس گوید او را خدا تعالی
که چیست ترا پس گوید که من مستم پس فرماید خدا تعالی که آیا امر کردم
بابن ترا ببرید او را [illegible] بند او را بکوهی در میان دوزخ که در آن
چشمه باشد که روان باشد از آن چرک [illegible] نان نباشد طعام و آب او الا از آن
و فرمود صلی الله علیه و آله که نزدیک نشوید بنماز در حالیکه شما مستان باشید
و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که گردانیده شده است از برای
من زمین [illegible] پاک کننده و فرمود پیغمبر صلعم که قسم
خورده است پروردگار من بعزت خود که نیاشامد هیچ بنده از
بندگان من یکجرعه از خمر الا آنکه بیاشامانم او را مثل آن از چرک دوزخ
خواه آمرزیده شود او و خواه عذاب کرده شود و ترک نکند او را هیچ بنده
از ترس من الا آنکه بچشانم او را مثل آن از حوضهای قدس و فرمود پیغمبر
صلعم که همنشینی نکنید با شارب الخمر و دیدن نکنید بیماران ایشان را و
بیرون نکنید جنازهای ایشان را و نماز نکنید بر مردهای ایشان بدرستیکه
ایشان سگان دوزخند چنانچه فرمود خدای تعالی که اِخْسَئُوا
فِیهَا وَلَا تُکَلِّمُونِ دور شوید در آتش و سخن مگوئید با من و فرمود پیغمبر صلعم
که هرکه طعام دهد شارب الخمر را یک لقمه از طعام یا یک شربت از آب مسلط

سازد خدای تعالی در گور او مارها و عقربها که درازی دندانهای آنها صد و ده
ذرع باشد و طعام دهد او را خدای تعالی از چرک دوزخ روز قیامت و
هرکه قضا کند حاجت او را چنان باشد که کشته است هزار مؤمن را یا
خراب کرده است کعبه را هزار بار و هرکه سلام کند بروی لعنت کند او را
هفتاد هزار ملک لعنت کند خدا شارب الخمر را و فشارنده آنرا و ساقی آنرا
و آنکه آن را بار میکند و آنکه آنرا بر میدارد و فرمود پیغمبر ص که بنده چون
بیاشامد یکشربت از خمر در اول سخت شود دل او در دوم بیزار شود از او
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع فرشتگان و در سیم بیزار شوند از او
جمیع پیغمبران و امامان و در چهارم بیزار شود از او خداوند جبار جل جلاله و
در پنجم فرمود خدای تعالی که وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا
أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا
عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ یعنی اما آنانکه بیرون میروند
از طاعت خدا پس جای ایشان آتش است هرچند اراده کنند که بیرون
آیند از آن بازگردانند زبانیه ایشانرا در آن و گویند ایشانرا که بچشید عذاب
آتشی که بودید در دنیا آنرا دروغ میدانستید و فرمود پیغمبر ص که چون روز
قیامت شود بیرون آید از جهنم جنسی از عقرب که سر او در زیر آسمان
هفتم و دم او زیر هفتم طبقه زمین باشد و دهان او از مشرق تا مغرب
پس گوید کجایند آنانکه خلاف و نزاع کرده اند خدا را و رسول او را پس فرود
آید جبرئیل علیه السلام و گوید ایها العقرب کرا میخواهی گوید میخواهم پنج نفر را ترک
کننده نماز و منع کننده زکوة و خورنده ربا و آشامنده خمر و قومی را که

حدیث گفتند در مسجد بسخن دنیا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که خمر جمع کننده
همه گناهانست واصل جمیع پلیدیها است و کلید کل بدیها است و
فرمود پیغمبر که یا علی هر که ترک کند خمر را از برای غیر خدا آب دهد او را
خدا از رحیق مختوم پس فرمود علی علیه السلام آیا از برای غیر خدا ترک کند
فرمود بلی بخدا سوگند که از برای حفظ نفس خود ترک کند و خدا شکر کند او را
از برای این و فرمود صلی الله علیه و آله یا علی شارب الخمر قبول نمیکند
خدا نماز او را چهل روز اگر بمیرد در این چهل روز کافر مرده است گفت مصنف
این کتاب [illegible] یعنی هرگاه حلال داند او را و فرمود پیغمبر که یا علی میآید
بر شارب الخمر ساعتی که نمیشناسد در آن پروردگار خود را عز و جل یا علی آفرید
خدا تعالی عز و جل بهشت را از دو خشت خشتی از طلا و خشتی از نقره و گردانید
دیوارهای آن را از یاقوت و سقف آن را از زبرجد و سنگ ریزه آنرا از مروارید
وخاک آنرا از زعفران و مشک خوشبوی بعد از آن گفت او را که سخن
گوی پس گفت لا اله الا الله الحی القیوم تحقیق که نیک بخت گردید
هر که داخل من شد فرمود خدا تعالی بعزت و جلال من قسم که داخل
نمی شود در بهشت آنکه مدام خمر خورد و نه سخن چین و نه دیوث و نه آنکه ملازم
حاکمان ظالم باشد و مردمان را پیش او برد و نه مخنث و نه کور شکاف و نه
آنکه در راهها ده یک مال و مثل آن از مردمان گیرد و نه آنکه قطع رحم کند و
از خویشان برد و نه قدری یعنی آنکه گوید که خیر و شر همه در دست خدا است و دیگری را
در آن اختیاری نیست و فرمود پیغمبر که هر که بیاشامد خمر بیاشامانند
او را روز قیامت از زهر مارها و عقربها آشامیدنی که بیفتد روی آن در آن

ظرف پیش از آنکه بیاشامد از آن پس چون بیاشامد آماس کند گوشت او و پوست
او مثل جیفه آزار یابند از او اهل محشر بعد از آن امر کند او را بدوزخ آگاه باش
که آشامنده خمر و ساقی آن و فشارنده آن و شیره گیرنده آن و فروشنده
آن و خریداران و بردارنده آن و آنکه میبرند از برای وی و خورنده بهای آن
برابرند در ننگ آن و عار آن و گناه آن آگاه باش هر که بیاشاماند آنرا
بغیر خود خواه یهودی یا نصرانی یا زنی یا طفلی یا هر که باشد از آدمیان پس بر
ویست مثل گناه آنکه آشامیده است آنرا آگاه باش که هر که بفروشد
آنرا و هر که بخرد آنرا از برای غیر خود [illegible] آنرا و هر که شیره بگیرد
آنرا قبول نمیکند خدا از وی نماز و حج و عمره تا [illegible] کند از آن پس اگر
بمیرد پیش از توبه کردن از آن [illegible] بر [illegible] تعالی که بیاشاماند او را بهر جرعه
که آشامیده آنرا در دار [illegible] فرمود صلی الله
علیه و آله که آگاه باش که بدرستی [illegible] حرام گردانیده است خمر را
عین آنرا و مست کننده از هر [illegible] هر چه مست کننده است
حرام است و فرمود پیغمبر که مثل شارب الخمر مثل کبریت است
پس حذر کنید از آن که بدبوی نگرداند شما را چنانچه بدبوی است کبریت
و بدرستی که آشامنده شراب صباح میکند و شب میکند در غضب خدای
تعالی و نیست یکی که شب بروز کند در مستی الا که عروس شیطان باشد
تا صباح کند و واجب است بر وی غسل کند از جنابت پس اگر غسل نکند
قبول نمی شود از وی نافله و نه فریضه و راه میرود بروی زمین دشمن ترین بخدای
تعالی از شارب الخمر و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که او فرمود هر که

بیاشامد خمر را در شام وصباح کند او مشرک باشد وهرکه بیاشامد در صباح
او را وشام کند باو مشرک باشد وهرچه مست میکرداند بسیار از آن پس
اندکی ازان حرام است وفرمود پیغمبر صلّی الله علیه وآله هرکه سلام کند
بر شارب الخمر یا باوی دست در گردن کند یا مصافحه کند باطل کند خدا
طاعت چهل ساله او را وروایتشده از پیغمبر ص که او فرمود هرکه طعام دهد
شارب الخمر را البته مسلط سازد خدا تعالی بر بدن او ماری وعقربی را او
هرکه قضا کند حاجت او را البته یاری کرده است بر خراب کردن اسلام
وهرکه قرض دهد او را [illegible] البته که یاری کرده است بر کشتن مؤمنی وهرکه
همنشینی کند با وی برانگیزاند او را خدا تعالی در روز قیامت کور حجتی نباشد
از برای او وهرکه بیاشامد خمر را پس زن [illegible] دهید او را واگر بیمار شود پرسش
مکنید او را وقسم بآنکه برانگیزانید مرا بپیغمبری که نیاشامد خمر را مگر ملعون در
توریه وانجیل وزبور و[illegible] وفرمود پیغمبر ص که ای پسر مسعود قسم بآنکه
برانگیزانید مرا بحق که میآید بعد از من زمانی که حلال میشمارند خمر را ونام
میکنند از نبیذ علیهم لعنة الله والملئکة والناس اجمعین من از ایشان
بیزارم وایشان از من بیزارند ای پسر مسعود زنا کردن با مادر خود کمتر
آن کمتر است از خوردن مقدار یک دانه خردل از ربا وهرکه بیاشامد مست
کننده را خواه اندک باشد وخواه بسیار آن سخت تر است نزد خدای
تعالی از خوردن ربا از برای آنکه این کلید همه بدیها است ایشان ستم می
کنند با نیکان وراست گوی میدانند فاجران وناپاکاران وفاسقان را
حق نزد ایشان باطل است وباطل پیش ایشان حق این همه از برای دنیا

است و ایشان می‌پندارند که ایشان بغیر حقند لکن زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیطانُ
اَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبیلِ فَهُمْ لا یَهْتَدُونَ آراسته
است از برای ایشان شیطان کردارهای ایشانرا پس منع کرد ایشانرا
از راه حق پس ایشان راه نمی‌یابند وَرَضُوا بِالْحَیوةِ الدُّنیا وَاطْمَأَنُّوا
بِها وَالَّذینَ هُمْ عَنْ آیاتِنا غافِلُونَ اُولٰئِكَ مَأْویهُمُ النّارُ بِما كانُوا
یَکْسِبُونَ و آنانکه خشنود گردیدند بزندگی دنیا و آرام گرفتند بان و آنانکه
از آیات و دلیلهای ما غافلانند جای ایشان دوزخ است بسبب آنچه
بوده‌اند که کسب کرده‌اند و فرمود [illegible] صلی الله علیه و آله که سلام کنید بر یهود
و نصاری و سلام مکنید بر شارب الخمر و اگر سلام کند بر شما باز مدهید جواب
او را و فرمود صلی الله علیه و آله [illegible] مصاحبت با یهود و نصاری
بهتر است از مصاحبت [illegible] شارب الخمر را که با او در
کردن سخن او پشیمانی است و [illegible] شارب الخمر را عذاب میکند
خدا بسیصد و شصت نوع از عذاب [illegible] که جمع نمی‌شود خمر با
ایمان در درون یا دل مردی هرگز فصل ششم در شطرنج و نرد فرمود
خدا تعالی در سوره حج فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثانِ وَاجْتَنِبُوا
قَوْلَ الزُّورِ حُنَفاءَ لِلّٰهِ غَیْرَ مُشْرِکینَ بِهِ دوری کنید از بازی
کردن بشطرنج و نرد و باقی قمارها و دوری کنید از قول دروغ و خوانندگی
و غناء و روایت کرد عبد الله بن مسعود که گذشت پیغمبر بقومیکه بازی
میکردند بشطرنج فرمود ما هذه التماثیل التی انتم لها عاکفون چیست
این تمثالها که شما از برای ایشان نشسته‌اید و فرمود هم که هرکه بازی کند

نرد بتحقیق که عصیان کرده است خدا را و فرمود ملعونست هر که بازی کند
با سایر یعنی با شطرنج و نظر کننده بان مثل خورنده گوشت خوکست و
در خبر دیگر نظر کننده بان مثل نظر کننده است بفرج مادر خود و فرمود
حذر کنید از این دو کعبتین نشان داد که این از قمار کبر الست و فرمود
حضرت صادق علیه السلام که نرد و شطرنج هر دو قمار راست در روایت
کرد ما را عبد الواحد بن عبد الله نیسابوری گفت حدیث کرد ما را
علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان گفت شنیدم از حضرت امام رضا
علیه السلام که چون [illegible] حضرت امام حسین علیه السلام را بشام امر کرد یزید
علیه اللعنة والعذاب که گذاشتند [illegible] کرد خوانی پس روی آوردند
او و اصحاب [illegible] میخوردند و [illegible] آشامیدند فقاع را پس فارغ شدند
گفت که آن سر را [illegible] در زیر تخت او و انداختند بران رقعه
شطرنج را و نشست [illegible] بازی میکرد بشطرنج و ذکر میکرد حسین را
و پدر او را و جد او را صلوات الله علیهم استهزا میکرد بایشان و هرگاه قمار
میکرد با مصاحب خود فرا میگرفت فقاع را و میآشامید از سه بار پس
میریخت زیاده از آن نزدیک آن طشت بر زمین پس هر که از ما و شیعه ما است
باید که بپرهیزد از آشامیدن فقاع و بازی کردن شطرنج و هر که نظر کند بفقاع
و شطرنج پس باید که یاد کند حسین صلوات الله علیه را و لعنت کند یزید و آل
زیاد را پاک کند خدای عز و جل باین گناهان او را و اگر چه باشد بعدد
ستارگان فصل دهم در غنا و خوانندگی و در شنیدن آن
فرمود خدای تعالی که وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ

لِیُضِلَّ عَنْ سَبِیلِ اللهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَیَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِینٌ و بعضی از مردمان کسی هست که میخرد غنا و خوانندگی را تا گمراه سازد مردم را از راه خدای بی دانائی و فرا میگیرد راه خدا را بسخریت آنگروه ایشانراست عذابی خوار کننده و فرمود پیغمبر ص که برانگیخته شود صاحب طنبور روز قیامت و او سیاه روست و بدست او طنبوری است از آتش و بر بالای سر او هفتاد هزار فرشته اند بدست هر یک گرزیست که میزنند سر او را و برانگیخته میشود صاحب غنا و خوانندگی از گور خود کور و کر و گنگ و برانگیخته میشود زناکننده مثل این و صاحب نی مثل این و صاحب دف مثل این و فرمود پیغمبر ص که غنا [illegible] است و روایت کرد ابو امامه از پیغمبر ص [illegible] صدای خود را بخوانندگی مگر آنکه برانگیزاند خدا دو شیطان را بر دوش او که میزنند پاهای خود را بر سینه او تا آنکه او باز ایستد [illegible] رسول الله

باب سیزدهم

در آن هفت فصل است

فصل اول

در [illegible] و پرسش بیمار و شستن میت فرمود پیغمبر ص که هر که به عیادت بیماری رود پس او را هست بهر گامی که میگذارد تا آنکه باز گردد بمنزل خود هفتاد هزار هزار حسنه و ثواب و پاک شود از وی هفتاد هزار هزار سیئه و گناه و رفیع و بلند شود از برای او هفتاد هزار هزار درجه و موکل شوند بوی هفتاد هزار هزار ملک که می نشانند او را در قبر او و طلب آمرزش میکنند از برای او تا روز قیامت و هر که بشوید میتی را پس ادا کند در وی امانتها را هست او را بعدد هر موی از وی آزاد کردن بنده و رفیع شود از برای او بان عدد درجه پس گفت عمر که یا رسول الله چگونه

ادا کند در آن امانتها را فرمود صلی الله علیه و آله که میپوشد عورت او را
و میپوشد بدی او را و اگر چنین نکند ضایع شود اجر او و ظاهر میشود عورت
او در دنیا و آخرت **فصل دویم** در ثواب مؤمن بسبب مردن او
در هر روز از روزهای هفته فرمود خدای تعالی در سوره آل عمران
که وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا
و نباشد هیچ نفسی را آنکه بمیرد مگر باراده خدا نوشته است کتابی که زمان آن
معین است و فرمود خدای تعالی که كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ همه نفس چشنده
مرگست و فرمود در سوره انعام که ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى
عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ پس حکم کرد خداوند تیرا که چون بسر آید
که برسد [illegible] و [illegible] شده نزد او است که کس نداند پس
شما شک مینمائید و فرمود در سوره نحل که وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ
أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا
يَسْتَقْدِمُونَ ولیکن موخر میدارد مرگ ایشان را تا وقتی معین
پس چون بیاید مرگ ایشان نه موخر میدارد ساعتی و نه مقدم و فرمود
پیغمبر صلعم که مرگ کفاره گناه مؤمنان است و روایت شده از جابر از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هر که بمیرد روز جمعه و شناسد حق اهل
بیت علیهم السلام را نوشته میشود از برای او برات آزادی از دوزخ
و برات از عذاب و هر که بمیرد شب جمعه آزاد شود از آتش و فرمود پیغمبر صلعم
در حدیثی طویل در فضل روز جمعه که دعا کنند در آن هیچ یک از آدمیان که دانند
حق و حرمت آنرا الا که حق باشد بر خدا که بگرداند او را از آزادان و خلاصان

از آتش پس اگر بمیرد در آن روز یا در آن شب مرده است شهید و برانگیخته میشود ایمن
و فرمود امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر که بمیرد در روز پنجشنبه بعد از پیشین
و او مؤمن باشد زینهار دهد او را خدای تعالی از فشار قبر و قبول شود شفاعت
او بعدد قبیله ربیعه و مضر و هر که بمیرد در روز شنبه از مؤمنان جمع نکند خدای عز
و جل میان او و میان یهود در آتش هرگز و هر که بمیرد روز یکشنبه از مؤمنان
جمع نکند خدا میان او و میان نصاری در آتش هرگز و هر که بمیرد روز دوشنبه
از مؤمنان جمع نکند خدا میان او و میان دشمنان ما از بنی امیه در دوزخ
هرگز و هر که بمیرد در روز سه شنبه از مؤمنان [illegible] خدای تعالی با ما در رفیق
اعلی و هر که بمیرد در روز چهارشنبه از مؤمنان [illegible] او را خدا از عذاب
حشر روز قیامت و نیک [illegible] و [illegible] بهشت و فرود
آورد او را در سرای دوام [illegible] هیچ تعب و رنج
او را در آن هیچ ماندگی و فرمود [illegible] هر حال که بمیرد و در
هر ساعت که قبض شود پس او [illegible] و بتحقیق که شنیدم
از حبیب خود رسول الله صلعم که میفرمود که اگر مؤمن بیرون رود از دنیا و بروی
باشد مثل گناه اهل زمین باشد مردن آن کفاره این گناهان بعد از آن
فرمود صلی الله علیه و اله که هر که بگوید لا اله الا الله باخلاص پس او بیزار است
از شرک و هر که بیرون رود از دنیا و شرک نیاورد بخدا چیزی داخل شود بهشت
را بعد از آن خواند این آیه را إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ
مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ بدرستی که خدا نمی آمرزد آنکه شرک
آورده شود بوی و میآمرزد غیر این را از هر که خواهد و ایشان شیعیان تواند و

محبان تو یا علی پس عرض کردم یا رسول الله این از برای شیعه منست فرمود
صلی الله علیه وآله که بلی پروردگار من قسم که این از برای شیعه تو و محبان تواست
خاصة و ایشان بیرون میایند از قبرهای خود در حالیکه میگویند لا اله الا الله و
محمد رسول الله علی ولی الله پس میآورند حلهای سبز از بهشت و
تاجها و افسرها از بهشت پس میپوشند هر یک از ایشان جامه سبز و تاج ملک
و افسر کرامت پس سوار میشوند بشتران نیکو که میبرند ایشانرا بهشت غمگین نمیکند
ایشان را فزع اکبر و استقبال میکنند ایشانرا فرشتگان و میگویند اینست
روز شما که بودید وعده داده شده بآن و فرمود پیغمبر صلی الله علیه واله که بمیرد
بر حب آل محمد مرده است شهید آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است
آمرزیده آگاه باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است توبه کار آگاه باش
که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است مؤمن کامل الایمان آگاه باش که هر که بمیرد
بر حب آل محمد مژده میدهد او را ملک الموت به بهشت بعد از آن منکر و نکیر آگاه
باش که هر که بمیرد بر حب آل محمد گردانند قبر او را مزار ملائکه رحمت آگاه باش که
هر که بمیرد بر حب آل محمد گشاده شود از برای او در قبر او دو در بهشت آگاه باش
که هر که بمیرد بر حب آل محمد مرده است بر سنت و جماعت آگاه باش که هر که
بمیرد بر بغض آل محمد یعنی بر دشمنی آل محمد بیاید روز قیامت و نوشته باشد
بر میان دو چشم او که نا امید است از رحمت خدا آگاه باش که هر که بمیرد بر
بغض آل محمد مرده است کافر آگاه باش که هر که بمیرد بر بغض آل محمد نشنود بوی بهشت را

فصل سیم در ثواب پیروی کردن جنازه و نماز کردن بر میت فرمود
رسول خدا ص که هر که پیروی کند جنازه را پس او راست بهر قدمی که برمیدارد صد

هزار حسنه و بلند شود از برای او صد هزار درجه و پاک شود از وی صد هزار گناه و اگر نماز
کند بر جنازه وی صد هزار فرشته جمیع ایشان طلب آمرزش کنند از برای او
تا آنکه دفن کنند او را پس اگر حاضر شود دفن او را موکل گرداند بوی آن صد هزار
فرشته را که طلب آمرزش کنند از برای او تا آنکه برانگیزانند او را در قبر او و
هرکه نماز کند بر جنازه نماز کند بر وی جبرئیل علیه السلام در میان هفتاد هزار
ملک و آمرزیده شود از وی هرچه پیش کرده است از گناه و هرچه کند بعد از
آن پس اگر بایستد بر آن جنازه تا آنکه دفن کنند او را و بریزند بر آن خاک باز گردد
از آن جنازه و باشد او را بهر قدمی [illegible] کرده است از آن
تا آنکه باز گردد بمنزل خود قیراطی [illegible]

فصل [illegible] در عقوبت وصی
از برای آنکه وفا نکند بوصیت [illegible] میت [illegible] که هرکه ضامن
شود وصیت میت را در امر حج [illegible] تقصیر کند [illegible] قبول نکند خدا
نماز او را و قبول نکند دعای او را [illegible] صد گناه که کوچکتر
این آن چنان باشد که زنا کرده [illegible] یا [illegible] کند بآن حج در
همان سال نوشته شود از برای او بهر درهمی ثواب حجی و عمره پس اگر
بمیرد در میان امسال و سال آینده شهید مرده باشد و نوشته شود از برای
او در میان آن و میان سال آینده بهر روزی و شبی ثواب شهیدی و قضا
شود از برای او حاجتهای دنیا و آخرت و فرمود پیغمبر ص که هرکه ضامن شود
وصیت میت را بعد از آن تقصیر کند از آن بغیر عذری قبول نشود از وی
نافله و نه فریضه و لعنت کنند او را هر ملکی که در میان آسمان و زمین است و
صباح و شام در غضب خدا باشد و هرگاه گوید یا رب فرود آید بر وی

لعنت و بنویسد خدا ثواب جمیع حسنات ورا از برای آن بیست پس اگر بمیرد در آن حال داخل دوزخ شود و اگر قیام نماید بان نوشته شود از برای او بهر روز و شبی آزاد کردن بنده و باشد از برای او نزد خدای تعالی بهر درهمی شهری شصت حور و شب و صباح در رضا رضا خدا باشد و از برای او گشاده شود دو در به بهشت پس اگر بمیرد در میان آن سال و سال آینده مرده باشد آمرزیده و بدهد او را خدا یتعالی روز قیامت مثل ثواب انکه حج و عمره کرده باشد و باشد در بهشت رفیق یحیی و زکریا علیهما السلام و فرمود پیغمبر که هر که ضامن شود وصیت میت ... پس ... باید که تقصیر نکند از آن که بدرستیکه عقوبت آن ... ست و پشیمانی ... بسیار تقصیر میکند از وصیت میت مگر بدبخت ... قیام ... در آن ... بخت پس هر که قیام نماید بان بسرعت ... گرداند خدا یتعالی ... را بر دوزخ و داخل گرداند او را در بهشت با صدیقان ... و بدهد او را اگر است هفتاد شهید و نوشته شود از برای او مادام ... هزار حسنه و رفع شود از برای او هزار درجه و یل آنرا که تقصیر کند از وصیت و نوشته شود بروی هر روز هزار گناه و بنا شود از برای او بهر قدمی خانه در دوزخ و نظر نکند خدای تعالی نه در حال زندگی او و نه در مرگ او پس اگر بمیرد بر آنحال برخیزد از قبر خود نوشته باشد در میان دو چشم که او نا امید است از رحمت خدا یتعالی **فصل پنجم** در ثواب کندن قبر و در سؤال قبر و صفة مرگ فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله هر که بکند از برای مؤمنی قبر او را حرام گرداند خدا یتعالی آتش را بر بدن او و آماده سازد از برای او خانه در بهشت و روایت شده باسناد صحیح از حضرت

امام جعفر صادق ع که آنحضرت فرمود چون بمیرد مؤمن بیرون کند او را هفتاد و هزار فرشته تا قبر او پس چون او را داخل قبر کنند بیایند او را منکر و نکیر و بنشانند او را در قبر او و گویند او را که کیست خدای تو و چیست دین تو و کیست پیغمبر و امام تو پس گوید که الله رب من است و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر من است و علی علیه السلام امام من است پس فراخ کردانند از برای او قبر او را چندانکه چشم او بآن رسد و بیاورند از برای او طعام از بهشت و داخل کردانند بروی راحت و رحمت و روزی و ریحان و اینست قول خدای تعالی که فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ یعنی در آخرت باشد مومن [illegible] بعد از آن [illegible] چون بمیرد کافر بیرون کند او را هفتاد [illegible] تا قبر [illegible] کند [illegible] خود را که آواز که بشنوند از او همه چیز غیر از آدمیان و جنیان [illegible] کاشکی مرا باز گردانند بود در دنیا پس میبود هم از مومنان [illegible] شاید که بکنم کردار نیکو در آنچه گذاشتم پس جواب [illegible] است این کلمه ایست که تو گوینده آن و ندا کند ایشانرا فرشته که اگر باز گردانند ایشانرا بدنیا البته عود کنند بآنچه نهی کرده اند ایشانرا از آن پس چون داخل قبر کنند او را باز گردند مردمان بیایند او را منکر و نکیر در هولناکترین صورتی پس بدارند او را بر پای و بعد از آن گویند او را که کیست رب تو و چیست دین تو و کیست پیغمبر تو پس آشفته شود و زبان او قادر نشود بر جواب پس بزنند او را یکضربت از عذاب خدا که بترسند از آن همه چیز بعد از آن گویند او را که کیست رب تو و چیست دین تو و کیست پیغمبر تو گوید که نمیدانم پس گویند او را

که ندانستی و راه نیافتی و رستگار نگشتی بعد از آن بگشایند از برای او دری بدوزخ
و بیاورند بوی آبی بسیار گرم از جهنم و اینست قول خدا تعالی که وَأَمَّا إِنْ
كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ
یعنی در آخرت باشد کافر این و گفت مردی ابوذر رحمة الله علیه را که
چیست ما را که زشت میداریم مرگرا فرمود برای آنکه عمارت کردید شما دنیا را
و خراب کردید آخرترا پس زشت میدارید نقل از عمارت آباد در خراب گفتند
او را که چگونه می بینی آمدن ما را نزد خدا فرمود اما نیکوکار چون غایب است
که بیاید بر اهل خود و اما بدکردار مثل بنده گریخته است که بیارند او را بصاحبش
او گفتند چگونه می بینی حال ما را نزد خدا فرمود عرض کنید کردار خود را بر کتاب
خدا که خدا تعالی میفرماید إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ
لَفِي جَحِيمٍ یعنی بدرستیکه نیکوکاران در بهشت نعیم اند و بدرستیکه بدکرداران
در دوزخ و جهنم اند گفت مردی که پس کجاست رحمت خدا فرمود إِنَّ
رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ بدرستی که رحمت خدا نزدیکست
به نیکوکاران و عرض کردند خدمت حضرت صادق علیه السلام که
صفت کن از برای ما مرگرا پس فرمود آنحضرت از برای مومن چون بوی
خوش است که بوید او را پس عطسه کند از بوی خوش آن و منقطع شود
تعب و الم او جمیعا و از برای کافر چون گزیدن افعیها و گزیدن عقربها
است یا سخت تر گفتند آنحضرترا که بدرستی که قومی میگویند که آن سخت
تر است از آنکه بریده شود باره ها و چیده شود بمقراضها و کوبیده شود بسنگ
و گردیده شود میل آسیا در چشم فرمود آنحضرت صلوات الله علیه که این چنین است

از برای فاجران و کافران آیا نه می‌بینی بعضی از ایشانرا که رنج میکشد و مرتکب
میشود سختیها را پس این سخت‌ترین از عذاب دنیا است گفتند آنحضرت را
که چونست که می‌بینیم ما کافرا که سهلست بروی نزع و جان کندن در
وقت سکرات مرگ فرمود آنچه باشد از راحت مؤمن در اینوقت پس آن
تعجیل ثواب اواست و آنچه باشد از سختی پس آن پاک شدن اواست از
گناهان او تا آنکه وارد آخرت شود و پاکیزه و مستحق ثواب دائم هیچ مانعی نباشد
اورا از آن و آنچه باشد از راحت کافر در این پس آن از برای اینست که فرا
گیرد مزد نیکوئی خود را در دنیا تا وارد آخرت [illegible] دنیا [illegible] الا آنچه واجب
شود بروی عذاب و آنچه باشد از سختی در این بر کافر [illegible] ی عقوبتهای
خدا است اورا بعد از تباه شدن [illegible] از این از برای [illegible] که خدا عادلست
ستم نمیکند و داخل شد حضرت [illegible] که افتاده بود در سکرات
و او جواب نمیداد خواننده را گفتند [illegible] میداریم
که بدانیم که چگونه است و چیست [illegible] پس فرمود امام
که مرگ صفا دهنده است صفا میدهد مؤمنانرا از گناهان ایشان پس
هست آن آخرین المی که میرسد ایشانرا کفاره آخرین گناهی که باقی است
و صاف میکند کافرانرا از ثواب ایشان پس این آخرین لذت یا نعیمی است
یا راحتی که میرسد ایشان را که آن آخر ثواب نیکیست که بوده است ایشانرا
و اما این مصاحب شما بدرستی که بیخته میشود از گناهان بیخته شدنی و صاف
میشود از بدیها صاف شدنی و خالص میشود تا آنکه پاک شود چنانچه پاک میشود جامه از
چرک و صلاحیت یابد که معاشرت کند با ما که اهل بیتیم در خانه ما که خانه دائم است

فصل ششم در حال میت وقت رفتن روح از وی و حال روح در
حال خواب و بیداری و در حال وی بعد از مفارقت وی از بدن ما و نکته چند
در خواب دیدن فرمود خدای تعالی در سوره بقره که وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ و مگوئید
آنکس که کشته شد در راه خدا که ایشان مرده‌اند بلکه ایشان زنده‌اند ولکن
شما نمیدانید و فرمود در سوره آل عمران که وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ
بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و مپندار
آنانکه کشته شدند در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان زندگانند نزد پروردگار
خود روزی داده میشوند از میوه‌های بهشت در حالتیکه شادمانند بآنچه داده
است ایشان را خدا از فضل خود و شاد میشوند بآنانکه هنوز نرسیده‌اند بایشان
از پس ایشان بآنکه نیست هیچ ترسی بر ایشان و نباشند که اندوهناک شوند
و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که قسم بآنکه نفس محمد بدست اوست که اگر
به بینند اهل میت جای او را و بشنوند سخن او را البته غافل میشوند از
مرده خود و گریه کنند بر نفسهای خود در وقتیکه بگذارند میت را بر تابوت و
بایستد روح او در بالای تابوت و ندا کند که ای اهل من و ای فرزندان
من بازی ندهد بشما دنیا چنانچه بازی داد بمن جمع کردم مال از حلال و غیر
حلال پس گذاشتم از برای غیر خود پس حلالست از برای او و وبال او بر
منست پس حذر کنید از مثل آنچه آمده است بر من و گفته‌اند که نیست هیچ

میت که بمیرد الا آنکه بنظر او در آیند آن دو فرشته که نویسنده عمل وی‌اند
پس اگر او فرمانبردار خدا بوده است گویند او را که جزاء دهد خدا ترا خیر از ما که
بسیار مجلس صدق نشاندی ما را و عمل نیکو حاضر گردانیدی ما را و اگر نافرمان بردار
خدا بوده است گویند جزا دهد ترا خدا از ما بد ترجزائی بسیار مجلس بد که
نشانیدی ما را و عمل بد که حاضر گردانیدی ما را و سخن قبیح که شنوانیدی
ما را و گفت پیغمبر که چون راضی شود خدا از بنده گوید که ای ملک الموت برو
بفلان و بیاور روح او را کافیست مرا از عمل او و تحقیق که آزموده‌ام او را پس یافتم
او را هر جا که میخواستم پس فرود آید ملک الموت با پانصد فرشته
باشند که با ایشان باشد شاخهای ریحان و بیخهای زعفران که هر یک از
ایشان بشارتی دهند او را غیر بشارت دیگری و بایستند طلکه بد و
صف از برای بیرون آمدن روح او با ایشان ... بیرون پس چون نظر
کند بایشان شیطان بزند ... فریاد کنند پس گویند
او را لشکر او که چیست ترا ای ... پس ... بینید آنچه داده شده
است از کرامت کجا بودید شما که غافل بودید از وی گویند که ما جهد کردیم
پس فرمان نبرد ما را و فرمود پیغمبر که روحها لشکران جمع شده اند
آنچه آشنا بوده اند از آن با هم الفت میگیرند و آنچه بیگانه بوده اند از آن
با هم اختلاف میکنند و پرسید ابوبصیر از حضرت امام جعفر رازمرد
خوابیده و زن خوابیده که می بینند در خواب که ایشان مکه یا در مصر یا شهری
از شهرها اند آیا روحهای ایشان بیرون میآید از بدنهای ایشان فرمود امام
که نه یا ابا بصیر بدرستیکه روح چون بیرون آید از بدن باز نمی گردد بان این

روح بمنزله قرص آفتاب است که جا یدارد در آسمان و شعاع ان در دنیا است
از امام محمد باقر علیه السلام فرمود بندگان چون بخواب روند بیرون آید
روحهای ایشان تا آسمان دنیا پس هرچه ببیند آنرا روح در آسمان دنیا پس آن
حق است وآنچه ببیند در هوا از خوابهای شوریده بی تعبیر است روایت شده
از ابی الحسن موسی علیه السلام که میفرمود مرد چون بخواب رود بیرون آید
روح او پس بدرستیکه روح حیوة باقی است در بدن پس آنچه بیرون آید
از وی روح عقل است و همچنین است در خواب دیدن نیز گفت عبدالغفار
اسلمی که میفرماید [illegible] اَللّٰهُ یَتَوَفَّی الْاَنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَا
وَالَّتِی لَمْ تَمُتْ فِی مَنَامِهَا فَیُمْسِکُ الَّتِی قَضٰی عَلَیْهَا الْمَوْتَ
وَیُرْسِلُ الْاُخْرٰی اِلٰی اَجَلٍ مُسَمًّی خدا قبض میکند نفسها را در وقت
مرگ ایشان [illegible] در وقت خواب ایشان پس نگاه
میدارد آن نفسرا که حکم [illegible] است برای مرگ را و میفرستد آن نفسرا که قضا
است بروی زندگی [illegible] که اجل برسد پس مشیت که رای این
باشد که روحها همه میرسد بخدا نزد خواب نفس نگاه دارد آنچه خواهد و بفرستد آنچه
خواهد پس فرمود او را امام موسی علیه السلام که نمیرسد بوی مگر روح عقلها اما
روحها زندگی آن در بدنها است بیرون نمیرود مگر بمرگ ولیکن خدا چون حکم
کند بر نفسی مرگ را پس قبض کند روحی که در آنست روح عقل و اگر روح حیوة بیرون
رود البته بدن می افتد که حرکت نکند و بتحقیق که زده است خدا این مثل را در کتاب
خود در قصه اصحاب کهف آنجا که فرمود نُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْیَمِینِ وَذَاتَ الشِّمَالِ
میگردانیم ایشانرا بجانب راست و جانب چپ آیا پس نمی بینی که روحها در ایشانست

بجز کتبهای ایشان و روایت شده از یونس بن ظبیان که او گفت خدمت امام جعفر
صادق علیه السلام نشسته بودم پس فرمود امام علیه السلام که چه میگویند مردمان
در روحهای مؤمنان عرض کردم که میگویند که در حوصله یعنی در دانه دان
مرغان سبز اند در قندیلها زیر عرش پس فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که سبحان الله مؤمن بزرگوار تر است بر خدا از انکه بگرداند روح او را در دانه دان
مرغ سبز ای یونس مؤمن را چون بمیراند خدا تعالی بگرداند روح او را در قالبی
مثل قالب او در دنیا پس میخورند و میآشامند پس چون بیاید بر ایشان آینده
بشناسد او را بآن صورت که بوده [illegible] روایت شده از ابو
بصیر که او گفت پرسیدم حضرت امام جعفر صادق [illegible] مؤمنان پس
فرمود آنحضرت که در بهشتند [illegible] کوئی که [illegible]
در کتاب تعبیر از امامان علیهم السلام [illegible] خواب مؤمن [illegible] از برای انکه نفس
او پاکیزه است و یقین او صحیح است [illegible] بفرشتگان
پس این وحی است از خداوند عزیز جبار [illegible] فرمود امام [illegible] سلام که منقطع شده وحی
ربانی و باقی ماند بشارت دهنده آگاه باش که این خواب مردان صالح و زنان
صالحه است و بتحقیق که حدیث کرد مرا پدر من از جد من از پدران خود که فرمود رسول
خدا صلی الله علیه و آله که هر که ببیند مرا در خواب بتحقیق که مرا دیده است از برای
انکه شیطان مثل من نمی شود در صورت و نه در صورت یکی از وصیان من و نه در
صورت یکی از شیعیان ایشان و بدرستیکه خواب راست یک جزو است از هفتاد
جزو پیغمبری از محمد بن قاسم نوفلی گفت که گفتم امام جعفر صادق علیه السلام که
مرد خواب می بیند و بسا باشد چنانچه دیده و گاه می بیند خواب و منتبه باشد

چیزی فرمود آنحضرت که مؤمن چون خواب رود بیرون آید از روح او حرکتی کشیده
وکاه باشد که بلند شود تا آسمان پس هر چه بیند از روح مؤمن در موضع تقدیر
و تدبیر پس آن حق است و آنچه بیند از در زمین پس آن خواب پریشانست پس
گفتم او را که فدایت گردم میرود روح او تا آسمان فرمود آنسرور که بلی پس عرض
کردم فدای تو گردم بیرون رود روح او تا آنکه باقی نماند از آن چیزی در بدن مؤمن
فرمود نه اگر بیرون رود کل آن تا آنکه باقی نماند از آن چیزی در بدن مؤمن هر آینه
بمیرد عرض کردم پس چگونه بیرون میرود فرمود آیا نمی بینی آفتاب را در آسمان در
موضع خود و شعاع آن از این است همچنین است روح اصل او در بدن
است و حرکت او کشیده شده است **فصل هفتم** در
صفت بهشت و نعمتهای آن فرمود حق تعالی در سوره بقره که وَبَشِّرِ الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي
رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ
وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وبشارت ده یا محمد آنکسانرا
که گرویده اند و بجای آورده اند کردارهای نیکو آنکه ایشانراست بوستانها
که در آن باشد از زیر درختان آن جویها هر گاه که روزی داده شوند بهشتیان
از میوه روزی گویند که این آن میوه است که داده بودند ما را قبل از این و بیاوند
پیش مؤمنان از میوه بهشت مانند میوه دنیا برنگ و صورت و اما در طعم نهایت
بهتر از میوه دنیا باشد و باشد از برای ایشان در آن زنان پاکیزه و ایشان
در آن جاوید باشند و در سوره آل عمران وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ

رَبِّکُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا کَعَرْضِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ
و بشتابید بآنچه سبب آمرزش باشد و به بهشتی که از فراخی پهنای آن مانند
آسمانها و زمین است که آماده شده است این بهشت از برای پرهیزکاران
پرسیدند پیغمبر را که از چیست بنای آن فرمود خشتی از طلا و خشتی از نقره
و گل آن از مشک خوشبوی و خاک آن از زعفران و سنگ ریزه آن از
مروارید و یاقوت هر که داخل آن گردد متنعم گردد و سختی نه بیند هرگز دایم در آن
ماند و نمیرد هرگز کهنه نشود جامه او و زایل نگردد جوانی او و از زید بن علی علیه السلام
گفت فرمود رسول خدا که در بهشت درختی است که از بالای آن بیرون میاید حلل
یعنی جامهها و از زیر آن اسبهای ابلق که صاحبان بالند که [illegible] زین و لجام شان
بمروارید و یاقوت سرگین و بول نمیکنند [illegible] آن اولیای خدا پس میپرند
با ایشان بهر جا که خواهند ایشان [illegible] بهشت را که آیا انصاف
نمیکنید با ما پس جواب دهد [illegible] که نخواهید از خدا
پس گویند ای پروردگار [illegible] پس گوید خدا
ایشان را که بودند روزه میداشتند و شما افطار میکردید و بودند نفقه میکردند و
شما بخل میکردید و بودند جهاد میکردند و شما میترسیدید و بودند نماز میکردند
و شما میخوابیدید و فرمود پیغمبر که یک وجب از بهشت بهتر است از دنیا
و هرچه در آنست **باب چهاردهم** در آن خبرهای متفرقه است مشتمل بر
سی و چهار فصل **فصل اول** در مدح توبه و حقیقت آن فرمود خدا تعالی در سوره
آل عمران که وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا
اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ

یُصِرُّوا عَلَی مَا فَعَلُوا وَهُمْ یَعْلَمُونَ متقیان آنانند که چون بکنند
کار ناشایست یا ستم کنند بر نفسهای خود یاد کنند خدا را پس آمرزش خواهند
برای گناهان خود و کیست که بیامرزد گناهان را مگر خدا و دیگر نکنند گناه بسیار
بعد از استغفار بر آنچه از ایشان صادر شده و ایشان میدانند که عقوبت گناه
را دوام است بسیار و فرمود رسول خدا ص که مؤمن چون توبه کند و پشیمان شود
بگشاید خدا بروی در دنیا و آخرت هزار در از رحمت و صباح کند و شام کند بر
رضای خدا و بنویسد خدا [illegible] و بهر رکعت نماز نافله که میکند عبادت یک
ساله و بدهد [illegible] خدا بهر آیه که [illegible] نوری بر صراط و بنویسد از برای او
هر روز و شب ثواب پیغمبری [illegible] بهر حرفی از استغفار و تسبیح ثواب
حج و عمره و بهر آیه از [illegible] خدا قبر او را و سفید گرداند
روی او را [illegible] است نوری و چنان باشد که تصدق
کرده است بوزن [illegible] هر ستاره بنده و برسد او را
سختی قیامت و مونسی باشد او را در قبر او و یافت شود در قبر او روضه از روضهای
بهشت و زیارت کنند قبر او را هر روز هزار فرشته که مونس باشد او را در قبر او
و محشور شود در قبر خود و بر روی باشد هفتاد حله و بر سر او باشد تاجی از رحمت و
باشد زیر سایه عرش با پیغمبران و شهیدان و میخورد و میآشامد تا آنکه فارغ
شود خدا از حسنات خلایق پس میفرستد او را بهشت در آخر خطبة الوداع روی
آورد رسول خدا ص و فرمود هر که توبه کند بخدای تعالی قبل از مرگ خود بیکسال قبول
کند خدا توبه او را آگاه باش که سال بسیار است هر که توبه کند قبل از مرگ خود
یکماه قبول کند خدا توبه او را پس فرمود ماه بسیار است هر که توبه کند بخدا

قبل از مرگ خود بیک جمعه قبول کند خدا توبهٔ او را پس فرمود جمعه بسیار است هر که توبه کند بخدا قبل از مرگ خود بیک روز قبول کند خدا توبه او را پس فرمود روز بسیار است هر که توبه کند بخدا قبل از مرگ خود بیک ساعت قبول کند خدا توبه او را پس فرمود ساعت بسیار است هر که توبه کند بخدا قبل از آنکه معاینه نماید قبول کند خدا توبه او را و فرمود پیغمبر ص که توبه کار چون ظاهر نشود اثر توبه او پس نیست توبه کار باید راضی کند خواهندگان را و اعاده کند نمازها را و تواضع کند میان خلق و پرهیز دهد نفس خود را از شهوتها و باریک نماید گردن خود را بروزه داشتن روزها و زرد گرداند رنگ خود را بقیام شب و تهی سازد شکم خود را بکم خوردن و خم کند پشت خود را از ترس دوزخ و بگدازد استخوان خود را بشوق بهشت و ریزه کند دل خود را از هول ملک الموت و خشک گرداند پوست خود را بر بدن خود بتفکر آخرت پس این است نشان توبه و چون چنین کند پس این صفت پس او توبه کنندهٔ خالص است از برای خدا و [illegible] ابی بصیر گفت آمد زنی نزد پیغمبر ص و عرض کرد یا رسول الله زنی کشته فرزند خود را آیا هست او را توبه پس فرمود آنحضرت او را که قسم بخدائیکه جان محمد بدست او است که اگر او کشته باشد هفتاد پیغمبر را بعد از آن توبه کند و پشیمان شود و بداند خدا او را و باز نمیگردد بآن گناه هرگز قبول کند خدا توبه او را و عفو کند از وی بدرستیکه در توبه گشاده است در میان مشرق و مغرب و بدرستیکه توبه کار از گناه چون کسی است که نیست او را هیچ گناه و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که آیا میدانید چیست توبه عرض کردند فرمود آنحضرت که هر که چون توبه کند و خشنود نگرداند خواهندگان را پس نیست او توبه کار و هر که توبه کند و زیاد نکند عبادت را

پس منیت او وتوبه کار وهرکه توبه کند وتغییر ندهد رفیقان خود را پس منیت او وتوبه
کار وهرکه توبه کند وتغییر ندهد جای نشستن خود را وطعام خود را پس منیت او وتوبه
کار وهرکه توبه کند وتغییر ندهد خوی خود را ونیت خود را پس منیت او وتوبه کار
وهرکه توبه کند وتغییر ندهد جای خواب خود را وبالش خود را پس منیت او وتوبه
وهرکه توبه کند ونکشاید دل خود را وفراخ نکرداند دست خود را پس منیت او وتوبه کا
وهرکه توبه کند پس کوتاه نکند امید خود را وفراخ نکرداند دست خود را پس
منیت او وتوبه کار وهرکه توبه کند وپیش نفرستد زیادتی قوت خود را پس منیت
او وتوبه کار وچون درست شود این خصلتها پس اینست توبه کار

فصل دوم در فضل سلام کردن فرمود خدای تعالی در سوره نساء وَاِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِاَحْسَنَ مِنْهَا اَوْ رُدُّوهَا وچون تحیت وسلام
کنند شما را بتحیتی پس تحیت کنید به تحیت نیکوتر از آن تحیت یا رد
کنید بروی همان تحیت او را وفرمود در سوره انعام که وَاِذَا جَاءَکَ الَّذِیْنَ
یُؤْمِنُوْنَ بِاٰیٰتِنَا فَقُلْ سَلٰمٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلٰی نَفْسِهِ
الرَّحْمَةَ وچون بیایند بتو آنانکه ایمان آورده اند بآیتهای ما پس بگوی سلام علیکم
سلام بر شما باد نوشته است پروردگار شما بر نفس خود رحمت را ودر سوره نور
فرمود فَاِذَا دَخَلْتُمْ بُیُوْتًا فَسَلِّمُوْا عَلٰی اَنْفُسِکُمْ تَحِیَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ
مُبٰرَکَةً طَیِّبَةً پس چون داخل شوید خانها را پس سلام دهید برهم دینان
خود واهلهای خود سلام دادنی مشروع از جانب خدا بسیار خیر وپاکیزه ودر سوره
مجادله وَاِذَا جَاءُوْکَ حَیَّوْکَ بِمَا لَمْ یُحَیِّکَ بِهِ اللّٰهُ وچون آیند بتو تحیت
وسلام کنند ترا بانچه تحیت نکرده است ترا بان خدا ودر سوره نور یا ایها

الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتًا غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا
عَلَی أَهْلِهَا ای گروه گروید گان داخل مشوید در خانهائی که غیر از خانهای شماست
تا آنکه طلب انس و آرام کنید و سلام دهید بر اهل آن خانها و فرمود حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که ابتدا کننده بسلام نزدیکتر است بخدا و برسول او و از امیر
المؤمنین ع که فرمود سلام هفتاد حسنه است شصت و نه از برای ابتدا کننده
است و یکی از برای آنکه باز میدهد و فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که از تواضع
آنستکه سلام دهی بر هر که برخوری بوی و فرمود جعفر صادق ع که هر که بگوید
سَلَامٌ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ [illegible] ثواب این بیست
حسنه است و فرمود امام جعفر صادق ع که چون برخیزد یکی از شما از مجلس خویش
باید که وداع کند اهل مجلس را بسلام و فرمود پیغمبر ص از مروّات حضرت سلام
کردن است و نیکو گفتن و از امام جعفر صادق ع فرمود که چون داخل منزل خود
شوی بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ و سلام کن بر اهل خود و اگر آن کسی نیست
بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالسَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللهِ وَعَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ
وَالسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِینَ که چون بگوئی
این را بگریزد شیطان از منزل تو و از آنسرور علیه السلام روایتست که سلام میکند
مرد چون داخل شود بر اهل خود و باید چون داخل میشود بزند پا بزمین و تنحنح کند
و از برای این چنین کند تا ایشان خبردار گردند از آمدن او تا نه بیند چیزیرا که بدش آید
او را و فرمود پیغمبر ص که سلام تحیت ملت ما و امان ذمت ما است و فرمود ع
که سلام پیش از سخن است فصل سیم در فضیلت روز جمعه فرمود
خدا تعالی که یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ

فَاسْعَوا اِلیٰ ذِکْرِ اللهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ ذٰلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای گروه گرویدگان چون ندا کرده شود از برای نماز از روز جمعه یعنی چون شنوید بانگ نماز جمعه را پس سعی و شتاب کنید بذکر خدا که آن نماز جمعه است و ترک کنید خرید و فروختن را و هرچه باز میدارد شما را از نماز که این بهتر است از برای شما اگر شما میدانید چیزی و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که روز جمعه سید روزهاست زیاد میگردد در آن حسنات و ثوابها و رفیع میگردد در آن درجات و مرتبها و قبول میشود در آن دعاها و [illegible] آن غمها و قضا میشود در آن حاجتهای بزرگ و این روزیست که [illegible] شده است از برای خدا در آن آزاد شده گان و خلاصانند از دوزخ و دعا نمیکند در آن [illegible] از آدمیان که شناسد حق او را و حرمت او را مگر آنکه واجب است بر خدا [illegible] آزادان و خلاصان از دوزخ پس اگر بمیرد در آن روز یا در آن شب شهید مرده باشد و برانگیخته شود روز قیامت ایمن و سبک نشمارد حرمت او را و ضایع [illegible] آن را مگر آنکه واجب است بر خدا در انداختن او را خدا در آتش دوزخ مگر آنکه توبه کند و فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام که نیست روزی که بگذرد بر فرزند آدم الا آنکه گوید او را آن روز که منم روزی نو و من گواهم بر شما پس بگوی با در من خیری و بکن در من خیری تا گواهی دهم برای تو با آن در روز قیامت که بدرستی که تو نمی بینی مرا بعد از این هرگز و گفته اند که بدرستیکه مر خدایرا است در هر جمعه ساعتی که آبستن میشود در آن ساعت ششصد هزار زن و میزاید ششصد هزار آبستن و میمیرد ششصد هزار زاینده شده و خوار میگردد ششصد هزار عزیز و عزیز میگردد ششصد هزار ذلیل و ششصد هزار آزاد کرده است خدا را از آتش و روایت کرد سلیمان تیمی از پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود که بدرستیکه خدایراست

تعالی شانه در هر جمعه ششصد هزار آزاد کرده از آتش که جمیع ایشان مستوجب آتش
باشند **فصل چهارم** در تفسیر قول پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم لا تعادوا
الایام فتعادیکم دشمنی مکنید با روزها که دشمنی کنند با شما روایت کرده
صقر ابن ابی دلف در خبری طولانی که گفتم ابو الحسن امام علی نقی علیه السلام را
که چیست معنی قول پیغمبر ص که دشمنی مکنید با روزها که دشمنی کنند با شما فرمود
امام علیه السلام که سبت که شنبه است اسم رسول الله صلعم است و احد که یکشنبه
است کنایه از امیر المؤمنین ع است و اثنین که دو شنبه است حسن و حسین علیهما السلام
است و ثلثا که سه شنبه است علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام و محمد بن علی
و جعفر بن محمد علیهم السلام است و اربعا که چهار شنبه است موسی بن
جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی و [illegible] علیهم السلام و خمیس که پنجشنبه
است پسر من حسن است و جمعه [illegible] جمع میشوند گروه حق
و او است که پر میکند زمین را از راستی و عدل [illegible] است از ظلم و جور پس
اگر شما دشمنی کنید ایشان را در دنیا دشمنی میکنند ایشان شما را در آخرت
و فرمود امام جعفر صادق ع که شنبه روز ما است و یکشنبه از شیعه ما و دوشنبه
از دشمنان ما و سه شنبه از بنی امیه و چهار شنبه روزیست که آشامیده میشود
در آن دوا و پنجشنبه روزیست که قضا میشود در آن حاجتها و جمعه از برای پاکیزگی
و خوشبوئی است و آن عید مسلمانان است و گفته اند که روز چهارشنبه از شیعه
بنی عباس است و روز جمعه روز عبادت است و این روز خواهد بود روز
قیامت **فصل پنجم** در حال مرد چون داخل شود در صباح و چون
لازم آید او را باین داخل شد سلمان با میر المؤمنین ع پس عرض کرد چگونه صباح

کردی یا امیرالمؤمنین ع فرمود صباح کردم بخدا سوگند که مشغول است دل بهشت
خصلت عرض کرد سلمان که چیست آن هشت یا امیرالمؤمنین فرمود بدرستیکه
خدا طلب میکند از من فرض را و پیغمبر صلی الله علیه و آله سنت را و فرشته راستی
در زبان و نفس شهوت را و عیال قوت را و ملک الموت روح را و قبر بدن را
و منکر و نکیر اقامت حجت را پس وای همه وای یا سلمان از آنکه نباشد در وی
این خصلتها گفتند امام زین العابدین علیه السلام را که چگونه صباح کردی یا ابن
رسول الله فرمود آنحضرت که صباح کردم [illegible] و طلب کرده اند مرا هشت چیز خدای
تعالی طلب کرده است از من فرض را و پیغمبر سنت را و عیال قوت و روزی را
و نفس شهوت [illegible] شیطان [illegible] فرمانی [illegible] و فرشته که نگاه بانند راستی
کردار را و ملک الموت [illegible] و قبر [illegible] من در میان این خصلتها مطلوبم
و گفتند امام ابو عبد الله [illegible] بن علی علیهما السلام فرزند رسول شهید را که
چگونه صباح کردی یا ابن رسول الله فرمود صباح کردم و مرا پروردگاری
است بر من غالب و دوزخ در پیش دارم و مرگ طلب کار منست و حساب
بگرد من در آمده است و من گروم بعمل خود نمییابم آنچه خواهم و دفع نمیتوانم
کرد از خود آنچه نخواهم و امرها بدست غیر منست پس اگر خواهد عذاب
کند مرا و اگر خواهد عفو کند از من پس کدام فقیر فقیرتر است از من گفتند امیر
المؤمنین علیه السلام را که چگونه صباح کردی فرمود چگونه صباح کند آنکه
باشد برای خدا بروی دو گواه و داند که گناهان او نوشته شده است در دیوان
اگر نه رحم کند او را پروردگار او پس بازگشت او آتش سوزان است و گفتند
بحضرت فاطمه علیها السلام که چگونه صباح کردی ای دختر مصطفی فرمود صباح

کردم ناخوش دارنده دنیای شما زشت دارنده مردان شما ترک کردید بعد از انکه آمد پس من درمیان سختی واندوهم درمیان این دوتا یافتن پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم کردن بروحی آنسرور روایت کرد منهال گفت داخل شدم بر امام زین العابدین علیه السلام پس گفتم اَلسَّلامُ عَلَیکَ چگونه صباح کردی رحمت کند خدا شما را فرمود تو دعوی میکنی شیعه مائی ونمیدانی صباح ما وشام ما را صباح کردیم در قوم خود بمنزله بنی اسرائیل در اهل فرعون که میکشتند پسران ایشان را وزنده میگذاردند زنانرا وصباح میکند بهتر برآفریده [illegible] بعد از پیغمبر که لعنت میکنند اورا بر منبرها ومیدهند ایشان [illegible] بواسطه دشنام دادن بوی وصباح میکند انکه دوست میدارد [illegible] حق او را بواسطه دوستی او ما را وصباح میکند قریش [illegible] بانکه محمد از ایشانست طلب میکنند حق ما را [illegible] داخل شو این است صباح ما وشام ما وگفت جابر [illegible] داخل شدم روزی بر امیرالمومنین علیه السلام پس عرض کردم چگونه صباح کردی یا امیرالمومنین فرمود میخورم روزی خود را عرض کرد جابر که چه میگوئی در این دار دنیا فرمود چه گویم در داری که اول آن غم است وآخر آن مرگ گفت پس کیست که رشک برده ترین مردمانست فرمود بدنی که در زیر خاک است ایمن است از عقوبت وامیدوار دارد ثواب را وگفت مردی سلمان فارسی رضی الله عنه را که چگونه صباح کردی فرمود چگونه صباح کند انکه مرگ آخر کار او است وگور منزل او وکرمان همسایگان او واگر آمرزیده نشود پس آتش منزل او است گفتند حذیفه یمانی را که چگونه صباح کردی گفت چگونه صباح کند انکه باشد اسم او بنده ودفن میشود

فرزند دلبر تنها و برانگیخته میشود پیش خدا تنها از مسیب گفت بیرون آمد امیرالمؤمنین
روزی از خانه پس استقبال کرد او را سلمان رة پس فرمود آنحضرت بسلمان که
چگونه صباح کردی یا عبد الله عرض کرد صباح کردم در چهار غم فرمود او را که
چیست آنها گفت غم عیال که طلب میکنند نان و خواهشها و خدا تعالی طلب
میکند طاعت و شیطان امر میکند بمعصیت و ملک الموت طلب میکند روح جسد
پس فرمود امام ع او را که بشارت باد ترا یا ابا عبد الله بدرستیکه از برای تو است
بهر خصلتی درجه ها و بدرستیکه بودم [illegible] داخل شدم بر رسول خدا ص روزی پس فرمود
چگونه صباح کردی یا علی عرض کردم صباح کردم نیست در دست من غیر از آب
و من غمناکم [illegible] فرزند خود حسن و حسین ع پس فرمود مرا که یا علی غم عیال
سپر است از آتش [illegible] اطاعت خدا [illegible] از عذاب و صبر بر درویشی جهاد
است و افضل [illegible] عبادت [illegible] و غم مرگ کفاره گناهان است
و بدان یا علی بدرستیکه [illegible] خدا است سبحانه و تعالی و غم تو با
ایشان نه ضرری میدهد و نه نفعی الا آنکه تو اجر مییابی بر آن و غمناکترین
غمی غم عیال است

فصل ششم در فضل موی سفید و پیری

فرمود خدا تعالی در سوره روم اللهُ الَّذی خَلَقَکُم مِن ضَعفٍ ثُمَّ جَعَلَ
مِن بَعدِ ضَعفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعدِ قُوَّةٍ ضَعفاً وَ شَیبَةً
یَخلُقُ ما یَشاءُ خدا آنستکه آفرید شما را از چیز سست که آن نطفه است پس
داد شما را بعد از سستی قوه پس داده بعد از قوه جوانی پیری و سستی را میآفریند آنچه
میخواهد و فرمود رسول خدا ص که بدرستیکه نظر میکند بر روی پیر مؤمن در صباح
و شام پس میفرماید ای بنده من بسیار شد سن تو و باریک شد استخوان تو

وزم گردید پوست تو و نزدیک شد اجل تو و وقت آمدن تو شد بر من پس تو شرم
دار از من که من شرم میدارم از موی سفید تو که عذاب کنم ترا باتش و فرمود که
بحکایت از خدای عز و جل که موی سفید نور منست پس نمیسوزانم نور خود را باتش خود
و فرمود رسول خدا که پیر در اهل خود مثل پیغمبر است در امت خود از اخبار
گفت فرمود رسول خدا که از بزرگواری بزرگ داشتن خدا عز و جل بزرگ داشتن
سفید موی مؤمنست از انس گفت وصیت کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه وآله
به پنج خصلت و فرمود که آن که بزرگوار دار پیر را تا زنده باشی با من باشی در قیامت و
فرمود صلی الله علیه وآله که نیست از ما کسی که رحم نکند بر خردان ما و بزرگ ندارد پیران
ما را **فصل هفتم** در مدح باز داشتن زبان از سخنان بیهوده فرمود خدا تعالی
در سوره ق **اِذ یَتَلَقَّی المُتَلَقِّیانِ عَنِ الیَمینِ وَعَنِ الشِّمالِ قَعید**
ما یَلفِظُ مِن قَولٍ اِلّا لَدَیهِ رَقیبٌ عَتید [illegible] آدمی را در
وقتیکه روی میآورند او را دو فرشته [illegible] نمیگوید هیچ
کلمه الا آنکه نزد اوست نگاه دارنده حاضر و فرمود رسول خدا که راحت
آدمی در منع زبان است و فرمود که بلای آدمی از زبان است و گفت
صلی الله علیه وآله که خاموشی زبان سلامتی آدمیست و گفت صلی الله علیه وآله
که سلامتی از حفظ زبان است و فرمود صلی الله علیه وآله که خوب گویی اصل
مالست و فرمود صلی الله علیه وآله که بلا موکلست بر سخن گوی و فرمود صلی الله
علیه وآله که فتنه زبان سختتر است از فتنه شمشیر و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام
زدن زبان سختتر است از زدن نیزه و فرمود حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که رستگاری مرد در حفظ زبان اوست و روایت شده که نوح علیه السلام گفت

برسکی زشت منظر پس فرمود چه قبیح است این سگ پس بزانو درآمد سگ
وگفت بزبان فصیح بگو که اگر تو راضی نیستی بآفریدن خدا پس مرا بگردان ازین حال
ای پیغمبر خدا پس حیران شد نوح ع و روی آورد بنفس خود و ملامت میکرد نفس
خود را باین و نوحه میکرد بر خود چهل سال تا آنکه ندا کرد او را خدا تعالی که تا کی نوحه میکنی
یا نوح بدرستیکه قبول کردم توبه ترا پس پیغمبری گریه میکند بر یک خلاف آداب
که آمرزیده شده است بر نفس معصوم و تو ای غافل گریه نمیکنی بواسطه گناه کبیره
بر نفس عاصی خود و فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که حفظ کند زبان خود را و شکم خود را
و فرج خود را داخل شود بهشت را و فرمود صلی الله علیه و آله که طوبی از برای کسی است که
نفقه کند زیادتی مال خود را و نگاه دارد زیادتی گفتار خود را و فرمود ع که از بدترین مردمان
کیست که پرهیز کنند از زبان او و فرمود صلی الله علیه و آله که بدرستیکه خدا نزد
زبان هر سخنگو است و فرمود ع که هر که دو رو باشد او را دو زبان در دنیا باشد
او را روز قیامت دو زبان از آتش و فرمود ع که هر که مخلص باشد خدا را چهل
صباح ظاهر شود چشمهای حکمت از دل او بر زبان او و فرمود صلی الله
علیه و آله که درست نیست ایمان بنده تا آنکه درست باشد دل و درست نیست
دل تا آنکه درست باشد زبان **فصل هشتم** در مذمت دشنام دادن
بر زنده و بر مرده فرمود خدا تعالی در سوره انعام که وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن
دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ و دشنام مدهید آنها را که میخوانند و می
پرستند غیر خدا را که ایشان در مقابل آن ناسزا گویند خدا را از روی ظلم و تجاوز از حق
بی دانائی و فرمود رسول خدا ص که دشنام مدهید دهر و زمانه را که بدرستیکه دهر آن خدا
است و دشنام مدهید پادشاه را که او امین خدا است در زمین او و دشنام

مدهید مرده کار که ایشان رسیده اند با نچه پیش فرستاده اند و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که هر که دشنام دهد مرا پس بکشید اورا و هر که دشنام دهد اصحاب مرا پس بتحقیق که
کافر است و در خبر دیگر هر که دشنام دهد اصحاب مرا پس بزنید اورا و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله
که حرام است بهشت بر هر که ظلم کند اهل بیت مرا و آنکه قتال کند با اهل بیت من
و آنکه یاری ایشان کند و هر که دشنام دهد اهل بیت مرا آنانرا نیست نصیبی از برای ایشان
در آخرت و سخن نمیکند ایشان را خدا در روز قیامت و پاکیزه نمیگرداند ایشانرا
و از برای ایشان است عذابی دردناک و فرمود [illegible] دشنام دادن مومن فسق است
و قتال او کفر است و خوردن گوشت او [illegible] غیبت و معصیت خدا است و حرمت
مال او چون حرمت خون اوست و فرمود پیغمبر صلی الله علیه [illegible] هر که دشنام
دهد علی را دشنام داده است مرا [illegible] دشنام داده است خدای عز و جل را
فصل نهم در آنچه وارد شده است [illegible] بر تقیه و فرمود خدا تعالی در سوره
آل عمران که لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا
مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ باید که فرا نگیرند
مومنان کافرانرا بدوستی دون از مومنان و هر که بکند دوستی با کافران پس نیست
آنکس از دین خدا در چیزی مگر آنکه تقیه کند از ایشان تقیه کردنی و میترساند شما را خدا
از عذاب خود و بسوی جزای خدا است بازگشت همه و فرمود خدا تعالی در سوره نحل
مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِ
يمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ
هر که کافر شود بخدا بعد از ایمان پس بر ویست غضب خدا مگر آنکه اورا اکراه و جبر کنند

کنند بکلمهٔ کفر و دل او آرمیده باشد بایمان ولیکن هر که بگشاید بکفر سینهٔ خود را پس
برایشان است غضب از خدا و فرمود رسول خدا ص که مثل مؤمنی که تقیه
نیست او را مثل بدنی است که سر نیست او را و مثل مؤمنی که رعایت نکند حقوق
برادران خود را که مؤمنانند مثل کسیست که حواس و [illegible] همه را [illegible] است پس او تأمل
نمیکند بعقل خود و نمی بیند بچشم خود و نمیشنود بگوش خود و سخن نمیگوید بزبان خود
و دفع نمیکند بدیها را از خود بدلیلها و حجتهای خود و هیچ چیز را بدو دست [illegible] و بر
نمیخیزد بکاری بدو پای خود پس اینچنین کسی گوشتی است بی نفع و گردیده است نشانه
تیر همه بلاها و همچنین است مؤمن چون [illegible] برادران خود را پس او فوت
کننده حقهای ایشان است پس بمنزله تشنه ایست که حاضر است آب سرد
و نیاشامد که [illegible] پس بمنزله صاحب حواسی است که کار نفرماید چیزی
از آنرا از برای [illegible] و [illegible] است از همه نعمت مبتلاست بهمه
آفت و فرمود امیرالمؤمنین ع که تقیه [illegible] بهترین عملهای مؤمن است نگاه میدارد
بآن نفس خود را و برادران خود را از نابکاران و قضای حقوق برادران بزرگوارترین
عملهای متقیان است میکشد دوستی فرشتگان مقرب و شوق حورالعین [illegible]
حسن بن علی علیهما السلام که بدرستیکه تقیه باصلاح میآورد خدا بآن گروهی را و
صاحب تقیه را مثل ثواب عملهای آنانست که تقیه میکنند از ایشان و ترک
تقیه هلاک میکند گروهی را و آنکه ترک میکند شریکست آنرا که هلاک میگرداند ایشانرا
و بدرستیکه دانستن حقوق برادران دوست میگرداند بخدا وند رحم کننده و بزرگ
میگرداند نزدیکی نزد پادشاه جزا دهنده بدرستیکه ترک قضاء حقوق برادران دشمن
میگرداند بخداوند رحم کننده و کوچک میگرداند رتبه را نزد صاحب کرم نعمت دهنده

وفرمود حسین بن علی علیهما السلام که اگر نمی بود تقیه شناخته نمیشد دوست ما از دشمن ما و اگر نمی بود شناختن حقوق برادران عتاب کرده نمیشد از گناهان چیزی الا آنکه عتاب کرده میشد بر جمیع آن لیکن خدای عزوجل میفرماید که مَا اَصَابَکُمْ مِنْ مُصِیبَةٍ فَبِمَا کَسَبَتْ اَیْدِیکُمْ وَ یَعْفُو عَنْ کَثِیرٍ الخ میرسد بشما از مصیبت و بلا پس آن بسبب آنستکه میکنند دستهای شما ودر میگذرد خدا از بسیاری از آن وفرمود امام زین العابدین ع که میپوشد خدا از مؤمنان همه گناهرا و پاک میگرداند او را از آن مگر دو گناه ترک تقیه و ضایع کردن حقوق برادران وفرمود امام محمد باقر ع که شریفترین حسنات امامان وفاضلان از شیعیان ما کار داشتن تقیه است و کار فرمودن [illegible] حقوق برادران وفرمود حضرت امام جعفر صادق ع [illegible] تقیه از برای حفظ برادران شریفترین خصلتها [illegible] و شناختن حقوق برادران فاضلترین صدقها و زکوة و حج و جهاد [illegible] علیه السلام که هرکه ترک کند تقیه را پیش از خروج قائم پس نیست از ما و فرمود علیه السلام که تقیه دین من و دین پدران منست وفرمود پیغمبر ص که نیست دین آنکه تقیه نیست او را وفرمود پیغمبر ص که ترک کننده تقیه چون ترک کننده نماز است وفرمود پیغمبر ص که هرکه نماز کند در عقب منافقان از برای تقیه هست چون کسی که نماز کرده است در عقب امامان علیهم السلام

فصل هفتم در فرو بردن خشم

فرمود خدای تعالی در سوره آل عمران که وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ بهشت مهیا است از برای خشم فرو برندگان از جرم مردمان و خدا دوست میدارد

نیکوکارانرا فرمود خدای تعالی که فَمَنْ عَفٰی وَاَصْلَحَ فَاَجْرُهٗ عَلَی اللّٰهِ
پس هرکه درگذرد از جرم و باصلاح آورد فسادی پس مزد او برخدا است و فرمود
پیغمبر ص که هرکه فرو خورد خشمی در حالیکه قادر باشد بر جاری کردن آن بخواند او را
خدا در روز قیامت در حضور خلقان تا آنکه اختیار کند از حوری که خواهد و فرمود امیر
المؤمنین ع که بدرستیکه اول عوض آنکه حلم و بردباری میکند از خصلت اینستکه مردمان
یاری میکنند او را بر جاهلان و در حدیث است که چون روز قیامت شود ندا کند
نداکننده که هرکه هست [illegible] پس باید که داخل بهشت شود پس گویند که کیست
آنکه مزد او بر خدا است پس گویند آنانند که گذشته اند از جرم مردمان داخل بهشت
میشوند بحساب و از پیغمبر ص آنکه هرکه فرو برد خشمی و او قادر باشد بر جاری کردن
آن پر کند خدا دل او را از [illegible] و هرکه ترک کند پوشیدن جامه نیکو و او قادر
باشد بر آن [illegible] او را خدا حلّه کرامت فصل یازدهم
در ثواب مؤمن بسبب زیادتی عمر او و در فضیلت او بسبب رسیدن بچهل
سال بعد از آن به پنجاه سال پس شصت پس هفتاد بعد از آن هشتاد
پس به نود فرمود خدا تعالی در سوره حج یَا اَیُّهَا النَّاسُ اِنْ کُنْتُمْ فِیْ
رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا خَلَقْنَاکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ
عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وَنُقِرُّ فِی الْاَرْحَامِ
مَا نَشَاءُ اِلٰی اَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا اَشُدَّکُمْ
وَمِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفّٰی وَمِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ اِلٰی اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْلَا یَعْلَمَ
مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئًا ای مردمان اگر هستید شما در شک از برانگیختن
پس بدرستیکه ما آفریدیم شما را از خاک پس از آب منی پس از مقداری خون بسته

پس از پاره گوشت تمام خلقت وغیر تمام خلقت تا بیان کنیم از برای شما و قرار
میدهیم در رحمها آنچه خواهیم تا وقتی نام برده که آن وقت وضع حملست بعد از آن
بیرون آوریم شما را طفل پس تربیت کنیم شما را تا برسید بکمال قوت و از شما کسی
باشد که متوفی گردد و بعضی باشد از شما که باز گردد به پست ترین زندگی که سن
خرافت است تا آنکه نداند بعد از دانائی چیزی و روایت شده از ابو بصیر از حضرت
امام جعفر صادق ع که آنحضرت فرمود که بنده در فراغت از کار خود از اول عمر
تا چهل سال پس چون برسد بچهل سال وحی کند خدای تعالی بفرشته که بدرستیکه
من عمر دادم بنده خود را عمری پس شما [illegible] کنید و سخت گیرید
و حفظ کنید و بنویسید بر وی اعمال [illegible] او را و بسیار را و [illegible] را و بزرگ
او را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه [illegible] در وصیت خود که
یا علی بنده مسلمان چون بیاید بر وی چهل سال [illegible] دیوانگی و خوره
و پیسی را و چون بیاید بر وی پنجاه سال [illegible] اهل آسمان
و چون بیاید بر وی شصت سال بنویسند حسنات او را و پاک کند از او
گناهان او را و چون بیاید بر وی هفتاد سال آمرزیده شود از وی آنچه گذشته
است از گناهان او و چون بیاید او را هشتاد سال قبول کند خدا شفاعت
او را روز قیامت در جمیع اهلبیت او و چون بیاید بر وی نود سال بنویسد
خدا نام او را نزد اهل آسمان اسیر خدا در زمین یا علی تو با حقی و حق با تو است از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود بدرستیکه خدای تبارک و تعالی
بزرگوار میدارد مردان هفتاد ساله را و شرم میدارد از مردان هشتاد
ساله که عذاب کند ایشان را و فرمود امام جعفر صادق علیه السلام که می

آورند پیر را روز قیامت پس میبیند بوی کتاب او را که پشت آن کتاب جانب مردمان است پس نمی بیند الا بدیها پس میپیچد اینرا بوی پس کوید ای پروردکار من آیا عذاب میکنی مرا باتش فرماید جبار تعالی شانه که ای پیر شرم دارم که عذاب کنم ترا و تو بودی که نماز میکردی از برای من در دنیا ببرید این بنده مرا به بهشت

فصل دوازدهم در روزی که نیکوست در آن ناخن گرفتن و در روزی که بد داشته اند در آن ناخن گرفتن را فرمود خدا تعالی در سوره المص که یا بنی ادم خذوا زینتکم عند کل مسجد ای پسران ادم فرا کیرید زینت خود را نزد هر مسجد گفته اند که مراد از فرا کرفتن موی و ناخن است و روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بگیرد ناخن های خود را روز شنبه واقع شود [illegible] و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز یکشنبه برود برکت از وی و هر که بگیرد ناخن [illegible] روز دوشنبه حافظ شود و کاتب و قاری و هر که بگیرد ناخنهای خود را [illegible] شنبه میترسم بر وی هلاکرا و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز چهارشنبه بدخو گردد و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز پنجشنبه بیرون رود از بدن او درد و بیماری و داخل شود در وی شفا و هر که بگیرد ناخنهای خود را روز جمعه زیاد شود عمر او و مال او و فرمود حضرت صادق ع که گرفتن ناخن ها روز جمعه ایمن میکرداند از خوره و پیسی و کوری و اگر محتاج نباشد بگرفتن بخراشد بیک خراشیدنی و در خبر دیگر اگر محتاج نباشد بگذراند بر آن کارد را یا مقراض را و روایت شده از حضرت صادق ع که آنجناب فرمود گرفتن ناخنها و گرفتن شارب از جمعه تا جمعه امانست از خوره از انس بن مالک از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بگیرد ناخنهای خود را روز جمعه و بگیرد

از شارب و مسواک کند ببوید و بریزد بر سر خود از آب وقتیکه میرود بنماز جمعه پیروی
کنند او را هفتاد هزار فرشته کل ایشان طلب آمرزش کنند از برای او و شفاعت
کنند از امام جعفر صادق علیه السلام از پدر خود از پدران خود علیهم السلام گفت
فرمود رسول خدا ص که هرکه بگیرد ناخنهای خود را روز جمعه بیرون آید از سر انگشتان
او درد و داخل شود در آن دوا و ابن سنان گفت فرمود رسول خدا ص که هرکه بگیرد
ناخن های خود را روز پنجشنبه و بگیرد از شارب خود عافیت یابد از درد دندان و
درد چشم از حضرت امام جعفر صادق ع هرکه بگیرد ناخنهای خود را روز
پنجشنبه و بگذارد یکی را از برای روز جمعه برطرف کند خدا از او [illegible] را

فصل سیزدهم در ذکر زینتها و زینت ایمان و زینت نسب

و زینت غیر این فرمود رسول خدا ص [illegible] زینت [illegible] و زینت جمیع
زینت نسب و فصاحت زینت کلام [illegible] زینت [illegible] زینت
عبادت و حفظ زینت روایت و حفظ [illegible] زینت
عقل و گشادگی روزی زینت بخشش [illegible] زینت همت
و بخشش آنچه موجود است زینت یقین و کم چیز بودن زینت قناعت و ترک
منت زینت نیکی و ترس و خشوع زینت نماز و ترک آنچه معنی ندارد زینت
پرهیزکاری

فصل چهاردهم در ذکر آنچه موجب منزلت و

رفعت است و آنچه موجب بزرگواری است و آنچه موجب مالداری است
و غیر این فرمود امیرالمؤمنین ع که طلب کردم قدر و منزلت را پس نیافتم
مگر بعلم فرا گیرید علم را تا آنکه بزرگ شود قدر شما در دنیا و آخرت و طلب کردم
بزرگواری را پس نیافتم مگر به پرهیزکاری بپرهیزید تا آنکه بزرگوار شوید و طلب کردم

توانگری را پس نیافتم مگر بقناعت لازم باشید قناعت را تا آنکه توانگر باشید
وطلب کردم راحت را پس نیافتم مگر بترک مصاحبت مردمان از برای ساختن
کار دنیا ترک کنید دنیا را و مصاحبت مردمان را تا راحت در دنیا و آخرت
باشید از عذاب و طلب کردم سلامت را پس نیافتم مگر بطاعت خدا
طاعت کنید خدا را تا سلامت باشید و طلب کردم خضوع و زاری را نیافتم مگر
بقبول حق قبول کنید حق را که بدرستیکه قبول حق دور میگرداند از کبر و
طلب کردم زندگانی خوش را پس نیافتم مگر بترک هوی ترک کنید هوی را
تا خوش باشد زندگی شما و طلب کردم مدح را و نیافتم مگر ببخشش بخشنده باشید
تا مدح کنند شما را و طلب کردم نعمت دنیا و آخرت را پس نیافتم مگر این
خصلتها که ذکر کردم [illegible] **مجلس پانزدهم** در خبر از ابتدای خلق
دنیا فرمود رسول الله [illegible] که موسی [illegible] از پروردگار خود عز و جل که بشناساند
او را ابتداء دنیا [illegible] است پس وحی کرد خدای تعالی بموسی
علیه السلام که پرسیدی از علمهای پوشیده من پس عرض کرد ای پروردگار
من میخواهم که بدانم این را پس فرمود یا موسی آفریدم دنیا را از مدت صد هزار هزار
سال ده بار و بود آن خراب در پنجاه هزار سال بعد از آن عمارت کردم آنرا
و معمور ساختم پنجاه هزار سال پس آفریدم در آن خلقی مثال گاو میخوردند روزی
مرا و عبادت میکردند غیر مرا در پنجاه هزار سال پس میرانیدم ایشان را
جمیعاً در یکساعت پس خراب کردم دنیا را پنجاه هزار سال بعد از آن ابتدا
کردم در عمارت آن پس معمور ماند پنجاه هزار سال پس آفریدم در آن
دریائی پس ماند آن دریا در پنجاه هزار سال که نبود چیزی آب از دهان اندازنده

که بیابان شد پس خلق کردم حیوانی و گماشتم او را بران دریا پس آشامید کل از آب یک
نفس بعد از آن آفریدم خلقی کوچکتر از زنبور و بزرگتر از پشه پس گماشتم او را بر آن
حیوان پس گزید او را و کشت او را پس ماند دنیا خراب پنجاه هزار سال پس ابتدا
کردم در عمارت آن پس ماند پنجاه هزار سال پس آفریدم در کل دنیا نیستان و
نی و آفریدم سنگ پشتها و گماشتم ایشان را بر نی پس خوردند تا آنکه باقی نماند
از آن چیزی پس هلاک کردم ایشان را در یک ساعت پس دنیا خراب ماند پنجاه هزار
سال پس ابتدا کردم در عمارت آن پس ماند معمور پنجاه هزار سال پس خلق کردم
سی هزار آدم در سی هزار سال از آدمی تا آدمی هزار سال [illegible] کردانیدم
کل ایشان را بقضا و قدر خود پس [illegible] کردم در آن پنجاه هزار [illegible] شهر از نقره
سفید و آفریدم در هر شهری صد هزار [illegible] سرخ [illegible] پر گردانیدم آن
شهرها را از خردل تا هوا که لذیذتر از شهد [illegible] شیرین [illegible] سفیدتر از
برف پس آفریدم یک مرغ کور را و گردانیدم [illegible] هزار سال
دانه در هر سال دانه از آن خردل خورد [illegible] خراب کردم
دنیا را و ماند خراب پنجاه هزار سال پس ابتدا کردم بعمارت آن و معمور
ماند هزار سال پس آفریدم پدر تو آدم علیه السلام را بدست قدرت روز جمعه وقت
پیشین و نیافریدم از گل غیر او را و بیرون آوردم از پشت او محمد رسول الله صلعم

فصل شانزدهم فرمود خدای تعالی که قٓ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

پرسیدند از پیغمبر صلی الله علیه و آله از قٓ و آنچه در پشت او است فرمود پیغمبر صلعم
که در پشت آن هفتاد زمین است از طلا و هفتاد زمین از نقره و هفتاد زمین
از مشک و در پشت آن هفتاد زمین است که ساکنان آن فرشتگانند نمی باشد

در آن گرما و نه سرما و درازی هر زمینی هزار سال راه است گفتند چیست در عقب آن فرشتگان فرمود حجابیست از ظلمت گفتند چیست در عقب آن فرمود حجابیست از باد گفتند چیست در عقب آن فرمود حجابیست از نار گفتند در عقب آن فرمود ماریست که حلقه زده است بدنیا تسبیح میگوید خدا را تا روز قیامت و این پادشاه مار است همه گفتند چیست در عقب آن فرمود حجابی از نور گفتند چیست در عقب آن فرمود حجابی از آتش گفتند چیست در عقب آن فرمود علم خدای تعالی و فقها از او پرسیدند از پهنی و درازی آن و دور آن فرمود آنحضرت که پهنی آن هزار ساله راه از یاقوت سرخ است قلعه آن از نقره سفید خرمن آن از زمرد سبز ... است یکی در مشرق و یکی در مغرب و یکی در میان آسمان بر آن نوشته است سه سطر اول بسم الله الرحمن الرحیم دوم الحمد لله رب العالمین سیم لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و پرسیدند آنسرور را صلی الله علیه وآله از نهرهای بهشت که چند است پهنی هر نهری از آن فرمود صلی الله علیه وآله که پهنای هر نهری راه پانصد ساله است میگردد در زیر قصرها و پرده‌ها غنا و خوشخوانی میکند موجهای او و تسبیح میکند و طرب میآورد در بهشت چنانچه طرب میآورند مردمان در دنیا فرموده که بزرگترین نهرهای بهشت کوثر است پرورش میبابند زنان نارپستان همسنان زیارت میکنند آن را اولیاء الله روز قیامت و فرموده که خطیب اهل بهشت منم محمد رسول الله و گفته‌اند در وصف زنان نارپستان همسنان که در کنار کوثر پرورش مییابند که این حوران‌اند و فرامیگیرند ایشان را که زیارت میکنند کوثر را از اولیاء الله تعالی از پیغمبر صلی الله علیه

فرمود از برای مردی تنها از اهل بهشت هفتصد برابر است از دنیا و او راست هفتاد
هزار قبه و هفتاد هزار قصر و هفتاد هزار حجله و هفتاد هزار تاج و هفتاد هزار حله
حور العین و هفتاد هزار غلام و هفتاد هزار کنیز و بر هر کنیزی هفتاد
هزار گیسو است و چهل هزار تاج ~~و هفتاد هزار تاج~~ و هفتاد هزار حله در کف
او ابریقیست زبان او از رحمت است گوش او از مروارید پائین او از طلا بر
گردن او مندیلی است که درازی آن پانصد ساله راهست و پهنی آن دویست
سال راه است علمهای آن از نور است [illegible] بطول و یافتن آن از جانب
خدا تعالی است **فصل** [illegible] در ذکر [illegible] بدی که ترسانیده
است پیغمبر صلی الله علیه و آله که میآید بر مردمان زمانی که [illegible] های ایشان
رویهای آدمیانست و دلهای ایشان [illegible] مثل گرگان
درنده ریزنده خونها باز نایستند [illegible] را در شک اندازند
تورا و اگر سخن گوئی با ایشان دروغ [illegible] از ایشان
غیبت کنند ترا سنت در میان ایشان بدعت و بدعت در میان
ایشان سنت بردبار در میان ایشان بیوفاست و بیوفا میان ایشان
بردبار و مؤمن در میان ایشان ضعیف است و فاسق در میان ایشان
بزرگوار کودکان ایشان شوخ اند و بدخویان و زنان ایشان مخالفان و دوران
پیران ایشان امر نکنند بمعروف و نهی نکنند از منکر پناه بردن بایشان رسوائی
است و عزت خواستن از ایشان خواری و طلب آنچه در دست ایشانست
محتاجی پس منع میکند خدا درآنوقت باران از آسمان در وقت خود و
میفرستد آنرا در غیر وقت خود و بگمارد بر ایشان بدتران ایشان را که میرسانند

برایشان سختی عذاب میکشند پسران ایشان را و باقی میگذارند زنان ایشان را
پس علاج کنند نیکان ایشان و قبول نمی شود از برای ایشان فرمود رسول خدا صلی الله
که میاید بر مردمان زمانیکه شکمهای ایشان خداهای ایشانست و زنان ایشان
قبله ایشان و دینارهای ایشان دین ایشان و شرف ایشان متاع ایشان
باقی نیست از ایمان مگر اثر آن و نه از قرآن مگر درس آن مسجدهای ایشان
معمور است از بنا و دلهای ایشان خراب است از هدی عالمان ایشان
بدترین خلق خدا اند بر روی زمین [illegible] وقت مبتلا میگرداند ایشانرا خدا تعالی
بچهار خصلت جور از پادشاه و قحط از زمان و ظلم از سرداران و حاکمان و
پرستیدن بتها پس تعجب کردند صحابه و عرض کردند یا رسول الله آیا می پرستند
بتها را فرمود [illegible] هر یک ایشان را بتی است و فرمود پیغمبر صلعم که میایند در
آخر الزمان مردمانی از امت من که میایند در مسجدها می نشینند در آن حلقه ذکر
ایشان دنیا و حب دنیا است منشینید با ایشان که نیست خدا را با
ایشان هیچ حاجت و فرمود پیغمبر صلعم که میاید زمانی بر امت من که میگریزند
از عالمان چنانچه میگریزد گوسفند از گرگ مبتلا میگرداند ایشانرا خدا تعالی بسه
چیز اول باز میگیرد برکت را از مالهای ایشان و دوم مسلط میسازد خدا
بر ایشان پادشاه ستمکار و سیم بیرون روند از دنیا بی ایمان از آتش
فرمود پیغمبر صلعم که میاید بر مردمان زمانی که صبر کننده از ایشان بر دین چون گیرنده
آتش است بر مشت خود و فرمود صلعم که میاید زمانی بر امت من که امراء
ایشان باشند بر جور و عالمان ایشان بر طمع و عابدان ایشان بر ریا
و تاجران ایشان بر خوردن سود و ربا و زنان ایشان بر زینت دنیا و پسران

ایشان در تزویج پس نزد این کسادت من مانند کساد بازارهاست و نیست در
میان ایشان هیچ راستی مردگان ایشان ناامیدند در قبرهای خود از خیر خود
و زندگانی نمیکنند نیکان در میان ایشان پس بدرستیکه در اینزمان گریختن بهتر
است از ایستادن فرمود پیغمبر که زود باشد که بیاید زمانی بر امت
من که نشناسند علما را مگر بجامه نیکو و نشناسند قرآن را مگر بآواز خوش
و عبادت نکنند خدا را مگر در ماه رمضان پس چون چنین شود مسلط سازد
خدا بر ایشان پادشاهی که نه علم باشد او را [illegible] و [illegible] فصل
هجدهم در پند و موعظه خدا وند تعالی و ذکر فان الذکری
تنفع المؤمنین و پند ده و موعظه کن بدرستیکه پند و موعظه نفع میدهد
مؤمنان را و فرمود رسول خدا که [illegible] [illegible] تفکر [illegible] گناهان
و کافی هست شما را از ذکر ذکر آخرت [illegible] [illegible] پرهیزکاری
و کافیست شما را از دعا و نصیحت پس [illegible] [illegible] این خصلتها
یکی داخل شود در بهشت با اول گروه پیغمبران و روایت شده که مردی
آمد نزد علی بن حسین بن علی علیهم السلام و عرض کرد که من مردی عاصیم
و صبر نمیتوانم کرد از معصیت و گناه پس پند ده مرا بموعظه پس فرمود علیه
السلام که پنج کار مکن و گناه کن هر چه خواهی اول اینکه مخور روزی خدا را
و گناه کن هر چه خواهی و دوم طلب کن موضعیکه نه بیند ترا خدا و گناه کن
آنچه خواهی و سیم بیرون رو از ملک خدا و گناه کن آنچه خواهی و چهارم
چون بیاید ملک الموت که قبض کند روح ترا پس دفع کن او را از خود
و گناه کن آنچه خواهی پنجم چون داخل کند ترا مالک در دوزخ پس داخل مشو

تو در دوزخ و گناه کن آنچه خواهی و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که غفلت در سه چیز است
غفلتی در ذکر خدا و غفلتی در اهمال نماز صبح تا طلوع آفتاب و غفلتی از نفس خود
در دین خود تا آنکه بمیرد و گفت امیرالمؤمنین ع که عجب دارم از بخیلی که بشتاب میدارد
فقر و درویشی را پس از آن میگریزد و فوت میشود از او توانگری که از آن مطلبید
پس زندگی میکند در دنیا بزیست درویشان و حساب میکنند او را در آخرت
حساب مالداران و عجب دارم از متکبری که بود دیروز نطفه و میباشد فردا
جیفه و عجب دارم از آنکه شک میکند در خدا و حال آنکه می بیند خلق خدا را
و عجب دارم از آنکه فراموش میکند مرگ را و حال آنکه او می بیند آنرا که میمیرد
و عجب دارم از آنکه منکر است زندگی آخرت را و حال آنکه می بیند خلق
دنیا را و عجب دارم از آنکه عمارت میکند خانه فنا را و ترک میکند خانه بقا را
و عجب دارم از آنکه پرهیز میکند از طعامها از ترس بیماری و پرهیز نمیکند از گناه
از ترس آتش از امام علی بن موسی الرضا ع باسناد او از امام ناطق جعفر بن محمد
الصادق ع که یافت شد لوحی در زیر دیوار شهری از شهرها که در آن نوشته
بود لا اله الا الله محمد رسول الله ص عجب دارم از آنکه یقین دارد بمرگ
چگونه شاد میشود و عجب دارم از آنکه یقین دارد بدوزخ چگونه میخندد و عجب دارم
از آنکه یقین دارد بقدر چگونه غمگین میباشد و عجب دارم از آنکه آزموده دنیا
و گردش آنرا چگونه آرام میگیرد بآن و عجب دارم از آنکه یقین دارد بحساب
چگونه گناه میکند و فرمود امیرالمؤمنین ع که نیست هیچ صباح الا آنکه عرض
میشود عملهای این امت بر خدا **فصل نوزدهم** در فضل انگشتر
عقیق و غیر آن گفت ابن عباس که فرود آمد جبرئیل ع به پیغمبر صلی الله

علیه وآله پس گفت یا محمد پروردگار من میخواند ترا سلام و میفرماید ترا که بپوش
انگشتر خود را بدست راست خود و بگردان نگین آنرا عقیق و بگوی پسر عم خود را
که بپوشد انگشتر خود را بدست راست خود و بگرداند نگین آنرا عقیق پس عرض
کرد علی علیه السلام که چیست عقیق یا رسول الله فرمود عقیق کوهی است
یمن که اقرار کرد خدا را بیگانگی و مرا به پیغمبری و ترا بوصی بودن و فرزندان ترا
بامامت و شیعیان ترا ببهشت و دشمنان ترا بدوزخ و فرمود پیغمبر صلی الله
علیه وآله که فرا گیرید انگشتر عقیق را که آن مبارک است و بدست راست سزاوارتر
است بزینت و فرمود که فرا گیرید انگشتر عقیق را ... که ... یکی از شما
را غم بسیار مادام که این بروی باشد از حضرت صادق ... فرمود
هر که میخواهد که بسیار شود مال ... روزی او پس
که فرا گیرد نگینی از عقیق و نقش کند ... لا قوة الا بالله
اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ... استغفر الله ربی
انه کان غفارا از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام باسناد او از عم
او حسن بن علی ع فرمود دیدم در خواب عیسی بن مریم علیه السلام را گفتم یا روح
الله من میخواهم نقش کنم بر انگشتر خود پس چه نقش کنم بر انگشتر خود گفت که نقش
کن بر آن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ بدرستیکه آن میبرد هم و
غم را و روایت شده که دو رکعت با عقیق فاضلتر است از هزار رکعت بغیر آن
از عبد الرحمن جعفر گفت فرستاد حاکم بطلب مردی از آل ابیطالب بکناهی پس
گذشت بحضرت امام جعفر صادق ع فرمود ببرید بعقب او انگشتر عقیق پس
رسانیدند بوی انگشتر عقیق پس ندید آزاری از حضرت علی ع فرمود فرا گیرید

انگشتر عقیق تا آنکه مبارک باشد شما را و باشید در ایمنی از بلا فرمود شکوه کرد
مردی برسول خدا ص که در راه او را زدند فرمود صلی الله علیه و آله که چرا فرا نگرفتی
انگشتر عقیق که آن نگاه میدارد از همه بدی از علی بن محمد رفع کرد تا امام جعفر
صادق ع فرمود بر داشته نمی شود کفی بخدای تعالی دوست تر از کفی که در آن
عقیق باشد از عبد المؤمن انصاری گفت شنیدم امام جعفر صادق ع
را که میفرمود فقیر نمیشود کفی که انگشتر فیروزج فرا گرفته باشد از حضرت امام
رضا ع فرمود بود امام جعفر صادق ع میفرمود فرا کیرید انگشتر یاقوت
که آن زایل میکرداند [illegible] از [illegible] علیه السلام فرمود فرا کیرید انگشتر
جزع یمانی که آن باز میکرداند کید شیاطین رانده را

فصل بیستم

در فضیلت کسب حلال [illegible] فرموده [illegible] کُلُوا مِنَ الطَّیِّبَاتِ
بخورید از پاکیزه ها و فرموده که وَاعْمَلُوا صَالِحًا بکنید کرداری نیکو
و فرمود پیغمبر ص طلب [illegible] فرض است بر هر مرد مسلمان و
زن مسلمان و فرمود پیغمبر ص که عبادت هفتاد جزء است فاضلترین
جزء او طلب حلال است و روایت کرد ابن عباس گفت بود رسول خدا
صلی الله علیه و آله چون نظر میکرد بمردی پس خوشش می آمد آنحضرت را میفرمود
آیا او را پیشه هست پس اگر میگفتند نه میفرمود آنحضرت که پست شد در چشم
من گفتند چگونه است این یا رسول الله فرمود از برای آنکه مؤمن چون نیست
او را پیشه معیشت میکند بدین خود و فرمود ص که هر که بخورد از مشقت دست
خود بگذرد از صراط چون برق جهنده و فرمود صلی الله علیه و آله که هر که بخورد
از دسترنج خود نظر کند خدا بوی برحمت بعد از آن عذاب نکند او را

و فرمود حضرت که هرکه از دست رنج خود حلال بخورد بگشاید خدا از برای او درهای
بهشت را که داخل شود از هر در که خواهد و فرمود حضرت که هرکه بخورد از دست
رنج خود باشد روز قیامت در عدد پیغمبران و فرا گیرد ثواب پیغمبران را
فصل بیست و یکم در مذمت رستاقها وصیت کرد پیغمبر صلی الله
علیه و آله بحضرت علی ع که یا علی ساکن مشو در رستاقها که پیران ایشان
جاهلانند و جوانان ایشان بدخویان و زنان ایشان روی گشادگان و
عالمان ایشان چون جیفه میان سگان و [illegible] که هرکه نپرهیزد
در دین خدا مبتلا کند او را بیکی از سه خصلت یا بمیراند او را در جوانی یا بیندازد
او را در خدمت پادشاه یا ساکن گرداند او را در رستاقها و نقل است از
سدید الدین محمود حمصی که او گفت [illegible] در رستاق
دو چیز است آن دو که در شهر است علم است و [illegible] در رستاق
است جهل است و دخل اما ظلم [illegible] و دخل میاید
بشهر پس باقی میماند در رستاق جهل و ظلم و فرمود پیغمبر صلی الله علیه
و آله که شش کس داخل دوزخ میشوند پیش از حساب از برای شش چیز گفتند
چیست آن یا رسول الله فرمود امیران بجور و عربان بتعصب و دهقانان
بتکبر و تاجران بخیانت و اهل رستاق بنادانی و عالمان بحسد **فصل
بیست و دوم** در مذمت حسد فرمود خدا تعالی در سوره نساء و
لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ
مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ
فَضْلِهِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا و آرزو مبرید چیزی را که زیادتی

داد خدا بعضی از شما را بر بعضی مردانرا حصه ایست از ثواب انچه کرده اند و زنانرا حصه ایست از ثواب آنچه کرده اند و بخواهید خدایرا از فضل او بدرستیکه خدا بهمه چیز داناست و فرمود پیغمبر ص که حذر کنید از حسد بدرستی که میخورد نیکوئیهارا چنانچه میخورد آتش هیمه را و فرمود ع بدرستیکه بعضی از نعمتهای خدارا دشمنانند گفتند کیستند دشمنان نعمتهای خدا یا رسول الله فرمود آنانکه حسد میبرند مردمانرا بانچه داده است ایشان را خدا از فضل خود و فرمود رسول خدا ص که ملازم باشید بروا کردن حاجتها [illegible] آن بدرستیکه هر که صاحب نعمت است حسد میبرند او را و فرمود امیر المؤمنین ع پسر خود را در وصیت خود بدرستیکه از سخت ترین چیزی که [illegible] یاد میکند مرد حسد است و فرمود پیغمبر ص هر که حسد برد علیرا [illegible] و هر که حسد [illegible] داخل شود دوزخ را و حسد آنست که آرزو کند [illegible] نعمت دیگریرا اگرچه نخواهد از برای خود پس حسد مذموم است و غبطه نیکوست [illegible] از برای خود آنچه دیگریراست و نخواهد زوال آنرا از وی **فصل بیست و سیم** در مذمت غضب فرمود خدای تعالی در سوره آل عمران وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ و فرو خورندگان غضب اند و در گذرندگانند از مردمان و فرمود ع که غضب پاره ایست از آتش شیطان و فرمود صلی الله علیه و آله که غضب ضایع میکرداند ایمانرا چنانچه ضایع میکند صبر که آن داروئیست بغایت تلخ عسل را و چنانچه ضایع میکند سرکه عسل را و گفت ابلیس علیه اللعنة که غضب کمند من است و آلت صید من و آن بار میگیرم بهترین خلقان را از بهشت و راه آن از حضرت امام جعفر صادق ع فرمود هر که غیبت نکند او راست

بهشت و هرکه غضب نکند او راست بهشت و هرکه حسد نبرد او راست بهشت و فرمود
حضرت صادق ع که غضب کلید همهٔ بدیهاست مذکور شد غضب نزد امام محمد باقر ع
فرمود بدرستیکه مرد غضب میکند تا آنکه راضی نمی شود هرگز و داخل میشود بسبب
این در دوزخ پس هر مرد که غضبناک شود اگر ایستاده بنشیند که میرود از وی
وسواس شیطان و اگر نشسته باشد برخیزد و هر مرد که غضب کند بر خویش
خود باید که برخیزد و بوی نزدیک باشد و برساند بدن خود را به بدن وی که
چون خویش برسد بخویش ساکن شود [illegible] بیست و چهارم
در آنچه وارد شده است در چشم زخم [illegible] فرمود رسول خدا
صلی الله علیه و آله که چشم داخل میکند مرد را در گور و شتر را در دیگ و آمده است
در خبر که اسماء بنت عمیس گفت که [illegible] چشم
آیا طلب کنم از برای ایشان تعویذی [illegible] آنحضرت [illegible] بود هر آینه
سبقت گیرد قدر را هر آینه سبقت میگرفت [illegible] چشم [illegible] مردی از ایشان
چون میخواست که برساند دیگری را چشم گرسنه میبود سه روز بعد از آن
صفت میکرد او را پس میانداخت او را باین و همچنین بود که میگفت آنرا
که میخواست برساند او را چشم که نمی بینم مثل امروز شتری یا گوسفندی
یا نمی بینم مثل این شتر که می بینم اینرا در امروز پس گفتند به پیغمبر ص چنانچه
میگفتند چون اراده کردند که برسانند او را چشم از قرار و زجاج گفت حسن ع
که دوای رسیدن چشم اینستکه بخواند آدمی این آیه را وَإِنْ يَكَادُ
الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ
وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

فصل بیست و پنجم در مدح صلهٔ رحم یعنی با خویشان نیکی کردن
گفت خدای تعالی در سورهٔ محمد ص فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ
وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ پس آیا شاید که اگر بجوید کیرید امور مردمانرا آنکه
فساد کنید در زمین و ببرید رحمهای خود را آن گروه لعنت کرده است ایشان را
خدا پس ایشانرا کر گردانیده است و کور ساخته است دیدهای ایشان را فرمود
پیغمبر ص که رحم متصل است بعرش و نیست صله کننده آنکه جزا صله کند لیکن
صله کننده آنستکه ببرد از وی اقربای خویش و او با وی بپیوندد و فرمود حضرت صادق
جعفر بن محمد علیه السلام که هرکه روزی شود او را یکی از چهار خصلت داخل بهشت
شود نیکی کردن با پدر و مادر و نیکی کردن با خویشان یا نیکی با همسایگان یا
خوش خلقی و فرمود پیغمبر ص آیا خبر ندهم شما را که دلالت میکنم شما را بر بهترین خلقهای
اهل دنیا و آخرت آنکه صله کند کسی را که از وی ببرد کند او را و به پیوندد آنکه ببرد او را و ببخشد
آنکه محروم کند او را و فرمود امیر المؤمنین ع صله رحم کنید و اگرچه بسلام باشد
چنانچه فرمود خدای تعالی وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ
بپرهیزید از خداوندیکه شما از یکدیگر سؤال میکنید بوی و بپرهیزید از قطع رحم
واز امیر المؤمنین ع از پیغمبر ص فرمود بدرستیکه مرد صله رحم میکند و باقی مانده است
از عمر وی سه سال پس میکشد خدا تا شصت سی سال و بدرستیکه او قطع رحم
میکند و باقیست از عمر وی سی سال و میگرداند او را خدا بسه سال بعد از آن
خواند این آیه را که يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ
محو و پاک میگرداند خدا آنچه میخواهد و ثابت میکند آنچه میخواهد و نزد اوست

اصول کتاب فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام کیست که ضامن شود از برای
من یکخصلت تا ضامن شوم از برای او چهار خصلت هر که ضامن شود از برای
من صله رحم را ضامن شوم از برای او بدوستی اهل او و بسیاری مال او
و بدرازی عمر او و بداخل شدن بهشت پروردگار او و فرمود پیغمبر ص که
تعجیل ترین ثواب خیری ثواب صله رحم است و سرعت ترین عقوبت
شری عقوبت ظلم است

فصل بیست و ششم در مدح خلق

نیکو فرمود خداوند تعالی در سوره نون **وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ** بدرستیکه
تو صاحب خلق بزرگی و پرسیدند پیغمبر را [illegible] بهترین است فرمود
نیکی خلق فرمود حضرت علی بن موسی الرضا ع باسناد خود از پیغمبر ص که آنحضرت
فرمود ملازم باشید بخلق نیکو بدرستیکه [illegible] در بهشت [illegible] و حذر
کنید از خلق بد بدرستیکه بد خلق [illegible] از حضرت علی بن موسی
الرضا ع فرمود حدیث کرد مرا پدرم [illegible] از حضرت
رسول صلوات الله علیهم که آنحضرت [illegible] از ایمان
نیکوترین ایشان است از خلق و نیست مسلمان مگر آنکه سلامت باشند مسلمانان
از دست او و زبان او و باسناد آنحضرت از علی ع از پیغمبر ص که اگر بداند هر
که چیست او را در خلق نیکو البته داند که او محتاجست بخلق نیکو بدرستیکه خلق
نیکو میگدازد گناهان را چنانچه آب میگدازد نمک را و پیغمبر ص که خلق نیکو مهاریست
از رحمت خدا در بینی صاحب او و این مهار بدست فرشته ایست و این
فرشته میکشد او را بخیر و آن خیر میکشد او را ببهشت و خلق بد مهاریست
از عذاب خداوند در بینی صاحب آن و این مهار بدست شیطانست و شیطان

میکشد او را بشر و شر میکشد او را بدوزخ و فرمود پیغمبر ص که خلق بد تباه میکند
عمل را چنانچه تباه میکند سرکه عسل را و پرسیدند امیرالمؤمنین ع را از بدترین
مردمان از عمل فرمود بدترین از خلق اند **فصل بیست و هفتم**
در انکه روزی مقدر است فرمود خدا تعالی در سوره هود وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي
الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا
یعنی نیست هیچ جنبنده در زمین الا بر خداست روزی آن و میداند قرارگاه
انرا و آرامگاه آنرا و فرمود رسول الله ص که بدرستی که روزی طلب میکند بنده را
چنانچه طلب میکند اجل او را و فرمود پیغمبر ص که اگر یکی از شما بگریزد از روزی خود البته
پیروی او کند چنانچه پیروی او میکند او را مرگ و فرمود ص ابوذر را که ای اباذر
اگر فرزند آدم بگریزد از روزی خود چنانچه میگریزد از مرگ البته دریابد او را روزی
چنانچه دریابد او را مرگ **فصل بیست و هشتم** در فضل علم و عالم
از جابر گفت فرمود رسول خدا ص ساعتی از عالمیکه تکیه کرده بر فراش خود
فکر کند بعلم خود بهتر است از عبادت عابد هفتاد سال از امیرالمؤمنین ع
فرمود که من نشسته بودم در مسجد پیغمبر ص داخل شد ابوذر پس گفت یا رسول
الله جنازه عابد بهتر است بتو یا مجلس عالم پس فرمود رسول خدا ص ای
اباذر نشستن ساعتی نزد مذاکره علم دوستر است بخدا تعالی از هزار جنازه
از جنازهای شهیدان و نشستن ساعتی نزد مذاکره علم دوستر است بخدا
از قیام هزار شب که نماز کنند در هر شب هزار رکعت و نشستن ساعتی نزد مذاکره
علم دوستر است بخدا از هزار جهاد و خواندن کل قرآن یا رسول الله مذاکره علم
بهتر است از خواندن قران همه فرمود رسول خدا ص ای ابوذر نشستن ساعتی نزد

مذاکره علم دوستر است بخدا از خواندن کل قرآن دوازده هزار بار لازم باشید
بمذاکره علم از برای آنکه بعلم میدانید حلال را از حرام و هرکه بیرون آید از خانه
خود که طلب کند بابی از علم بنویسد خدای تعالی از برای او بهر قدمی ثواب
پیغمبری از پیغمبران و بدهد او را بهر حرفی که میشنود یا مینویسد شهری در
بهشت و طالب علم دوست دارد او را خدا تعالی و دوست دارند او را
فرشتگان و دوست دارند او را پیغمبران و دوست ندارد علم را مگر نیکبخت
و طوبی از برای طالب علم است در روز قیامت ای اباذر نشستن
ساعتی نزد مذاکره علم بهتر است از عبادت یکسال که … باشی روزان
و قیام نمائی شب را و نظر کردن بروی عالم بهتر است از آزاد کردن
هزار بنده و هرکه بیرون رود از خانه تا … کند بابی از علم بنویسد خدا
از برای او بهر قدمی ثواب شهید … و طالب علم حبیب
و دوست خدا است و هرکه دوست … واجب شود از برای او
بهشت و صباح کند و شب کند در رضای خدا … از دنیا تا آنکه
بیاشامد از آب کوثر و بخورد از میوه بهشت و نخورد کرم بدن او را و باشد در
بهشت رفیق خضر و جمیع این در تحت این آیه است یَرْفَعُ اللّٰهُ الَّذِینَ
آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِینَ اُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ رفیع میکرد
آنانرا که ایمان آورده اند از شما و آنانرا که داده شده اند علم را درجه ها

فصل بیست و نهم در فضیلت قرآن و قرائت آن فرمود رسول خدا
که ای مسلمان لازم باش بخواندن قرآن که خواندن آن کفاره گناهان
است و مانع از آتش و امان از عذاب و نوشته میشود از برای آنکه میخواند بهر

آیه ثواب شهید و داده میشود بهره سوره ثواب پیغمبری و فرود میآید بر صاحب
آن رحمت و استغفار میکنند از برای او فرشتگان و مشتاق میشود بوی
بهشت و راضی میشود از وی خدا و بدرستیکه مؤمن چون بخواند قرآنرا نظر کند خدا
بوی برحمت و بدهد او را بهر آیه قرآن حوریه و بدهد او را بهر حرفی نوری بر صراط پس
چون ختم کند قرآنرا بدهد او را خدا ثواب سیصد و سیزده پیغمبر که رسانیده باشند
رسالتهای پروردگار خود را و چنان باشد که خوانده است هر کتابی را که فرو فرستاده
است خدا او را بر پیغمبران خود و حرام گرداند خدا بدن او را بر دوزخ و بر
نخیزد از جای خود تا آنکه بیامرزد خدا او را و پدر و مادر او را و بدهد او را بهر سوره
قرآن شهری در بهشت فردوس هر شهری از یکدانه مروارید سبز در هر شهری
هزار سرا باشد و در هر سرائی هزار حجره باشد و در هر حجره صد گنبد از نور بر هر گنبد
صد هزار در از رحمت بر هر دری صد هزار دربان بدست هر دربان هدیه از رنگی
دیگر و بر هر سر دربان منطقه از عنبر بقدر هزار دنیا و هرچه در اوست و در هر
گنبدی هزار دکان از عنبر است بر هر دکان از مشرق تا مغرب و بالای هر دکان
هزار تخت و بر هر تختی هزار فرش و از فراشی تا فراشی هزار ذرع و بر هر فراشی حوری چشم
فراخ که دور سرین او هزار ذرع باشد و بر اوست صد حله و دیده میشود مغز ساق
او از زیر حلهای او و بر سر او تاجیست از عنبر آراسته بمروارید و یاقوت و بر سر
او شصت هزار گیسو است از مشک و غالیه و در دو گوش او دو گوشواره است
و در گردن او هزار گردن بند است از جواهر مابین هر گردن بندی
هزار ذرع و پیش هر حوری هزار خدمتکار بدست هر خدمتکاری هزار جام از
طلا در هر جامی هزار رنگ شربت که نماند بعضی از آن ببعضی و در هر گنبدی

هزار خوان باشد و در هر خوانی صد هزار کاسه و در هر کاسه صد هزار رنگ
از طعام که نماند بعضی از آن ببعضی میماند دوست خدا از هر رنگی صد هزار
لذت یابد ای مسلمانان مؤمن چون بخواند قرآن برگشاید خدا بر او درهای رحمت و
خلق کند خدا بهر حرفی که بیرون آید از دهان وی فرشته که تسبیح گوید از برای وی تا روز
قیامت از برای اینکه نیست چیزی بعد از یاد گرفتن علم دوستتر بخدای تعالی از خواندن
قرآن و بدرستیکه بزرگوارترین بندگان بخدای تعالی بعد از پیغمبران عالمانند بعد از
حاملان قرآن چون میرند از دنیا چنانچه میمیرند پیغمبران و برمیخیزند از
قبرها با پیغمبران و حشر کرده شوند بر صراط با پیغمبران [illegible] پیغمبران را پس طوبی
طالب علم را و حامل قرآن را از آنچه ایشان راست نزد خدای تعالی از بزرگی و شرف
و فرمود پیغمبر ص که فضل قرآن بر باقی سخنان چون فضل خدا است بر خلق او و فرمود
پیغمبر ص که قرآن بی نیازی و غنائی است که نیست بعد از او غنائی و نیست فقری
بعد از آن فرمود پیغمبر ص که قرآن جای ... بگیرید ادب او را
تا میتوانید در سینه این قرآن عهد خدا است و آن دریست رد نشدنی و شفاعت
نفع دهنده پس بخوانید او را که خدای عز و جل اجر میدهد شما را بر خواندن آن
هر حرفی ده حسنه آگاه باش که نمیگویم که الم یک حرف است و لیکن الف و لام و میم
سی حسنه است در خواندن این و فرمود ص که قرآن فاضلترین همه چیز است
غیر از خدای عز و جل پس هر که بزرگ دارد قرآن را بزرگ داشته خدای عز
و جل را و هر که بزرگ ندارد قرآن را سبک داشته حرمت خدا را و حرمت
قرآن بر خدا چون حرمت پدر است بر فرزند و فرمود پیغمبر ص که حاملان قرآن
ایشان را احاطه کرده رحمت خدا پوشیده اند نور خدا را ای حاملان قرآن دوست

شوید بخدا به بزرگ داشتن کتاب او که زیاده دوست دارد شما را و دوست
کرداند شما را بخلق خود و دفع میشود از شنونده قران شر دنیا و دفع میشود از
خواننده آن بلاء آخرت والبته که از برای شنونده یک ایه از کتاب خدا
بهتر است از زیر عرش تا منتهای زمین زیرین و گفت صلی الله علیه وآله که اگر
میخواهید زندگی نیک بختان و مرگ شهیدان و رستگاری در روز حسرت
و سایه در روز گرم و راه راست در روز گمراهی پس درس خوانید قران را که آن
کلام رحمن است و حفظ از شیطان و زیادتی در ترازو و فرمود پیغمبر ص که بخوانید
قرانرا و حفظ کنید آنرا که بدرستیکه خدا عذاب نمیکند دلی را که ظرف قران
است و فرمود ع که هر که حفظ کند قرانرا یاد گیرد و نگاهدارد و حلال داند حلال
اورا و حرام داند حرام اورا فرود آورد او را خدا تعالی باین در بهشت و قبول
کند شفاعت او را در ده نفر از اهل بیت او که هر یک از ایشان واجب باشد از
برای او دوزخ و فرمود امیرالمؤمنین ع که اولی باشد بزرگتر کلام شما ذکر خدا و
خواندن قران از برای آنکه پرسیده شد از رسول خدا که کدام از عملها فاضلتر است
نزد خدا تعالی فرمود آنحضرت ع که خواندن قرآن و تو در وقت مردن تر
باشد زبان تو از ذکر خدا تعالی و فرمود پیغمبر ص که قران خواندن در مصحف فاضلتر
است از خواندن بر دل و فرمود صلی الله علیه وآله که هر که بخواند هر روز صد آیه از مصحف
بترتیل و ترس و آرام بنویسد خدا از برای او از ثواب بقدر انچه عمل کرده اند از اهل زمین
و هر که بخواند دویست آیه از کتاب خدا بنویسد خدا از برای او از ثواب بقدر
آنچه عمل کرده اند از جمیع اهل آسمان و اهل زمین و فرمود ابو عبد الله حسین بن
علی علیهما السلام که بنا و کتاب خدا چهار چیز است بر عبارت و اشارت و

لطائف و حقایق پس عبارت از برای عوام است و اشارت از خواص و لطایف
از اولیاء و حقایق از پیغمبران **فصل سی ام** در فضائل بسم الله الرحمن الرحیم
روایت شده از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام که آنحضرت فرمود
بسم الله الرحمن الرحیم نزدیکتر است باسم اعظم از سیاهی چشم بسفیدی آن
و از پیغمبر ص چون بگوید معلم تعلیمی را که بگوی بسم الله الرحمن الرحیم پس بگوید صبی که
بسم الله الرحمن الرحیم بنویسد خدا براتی از برای معلم او از دوزخ و از ابن مسعود
از پیغمبر ص که آنحضرت فرمود هر که میخواهد که برهاند او را خدا از نوزده زبانیه باید که
بخواند بسم الله الرحمن الرحیم که این نوزده [illegible] تا بگرداند خدا هر حرفی را
از آن سپری از هر یک از ایشان و روایت کرد عبد الله بن مسعود از پیغمبر
صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود که هر که بسم الله الرحمن الرحیم بنویسد
از برای او خدا بهر حرفی چهار هزار حسنه و محو نماید [illegible] چهار هزار گناه و رفع
کرداند از برای او چهار هزار درجه و روایت شده از پیغمبر که هر که بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
بنا کند خدا از برای او در بهشت هفتاد هزار قصر از یاقوت سرخ هر قصری هفتاد هزار خانه
از مروارید سفید در هر خانه هفتاد هزار تخت از زبرجد سبز بر هر تختی هفتاد
هزار فرش از سندس و استبرق و بر آن زینت از حور العین و او راست هفتاد
گیسو آراسته بمروارید و یاقوت نوشته بر رخسار راست او محمد رسول الله
و بر رخسار چپ او علی ولی الله و بر جبین او حسن و بر زنخدان او حسین
و بر دو لب او بسم الله الرحمن الرحیم گفتم یا رسول الله از کیست این کرامت
فرمود از آنکه بگوید بحرمت و تعظیم که بسم الله الرحمن الرحیم فرمود پیغمبر ص
چون بنده نزد خواب خود بگوید بسم الله الرحمن الرحیم گوید خدا تعالی که ای فرشتگان

من ننویسید نفس او را تا صباح و فرمود پیغمبر که چون بگزد مؤمن بر سفره بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم فرو نشیند زبانهٔ آتش و گوید که بگذر ای مؤمن که نور تو فرو
نشاند زبانهٔ مرا و پرسیدند پیغمبر را که آیا میخورد شیطان با آدمی فرمود بلی هر خوانی
که ذکر نشود اسم خدا بر آن میخورد شیطان با ایشان و برمیدارد خدا برکت از آن و
نهی کرد از خوردن آنچه ذکر نشود بر آن اسم خدا تعالی چنانچه فرموده تعالی در
سورهٔ انعام که ولا تاکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه و مخورید از آنچه ذکر نشده
اسم خدا بر آن هذا باب دیگر در مدح قرآنخوان از برای خدا و مذمت
قرآن از برای غیر خدا و در ثواب تعلیم کردن فرزند قرآن را از امام محمد باقر علیه السلام
فرمود خوانندگان قرآن سه اند مردی که بخواند قرآن را پس فرا گیرد او را سرمایه و بکشد
بآن بجود پادشاهان را و بزرگی کند بر مردمان و مردی که بخواند قرآن را پس حفظ کند
حروف او را و ضایع کند حدود او را و مردی که بخواند قرآن را پس بگذارد دوای قرآن را
بر درد دل خود پس بیدار دارد بآن شب خود را و تشنه دارد بآن روز خود را و بایستد
بآن در مسجدهای خود و خالی سازد بآن پهلوهای خود را از فراش خود پس بسبب اینها
دفع میکند خدا بلا را و باینها فرو میفرستد خدا باران از آسمان و باینها غالب میگرداند
خدا بر دشمنان و بخدا سوگند که اینها در خواندن قرآن عزیزترند از کبریت احمر و فرمود
پیغمبر که بسا قرآنخوان که قرآن لعنت کند او را و فرمود پیغمبر که هر که تعلیم کند فرزند
خود را قرآن چنان باشد که حج خانهٔ خدا کرده ده هزار حج و عمره کرده است ده هزار
عمره را آزاد کرده است ده هزار بنده از فرزندان اسماعیل ع و جهاد کرده است ده
هزار جهاد و طعام داده ده هزار درویش مسلمان گرسنه را و چنان باشد که پوشیده
است ده هزار برهنهٔ مسلمان را و نوشته شود از برای او بهر حرفی ده ثواب و محو

شود از وی ده گناه و باشد با وی در قبر وی تا آنکه برخیزد و سنگین باشد ترازوی
عمل او و بگذرد بر صراط چون برق جهنده و مفارقت نکند از وی قرآن تا فرود
آورد او را بمنزل کرامت فاضلترین آنچه او آرزو دارد و از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود هر که تفسیر کند قرآنرا برای خود پس راست تفسیر
کند اجر داده نشود و اگر خطا کند هست گناه آن بروی **فصل**
در فضیلت نیکی با پدر و مادر فرمود خدا تعالی در سوره بقره که وَإِذْ أَخَذْنَا
مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ
إِحْسَانًا و یاد کنید چون فرا گرفتیم عهد از بنی اسرائیل که نپرستید
شما مگر خدا را و نیکی کنید با پدر و مادر نیکی کردنی و در سوره نسا وَاعْبُدُوا اللَّهَ
وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا بپرستید خدا را
و شریک مسازید بوی چیزی را و نیکی کنید با پدر و مادر نیکی کردنی و فرمود
در سوره بنی اسرائیل وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِا
لْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَا
هُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاخْفِضْ
لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
صَغِيرًا و حکم کرد پروردگار تو بآنکه نپرستید مگر او را و دیگر بآنکه نیکوئی کنید با
پدر و مادر نیکوئی کردنی اگر برسد نزد تو به پیری یکی از ایشان یا هر دو از ایشان
پس مگو مر ایشان را اف و مزن بانگ بر ایشان و بگوی مر ایشانرا سخنی نیکو و
فرا گیر بر ایشان با خواری از رحمت و بگوی ای پروردگار من رحم کن بر
ایشان چنانچه پروردند مرا در کودکی که خورد بودم و در سوره لقمان وَوَصَّيْنَا

الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن وفصاله
فی عامین ان اشکر لی ولوالدیک الی المصیر وصیت
کردیم آدمیرا بنیکی با پدر و مادر برداشت اورا مادر او در حال ضعف و بازکردن
اورا از شیر در گذشتن دو سال و وصیت کردیم بانکه شکر کن مرا و پدر و مادر
خود را و بسوی حکم منست بازگشت همه و فرمود رسول خدا ص که خواب کردن
ترا بر تخت پهلوی پدر و مادر خود در نیکی ایشان فاضلتر از جهاد کردن تو است
بشمشیر در راه خدا [illegible] و فرمود [illegible] خدا صلی الله علیه و آله که یا علی
خوشنودی خدا [illegible] خوشنودی پدر و مادر است و ناخوشنودی خدا
در ناخشنودی ایشان و گفت بگوئید نافرمان پدر و مادر را که بکن هر چه
خواهی که نمی آمرزم ترا و بگوئید [illegible] ایشان را که بکن هرچه خواهی که بدرستیکه
من زود میآمرزم ترا و فرمود [illegible] نیاید پدر و مادر را از آزردن فرزند
چون صالح باشد [illegible] را از برای ایشان و فرمود
صلی الله علیه و آله که پنج چیز از گناهان کبیره است شرک آوردن بخدا و آزردن
پدر و مادر و گریختن از جنگ کافران و کشتن شخصی ناحق و سوگند دروغ میکردن
و فرمود پیغمبر ص که هر که بزند پدر و مادر را خود را پس او ولد الزنا است و هر که آزار
کند همسایه خود را پس او ملعونست و هر که دشمن دارد اهلبیت مرا پس او
ملعونست و منافق و زناکار یا علی بزرگ دار همسایه را و اگرچه کافر باشد
و بزرگ دار میهمان را و اگرچه کافر باشد و فرمان بر باش پدر و مادر را و اگرچه
کافر باشند و فرمود پیغمبر ص که یا علی دیدم بر در بهشت نوشته است که تو
حرامی بر هر که بخیل است و ریا کننده و آزار دهنده پدر و مادر و آنکه بد

گوئی مردمان کند **فصل سی و سیم** در خبرهای متفرقه از علی بن موسی
الرضا علیهما السلام باسناد خود از پیغمبر ص فرمود چون بردند مرا بآسمان گرفت
جبرئیل دست مرا و نشاندند مرا بر بساطی از بساطهای بهشت پس داد بمن یک
بهی پس من میگردانیدم آنرا ناگاه شکافت و بیرون آمد از آن دختری
حوری که ندیدم بهتر از آن در بهشت پس گفت **اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا**
رَسُولَ الله پس گفتم تو کیستی گفت من راضیه مرضیه آفرید مرا خداوند
جبار از سه چیز پائین مرا از مشک و میان مرا از کافور و بالای مرا از عنبر و سرشت
مرا از آب حیوة پس فرمود مرا [illegible] باش [illegible] موجود شدم
آفرید مرا خداوند از برای برادر تو و پسر عم تو علی بن ابیطالب [illegible] رسیدند
پیغمبر ص که چیست بار بهشت گفت [illegible] از مشک
خوشبوی و فرمود رسول خدا [illegible] حساب
بدارد خدا بنده مومن را پس واقف کرد [illegible] یک یک را
بیامرزد او را و مطلع نگرداند خدا عز و جل [illegible] پیغمبر مرسل را و
پوشیده بروی آنچه نخواهد که واقف شود بر آن احدی بعد از آن فرماید گناهان
او را که ثواب شو و روایت شده از پیغمبر ص که چون ببینی توانگری را که روی دارد
تو بگو گناهی است که تعجیل شده است عقوبت آن و چون ببینی درویشی را
که روی دارد تو بگو که خوش آمدی ای شعار صالحان و فرمود پیغمبر ص که چون
ظاهر شود در امت من ده خصلت عقوبت میکند ایشان را خدا تعالی بده خصلت
عرض کردند چیست آن یا رسول الله فرمود چون کم کنند دعا را فرود آید بلا
و چون ترک کنند صدقه ها را بسیار شود بیماریها و چون ترک کنند زکوة را

هلاک شوند چهارپایان و چون ظلم کنند پادشاه منع شود باران از آسمان
و چون بسیار شود در ایشان زنا بسیار شود مرگ مفاجاة و چون بسیار شود در ایشان
ربا بسیار شود زلزله و چون حکم کنند بخلاف آنچه فرو فرستاده است خدا
مسلط سازد خدا بر ایشان دشمن ایشان را و چون بشکنند عهد خدا [illegible] مبتلا کند
ایشان را خدا بکشتن و چون کم کنند کیل را بگیرد ایشان را خدا بقحطی بعد از آن
خواند رسول خدا ص ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ظاهر شد
تباهی در صحرا و دریا بسبب آنچه کرده است دستهای آدمیان تا آنکه بچشاند ایشان را
بعضی از جزای آنچه کرده اند شاید که ایشان باز گردند از بدی و فرمود [illegible]
که شیطان [illegible] امام جعفر صادق ع فرمود طلب
مکن از دنیا چیزی [illegible] ناچاری از آن عالمی که عمل کند
بعلم خود پس باقی [illegible] باقی مانی تو بی عمل و طعام [illegible]
که باقی مانی بی طعام و دوست [illegible] نه باقی مانی تو بی دوست آمدند دو اعرابی
نزد رسول خدا ص پس گفت یکی که یا رسول الله کدام از آدمیان بهترند فرمود آنکه
دراز باشد عمر او و نیکو باشد عمل او و عرض کرد دیگری که یا رسول الله کدام از عملها
فاضلتر است فرمود آنکه در وقت مردن زبان تو تر باشد بذکر خدا روایت
شده باسناد صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از پدران او علیهم
السلام که رسول خدا ص وصیت کرد با امیر المؤمنین ع بود در آنچه وصیت
کرد بآن آنکه فرمود او را که یا علی هر که حفظ کند چهل حدیث طلب کند در این رضای
خدای عزوجل و سرای آخرت را برانگیزاند او را خدا روز قیامت با پیغمبران و صدیقان

و شهیدان و صالحین و نیکو ینند ایشان از جهت رفیقان و از پیغمبر ص که فرمود اَللّٰهُمَّ
اِرْحَمْ خُلَفَائِی بارخدایا رحم کن خلیفهای مرا گفتند یا رسول الله کیستند خلیفهای
تو فرمود آنان که میآیند بعد از من روایت میکنند حدیث مرا و سنت مرا
وصیت طلب کرد مردی از امیر المؤمنین علیه السلام در وقتیکه بیرون میرفت
آنحضرت بسفر پس فرمود امام علیه السلام که اگر میخواهی مصاحب پس خدا کافیست
ترا و اگر میخواهی رفیق پس کرام الکاتبین کافیست ترا و اگر میخواهی مونس پس قرآن
کافیست ترا و اگر میخواهی کاری پس عبادت کافیست ترا و اگر میخواهی وعظ
پس مرگ کافیست تو را و اگر کافی نیست ترا آنچه ذکر کردم پس آتش روز
کافیست ترا نوشت مردی [illegible] جهل حدیث [illegible] حکایت پس
اختیار کرد از آن چهار کلمه که فرمود [illegible] علیه السلام [illegible]
باقی را در دریا و آن چهار کلمه اینست [illegible] خود بوی و
نافرمانی خدا بقدر طاقت خود بر عقوبت [illegible] دنیای خود بقدر
مقام خود در آن و عمل کن برای آخرت خود بقدر بقاء خود در آن فرمود پیغمبر ص
که زود باشد که بسیار شود بعد از من حدیثها پس آنچه موافق باشد کتاب خدا را
فرا گیرید آنرا و آنچه مخالف باشد آنرا پس ترک کنید آنرا و فرمود پیغمبر ص که چون خلوت
کنی پس بسیار کن ذکر خدا را و چون زیارت کنی پس زیارت کن در راه خدا که بدرستیکه
هر که زیارت کند در راه خدا پیروی کنند اورا هفتاد هزار فرشته از امیر المؤمنین ع
فرمود بود رسول خدا ص چون میدید چیزیرا که مکروه میداشت میفرمود اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ بِنِعْمَةِ اللّٰهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ از ابن عباس گفت شنیدم از رسول خدا
صلی الله علیه و آله که میفرمود بدرستیکه خدای تبارک و تعالی خلق کرد از نور روی

علی بن ابیطالب ع فرشتگانرا که تسبیح و تقدیس میگویند و مینویسند ثواب این را
از برای دوست او و دوست فرزندان او و فرمود پیغمبر ص که هر تازه بدعت است
و هر بدعت گمراهی و هر گمراهی در دوزخ است و فرمود پیغمبر ص که چون به بینید
بر منبر من یکی را از شما که خطبه میگوید در مقام من پس بکشید او را و روایت کرد
جابر بن عبد الله انصاری که فرمود رسول خدا ص در حدیث طولی که یا علی بدرستیکه
دوستان تو میباشند بر منبرها از نور سفید است رویهای ایشان قبول میشود شفاعت
ایشان و میباشند در بهشت همسایگان من میگویم که صاحبان منبرها بزرگی
میکنند بمنبرها در روز [illegible] دنیا است پس چگونه باشد بزرگی دوست علی ع
بمنبرهای نور در دار السرور که آخرت است و فرمود ص که هرکه دوست دارد علیرا
پاکیزه است اصل او و هرکه دشمن دارد علی را پس پشیمانست در روز قیامت
و فرمود ص که هرکه دوست دارد علیرا تحقیق که راه راست یافته و هرکه دشمن
دارد علیرا البته که از حد در گذشته [illegible] فرمود پیغمبر ص که یا علی هرکه دوست دارد
ترا پس بدرستیکه دوست دارد مرا و هرکه دوست دارد مرا بتحقیق که دوست
داشته است خدایتعالی را و هرکه دشمن دارد ترا پس دشمن دارد مرا و هرکه دشمن
دارد مرا دشمن داشته است خدا را و هرکه دشمن دارد خدا را پس بر وی
باد لعنت خدا و فرشتگان و آدمیان همه و گفت پیغمبر ص که دوستی اهلبیت
من نفع میدهد در هفت موضع از هولهای عظیم آن نزد مرگ و نزد قبر و نزد
برانگیختن و نزد کتاب و نزد حساب و نزد ترازوی اعمال و نزد صراط و فرمود
پیغمبر ص که نیست حساب بر هفتاد هزار شیعه و فرمود پیغمبر ص که مثل اهلبیت
من چون مثل کشتی نوح است هرکه سوار شد در آن نجات یافت و هرکه

تلف کرد از آن غرق کردید و فرمود ص که مثل امت من مثل باران است که معلوم
نیست اول آن بهتر است یا آخر آن و فرمود ص که مثل مؤمن قوی چون درخت
خرما است و مثل مؤمن ضعیف چون زرع تازه است و فرمود ص که مثل مؤمن
چون سنبله است که حرکت میدهد او را باد پس میایستد یکبار و میافتد یکبار
و مثل کافر چون درخت کاج است که دایم ایستاده است تا آنکه از بیخ برآید و فرمود
صلی الله علیه و آله که ای مردمان بدرستیکه پروردگار شما یکیست و بدرستیکه پدر
شما یکیست جمیع شما از آدم است و او از خاکست و بدرستی که بزرگوارترین
شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است و نیست عرب را بر عجم فضلی مگر بپرهیز
کاری و فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام که [illegible] توریه و انجیل و [illegible] و فرقان را پس
برگزیدم از هر کتاب کلمه از توریه هر که [illegible] و از انجیل هر که
قانع شد سیر شد و از زبور هر که ترک [illegible] از بلاها و
از فرقان هر که توکل کرد بر خدا او کفایت [illegible] او را
فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله ثواب صدقه [illegible] قرض هجده از
ابی هریره گفت پرسیدند رسول خدا ص که کدام از عملها فاضلتر است فرمود
آنکه داخل گردانی بر برادر خود شادی و قضا کنی از وی قرض او را یا طعام دهی او را
نانی و فرمود پیغمبر ص که هر که گرسنه شود یا محتاج شود پس بپوشد آنرا از مردمان
حقست بر خدا که روزی کند او را روزی یکساله از حلال از پیغمبر ص آنکه فرمود هر که
بگوید وقتی که جای میگیرد در جامهٔ خواب که أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ سه بار بیامرزد خدا گناهان او را
و اگرچه باشد مثل کف دریاها و اگرچه باشد بعدد ریگ عالج و اگرچه باشد بعدد ایام

روزهای دنیا روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه وآله که او گفت فرمود خدای
تعالی که من گذاشتم پنج چیزرا در پنج چیز مردمان میطلبند در پنج چیز دیگر پس نمیابند
اورا بدرستیکه من گذاشتم عزترا در طاعت خود مردمان طلب میکنند از درهای
پادشاهان پس نمییابند انرا و بدرستیکه من گذاشتم علم وحکمت را در گرسنگی
و مردمان طلب میکنند در سیری پس نمییابند انرا و من گذاشتم راحت را در
بهشت و مردمان طلب میکنند در دنیا پس نمییابند انرا و من گذاشته
ام توانگریرا در قناعت و مردمان طلب میکنند در مال پس نمییابند انرا و
من گذاشته ام رضا [illegible] در [illegible] خواهش و مردمان طلب میکنند انرا
درخواهش پس نمییابند انرا و فرمود [illegible] علیه وآله که بارخدایا هرکه دوست
دارد مرا پس [illegible] اورا هرکه دشمن دارد مرا پس
بسیار گردان [illegible] و فرمود حضرت امیرالمؤمنین ع که سه
چیز است که [illegible] و غم و سه چیز است که حیات
میبد [illegible] و گذشتن روز و شب با کمی
بلا و فرمود ع که یا بن مسعود دوست دار صالحان را بدرستیکه مرد با دوست است
پس اگر قادر نباشی بر اعمال نیکو پس دوست دار عالمان و اهل آنرا که خدا تعالی
میفرماید وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ
عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا هرکه فرمان برد خدارا و پیغمبررا پس آنگروه با آن
کسانند که انعام کرده است خدا برایشان از پیغمبران و راستگویان و شهیدان
و صالحان و نیکو مصاحبانند اینگروه و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

هرکه مالک نفس خود باشد در وقت رغبت و در وقتی که گریزد و چون غضب کند
و چون خواهد چیزی حرام گرداند خدا بدن او از آتش و فرمود علیه السلام که
نیکو بدای فرزند آدم به بند دل خود را بخدا و مبند دل خود را بخلق بخدا که اگر تو می بندد
پروردگار خود خدمت میکند او را و اگر می بندی از بخلق یاری نمیکنند
گفته اند که داخل شد بهلول بر متوکل همچون نسبی گفت متوکل او را که چون
می بینی این قصر را گفت نیکو بود اگر نبود در آن دو عیب گفت چیست آن گفت
بنا کردی در آن از مال حلال اسراف کردی وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ
دوست نمیدارد اسراف کنندگان را و اگر بنا کرده باشی این از مال حرام
پس تو خیانت کردی وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ و خدا دوست نمیدارد
خیانت کاران را و فرمود پیغمبر صلعم که [illegible] و کسی [illegible] خدا است
در زمین و بدرستیکه خدا عذاب نمیکند [illegible] و فرمود پیغمبر
صلی الله علیه و آله که بزرگوار ترین خلق [illegible] ایشان نصیحت
کنندگانند و طلب کنندگان علم که [illegible] در راه خدا
و فرموده که هرکه صلح آورد میان مردمان صلح آورد خدا میان او و بندگان
در آخرت و صلح آوردن میان مردمان از نیکوکاریست از رسول خدا
فرمود بدرستیکه خدای تعالی وحی کرد بموسی که ای موسی هرکه باشد ظاهر او نیکوتر
از باطن او پس او دشمن منست حقا و هرکه باشد ظاهر او و باطن او برابر پس مؤمن
است حقا و هرکه باشد باطن او نیکوتر از ظاهر او پس او ولی است حقا پرسیدند
لقمان را از عافیت فرمود بدن بی بلا و دین بی هوا و عمل بی ریا و فرمود پیغمبر
که بهترین علما صحبت نیکانست و بدترین علما صحبت بدانست و فرمود صلی الله علیه و آله

که مؤمن ولی خدا است و خدا ضایع نمی‌گذارد ولی خود را و فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله که رحمت کند خدا بنده را که سخن گوید پس غنیمت یابد یا خاموش باشد پس سلامت یابد و بدرستیکه مالک‌ترین چیز نیست آدمی را زبان آگاه باش که گفتار بنده همه وبال است او را مگر ذکر خدا یا امر بمعروف یا نهی از منکر یا صلح آوردن میان مؤمنان فرمود خدا تعالی که لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ نیست نیکی در بسیاری از راز گفتن ایشان مگر آنکه امر کند بصدقه دادن یا نیکو کردن یا صلح آوردن میان مردمان گفت وهب بن منبه که دیدم بیست و دو کلمه در توریة و آن اینست نیست گنجی نفع دهنده تر از علم و نیست مالی سود دهنده تر از حلم و نیست حسبی پست‌تر از غضب و نیست مصاحبی آراسته‌تر از عدل و نیست دشمنی زشت‌تر از جهل و نیست شرفی عزیزتر از پرهیزکاری و نیست کرمی تمامتر از ترک هوا و نیست عملی فاضل‌تر از تفکر و نیست حسنه بالاتر از صبر و نیست گناهی خوار کننده‌تر از کبر و نیست چیزی نرم‌تر از مهربانی و نیست دردی درد آورنده‌تر از ترس و نیست رسولی عادل‌تر از حق و نیست عنائی بدبخت‌تر از جمع کردن مال و نیست فقری خوار کننده‌تر از طمع و نیست حیوتی خوش‌تر از صحت و نیست معیشتی گواراتر از پرهیزکاری و نیست عبادتی نیکوتر از خشوع و فروتنی و نیست زهدی بهتر از قناعت و نیست نگاهداری نگاهدارنده‌تر از خاموشی و نیست غایبی نزدیکتر از مرگ و نیست راهنمائی نصیحت کننده‌تر از راستگوئی و فرمود رسول خدا صلعم که عقل سه جزء است پس هر که باشد در وی این سه پس او عاقل است

وهر که نباشد این در وی پس عقل نیست او را نیکوئی شناختن خدا ونیکوئی طاعت خدا ونیکوئی ظن بخدا وفرمود پیغمبر ص حکایت از قول خدا که من نزد ظن بنده خویشم من وفرمود پیغمبر ص که راستگوئی هدایت میکند بنیکی ونیکی هدایت میکند ببهشت وفرمود صلی الله علیه وآله که بشارت باد مومنان ضعیف وخوار شده را بعد از من ببهشت وفرمود بشارت باد راه روان راه خدا را در تاریکی بنوری تمام در روز قیامت وفرمود پیغمبر ص که هر که بگذرد بگورستان وبخواند قل هو الله احد یازده بار پس ببخشد ثواب آن بمردگان بدهند او را از ثواب بعدد آن مردگان

فصل سی وچهارم در خبر از واقعه‌های عظیمه روایت کرد جابر بن عبد الله انصاری گفت حج کردم با رسول خدا ص در حجة الوداع پس چون بجای آورد پیغمبر ص آنچه فرض بود بروی از حج فرمود بدرستیکه من وداع میکنم کعبه را پس گرفت حلقه در را وندا کرد باواز بلند که ای مردمان پس جمع شدند اهل مسجد واهل بازار پس فرمود پیغمبر صلی الله علیه وآله که بشنوید که من میگویم آنچه بعد از من هست باید که برسانند حاضر شما غایب شما را بعد از آن گریه کرد رسول خدا ص تا آنکه گریستند از گریه او مردمان جمیعا پس خاموش شدند از گریه فرمود بدانید رحمت کند شما را خدا که مثل شما در اینزمان مثل برگیست که نیست خاری در آن تا چهارصد سال پس میآید بعد از این خار وبرگ تا دویست سال پس میآید بعد از این خاری که نیست برگی در آن تا آنکه نه بینند در آن مگر پادشاه ستمکار یا مالدار بخیل یا عالم رغبت کننده در مال یا درویش دروغگوی یا پیر نابکار یا پسر بیحیا یا زن ارسته بعد از آن دیگر گریه

کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله پس برخواست سلمان رحمه الله نزد وی و عرض کرد یا رسول الله
خبر ده ما را چه وقت میشود این پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله ای سلمان هرگاه کم شود
علماء شما و برود فقراء شما و قطع نمایند زکوة را و ظاهر سازند منکر را و بلند سازند
صداها را در مساجد و بگردانند دنیا را بالای سر خود و علم را زیر پای خود و تکذیب
نمایند احادیث خود را و غیبت را میوه لذیذ خود و حرام را غنیمت خود و رحم
نکنند بزرگ شما کوچک شما را و بزرگ ندارد کوچک شما بزرگ شما را پس در اینوقت فرود
میآید بر شما لعنت و میافتد در میان شما دشمنی و باقی میماند دین در میان شما سخنی
بر زبانهای شما پس چون بیاید شما را این خصلتها منتظر باشید باد سرخ را یا سنگ
باران و دلیل صدق این جمیع در کتاب خدا است عزوجل قُلْ هُوَ الْقَادِرُ
عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ
أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ
الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ بگو خدا میتواند شما را از آن و از هر اندوهی پس
شما شرک میآورید پس بگو او است توانا میچشاند پاره شما را سختی بسبب پاره
بنگر چگونه میگردانیم آیتها را تا شاید ایشان فهم کنند پس برخواستند جماعتی
از صحابه و گفتند یا رسول الله خبر ده ما را که در چه وقت باشد فرمود در عقب
انداختن نمازها و پیروی کردن شهوتها و آشامیدن شرابها و دشنام دادن
پدران و مادران را تا آنکه دانند حرام را غنیمت و زکوة را تاوان و فرمان برد
مرد زن خود را و جفا کند همسایه خود را و ببرد از خویش و ببرد رحم از بزرگان
و کم شود شرم کودکان محکم کنند بناها را و ظلم کنند غلامان و کنیزان را
و حاضر شوند با گواهی دهند بهوای نفس و حکم کنند بجور و حسد برد مرد برادر خود را

ومعامله کنند شریکان باهم بخیانت وکم شود وفا وفاش شود زنا وزینت
کنند مردان بجامهای زنان وبرود از زنان مقنعه حیا واثر کند کبر در دلها
چون اثر زهر در بدنها وکم شود نیکی وظاهر شود جرمها وسهل گردد گناهان
بزرگ وطلب کنند مدح را بسبب مال ونفقه کنند مال را بغنا وخوانندگی
ومشغول شوند بدنیا از آخرت وکم شود پرهیزکاری وبسیار شود طمع
وهرج ومرج یعنی فتنه واضطراب وصباح کنند مؤمن ذلیل ومنافق
عزیز ومساجد ایشان معمور باشد باذان ودلهای ایشان خالی
باشد از ایمان بسبب خفیف وسبک داشتن قرآن وبرسد مؤمن را
از ایشان همه خواری پس نزد این هنگام رویهای آدمیان ودلهای
ایشان دلهای شیاطین گفتار ایشان شیرین تر از عسل ودلهای
ایشان تلخ تر از حنظل پس ایشان گرگانند وبر ایشان جامهاست نیست
هیچ روز الا آنکه میفرماید خدا تعالی که آیا فریب میدهید یا برمن دلیری
میکنید آیا پنداریدکه خلق نکردیم شما را مگر بعبث وشما باز نمیگردید پس قسم
بعزت وجلال من اگر نبودند آنانکه عبادت میکنند مرا بیک چشم
برهم زدن واگر نمیبود پرهیز پرهیزکاران از بندگان ~~از بندگان~~
من فرو نمیفرستادم از آسمان یکقطرهٔ باران ونمیرویانیدم یک برگ
سبز فواعجباه عجب عجبست از قومیکه خدایان ایشان مالهای ایشان
است ودراز است امیدهای ایشان وکوتاه است اجلهای ایشان
وحال آنکه ایشان طمع دارند نزدیکی بمولا وصاحب خود ونمیرسند مگر
بعمل وتمام نیست عمل مگر بعقل وروایت شده از پیغمبر صلی الله علیه وآله

